



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان

دکتر محمّد رضا رضوان طلب  
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان

نویسنده:

محمد رضا رضوان طلب

ناشر چاپی:

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۳	مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۵	مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان
۱۷	فهرست مطالب
۳۱	مطلع
۳۵	اهمیت اقلیت های مسلمان
۳۵	اشاره
۳۶	کاستی ها و مشکلات اقلیت ها
۴۷	مسلمانان در کشورهای فرانسوی حوزه اروپا و امریکا
۴۷	اشاره
۴۹	فرانسه
۴۹	معرفی سیاسی اجتماعی
۵۳	اسلام از پیدایش تاکنون
۵۶	شرایط سیاسی و اجتماعی مسلمانان
۵۸	امکانات حقوقی و سیاسی مسلمانان و مراکز اسلامی
۵۸	اشاره
۵۹	۱ - شورای مسلمانان در فرانسه "cfcf"
۶۱	۲ - اتحادیه انجمن های اسلامی در فرانسه uoif
۶۲	۳ - مسجد بزرگ پاریس
۶۵	۴ - فدراسیون ملی مسلمانان در فرانسه (FNMF)
۶۷	۵ - بنیاد تبلیغ
۶۸	۶ - کمیته مسلمانان ترک در فرانسه (CMTF)

- ۶۹ - - - - - فدراسیون فرانسوی انجمن های اسلامی آفریقائیان ( Ffaica )
- ۷۰ - - - - - مؤسسه اروپایی علوم انسانی
- ۷۱ - - - - - مسجد الدعوه
- ۷۲ - - - - - متفکران مسلمان
- ۷۲ - - - - - اشاره
- ۷۳ - - - - - ۱ - محمد حمیدالله (۲۰۰۲-۱۹۰۸)
- ۷۵ - - - - - ۲ - محمد ارکون (معاصر)
- ۷۶ - - - - - ۳ - طارق رمضان
- ۷۸ - - - - - ۴ - رژه گارودی
- ۸۰ - - - - - ۵ - دکتر تیجانی
- ۸۰ - - - - - مسئله حجاب در فرانسه
- ۹۸ - - - - - لائیسیتته در فرانسه
- ۱۰۰ - - - - - هراس از اسلام
- ۱۱۰ - - - - - ترجمه فرانسوی قرآن کریم
- ۱۱۶ - - - - - شرق شناسان فرانسوی
- ۱۱۶ - - - - - اشاره
- ۱۱۶ - - - - - ۱ - ژربر دواریاک (۱۰۰۳-۹۳۸)
- ۱۱۷ - - - - - ۲ - پی یر وِنه رَئیل (۱۱۵۶-۱۰۹۲)
- ۱۱۸ - - - - - ۳ - گیوم پُستل (۱۵۸۱-۱۵۱۰)
- ۱۱۹ - - - - - ۴ - انتوان گلان (۱۷۱۵-۱۶۴۴)
- ۱۱۹ - - - - - ۵ - انتوان اسحق (۱۸۳۷-۱۷۵۸)
- ۱۲۰ - - - - - ۶ - اتین کترمر
- ۱۲۰ - - - - - ۷ - ژوزف توسن رینو (۱۸۶۷-۱۷۹۵)
- ۱۲۱ - - - - - ۸ - ژنه گِنون (۱۹۵۱-۱۸۸۶)
- ۱۲۲ - - - - - ۹ - لوئی ماسینیون (۱۹۶۳-۱۸۸۳)
- ۱۲۳ - - - - - ۱۰ - هانری کربن ۲ (۱۹۷۸-۱۰۹۳)

- ۱۱ - رژی بلاشر (۱۹۷۳-۱۹۰۰) ..... ۱۲۵
- ۱۲ - ژاک برک ۲ (۱۹۹۵-۱۹۱۰) ..... ۱۲۵
- ۱۳ - یان ریشارد (معاصر) ..... ۱۲۶
- ۱۴ - الیویه روا (معاصر) ..... ۱۲۷
- ۱۵ - ژیل کپل (معاصر) ..... ۱۲۹
- ۱۶ - برنارد اورکاد ..... ۱۲۹
- ۱۷ - کریستف بالائی ..... ۱۳۰
- مراکز شرق شناسی در فرانسه ..... ۱۳۱
- اشاره ..... ۱۳۱
- ۱ - کالج دو فرانس (C. D. F) ..... ۱۳۱
- ۲ - مدرسه عالی زبان های شرقی (اینالکو INALCA) ..... ۱۳۲
- ۳ - مرکز مطالعات جهان عرب (IMA) ..... ۱۳۲
- ۴ - مؤسسه فرانسوی مطالعات ایرانی (ایفری) ..... ۱۳۳
- ۵ - دانشکده مارک بلوک ..... ۱۳۴
- ادیان دیگر در فرانسه ..... ۱۳۴
- اشاره ..... ۱۳۴
- مسیحیت کاتولیک ..... ۱۳۵
- پروتستانها ..... ۱۳۶
- ارتدکس ..... ۱۳۷
- یهودیت ..... ۱۳۸
- پیروان آئین بودا ..... ۱۴۰
- اشاره ..... ۱۴۰
- مکتب ژاپنی ذن ..... ۱۴۲
- مکتب تبت ..... ۱۴۲
- بلژیک ..... ۱۴۴
- موقعیت جغرافیائی ..... ۱۴۴

۱۴۵	جمعیت
۱۴۶	پیشینه تاریخی
۱۴۹	ساختار سیاسی
۱۵۰	احزاب سیاسی
۱۵۰	احزاب اصلی
۱۵۲	احزاب فرعی
۱۵۳	ساختار حکومت
۱۵۴	قوه مجریه
۱۵۵	قوه مقننه
۱۵۵	قوه قضائیه
۱۵۵	اوضاع اقتصادی
۱۵۷	درآمد و بودجه
۱۵۷	مراکز آموزشی
۱۵۷	دانشگاه ها
۱۵۸	ادیان و مذاهب
۱۵۸	نفوذ ادیان در اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه
۱۵۹	مسلمانان در بلژیک
۱۶۳	مراکز اسلامی در بلژیک
۱۶۳	اشاره
۱۶۴	۱ - بنیاد «تبلیغ» در بلژیک
۱۶۴	۲ - مراکز اسلامی و فرهنگی بلژیک (ICCB)
۱۶۵	۳ - اتحادیه مساجد و انجمن های فرهنگی اسلامی در بلژیک (FMCICAB)
۱۶۶	حجاب در بلژیک
۱۶۹	سوئیس
۱۶۹	موقعیت جغرافیایی و اجتماعی
۱۷۰	شهرهای مهم



۱۷۲	اقوام، نژادها و روابط آنها
۱۷۲	زبان و خط
۱۷۳	حکومت
۱۷۴	قوه مجریه
۱۷۷	ارتش و بسیج نظامی
۱۷۸	قانون اساسی
۱۷۸	اوضاع اقتصادی
۱۷۸	اشاره
۱۷۹	تولید ناخالص داخلی
۱۷۹	مهمترین مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی
۱۸۱	وضعیت زنان در جامعه
۱۸۲	مطبوعات
۱۸۴	رادیو و تلویزیون
۱۸۴	میزان کنترل دولت بر رسانه های گروهی
۱۸۵	دانشگاه ها
۱۸۶	ادیان و مذاهب
۱۸۸	اسلام در سوئیس
۱۹۱	نهادهای مسلمان در سوئیس
۱۹۱	اشاره
۱۹۱	فعالیت های اصلی این نهاد
۱۹۴	لوگزامبورگ
۱۹۴	وضعیت سیاسی اجتماعی
۱۹۶	مسلمانان در لوگزامبورگ
۱۹۸	رئیسون
۱۹۹	کانادا
۱۹۹	وضعیت سیاسی اجتماعی

- ۲۰۰ ..... اسلام در کانادا
- ۲۰۳ ..... هائیتی
- ۲۰۵ ..... مسلمانان در کشورهای فرانسوی حوزه آفریقا و آسیا
- ۲۰۵ ..... اشاره
- ۲۰۷ ..... الجزایر
- ۲۰۷ ..... معرفی سیاسی اجتماعی
- ۲۰۹ ..... اسلام در الجزایر
- ۲۱۱ ..... آفریقای مرکزی
- ۲۱۱ ..... اشاره
- ۲۱۲ ..... اسلام در آفریقای مرکزی
- ۲۱۴ ..... برونندی
- ۲۱۶ ..... بورکینافاسو
- ۲۱۶ ..... وضعیت سیاسی اجتماعی
- ۲۱۷ ..... مسلمانان در بورکینافاسو
- ۲۱۹ ..... بنین
- ۲۱۹ ..... وضعیت سیاسی اجتماعی
- ۲۲۰ ..... اسلام در بنین
- ۲۲۲ ..... توگو
- ۲۲۲ ..... وضعیت سیاسی اجتماعی
- ۲۲۳ ..... اسلام در توگو
- ۲۲۵ ..... تونس
- ۲۲۵ ..... اشاره
- ۲۲۷ ..... اسلام در تونس
- ۲۲۹ ..... جیبوتی
- ۲۲۹ ..... وضعیت سیاسی اجتماعی
- ۲۳۰ ..... اسلامی در جیبوتی

۲۳۱	چاد
۲۳۱	وضعیت سیاسی اجتماعی
۲۳۲	اسلام در چاد
۲۳۴	روآندا
۲۳۴	اشاره
۲۳۵	اسلام در روآندا
۲۳۷	ساحل عاج
۲۳۷	وضعیت سیاسی اجتماعی
۲۳۸	اسلام در ساحل عاج
۲۴۰	سنگال
۲۴۰	وضعیت سیاسی اجتماعی
۲۴۱	اسلام در سنگال
۲۴۳	سیشل
۲۴۴	کامرون
۲۴۴	وضعیت سیاسی اجتماعی
۲۴۵	اسلام در کامرون
۲۴۶	کنگوبرزاویل
۲۴۷	کنگو
۲۴۷	وضعیت سیاسی اجتماعی
۲۴۹	مسلمانان در کنگو
۲۵۲	کومور
۲۵۴	گابن
۲۵۶	گینه
۲۵۹	لبنان
۲۶۳	ماداگاسکار
۲۶۳	وضعیت سیاسی اجتماعی

۲۶۴	اسلام در ماداگاسکار
۲۶۶	مالی
۲۶۶	اشاره
۲۶۷	اسلام در مالی
۲۶۹	مراکش
۲۶۹	اشاره
۲۷۱	اسلام در مغرب
۲۷۳	مصر
۲۷۳	وضعیت سیاسی اجتماعی
۲۷۵	اسلام در مصر
۲۸۱	موریتانی
۲۸۱	اشاره
۲۸۲	اسلام در موریتانی
۲۸۴	موریس
۲۸۶	نیجر
۲۸۶	وضعیت سیاسی اجتماعی
۲۸۷	اسلام در نیجر
۲۹۰	وانواتو
۲۹۲	ویتنام
۲۹۲	اشاره
۲۹۳	اسلام در ویتنام
۳۰۴	فهرست منابع
۳۰۹	درباره مرکز

## مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان

### مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوان طلب، محمدرضا، 1340 -

عنوان و نام پدیدآور: مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان [Book] / محمدرضا رضوان طلب.

مشخصات نشر: تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، 1385.

مشخصات ظاهری: 286 ص. مصور، نقشه، جدول.

شابک: 18000 ریال: 9-61-8889-964

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 284 - 286.

موضوع: مسلمانان -- کشورهای فرانسه زبان

شناسه افزوده: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

رده بندی کنگره: BP17/7/ر6الف5 1385

رده بندی دیویی: 297/91644

شماره کتابشناسی ملی: م85-20230

ص: 1

اشاره

مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان

محمد رضا رضوان طلب.

ص: 2

## مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان

بمناسبت سال رسول اعظم اسلام

اهداء:

به روح نورانی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و اله و سلم)

پایان بخش سلسله پیامبران

مهربانترین و پرشورترین چهره تاریخ بشریت

رحمه للعالمین

بالمؤمنین رؤوف رحیم

1385 هـ - ش

1427 هـ - ق

2006 میلادی

ص: 3





عنوان صفحه

مطلع 13

اهمیت اقلیت های مسلمان 17

کاستی ها و مشکلات اقلیت ها 18

مسلمانان در کشورهای فرانسوی حوزه اروپا و امریکا 29

فرانسه 31

معرفی سیاسی اجتماعی 31

اسلام از پیدایش تاکنون 35

شرایط سیاسی و اجتماعی مسلمانان 38

امکانات حقوقی و سیاسی مسلمانان و مراکز اسلامی 40

1 - شورای مسلمانان در فرانسه " 41 " cfc

2 - اتحادیه انجمن های اسلامی در فرانسه ( 43 ) uoif

3 - مسجد بزرگ پاریس 44

4 - فدراسیون ملی مسلمانان در فرانسه ( 44 ) FNMF

ص:5

5 - بنیاد تبلیغ 49

6 - کمیته مسلمانان ترک در فرانسه (50) CMTF

7 - فدراسیون فرانسوی انجمن های اسلامی آفریقائیان (51) Ffaiaca

8 - مؤسسه اروپایی علوم انسانی 52

9 - مسجد الدعوه 53

متفکران مسلمان 54

1 - محمد حمیدالله (1908-2002) 55

2 - محمد ارکون (معاصر) 57

3 - طارق رمضان 58

4 - رژه گارودی 60

مسئله حجاب در فرانسه 62

لائسیتته در فرانسه 80

هراس از اسلام 82

ترجمه فرانسوی قرآن کریم 92

شرق شناسان فرانسوی 98

1 - ژربر دواریاک (938-1003) 98

2 - پی یروینه زبیل (1092-1156) 99

3 - گیوم پُستل (1510-1581) 100

4 - انتوان گلان (1644-1715) 101

5 - انتوان اسحق (1758-1837) 101

6 - اتین کترمر 102

7 - ژوزف توسن رينو (1795-1867) 102

8 - ژنه گنون (1886-1951) 103

9 - لوئی ماسينيون (1883-1963) 104

10 - هانری کرين (1093-1978) 105

11 - رژی بلاشر (1900-1973) 107

ص: 6

12 - ژاک برک (1910-1995) 107

13 - یان ریشارد (معاصر) 108

14 - الیویه روا (معاصر) 109

15 - ژیل کیل (معاصر) 111

16 - برنارد اورکاد 111

17 - کریستف بالائی 112

مراکز شرق شناسی در فرانسه 113

1 - کالج دو فرانس ( 113 ) C. D. F

2 - مدرسه عالی زبان های شرقی (اینالکو 114 ) INALCA

3 - مرکز مطالعات جهان عرب ( 114 ) IMA

4 - مؤسسه فرانسوی مطالعات ایرانی (ایفری) 115

5 - دانشکده مارک بلوک 116

ادیان دیگر در فرانسه 116

مسیحیت کاتولیک 117

پروتستانها 118

ارتدکس 119

یهودیت 120

پیروان آئین بودا 122

مکتب ژاپنی ذن 124

مکتب تبت 124

بلژیک 126

موقعیت جغرافیائی 126

جمعیت 127

پیشینہ تاریخی 128

ساختار سیاسی 131

احزاب سیاسی 132

ص:7

احزاب اصلی 132

احزاب فرعی 134

ساختار حکومت 135

قوه مجریه 136

قوه مقننه 137

قوه قضائیه 137

اوضاع اقتصادی 137

درآمد و بودجه 139

مراکز آموزشی 139

دانشگاه ها 139

ادیان و مذاهب 140

نفوذ ادیان در اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه 140

مسلمانان در بلژیک 141

مراکز اسلامی در بلژیک 145

1 - بنیاد «تبلیغ» در بلژیک 146

2 - مراکز اسلامی و فرهنگی بلژیک ( 146 ) ICCB

3 - اتحادیه مساجد و انجمن های فرهنگی اسلامی در بلژیک 147

حجاب در بلژیک 148

سوئیس 151

موقعیت جغرافیائی و اجتماعی 151

شهرهای مهم 152

اقوام، نژادها و روابط آنها 154

زبان و خط 154

حکومت 155

قوه مجریه 156

ص: 8

ارتش و بسیج نظامی 159

قانون اساسی 160

اوضاع اقتصادی 160

تولید ناخالص داخلی 161

مهمترین مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی 161

وضعیت زنان در جامعه 163

مطبوعات 164

رادیو و تلویزیون 166

میزان کنترل دولت بر رسانه های گروهی 166

دانشگاه ها 167

ادیان و مذاهب 168

اسلام در سوئیس 170

نهادهای مسلمان در سوئیس 173

فعالیت های اصلی این نهاد 173

لوکزامبورک 176

وضعیت سیاسی اجتماعی 176

مسلمانان در لوکزامبورک 178

موناکو 179

رئونیون 180

کانادا 181

وضعیت سیاسی اجتماعی 181



اسلام در كانادا 182

هائیتی 185

مسلمانان در كشورهای فرانسوی حوزه افریقا و آسیا 187

الجزایر 189

ص:9

معرفی سیاسی اجتماعی 189

اسلام در الجزایر 191

آفریقای مرکزی 193

اسلام در آفریقای مرکزی 194

بوروندی 196

بورکینافاسو 198

وضعیت سیاسی اجتماعی 198

مسلمانان در بورکینافاسو 199

بنین 201

وضعیت سیاسی اجتماعی 201

اسلام در بنین 202

توگو 204

وضعیت سیاسی اجتماعی 204

اسلام در توگو 205

تونس 207

اسلام در تونس 209

جیبوتی 211

وضعیت سیاسی اجتماعی 211

اسلامی در جیبوتی 212

چاد 213

وضعیت سیاسی اجتماعی 213

اسلام در چاد 214

روآندا 216

اسلام در روآندا 217

ساحل عاج 219

ص: 10

وضعیت سیاسی اجتماعی 219

اسلام در ساحل عاج 220

سنگال 222

وضعیت سیاسی اجتماعی 222

اسلام در سنگال 223

سپیشل 225

کامرون 226

وضعیت سیاسی اجتماعی 226

اسلام در کامرون 227

کنگو - برازاویل 228

کنگو 229

وضعیت سیاسی اجتماعی 229

مسلمانان در کنگو 231

کومور 234

گابن 236

گینه 238

لبنان 241

ماداگاسکار 245

وضعیت سیاسی اجتماعی 245

اسلام در ماداگاسکار 246

مالی 248

اسلام در مالی 249

مراکش 251

اسلام در مغرب 253

مصر 255

ص: 11

وضعیت سیاسی اجتماعی 255

اسلام در مصر 257

موریتانی 263

اسلام در موریتانی 264

موریس 266

نیجر 268

وضعیت سیاسی اجتماعی 268

اسلام در نیجر 269

وانواتو 272

ویتنام 274

اسلام در ویتنام 275

ص: 12

يامن عَجَّت اليه الاصوات بصنوف اللغات. نحمدك ونستعينك ونتوكل عليك ونبتغي رضاك ونعتصم بحبلك و نشهدان لاله الاانت وان محمدا (صلواتك عليه واله) عبدك ورسولك ادى ما حملته الى العباد وجاهد في سبيلك حق الجهاد.

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

حدود 568 میلیون از مردم جهان و تقریباً در 39 کشور، به زبان فرانسه صحبت می کنند که 190 میلیون از این جمعیت، این زبان را به عنوان زبان دوم انتخاب کرده اند و در میان این فرانسوی زبانان، حدود 226 میلیون نفر مسلمان هستند. در 15 کشور از کشورهای فرانکفونی اسلام به عنوان دین رسمی شناخته شده است. این در حالی است که (به دلیل برنامه ریزی گسترده مبلغان

مسیحی که عدد آنها در آفریقا به 112 هزار نفر می‌رسد) واتیکان پیش‌بینی کرده بود در سال 2000 تمامی آفریقا مسیحی می‌شوند. همچنین در 5 قاره جهان گروهی از کشورها نیز خود را عضو افتخاری سازمان کشورهای فرانکفونی میدانند. رواج این زبان بر خلاف سابقه آن، به دو قرن قبل یعنی بعد از قرن 18 برمی‌گردد و تا قبل از آن، این زبان بیشتر زبان تخصصی و دیپلماتیک بوده است. در سال 1996 به همت سران کشورهای فرانسوی زبان و به منظور ترویج این زبان، یک انستیتوی دائمی زبان فرانسه تشکیل شد که از جمله اقدامات آن می‌توان به اعطای مدال به یک نفر از فعالان عرصه فرانکفونی در هر سال اشاره نمود. مدیریت این انستیتو را آقای پطرس غالی (1) دبیر کل سابق سازمان ملل متحد به عهده دارد. تمایل داشتیم در این کتاب معرفی کاملی از تمامی این کشورهای فرانکفونی ارائه کنیم. اما عوامل محدود کننده گوناگون مرا بر آن داشت که معرفی مبسوط را به سه کشور اصلی فرانسوی زبان در اروپا (فرانسه، بلژیک و سوئیس) محدود نمایم و در مورد سایر اعضای جامعه فرانکفونی به معرفی‌های آماری و اجمالی بسنده نمایم. یادآوری می‌کنم که این تحقیق بمناسبت برگزاری "نوزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی با عنوان اقلیتهای مسلمان" تهیه می‌شود.

قبل از این، یکی از پژوهشگران مسلمان در سال 2003 کتابی را با عنوان

ص: 14

---

1- (1) پطروس غالی متولد 1922 در قاهره مسیحی دبیر کل سازمان ملل از 1992 تا 1996 و دارای دکترای حقوق بین‌الملل از دانشگاه سوربن.



اقلیتهای مسلمان به زبان انگلیسی تهیه نموده بود که در آن کتاب با هدف منبع شناسی اقلیتهای مسلمان، حدود 5500 منبع را در مورد اقلیتهای مسلمان معرفی کرده بود. اما هیچیک از این کتابها بصورتی تنظیم نشده اند که در یکی از قاره ها یا در تمام نقاط جهان به شرح حال مسلمانان پردازند، بلکه این منابع برخی خود را به بررسی زبان اقوام محدود می کردند، بعضی شرح حال از قوم یا ملتی را گزارش می کردند و برخی دیگر در زمینه گیتا شناسی یا جامعه شناسی یا توپوگرافی جوامع اسلامی ارائه شده بودند. لذا با توجه به پدید آمدن حوادث و مسائل جدید و تغییر آمارها در هر کشوری، و عدم ارائه تحقیق مستقل در مورد کشورهای فرانسه زبان نیاز به این تحقیق برهانی می گردد. بلکه سزاوار است حداقل هر پنج سال یکبار شناسنامه ای از کشورهای مسلمان ارائه شود. ما در این اثر این شناسنامه را به اختصار در مورد مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان ارائه می کنیم. با این امید که این اثر، در تحقیقها و پژوهشهای بعدی تکمیل و نواقص آن برطرف شود.

از آنجا که این پژوهش در سال 1427 هـ - ق (2006) (1) تهیه گردیده است و این سال در جهان اسلام به نام سال آخرین فرستاده الهی "رسول اعظم" اسلام، نامگذاری شده است، لذا آنرا به محضر نورانی حبیب دلهايمان که هر صبح و شام بر رسالت جهانشهادت می دهیم هدیه می نمایم و از تمامی کسانی که

ص: 15

---

1- (1) با توجه به اینکه این کتاب، برای ترجمه به زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسه تهیه و با رویکرد به مخاطبین مذاهب گوناگون اسلامی تدوین گردیده است، لذا معمولاً به جای تاریخ شمسی به تاریخ قمری یا میلادی اشاره گردیده و تطبیقهای گفتمانی دیگر رعایت شده تا قابل درک برای همه باشد.

مرا در این تحقیق یاری داده اند بویژه از دبیرکل محترم مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حضرت آیه الله تسخیری و معاونین محترم ایشان در بخشهای فرهنگی، اداری و پشتیبانی، دبیر محترم هیئت علمی و کسانیکه در تایپ و دسته بندی مطالب کمک کرده اند، تشکر می نمایم.

دکتر محمدرضا رضوان طلب

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

ص: 16

به مقتضای اصل "همبستگی قطعی بین دستمزد و دشواری کار" (1) دینداری در شرایط دشوار و در فضای نامناسب از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار است. هم وزن و همدوش تلخی هایی که بر انسان تحمیل می نماید. و پذیرفتن آن، قبول همان سیره و شیوه ای است که رسول گرامی اسلام آن را پذیرفتند و بیش از نیمی از عمر رسالت خود را در چنین شرایطی سپری کردند.

تاریخ، سراغ ندارد در غوغایی که مشرکان آفریدند و جو ناسالمی که پدید آوردند و در آن غربت و تاریکی جهل و ظلم، کسی، از یاران پیامبر اعظم، از موضع اعتقادی خود عقب نشینی کند و یا به خاطر آنکه در اقلیت قرار گرفته است احساس ضعف و سستی نماید و یا در جایی به خود اجازه دهد کمی هم رنگی با جماعت جاهل آن زمان را پیشه خود سازد. نقشی که اقلیت مسلمان در مکه و اقلیت مسلمان در حبشه ایفاء کرده اند و دین را در غربت حفظ کردند قطعاً مهم تر از نقش مسلمانان مقیم در مدینه و مجاهدان بدر و احد بود. امروزه این نقش به گروهی از مؤمنانی سپرده شده است که علی رغم وسوسه ها و مانع گذاری های اهریمنان، با افتخار، شعار تبعیت از پیامبر محبوب خویش را در قول و عمل و اراده خویش به ظهور می رسانند. آنان قهرمانان عرصه

ص: 17

---

1- (1) در فرهنگ اسلامی و سخن شریف نبوی (صلی الله علیه و آله) از این اصل با عنوان "افضل الاعمال اهمضها" تعبیر گردیده است.

دینداری نامیده می‌شوند، که درست برخلاف جهت آب شنا می‌کنند و آنان مخاطب ملائکند و با دلداری فرشتگان در این مسیر تنهایی، نیرو و اقتدار می‌یابند. برای سربلندی و عزت آنان دعا می‌کنیم.

## کاستی‌ها و مشکلات اقلیت‌ها

1 - نخستین مشکل اقلیت‌ها که بیشتر به صورت تهدید مطرح می‌شود و در فصل پیشین نیز به آن اشاره گردید، تمایل آنان به ترک یا کم‌رنگ کردن هویت خود و دلواپسی از کمی عدد همکیشان است. این احساس خودباختگی و حقارت، ثبات در اندیشه و التزام در عمل را از آنان سلب می‌کند. در حالی که مسلمانان نه از حیث عده و نه در میزان عده، قابل رقابت برای هیچ قوم و ملتی نیستند. غنای فرهنگی و پیش‌تازی دانشمندان مسلمان در گشایش و گسترش مرزهای دانش، افتخاری بس عظیم برای آنان ذخیره می‌نماید.

مسلمان در هر کجای عالم باشد عضوی از یک خانواده 1/5 میلیاردی با کارنامه‌ای تابناک است که باید به عظمت این تبار تورانی مباحثات کند و موج‌های سهمگین تبلیغات سوء را در نوردد و دلی دریاگونه و قامتی همچون کوه استوار بدارد. خاطرات مسلمانانی را مطالعه کنند که به صورت یک بازرگان، یک دانشجو یا یک پناهنده، به کشوری سفر کردند و پس از مدتی مبدأ تحوّل تاریخی در آن کشور گردیدند و افتخاری را به نام خود به ثبت رساندند.

2 - عدم دسترسی اقلیت‌ها به تشکل‌های دینی و راهنماییانی که بتوانند آنان را از حیث فکری تغذیه نمایند و الگوی عملی آنان باشند و در فراز و نشیب‌های

زندگی و اجتماعی آنان را رهبری کنند و در موارد اختلاف، فصل الخطاب و مورد احترام همه باشند.

3 - انشعابات فراوان در تشکل های ضعیفی که در بلاد غربت به وجود می آید و تفرقه افکنی هایی که دست دشمن در آن مشهود است. اما متأسفانه مسلمانان بدون توجه به توطئه دشمن، صدها و هزاران، بار در این دام قرار می گیرند و چشم بصیرت باز نمی دارند. بدیهی است که نخستین عامل محرومیت اقلیت ها از حقوق اجتماعی عدم وجود تشکل فدراسیونی مرکزی به دلیل اختلافات زیاد در بین آنانست.

4 - رشد خرافات، به جا و به نام سنت ها در بین اقلیت ها به گونه ای که چهره اسلام را در برابر نامحرمان کریه و غیر منطقی جلوه می دهد.

5 - عدم آمادگی رهبران مسلمانان برای پاسخ گویی به شبهات القائی در بلاد غیر اسلامی مستند بر استدلال منطقی و مجادله احسن.

6 - انحصارگرایی و خودرایی، در مدیریت مراکز اسلامی در بلاد غیر مسلمان، توسط مسئولین مراکز و مساجد و بی توجهی به اصل مشاوره و اراء عمومی.

7 - راه یافتن مسائل مالی و سودجویی ها و منافع شخصی در تشکل های مذهبی در بلاد اسلامی به گونه ای که حسن ظن را از عامه، نسبت به مجریان سلب می نماید.

8 - عدم مراد و نداشتن رابطه هدفمند مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی با غیر مسلمانان به منظور انتقال غیر مستقیم و نامحسوس پیام های اخلاقی و تربیتی اسلام.

- 9 - عدم پشتیبانی واقعی و جدی رهبران کشورهای اسلامی از مهاجرین مسلمان کشورهای خود و تمایل آنان به حفظ منافع سردمداران اسکتبار جهانی علی رغم تظاهر به استقلال! و وجود وابستگی روشن گروهی از آنان به قدرت های مستبد بین المللی.
- 10 - گسست فرهنگی بین نسل جدید (تربیت یافتگان محیط غیردینی) و قدیم (متولدین مناطق اسلامی)
- 11 - عدم پیش بینی امکانات و ابزارها و متدهای جدید و متنوع برای آشنایی نسل جدید با ژرفای تعالیم اسلامی
- 12 - عدم برخورداری مهاجر مسلمان از حداقل امکانات شهری و معیشتی
- 13 - وجود موانع جدی در مسیر تأسیس مراکز فرهنگی و اسلامی و عدم تسلط مسئولین این امور به راه کارهای قانونی در کشور مقصد.
- 14 - فقدان مدارس رسمی از ابتدایی تا دانشگاه برای آموزش فرزندان مسلمان در فضای منطبق با تعالیم اسلامی و با رعایت قواعد آموزشی کشور مقصد.
- 15 - بی توجهی مسئولین جوامع اسلامی در کشورهای غیرمسلمان به اولویت آموزش و تربیت نسل جدید و انحصار همه اهتمام ها به بنای مساجد.
- 16 - بی رغبتی جوانان مسلمان، به فراگیری علوم و فنون جدید به عنوان زمینه کسب قدرت از طریق صید دستاوردهای جدید علمی و تکنولوژی مدرن.
- 17 - عدم تعاهد تجار مسلمان و مسئولین بازرگانی کشورهای اسلامی به خودداری از معاملات و معاهدات اقتصادی با غیرمسلمانان، در صورت وجود گزینه ای از خانواده بزرگ اسلامی
- 18 - بی توجهی رهبران مسلمان به نیازهای نسل جوان، به حامل های فرهنگی از

قبیل ورزش، سینما، هنر، تفریح، زیبایی، سرگرمی و ازدواج و فراهم نکردن زمینه های آنها برای جوانان. مثلاً در یک کشور غیراسلامی بیش از هزار مسجد و نمازخانه و مرکز فرهنگی اسلامی یافت می شود، اما یک ورزشگاه، استخر و یا تفریح گاه برای مسلمانان پیش نمی شود.

19- بی توجهی مسئولین مسلمانان در کشورهای غیراسلامی به ضرورت فعالیت های آکادمیک، علمی و پژوهشی به عنوان پشتوانه و منبع ذخیره تمامی فعالیت های اعتقادی، اجتماعی و سیاسی.

20- عدم وجود بانک اطلاعاتی شناسایی مسلمانان به منظور رشد و هدایت استعدادهای درخشان در بین آنان همچنین عدم شناسایی کسانی که از فارغ التحصیلان و متخصصین مسلمان در مراکز حساس در کشورهای مقصد مشغول به کار هستند برای بهره گیری از امکانات و توانمندی های مادی و معنوی آنان در جهت بهبود وضع مسلمانان کشور محل اقامت.

امید که با همفکری و هم اندیشی متفکرین اسلامی و مسئولین اقلیتها راهکارهای مناسبی برای مبارزه با این مشکلات اندیشه شود، به بررسی وضعیت مسلمانان در کشورهای فرانکفونی می پردازیم.























با آن که فرانسه کمتر از یک چهارم عربستان سعودی مساحت دارد و در مقایسه با سایر کشورهای بزرگ اسلامی مثل ایران و اندونزی تقریباً همین نسبت را داراست، اما به عنوان

سومین کشور بزرگ در اروپا و چهل و هشتمین کشور از حیث پهناوری در دنیا با مساحت 543/965 کیلومتر مربع و براساس سرشماری سال 2003 دارای 63/6 میلیون نفر جمعیت است. این کشور در اروپای غربی و از شمال به آلمان، بلژیک و لوکزامبورک و از شرق به سوئیس و ایتالیا و از غرب و شمال غربی به خلیج بیسکای و دریای مانش و از جنوب به دریای مدیترانه و اسپانیا محدود می گردد.

میانگین خانواده در این کشور 2/6 نفر و توزیع جنسی جمعیت این کشور براساس 48/75 درصد مرد و 51/25 درصد زن می باشد. و حدود 40 درصد از جمعیت آن بین 30 تا 59 سال دارند و 20 درصد بالاتر از 60 سال و بقیه

کمتر از 30 سال دارند. پایتخت این کشور شهر پاریس و شهرهای لیون، مارسی، استراسبورگ، نیس، نانت، مون پولیه، بوردو و تولوز از مهمترین شهرهای این کشور هستند.

از معدود کشورهایی است که توانسته است سرانه تولید ناخالص ملی خود را از مرز 30 هزار دلار بگذراند (سال 2006) نرخ تورم در این کشور (در سال 2000) سه دهم درصد (یعنی نزدیک صفر) بوده است. انواع محصولات کشاورزی و دامی، صنایع معدنی لاستیک، خودرو و کائوچو از فرآورده های مهم این کشور هستند که بیش از 230 میلیون دلار از این نوع کالاها در سال صادر می شود. فرانسه بعد از آمریکا بزرگترین تولیدکننده انرژی هسته ای است که سه چهارم نیاز الکتریسته خود را از نیروگاه های اتمی تأمین می کند.

نخستین نشانه ها رادر تاریخ، از تمدن فرانسه می توان در سال 125 قبل از میلاد نشانه گرفت که رومیان در آن هنگام به سرزمین "گل ها" که شامل فرانسه، بلژیک و سوئیس امروز بود، وارد شدند و آن نواحی را تصرف کردند. از آن زمان به بعد تا سال 486 بعد از میلاد، همواره نبرد بین رومی ها و فرانک ها ادامه داشت. در این سال رهبر فرانک ها "کلوویس" فرماندار رومی گل را شکست داد و فرمانروایی آن را خود به دست گرفت. بین سده پنجم تا سده نهم، حکومت در فرانسه، بیشتر ملوک الطوائفی بوده و بهمین دلیل در مقطعی، فرانسه به 300 کشور کوچک تقسیم گردید.

از ابتدای قرن دهم میلادی زمینه های استقلال و عظمت فرانسه فراهم گردید و در قرن سیزدهم، اقتصاد آن رونق گرفت و پهناوری و جمعیت شهرهای آن فزونی یافت و به مرور زمان فرانسه به طلایه دار فرهنگ و تمدن

در اروپای غربی مبدل گردید. اما حکومت، همچنان به صورت سلطنت اداره می شد و هر یک از شاهزادگان آن را به سلیقه و سائقه های درونی خود مدیریت می کردند.

بین قرن سیزدهم تا هجدهم، فرانسه، یکصد سال جنگ با انگلستان، سی سال درگیری با اسپانیا و چندین نبرد با ایتالیا و درگیری داخلی و مذهبی بین کاتولیک ها و پروتستان ها را تحمل کرد، که عامل عمده آن، ناتوانی حاکمان و خودکامگی آنان بود. مردم فرانسه در سال 1793 با تسخیر زندان باستیل و اعدام لوئی شانزدهم مهمترین مقطع تاریخی این کشور "انقلاب کبیر فرانسه" را رقم زدند و بهمین مناسبت 14 ژوئیه، روز فتح باستیل و روز ملی فرانسه شد و به رژیم سلطنتی در این کشور خاتمه دادند و در 27 اوت همین سال (1793) حکومت "جمهوری اول" برپا گردید. اما عمر این جمهوری، بسیار کوتاه بود و در سال 1799 با کودتای ناپلئون، دوباره حکومت، به سلطنت، تبدیل شد. ولی همچنان جنگ ادامه داشت تا آن که در سال 1848 با انتخابات عمومی "جمهوری دوم" در فرانسه با ریاست لوئی ناپلئون، برادرزاده ناپلئون بزرگ تشکیل گردید. وی در سال 1852 حکومت را به سلطنت تبدیل کرد. وی در جنگ با پروس (آلمان) شکست خورد و در سال 1871 با همکاری آلمان ها "جمهوری سوم" در فرانسه با ریاست "آدولف تیر" از رهبران ملی گراها در فرانسه بود، تشکیل گردید. جمهوری سوم با جنگ جهانی اول در سال 1914 تا 1918 مواجه شد و علی رغم لطمات شدید اقتصادی و انسانی، دولت جمهوری در آن پایدار ماند. تا آن که جنگ جهانی دوم در سال 1939 شروع گردید و آلمان ها یک سوم از خاک این کشور را اشغال کردند و فرانسه را به یکی از

اقمار آلمان تبدیل و رئیس حکومت آن (مارشال پتن) را دست نشانده خود نمودند. همزمان، ژنرال "شارل دوگل" در لندن موجودیت "فرانسه آزاد" را اعلام کرد و دولت موقت فرانسه را در الجزایر تشکیل داد. بهمین بهانه آلمانی ها تجاوز خود را ادامه دادند و تمام فرانسه را اشغال کردند. ولی در اوت 1944 فرانسه آزاد اعلام گردید و دولت شارل دوگل به فرانسه منتقل شد و "جمهوری چهارم" شکل گرفت.

در جمهوری چهارم علی رغم اختلافات و درگیری بین حزب کمونیست و حزب دوگل تحولات مهمی در فرانسه با حمایت اقتصادی و امریکا اتفاق افتاد. از جمله: بهبود وضع اقتصادی، افزایش تولید و درآمد سرانه، حق رأی زنان، استقلال سوریه، لیبی، مراکش، تونس، ماداگاسکار، ویتنام، لائوس، کامبوج و الجزایر از فرانسه. دوگل همچنین قانون اساسی فرانسه را دو بار اصلاح کرد. یک بار در سال 1985 که آن را پس از اصلاح به همه پرسى گذاشت و پس از آن "جمهوری پنجم" از 8 ژانویه 1959 آغاز شد و یک بار در سال 1962 که پس از آن، انتخاب رئیس جمهور به آراء عمومی واگذار گردید و ژنرال دوگل مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب شد و مجموعاً حدود 23 سال در سمت و در رأس قدرت در فرانسه (1946-1969) باقی بود تا آن که خود، از این سمت کناره گرفت. پس از او ژرژ پمپیدو (1969-1974) والرئ ژیسکاردیستن (1974-1981) فرانسوا میتران (1981-1995) و ژاک شیراک (1995 تا کنون) زمام حکومت را در جمهوری پنجم فرانسه به عهده داشته اند.<sup>(1)</sup>

ص:34

مسلماً نخستین بار مسلمانان در قرن هشتم میلادی و در سال 721 با عبور از آفریقا وارد اسپانیا و از جنوب فرانسه پای بر این سرزمین نهادند. اما این که چه تحریکات و زمینه‌هایی مسلمانان را با سپاهی نظامی به این سرزمین کشاند، سندی از آن باقی نمانده است. مسلماً تحلیلی که عمده اسناد تاریخی موجود، از آن حکایت دارد و غرض مسلمانان را از این مانور نظامی، کشورگشایی و دسترسی به قدرت و ثروت می‌داند، قابل توجیه با مبانی فکری و اعتقادی مسلمانان نیست. "چرا که از دیدگاه اسلام، هدایت انسان‌ها اهمیت دارد نه حکومت بر آنان. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام به هنگام اعزام حضرت علی علیه السلام به مصر می‌فرماید: "لئن یهدی الله بک رجلاً خیر مما طلعت علیه الشمس" (1) یعنی هدایت یک انسان ارزشمندتر از حکومت بر تمامی گیتی است. اسلام چیزی جز اعتقاد و غیر از یک نظام فکری نیست و نظام فکری با سر نیزه عملاً برقرار نمی‌شود. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: "لا اکراه فی الدین" 2 بهر حال این مانور نظامی، پایدار نبود و به زودی لشکر اسلام پس از درگیری‌های خونین خصوصاً در منطقه تور و پواتیه مجبور به عقب‌نشینی و بازگشت از فرانسه شد و پرونده اسلام در سرزمین فرانسه در قرن هشتم، در همان قرن، بسته شد و پس از آن مسلمانان حضور چندانی در این سرزمین نداشتند و ارتباط مردم فرانسه با اسلام به مدت حدود 12 قرن تقریباً قطع بود. تا آن که در ابتدای قرن بیستم و به دنبال جنگ جهانی اول، فرانسه با کمبود شدید نیروی کار مواجه گردید و کارگران مستعمرات خود را

ص: 35

که عمدتاً کشورهای اسلامی بودند، به مهاجرت به این کشور تشویق نمود. مجموعاً تا پایان سال 1920 حدود 120 هزار نفر مسلمان از شمال آفریقا به قصد کار در فرانسه به این کشور مهاجرت کردند که حدود یکصد هزار نفر الجرائری و از تونس و مراکش هر کدام ده هزار نفر، مهاجرانی بودند که این آمار را تشکیل دادند.<sup>(1)</sup> این گزارش وجهه نظر خود را معطوف به اکثریت مسلمانانی که از شمال آفریقا و کشورهای عربی به فرانسه آمده اند، می نماید. ولی گزارشات دیگری حضور گروهی از مسلمانان هندی از ایالت گجرات را از سال 1850 و از کشور کمور از سال 1905 در فرانسه تأیید می نماید. که این افراد از بازرگانان قوی و شناخته شده فرانسه امروز به شمار می روند. 2

این مهاجران مسلمان، مجرد بودند و به صورت موقت به این سرزمین آمده بودند و بنابراین همتی در جهت "ساختن برای ماندن" نداشتند و بنیان‌هایی که علائق دینی آنان را ترسیخ کند در این مقطع ساخته نشد.

حکومت فرانسه در پاداش به فداکاری‌ها و حضور سربازان مسلمان در جنگ‌های منتهی به استقلال فرانسه در سال 1926 زمینی را در مرکز شهر پاریس و در یکی از محلات پرجمعیت در اختیار مسلمانان نهاد و در بنای آن به مسلمین کمک کرد. در این محل، مسجد جامع پاریس برپا شد که تاکنون یکی از مراکز مهم تجمع و برگزاری مراسم مسلمین در این شهر است. برخی از گزارشات، قدیمی‌ترین مسجد پاریس را، مسجدی در محله کارگری "سنت دنی" معرفی می‌کند که در سال 1905 بنا شده است و اکثر نمازگزاران آن از کمور هستند. 3

ص:36

مهاجرات گسترده دوم در سال 1950 و پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد، که غیر از کارگران را نیز شامل می‌گردید همچون: سیاسیون، نظامی‌هایی که در دوره اشغال با فرانسویان در الجزایر همکاری کرده بودند و پس از استقلال الجزایر در سال 1961 مجبور به ترک این کشور و مهاجرت به فرانسه شدند. به عنوان مثال رئیس دفتر فعلی رئیس جمهوری آقای "هملوی مکاشرا" (1) و معاون سابق شهردار استراسبورک (2006) آقای عزیز میلانی (2) و آقای شریف مشری، (3) رژه بن مبارک (4) و مهدی حُصِن (5) در استانداری از این قبیل افراد هستند.

آمار مسلمانان پس از جنگ جهانی دوم در فرانسه رو به فزونی نهاد و گروه‌های مختلف مهاجر با استقرار خانوادگی در خاک کشور میزبان زمینه اقامت دائم خود را فراهم نمودند. مهاجرت‌های خانوادگی مسلمانان بیشتر از سال 1974 به بعد صورت یافته است که در این تاریخ، حکومت فرانسه رسماً موافقت خود را با حضور زنان و فرزندان مهاجرین در فرانسه اعلام نمود.

با آن که مقامات دولتی فرانسه تمایلی به ارائه آمار جمعیتی براساس مکتب و دین را ندارند و آن را منافی اصول سکولاریسم و باورهای خودشان می‌دانند، اما هم‌اکنون وزارت کشور فرانسه، مسلمانان را در فرانسه بین 3 تا 5 میلیون تخمین می‌زند که 1/5 میلیون نفر از آنان تابعیت فرانسوی دارند و تقریباً 10 درصد از جمعیت 60 میلیونی فرانسه را تشکیل می‌دهند. بسیاری از

ص: 37

---

1- Hamlaoui Melcachera (1)

2- Aziz Meliani (2)

3- Cherif Mecheri (3)

4- Roger ben Mebarek (4)

5- Mehdi Hacene (5)

جامعه‌شناسان فرانسوی معتقدند این آمار واقعی نیست و جمعیت مسلمانان در این کشور به 8 میلیون نفر می‌رسد. (1) از این میان حداقل 30 هزار نفر فرانسوی اصل هستند که به اسلام گرویده‌اند. این رقم، در برآوردهای دیگر تا 70 هزار نفر رسیده است.

ما اعتقاد داریم اگر رهبران دینی مسلمانان کیفیت معاشرت با پیروان سایر ادیان را آن گونه که اسلام مقرر فرموده به مسلمانان مهاجر می‌آموختند و انگیزه انتقال پیام دینی را به آنان منتقل می‌کردند، امروز شاهد گستره عظیم تری از اسلام‌گرایان در فرانسه و کشورهای اروپایی بودیم. اما بدون آمادگی ما، آنچه اتفاق افتاده، تاییدن نوراسلام از زیر تیره گی هائی است که ما بر آن قرارداد ایم! بدون پیش بینی و بدون برنامه ریزی در راستای بشارت و انذار دینی! بلکه عدم تعامل صحیح مسلمانان با میزبانان و اعتقاد به دارالحراب بودن کشورهای غیرمسلمان و عدم رعایت جدی قوانین و مقررات کشور مقصد در کنار تبلیغات گسترده علیه اسلام، ذهنیت های منفی علیه مسلمین را در اروپا، پرورش داده است. (2)

### شرایط سیاسی و اجتماعی مسلمانان

علی‌رغم آنکه شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه فرانسوی مسلمانان را برای پابندی به مبانی دینی به هیچ وجه کمک نمی‌کند، بلکه دولت فرانسه علناً مسلمانان را به انتخاب یک اسلام فرانسوی و منطبق با شرایط و الزامات جامعه لائیک فرا می‌خواند و مهاجرین در کشور مبدأ، مسلمان، نیز چندان از

ص: 38

---

1- (1) Wikipedia.com

2- (2) Volcreole.com



معارف دینی بهره مند نبوده اند، اما همچنان حمیت دینی در بین آنان به وضوح و روشنی دیده می شود. حاصل یک نظرسنجی که توسط مؤسسه ای اف او پی (iFOP) در اکتبر سال 2001 انجام شده، مشخص کرده است که 70 درصد از مسلمانان مقیم فرانسه به رعایت احکام روزه در ماه مبارک رمضان پایبند و 33 درصد نمازهای روزانه خود را به صورت مرتب به جای می آورند. این نظرسنجی رتبه نخست در التزام به فرائض دینی را در بین مهاجرین به تونسسی ها و سپس به ترک ها و پس از آن به مراکشی ها و در نهایت به الجزائری ها می دهد. (1) براساس همین آمارگیری 40 درصد ائمه جماعت در فرانسه مراکشی هستند که مقام اول را دارند و 24 درصد آنان الجزائری می باشند که به مقام دوم دست می یابند.

یک گزارش دیگر حاکی است که 17 درصد از ارتش فرانسه به مسلمانان اختصاص دارد. (2) همین گزارش خبر می دهد در حال حاضر مسلمانان در فرانسه 10 درصد جمعیت فرانسه را در بر می گیرند و از 53 کشور به این کشور هجرت کرده اند و با 21 زبان مختلف صحبت می نمایند و برابر بررسی های دقیق، آمار آنان در فرانسه در سال 2020 به 20 میلیون نفر می رسد. هم اکنون با آن که بیش از 1/8 میلیون نفر از آنان حق رأی دارند و 126 نفر از آنان دارای شرایط کاندیداتوری در انتخابات اخیر بوده اند و کاندید شده اند، ولی هیچ کرسی ای در پارلمان به آنان داده نشده است.

ص:39

---

Les Musulmans en France.com (1) -1

islam on line. Net/asalie/daawa/2003/article02.shtml 1 1 (2) -2

اشاره

برای نخستین بار در تاریخ سیاسی فرانسه و پس از دهها سال مهجوریت و ممنوعیت در سال 2004 ابتداء آقای ژان پی یر شونمان و پس از او آقای نیکولا سرکوزی وزرای کشور فرانسه، ایده لزوم رسمیت بخشیدن به جامعه اسلامی فرانسه را به عنوان دومین دین در این کشور مطرح کردند. ناظران سیاسی اعتقاد دارند که وزیر کشور با مشاهده حضور گسترده مسلمانان در بخشهای مختلف جامعه فرانسه متوجه این واقعیت شد که اگر دولت، تشکلی برای مسلمان پدید نیاورد، این تشکل توسط دیگران و دور از نظارت دولت بر پا و با ترکیب نمایندگانی که مورد تأیید دولت فرانسه نیستند، بر این دولت تحمیل می شوند. لذا او خود بانی پدید آوردن تشکل شورای ملی مسلمانان در فرانسه شد ولی اهداف سودمند و ساختار قانونی معتبر برای آن تعریف نشد. بلکه تاکنون فقط تیتراژ این شورا، مورد توجه و عنایت مسئولین مربوطه بوده است. این شورا، تحت اداره و مسئولیت رئیس مسجد پاریس که یک پزشک اطفال است با نام دکتر دلیل بوبکر اعلام موجودیت کرد. و بیش از 1500 بنای فرهنگی و دینی متعلق به مسلمانان در فرانسه را متعلق بخود می داند که شامل مساجد و مراکز مهمی همچون نمازخانه ها، مکتب خانه ها و انجمن های فرهنگی می گردد.

به نوشته یکی از سایت های (1) دولتی و معتبر فرانسه در این کشور بیش از یک هزار و پانصد نمازخانه وجود دارد که بیش از دو سوم آنها کمتر از یکصد و پنجاه تن جمعیت دارد و حدود 20 مسجد حدود هزار نفر جمعیت را در خود

ص:40

جای می دهد و 5 مسجد از بناهای مهم و معماری جالب و سنتی برخوردارند و بقیه مساجد از انبارها و سوله های قدیمی استفاده می کنند. جمعاً 1535 مسجد از طریق وزارت کشور آمارگیری شده است. با آن که نمی توان استقلال و مردمی بودن بسیاری از مراکز فرهنگی و عبادتی موجود در فرانسه را انکار نمود، اما به طور کلی و عمدتاً مراکز موجود و فعال به یکی از شش فدراسیون مهم و مرکز عمده دینی در این کشور وابسته اند. ابتدا این شش مرکز مهم را معرفی می کنیم و در ادامه آن به معرفی سایر مراکزی می پردازیم که یا وابسته به این مراکزند، اما خود دارای درجه اهمیت و اعتبار شایسته توجه اند یا از استقلال برخوردارند.

## 1 - شورای مسلمانان در فرانسه " cfcf "

هسته اولیه این شورا در سال 1999 و آن زمان شکل گرفت که آقای ژان پی یر شونمان وزیر کشور وقت فرانسه ترکیب این شورا را مطرح کرد. او شش فدراسیون، چهار مسجد بزرگ و شش شخصیت شناخته شده مسلمانان را گردهم جمع کرد و پس از صحبت ها و مشورت های ابتدایی بنا شد " شورای مسلمانان در فرانسه " در سال 2002 با انتخاب نمایندگان تمامی جمعیت های مسلمین رسمیت یابد. اما نمایندگانی که گردهم جمع شدند، بیشتر به صورت انتصابی از سوی حکومت فرانسه بودند و منتخب گروهها و تیره های مختلف مسلمانان محسوب نمی شدند. لذا از نخستین روزهای برپایی این مجموعه، اختلافات گسترده در بین آنان بروز کرد و شورا را تا مرز انحلال پیش برد. پایگاه اطلاع رسانی متعلق به روزنامه پرتیتراژ " اومنیته " (1) درباره این شورا

ص: 41

چنین می نویسد: [کودتا در شورای مسلمانان فرانسه]. از بدو تأسیس شورای مسلمانان در ماه می سال 2003 این شورا با مشکلات زیادی روبه رو بوده است... در واقع بحران، زمانی زیادتر شد که دلیل بوبکر رئیس این شورا اعلام کرد که اگر تغییری در نحوه برگزاری انتخابات به وجود نیاید و مشخصاً در مورد افراد واجد شرایط رأی دادن تجدیدنظر نشود، او از سمت خود کناره گیری خواهد کرد. دلیل بوبکر معتقد است، اگر مساجد و مراکز کوچک که تعداد آنها بی شمار است، اما در هر کدام از آنها تعداد کمی نمازگزار وجود دارد، در سرشماری مسلمانان دخالت داده شوند و حق رأی به آنان اعطاء گردد، این حق رأی از اهمیت مساجد بزرگ و تأثیر آنها در سرنوشت آینده مسلمانان می کاهد. تحلیل گران مسائل مسلمانان در فرانسه اعتقاد دارند، اگر مجموعه های کوچک در رأی دخالت کنند مبادله اراء به نفع FNFM و [uoif \(1\)](#) و بضرر مسجد بزرگ پاریس تغییر خواهد کرد.

در همان حال FNFM و ouif از طریق سخنگوی خود آقای فواد الاوی (که معاون این شورا نیز هست) اعلام می دارند که: "یا او (دلیل بوبکر) قانون انتخاب و تقویم آن را می پذیرد و یا دیگر بر سر پست خود نخواهد بود."

در مقابل آن، دلیل بوبکر مجبور شد که فوراً نشست را با اعضای [cfcf \(2\)](#) ترتیب دهد. اما نه فواد الاوی و نه محمد بشاری (معاونین شورا) در این نشست حاضر نشدند. به این ترتیب بعد از یک ماه و نیم بن بست، این نشست فعلی به عنوان آخرین شانس محسوب می شد. در این میان ملاقات سیاسی محمد بشاری با عباس مدنی رهبر جبهه انقلابیون الجزائر مناسبات فیما بین

ص: 42

---

1- (1) دو فدراسیون مهم مسلمانان و رقیب مسجد پاریس

2- (2) علامت اختصاری شورای مسلمانان در فرانسه

اعضای cfcfم را بحرانی تر می نماید و دلیل بوبکر با استفاده از این شرایط می کوشد تا نرمشی که با رؤسای مسلمانان در فرانسه اعمال می کند و نشست دیگری را با آنان برگزار می نماید. ولی معاونین این شورا یعنی الاوی و بشاری نیز با ورود به جریان دعوت افراد به این نشست خود را مبتکر این نشست قلمداد می کنند و موازنه نسبی بین دو جبهه داخلی این شورا برقرار می گردد. به هر حال این شورا، با اختلافات زیادی که در آن هست حتی قادر به حفظ خود باقی نماند و چنانکه خواهیم گفت نهایتاً به شکست انجامید.

## 2 - اتحادیه انجمن های اسلامی در فرانسه uoif

### (1)

این مرکز که تا ابتدای سال 2006 توسط یک مراکشی به نام آقای "الحاج التهامی برز" (2) مدیریت می شده است، در سال 1983 توسط دو دانشجو یکی تونسی به نام عبدالله بن منصور و دیگری عراقی به نام محمود زهیر پدید آمد و تا قبل از انتخابات اخیر، غیر از مسئول آن حاج تهامی، دو معاون، به نام های فواد الاوی و نظیر حکیم، هدایت این اتحادیه را به عهده داشته اند و یازده عضو شورا و 12 نماینده استانی آنان را همراهی می نمودند. هم اکنون و از مدتی قبل ریاست اتحادیه به آقای شکیب بن مخلوف برای 4 سال سپرده شده است و حدود 200 تا 300 مرکز را تحت پوشش دارد. از جمله: انجمن جوانان مسلمان در فرانسه (J. M. F) انجمن دانشجویان مسلمان در فرانسه (LFFM). (E. M. F) لیک فرانسوی زنان مسلمان iEsh انستیتوی اروپایی علوم انسانی و

ص:43

---

1- (1) آدرس سایت این اتحادیه این چنین است: [www.uoif-online.com](http://www.uoif-online.com)

2- (2) تهامی دارای مدرک فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه بوردو است

فدراسیون ها و مراکز و مساجد وابسته دیگر. و مالک بیش از 30 مسجد کوچک و بزرگ است و مدعی است دریافت کننده هیچ نوع کمک رسمی از هیچ حکومتی نمی باشد و 80 درصد هزینه آن از سوی اعضاء آن تأمین می گردد. پایگاه اطلاع رسانی مربوط به این اتحادیه در مورد اهم فعالیت های این اتحادیه چنین می گوید:

1 - پاسخ گویی به نیازهای فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و انسانی مسلمانان

2 - کمک مالی و حقوقی در مورد خرید و تأسیس مکان های مناسب برای فعالیت مسلمانان

3 - برگزاری کنفرانس های علمی در مورد اسلام و غرب، ادیان آسمانی، وضعیت مسلمانان جهان

4 - اطلاع رسانی دینی و فرهنگی برای دوره های مسلمانان از طریق نشریه، کتاب، و پوستر و سیستم های رایانه ای

یکی از فعالیت های چشم گیر این اتحادیه برگزاری نمایشگاه بزرگ لانه در محل نمایشگاه های بین المللی " بورژ " در حومه پاریس است که در نوع خود بی نظیر است و در آن ضمن برگزاری محافل گفت و گوی دینی و سیاسی به عرضه انواع کتب و محصولات اسلامی در سالن های مختلف می پردازند و اکثر مساجد، انجمن ها و ناشرین اسلامی از فرانسه و اروپا غرفه اختصاصی دارند.

### **3 - مسجد بزرگ پاریس**

این مرکز از قدیمی ترین و معروف ترین مراکز مسلمانان در فرانسه است که در سال 1926 با مساعدت های دولت فرانسه در مرکز شهر و منطقه

5 پاریس در زمینی به وسعت یک هکتار برپا شد (1) و رئیس جمهور وقت فرانسه آقای گستون دومرگ (2) آن را افتتاح کرد و با حمایت های دولت الجزائر اداره می شود. سبک معماری این مسجد مراکشی است و بلندی مناره های آن به 33 متر می رسد. برطبق گزارش پایگاه

خبری مسلمانان در فرانسه این مسجد حدود 127 مرکز را تحت نظارت مستقیم دارد که پنج مسجد، در این مجموعه، بیش از پانصد نمازگزار دارد. و حقوق و مزایای حدود 70 امام را تأمین می نماید. و به حمایت مالی دولت الجزائر تکیه دارد. رقم بودجه حمایتی دولت الجزائر سالیانه بالغ بر 700 هزار یورو می شود. این مبلغ نیمی از هزینه های مسجد را پوشش می دهد. در زمان جنگ جهانی دوم و هنگامی که کشور فرانسه توسط آلمان نازی اشغال شده بود، این مسجد به عنوان پایگاه مقاومت علیه نیروهای اشغال گر تبدیل شده بود. تک تیراندازهای مسلمان از میان این مسجد نیروهای متجاوز را وادار به عقب نشینی می کردند و به بی پناهان، در این مسجد مأوی می دادند. حتی یهودیان به این مسجد پناه می آوردند و مورد پذیرایی مسلمانان قرار می گرفتند تا زمینه اعزام آنان به مناطق آرام، فراهم گردد. آمار یهودیان پناهنده به مسجد پاریس در این هنگام 1600 نفر ذکر شده است. (3) با آن که رئیس این مسجد آقای دکتر دلیل بوبکر، سخنگوی اسلام مدرن تلقی می شود و به شدت از

ص: 45

---

1- (1) سنگ بنای مسجد در سال 1922 نهاده شد و مراسم افتتاح آن در 15 ژوئیه سال 1926 برگزار گردید.

2- (2) gaston doumergue

3- (3) www. Yahoo. Fr

سوی حکومت فرانسه مورد حمایت است و توسط آقای ژان پی پیر شونمان وزیر کشور اسبق فرانسه به سمت رئیس شورای مسلمانان در فرانسه منصوب گردیده است، اما به اعتقاد شخص وزیر کشور اسبق فرانسه آقای شونمان، رئیس مسجد پاریس، تأثیر اندکی بر افکار مسلمانان این کشور دارد.<sup>(1)</sup> او در تاریخ 1940/11/20 در شهر الجزائر متولد شد. پدرش حمزه بوبکر و قبل از او سمت مسئولیت مسجد پاریس را به عهده داشت. او در سال 1957 همراه با پدرش از الجزائر به پاریس مهاجرت کرد و در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت.

او در دانشکده علوم پزشکی فارغ التحصیل شد و مطالعات دینی را شخصاً ادامه داد. در سال 1992 به جای پدرش به مسئولیت مسجد پاریس برگزیده شد. و آثاری با عناوین ده فرمان، تحدی اسلام، مطالعه در حلال و حرام، اسلام در فرانسه لیبرال است، دعوت به دیالوگ، هنر اسلامی از او منتشر شده است.

مصطفی عاشور یک تحلیل گر سیاسی مصری در فرانسه، دلیل بوبکر را مورد اعتماد کامل فرانسه می خواند که در دو شکل مهم از سوی دولت فرانسه نمایندگی دارد: اتحادیه انجمن های اسلامی در فرانسه که به اخوان المسلمین نسبت دارد و فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه که نزدیک به الجزائر است. با این حال، این تحلیل گر سیاسی معتقد است: علی رغم حمایت بی دریغ دولت از او، دلیل بوبکر نتوانسته است شانس مقبولیت مردمی چندانی داشته باشد. شاید به این دلیل که او با نوشتن کتاب "اسلام سیاسی نیست" بین دین و

ص:46



سیاست جدایی قائل است و هرگونه فعالیت سیاسی را حرکت تروریستی می‌شمرد. (1)

علی‌رغم عدم مقبولیت رئیس مسجد پاریس، این مسجد در روزهای جمعه شاهد اجتماعی برتر از بیشتر مساجد کشورهای اسلامی است. چرا که مسلمانان مقیم فرانسه علاقه‌ای وافر به تجمعات دینی خود دارند و در غربت غرب از این جهت احساس تنگنا و کمبود می‌کنند.

#### 4 - فدراسیون ملی مسلمانان در فرانسه ( FNMF )

این فدراسیون، در سال 1985 توسط جمعی از جوانان مسلمان فرانسوی پدید آمد. ولی به مرور ایام، افراد زیادی از پدید آورندگان آن از این مرکز فاصله گرفتند و شاید بتوان گفت چراغ آن خاموش گشت و پس از مدتی پرچم آن به دست آقای محمد البشاری سپرده شد که او بیشتر وقت خود را صرف نمایندگی از این انجمن در مجامع داخلی و بین‌المللی می‌نماید و چندان به ساختار و ترکیب و فعالیت‌های علمی پژوهشی در درون این فدراسیون نمی‌پردازد. او متولد سال 1967 و اصالتاً مراکشی است و تعلق و رابطه نزدیکی با مسئولین این کشور دارد. غیر از این سمت، او معاونت شورای دینی مسلمانان (CFCM) رادر فرانسه نیز به عهده دارد و با عنوان دبیرکل کنفرانس اسلامی اروپایی که از سوی لیبی حمایت می‌شود، نیز خوانده می‌شود.

بشاری در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران (2) در مورد چگونگی

ص: 47

---

1- (1) islam on line. Net/arabi/daava/2003

2- (2) روزنامه الوطن شماره 31، 1999/1/15

شکل گیری فدراسیون می گوید:

"اولین کنفرانس تأسیس فدراسیون با حمایت مالی «الرابطه العالم الاسلامی» و با دبیر کلی دکتر عمر نصیف و مشارکت بزرگانی همچون پرفسور حمیدالله تشکیل شد. در این کنفرانس، اعضای شورا، دبیر اجرایی و ریاست فدراسیون انتخاب گردیدند."

معمولاً رئیس فدراسیون، هر دو سال یک بار انتخاب می شود و از سال 1993 در چند دوره متوالی آقای محمد البشاری در این سمت انتخاب و ابقاء گردیده است و به جای طیف مسلمانان ترک، که در دوره های اولیه، نخستین نقش را در این فدراسیون ایفاء می کردند، مسلمانان عرب مراکشی در این مجموعه کرسی مدیریت را به عهده گرفتند.

محمد البشاری اولویت های خود را در این مسئولیت، چنین تبیین می نماید:

1 - تلاش در جهت نهادینه کردن فعالیت های اسلامی

2 - دعوت به نیک اندیشی و وفاق و پرهیز از دسته بندی های داخلی جهان اسلام

3 - حفظ استقلال فدراسیون از وابستگی به حکومت های کشورهای اسلامی

4 - تمرکز حساسیت ها بر مسائل سرنوشت ساز جهان اسلام

5 - ترویج فرهنگ رعایت قواعد شهروندی صالح در کشورهای اروپائی با حفظ اصول مسلمانی

او می گوید: ما تلاش نمودیم که مسئله حجاب سیاسی نشود و از منظر حقوقی و قانونی آن را به محاکم مربوطه ارجاع دادیم و در نهایت شورای عالی دولت اعلام کرد: "حجاب به تنهایی دعوت به تعصب دینی نیست و از این رو تعداد بسیاری از دختران محجبه (در سال 1999) به کلاس های خود

برگشتند. همچنین یکی از نویسندگانی که همواره در تخریب چهره اسلام می کوشید به نام "برجیت باردو" با پیگیری این فدراسیون محکوم شد. این فدراسیون هم اکنون به جای مسجد پاریس، متولی نظارت بر ذبح اسلامی است.

بشاری، مدیریت مسجد پاریس را از این جهت که منصوب از جانب حکومت فرانسه و حافظ منافع و مصالح آنانست مورد انتقاد قرار می دهد و معتقد است نه تنها امروز، "دلیل بوبکر" مسئول مسجد پاریس و پدرش متولی پیشین این مسجد در راستای اسلام فرانسوی تلاش می کنند، بلکه در دوره استعمار الجزائر توسط فرانسه نیز در خدمت استعمار بوده اند و بهمین سبب "حرکی" خوانده می شوند.

فدراسیون، در ژوئیه 2005 در نوبت انتخاب اعضاء و رئیس مواجه با اختلافات و رقابت هایی شد که بین آقای بشاری و آقای بوصوف پیش آمد و در نهایت در ژانویه 2006 در انشعابی که پیش آمده "مجمع مسلمانان فرانسه" از دل فدراسیون متولد گردید.

## 5 - بنیاد تبلیغ

### (1)

این بنیاد در فرانسه در بین سالهای 1968-1971 تأسیس گردید این شاخه از بنیاد تبلیغ مربوط به مؤسسه مشابه می باشد که از حدود سال 1927 در هند پایه گذاری شده است و در بیش از 90 کشور فعالیت دارد. در فرانسه این بنیاد دو بخش دارد که یکی در مورد دینداری و عمل اقدام می کند و دیگری در ارتباط با تبلیغ و دعوت. این بنیاد طرفداران خود را ملتزم نموده است که از

ص:49

دعوت فرد به فرد و چهره به چهره و خانه به خانه مسلمانان، برای حفظ التزام عملی به اسلام جانبداری کنند. بیشتر افرادی که زیر پوشش این بنیاد قرار دارند، اصالتاً هندی هستند و حدود 163 مرکز، مسجد و نمازخانه را در اختیار خود دارند. نخستین رهبر این گروه شیخ محمد الیاس است که در سال 1880 در هند متولد شد و تخصص او در قرآن و حدیث بود و معتقد بود که مدارس صرفاً به آموزش جوانان می پردازند و باید راهی برای تحول بزرگسالان پیدا کرد. همچنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین می کردند و لذا هر یک از طرفداران را مؤلف به آموزش دیگری می نمود فقط در همان بخشی که او قبلاً مسئله ای را آموخته بود. بیشترین فعالیت شاخه فرانسوی بنیاد تبلیغ در حومه ها و در زندان ها و در بیمارستان هاست و به عنوان بزرگترین بنیاد تبلیغی اسلامی تلقی می گردد.

در پاریس مقر اصلی آن در "مسجد الرحمن" سنت دنی قرار گرفته که جمعیت زیادی به طور دائم در آن رفت و آمد دارند و در کلاس های عقائدی که به صورت کوتاه مدت برگزار می شود شرکت می نمایند و اعضای این مرکز از برنامه های ذکری خاصی نیز به طور منظم تبعیت دارند. نام دیگر این بنیاد در پاریس انجمن ایمان و عمل است. (1)

## 6 - کمیته مسلمانان ترک در فرانسه (CMTF)

آمار مسلمانان ترک در فرانسه طبق یک برآورد 360 هزار نفر ذکر شده است که نیمی از آنان تحت نظارت کمیته مسلمانان ترک در فرانسه در میان

ص: 50

یکصد و سی و هشت مسجد و مرکز دینی پرورش می یابند. نیمی دیگر از ترک ها به مجموعه دیگری با عنوان "بخش فرانسوی ژوروس" وابسته اند. متأسفانه اطلاعات بیشتری از جامعه ترک زبانان تعلیم در فرانسه در اختیار نیست. در پاریس سه مسجد که هر کدام کمتر از یکصد نمازگزار را در خود جای می دهند به عنوان پایگاه مسلمانان ترک شناخته می شود.

## 7- فدراسیون فرانسوی انجمن های اسلامی آفریقاییان ( Ffaiaca )

آفریقا سرزمین طلا و ثروت های پنهان، به عنوان سمبل فقر و فلاکت در جهان شناخته شده است. لذا مجله " نامه بین المللی " (1) مقاله خود را در مورد فدراسیون و تشکیلات آفریقایی ها در پاریس، با جمله " آفریقایی های مسکین تبار " مسلمان آغاز می کند. او می افزاید که آفریقایی ها به دلیل فقدان توان مالی و تشکیلاتی نتوانسته اند جایی در شورای مسلمانان برای خود احراز نمایند. 2 خبرنگار این مجله مشاهدات خود از ساختمان محل تجمع این مسلمانان نجیب و با کرامت را با زبانی تحقیرآمیز چنین توصیف می کند: حیاط ساختمان آنان در پاریس 19 به هر خرابه و برزنی در شهر " داکار " شبیه است و در برابر یک ساختمان کهنه گروههایی از سنگالی ها با پیراهن های بلند، با کت یا باروپوش با زبان محلی با هم گفت وگو می کنند و چند بساطی هم اجناس درهمی را آنجا می فروشند. و سپس به تبیین سادگی امام جماعت و مأمومین این مرکز می پردازد و می افزاید: این آفریقایی ها دارای تشکلی با نام فدراسیون فرانسوی انجمن های اسلامی آفریقایی ها هستند که در سال 1989 به وجود آمد و از

ص: 51

حدود 5 سال پیش ساختار این تشکل تجدید بنا شد. اما برحسب توضیحات رئیس این فدراسیون علی رغم شرکت این فدراسیون در همه پرسش‌های شورای مسلمانان در فرانسه، برای این گروه هیچ کرسی در نظر گرفته نشده است. امتیاز منفی دیگر این گروه آنست که از سوی حکومتی خاص حمایت نمی‌شود و صرفاً براساس تلاش‌های مؤسس آن و حمایت‌های طرفداران کم‌بضاعت آن دشوار است. یکی از مسئولین این فدراسیون در گفت‌وگو با خبرنگار مجله اظهار امیدواری کرد که در ساختار بعدی شورای مسلمانان در فرانسه (CFCM) این فدراسیون بتواند سهمی برای حضور پیدا کند. (1) این اتفاق در سال 2005 نیز نیفتاد ولی این فدراسیون که بخشی از بودجه آن را حکومت سنگال تأمین می‌نماید 47 مسجد و 12 مدرسه قرآنی را اداره می‌کند.

## 8 - مؤسسه اروپایی علوم انسانی

(2)

این مؤسسه در فرانسه مسئولیت آموزش عالی امامان جمعه و جماعت را به گونه‌ای که با فرهنگ غربی سازگار باشد، به عهده دارد. تحت نظر اتحادیه سازمان‌های اسلامی در فرانسه اداره می‌شود و بر آموزش کلام و الهیات اسلامی متمرکز است و با توجه به طیف فکری بنیانگذاران آن، باید اندیشه اخوان المسلمین در مصر را دنبال کند. این مؤسسه با این ایده پدید آمد که بگونه‌ای که در آن واقعیات جامعه غربی نادیده گرفته نشود. وظائف مؤسسه به شرح زیر تبیین گردیده است:

ص: 52

---

www.africatime.com (1) -1

institute europeen des sciences humaines (2) -2

1 - آموزش عالی امامان جماعت منطبق با اصول اسلامی و واقعیات جامعه فرهنگی اروپا

2 - تربیت مدرسین مراکز فرهنگی اسلامی و آموزش بینش اسلامی و زبان و ادبیات عربی به آنان

3 - پرورش محققین و پژوهشگران رشته های مختلف علوم اسلامی دارای سطح علمی و اجتماعی و فرهنگی منطبق با نیازهای جامعه غربی

4 - برگزاری سمینارهای علمی در موضوعات اسلامی، اجتماعی و فرهنگی

5 - نشر مقالات و کتب علمی و تبادل اطلاعات و دستاوردهای جدید پژوهشی

6 - تلاش برای سازمان بخشیدن به گفتگو و تفاهم بین الادیانی

این مؤسسه، دارای یک هیأت علمی است که زیر نظر آقای شیخ یوسف القرضاوی اداره می شود و با دانشگاه های عربستان سعودی، امارات، کویت، قطر، پاکستان و مالزی در ارتباط است.

## 9 - مسجد الدعوه

در حاشیه شهر پاریس و در کنار شهر بزرگ علم و صنعت مسجدی بزرگ با نمایی ساده و جمعیتی انبوه به چشم می خورد که یک استاد دانشگاه الجزائر از 27 سال پیش رهبری آن را به عهده گرفته است. این مسجد از کمترین بهره و

ص: 53

صبغه های حکومتی برخوردار است و دارای بیشترین اقبال مردمی است. دکتر العربی الکشاط یک مسلمان سنی مذهبی ولی نواندیش و پرتلاش است که این بنای انبارگونه را به یک آکادمی بزرگ تبادل فکر و اندیشه بین گروه های مختلف مسلمان، مسیحی، یهودی و لائیک تبدیل نموده است. غیر از شبستان مسجد که گاه طول صفوف نماز جماعت آن به خیابان کشیده می شود، از یک سالن کنفرانس در طبقه فوقانی برخوردار است که پایگاه کنفرانس های علمی و سیاسی است.

علی رغم کوشش بسیار مسئول این مسجد آقای دکتر العربی الکشاط برای کسب مجوز تعمیر بنای این مسجد و تشکیل پرونده در شهرداری محل و عدم وجود هیچ گونه منع و عذر قانونی و موجّه، این بنیاد فرهنگی و مردمی نتوانسته است مجوزی برای تجدید بنا دریافت کند. اما کار خود را در همین سوله بزرگ همچنان ادامه می دهد. آموزش های قرآنی و عرضه کتب و محصولات فرهنگی از دیگر فعالیت های این مرکز به شمار می رود. (1)

## متفکران مسلمان

### اشاره

از میان شرق شناسان فرانسوی، برخی به مسلمان بودن اشتهار یافته اند و برخی اظهار اسلام کرده اند. اما تاریخ نویسان نسبت آنان را با اسلام در حد اسلام شناس محدود نموده اند و رسماً به عنوان یک اندیشمند مسلمان معرفی نشده اند. شاید خود نیز به دلایل شرایط خاص محیط زندگی همین ابهام را ترجیح می داده اند. متفکرانی نیز در جامعه فرانسوی، از نخستین روز ولادت به

ص: 54



عنوان مسلمان شناخته شده و پس از گذراندن مقاطع تحصیلی خود در آکادمی های رسمی، سمت رهبری فکری جامعه اسلامی در فرانسه را پذیرفته اند که ما در این بخش فقط به معرفی اجمالی برخی از مصادیق دسته دوم یعنی شخصیت های معروف و معاصر جامعه اسلامی در فرانسه می پردازیم:

## 1 - محمد حمیدالله (1908-2002)

(1)

او مشهورترین مترجم قرآن کریم به زبان فرانسه است که در 19 فوریه سال 1908 در حیدرآباد هند به دنیا آمد و در جوانی به تحصیل علوم قرآنی در حجاز پرداخت و لوح افتخار حفظ قرآن کریم را در آن کشور گرفت. و با فاصله کمی موفق به اخذ دیپلم حقوق

بین المللی از مراکز آموزش متوطه در هند گردید و از دانشگاه بُن در آلمان در رشته حقوق بین المللی اسلامی در مقطع دکتری فارغ التحصیل شد. با آنکه پنج دوره دکتری را گذرانده و از پنج رساله دکتری دفاع کرده و مدرک آن را دریافت کرده است، ولی معتقد بود تمامی آنها به اندازه دیپلم حفظ قرآن او اهمیت ندارد. او 22 زبان می دانست. و به پنج زبان تسلط داشت. در سال 1948 و به دنبال بحران سیاسی در هند به فرانسه تبعید شد و حدود پنجاه سال در این کشور زندگی کرد. به مدت 24 سال در [CNRS](#) به عنوان پژوهشگر فعالیت

ص:55

---

Mohammed Hamidullah (1) -1

center national de recherche seiantiphique - (2) -2 [مرکز ملی مطالعات علمی در پاریس]

نمود و به عنوان استاد مدعو در بسیاری از دانشگاه ها و از جمله دانشگاه ترکیه تدریس می نمود. حمیدالله با بسیاری از شرق شناسان معاصر ارتباط داشت که از آن جمله می توان به لوئی ماسینیون، ژاک برگ و هانری لائوست اشاره کرد. وی پیشگام عرصه گفت و گوی ادیان در فرانسه بود. او در به وجود آمدن بسیاری از سازمان ها از جمله مرکز فرهنگی اسلامی (1958) سازمان دوستی اسلام و فرانسه (1962) و سازمان دانشجویان مسلمان در فرانسه (1963) سهم مؤثر داشت. شهرت او مرهون آن است که حیاتش را صرف معلمی کرد. برپایی جشن های ازدواج برای جوانان از ابتکارات اوست. او عامل و شاهد تشریف بسیاری از افراد به اسلام بود. او اولین مسلمانی است که قرآن را به طور کامل در سال 1959 از متن اصلی و عربی آن به فرانسه ترجمه کرد. او سفرهای زیادی به کشورهای اروپایی و کشورهای اسلامی نمود و در مورد نسخه های خطی قدیمی کتب اسلامی کار ویژه ای، اساسی داشته است. و بخصوص به تحقیق و بررسی این نسخه ها در کتابخانه های دمشق پرداخته است. او تمام عمرش را در مسیر تعلیم و تعلم با عشق و تواضع و مهربانی گذراند.

او عمری با برکت داشت و بیش از 40 کتاب و 2000 مقاله در طول عمر با برکتش در موضوعات متنوع از حقوق بین الملل تا گیاه شناسی منتشر کرده است. مهم ترین آنها عبارتند از: ترجمه آداب الحکومه سرخسی (فقه حنفی)، سیره ابن اسحق، آشنایی با اسلام، زندگی و دستاوردهای پیامبر اسلام، حج، چرا روزه بگیریم، شش نامه مهم پیامبر اسلام، سپاه پوستان در عصر پیامبر اسلام، هزار و چهارصدمین سال ظهور اسلام. او در 17 دسامبر سال 2002 در شهر جکسون آمریکا، در سن 95 سالگی درگذشت.

(1)

او در سال 1928 در روستایی کوچک به نام تی زی وزو در منطقه عشائری الجزائر به دنیا آمد و آموزش های ابتدایی را در شهر خود به پایان برد و به دانشگاه الجزیره راه یافت. ولی

تقید اساتید دانشگاه الجزیره به اسلام سنتی و اعتقاد ارکون به استعماری بودن آموزه های غربی روح نواندیش او را اقناع نمی کرد. (2) و لذا تصمیم گرفت به مرکز تفکر و اندیشه غربی که اتهام استعمار الجزائر را بر دامن داشت برود و اندیشه آنان را از نزدیک بکاود.

برای تحقق این هدف محمد ارکون به پاریس رفت و در دانشگاه سوربن به تحصیل پرداخت و از سال 1965 عضو هیأت علمی گروه زبان عربی دانشکده ادبیات سوربن بود و در سوربن 3 در رشته تاریخ تفکر اسلامی تدریس می نمود. و با اکثر مراکز اسلام شناسی و شرق شناسی در تماس قرار گرفت و هم اکنون در همان دانشگاه استاد تاریخ تفکر اسلامی است. اگرچه طبق مقررات می بایست از سال 1993 بازنشسته شود ولی هنوز کرسی درس و سنگر مطالعه و پژوهش را رها نکرده است. (2006)

او به عنوان یکی از زمامداران اسلام مدرن و لیبرال در فرانسه شناخته شده است که مدلی جدید از اسلام عملی را ارائه می کرد و آن را در

ص: 57

---

1- (1) Mohammed Arkoun [ به عربی او را ارغون می خوانند ]

2- (2) این اظهارات از او در کتابی باعنوان "نواندیشان اسلامی" Les Nouveaux Penseurs de L,islam چاپ انتشارات "آلبن میشل" سال 2004. ص 90 درج شده است.

دانشگاه های مختلف اروپا و آمریکا تدریس می نمود.

اهم آثار او عبارتند از: اومانيسم عربی در قرن بیستم (1982)، قاریان قرآن (1982)، نقد عقل اسلامی (1984)، اسلام، اخلاق و سیاست (1986)، دین و لائیسیتته و انسان باوری و اسلام (2005).

### 3 - طارق رمضان

او پژوهش گری مصری تبار و متولد سوئیس است. در 26 اوت سال 1962 در ژنو به دنیا آمد. خانواده او به اصلاح گر بزرگ مصری حسن البناء انتساب دارند و او را از طیف فکری اخوان المسلمین می خوانند. او برای تحصیلات دوره اول

دانشگاه، فرانسه را انتخاب کرد و در رشته فلسفه به تحصیل در سوربن پرداخت. اما برای دکتری دوباره به ژنو برگشت و در رشته ادبیات و تمدن عرب در ژنو فارغ التحصیل گردید. و پس از آن در سال 1992 یک سال به قاهره رفت و مطالعات خود را در آنجا دنبال کرد. از سال 1993 به مدت چهار سال ریاست کالج ژنورا به عهده گرفت. اما ارتباط او با جامعه فرانسوی و نفوذ او در بین جوانان فرانسوی از سال 1994 همچنان باقی بوده و هست و همچون ارکون از تئوریسین ها و طرفداران اسلام اروپایی است. کتاب او در این مورد با عنوان "مسلمان اروپایی" تاکنون به 14 زبان زنده دنیا ترجمه

ص:58

شده است و در همین مقوله، کتاب های دیگری همچون: خطر اسلام گرایی (1995)، یک قرن اصلاح گرایی اسلامی (1998)، مسلمانان در فرانسه (1999)، اسلام و مدرنیسم غرب (1999)، عدم خشونت (2000) نوشته است.

او بین سال های 1996 تا 2003 به تدریس در موضوع اسلام شناسی در دانشگاه فرایبورگ اشتغال داشت. اما دولت آلمان در اوت از اعطاء ویزا به او خودداری کرد که مورد اعتراض اندیشمندان همچون ادوارد سعید و چومسکی قرار گرفت. برادر او هانی رمضان نیز در ژنو به عنوان یک مسلمان فعال مسئولیت اداره مرکز اسلامی ژنو را به عهده دارد. او امیدوار است بتواند نسل دوم مسلمانان را طوری تربیت کند که ضمن قبول فرهنگ کشور محل اقامت، احترام و وفاداری خود را به قرآن و حدیث حفظ نمایند. او توصیه می کند اندیشمندان مسلمان مانند دیگر اندیشمندان به مطالعاتی خارج از حوزه دین نیز بپردازند. از سوی دولت فرانسه مدت کوتاهی از اقامت در فرانسه به اتهام تهدید برای نظم عمومی محروم شد. ولی کاست های وی به سرعت در بین جوانان رواج یافت. به دنبال انتشار بیاناتش در سایت الامة (1) به ضدیهودی بودن متهم گردید. در این سخنرانی او گفته بود که دانشمندان همچون الکساندر اولر، الن فینکل کرو، برنارد هنری لوی، آلن گلوшمن و برنارد کوشه در فرانسه شخصیت های بین المللی و حقوق بشری نیستند. بلکه از یک گروه محدود دفاع می کنند و آنان را به دلیل حمایت از اسرائیل و تجاوز به عراق سرزنش کرده بود و ادعا کرده بود آمریکا به این دلیل صدام را ساقط کرد که اسرائیل، مخالف صدام بود. او همچنین در پرونده حجاب وارد شد و رسماً با نیکولا سرکوزی در این مورد به مناظره پرداخت.

ص: 59

در 17 ژوئیه 1913 در مارسسی دیده به جهان گشود. او فراز و نشیب های مهمی را در زندگی پشت سر گذارد. سخنی از دوره تحصیلات او در هیچیک از منابع معرفی وی به میان نیامده و صرفاً به بررسی تحولات فکری دهه چهارم زندگی او تاکنون بسنده شده است. فقط در یک مصاحبه خود او

می گوید در سال 1933 دانشجوی فلسفه بودم و با کشیش های پروتستان رفت و آمد داشتم. بعد از آن گارودی در سال 1939 وارد ارتش فرانسه شد و یک سال بعد به اسارت نیروهای آلمانی درآمد و سه سال در اسارت بود. او روزی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست و مدتی سخنگوی این حزب بود. مجموعاً فعالیت های او در حزب کمونیست حدود 25 سال از عمر او را در برمی گرفت. [1945-1971 تا آنکه به دلیل انتقاد از رهبر حزب، از این حزب اخراج گردید. دو دهه از همین دوره را نماینده حزب در پارلمان و در سنای فرانسه بود. پس از جنگ جهانی دوم از اندیشه های

مارکیستی جانبداری می کرد و تقریباً از سال 1972 مذهب کاتولیک را پذیرفت و تا 1981 مسیحی بود و در سال 1981 همزمان با نامزدی برای ریاست جمهوری به اسلام گروید و نام "رجاء" را به جای "رژه" بر خود نهاد و پس از آن به کشورهای عربستان و امارات و چندین بار به ایران سفر کرد. وقتی از او پرسیدند چگونه اسلام را پذیرفته است؟ گفت من اسلام را نپذیرفته ام بلکه به سوی آن آمده ام. زیرا با بررسی آیات قرآن دریافتم که اسلام دین جدیدی نیست. اگر جدید بود با ادیان پیش تناقض داشت. اسلام عصاره و مکمل ادیان پیشین است. زیرا اصل دین یکی است و اختلاف در نحوه ارائه آن از سوی پیامبران به مردم است.

همعنان با سیر تحول فکری او، قلمش نیز نشانگر ماندگار این فراز و فرودهاست. او با کتاب خدا مرده است در سال 1962 شروع کرد و کتاب های: کارل مارکس (1965)، لنین (1968)، چرخش بزرگ سوسیالیسم (1969)، بازیابی امید (1971)، فراخوانی زندگان (1979)، یک قرن گزارش گوشه گیرانه (1989)، آیا به خدا نیاز داریم - [با مقدمه کشیش بزرگ آبه پی بر (1993)]، به سوی یک جنگ اعتقادی (1995)، اسلام و تمامیت خواهی (1996)، افسانه های بنیانگذار دولت اسرائیل (1996)، عظمت و زوال اسلام (1996)، اسلام در غرب (2000)، تروریسم غربی (2004)، نمونه ای از پنجاه کتاب او را تشکیل می دهند.

او به خاطر کتاب "افسانه های بنیانگذار دولت اسرائیل" در هفدهم فوریه سال 1998 در دادگاه تجدیدنظر پاریس به پرداخت 120 هزار فرانک جریمه محکوم گردید. و مکرر مورد تعرض یهودیان در پاریس قرار گرفت.

## 5 - دکتر تیجانی

دکتر محمد تیجانی در سال 1936 میلادی در شهر "قفصه" یکی از شهرهای جنوبی کشور تونس، در خانواده ای سرشناس و مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلاتش را تا پایان دبیرستان در همان

جا گذراند و سپس در دانشکده علم و صنعت تحصیلاتش را تا اخذ مدرک مهندسی ادامه داد. وی از کودکی به معارف دینی علاقه فراوانی داشت و با استعداد فوق العاده ای که داشت، در علم و تقوا معروف شد. او در همان سنین جوانی، امام جماعت شهر بود و تفسیر و فقه تدریس می کرد. در مسافرت های فراوانی که به مصر، حجاز، عراق و کشورهای دیگر برای کسب معرفت و آگاهی و ادای حج و عمره داشت، توفیق گفتگو و بحث با اندیشمندان زیادی را کسب کرد و در سمینارها و کنفرانس های زیادی شرکت نمود. از وی آثار فراوانی به زبان های مختلف منتشر شده که برخی از آنها عبارتند از: ثم اهتدیت، لاکون مع الصادقین، فاسئلوا أهل الذکر، الشیعه هم أهل السنه، اعرفوا الحق، کل الحلوان عند آل الرسول، مؤتمر السقیفه، فسیروا فی الارض فانظروا، أجبیوا داعی الله و... این کتاب ها به زبان های زیادی ترجمه و در تیراژی بی شماری منتشر شده اند. خانواده تیجانی به دلیل شهرت کتاب های وی و به دلیل اداره یک مرکز فرهنگی در قلب پاریس مورد توجه مسلمانان در پاریس بوده اند. با آنکه مدت هاست او آمریکا را به عنوان محل اقامت انتخاب کرده است، اما همچنان به عنوان یک اندیشمند در کنفرانس ها و مجامع فکری شرکت می کند و با اهل قلم و اندیشه در پاریس ارتباط دارد.

دکتری او در رشته بررسی تطبیقی ادیان و مذاهب بود که از سوربن 1 در این رشته فارغ التحصیل گردید.

## مسئله حجاب در فرانسه

ریشه ماجرای حجاب را باید در پیش بینی های جامعه شناسانه مربوط به بافت اجتماعی فرانسه در سال های 2025 و 2050 جست و جو کرد که رشد

جمعیت مسلمانان و تبدیل شدن آنان به یک قدرت و یک اکثریت، هراس جدی در مورد مناسبات آینده اسلام و قدرت های حاکم در منطقه ایجاد کرده



است. اما دولت فرانسه ماجرا را به اصل لائیسته در قانون اساسی

این کشور ربط می دهد. لذا ابتدا، ماجرا را از زاویه دید دولت و برحسب قانون موجود در این کشور می کاویم و سپس اشاره هایی به انگیزه های اصلی این ممنوعیت خواهیم داشت.

در قانون جدائی دین (کلیسا) و دولت مصوب سال 1905 چنین آمده است: ماده 1 - جمهوری فرانسه آزادی مذهب را قبول دارد. ماده 2 - جمهوری فرانسه هیچ دینی را به رسمیت نمی شناسد و به هیچ دینی کمک مالی نمی کند. همچنین در قانون الحاقی (به قانون اساسی) مصوب سال 1946 در این باره تأکید می کند که: فرانسه یک جمهوری "غیرقابل تقسیم" "لائیک" "دموکراتیک" و "اجتماعی" است. به بیان دیگر دموکراسی و لائیسیتته جدایی ناپذیرند و روحیه اجتماعی و مردمی بودن یک جمهوری به روحیه لائیک بودن آن جمهوری است. چرا که جمهوری متعلق به همه مردم است و دموکراسی، حاکمیت مردم است. این مسأله در ماده دوم قانون اساسی 14 اکتبر سال 1958 کامل تر شد. به این معنا که حکومت موظف به احترام به همه ادیان گردید. امری که از آن می توان مراد، معنی و روح لائیسیتته را در قوانین پیشین درک نمود.<sup>(1)</sup>

ص: 63

---

Bauberot "Jean" La Laicite Occidental est elle. Fille de La Bible. ConFrance, 2000. Tise. Debat Jean (1) -1  
.albert le 28 Janvier 1998 a Toulouse

بسیاری بر این باورند که لائیسیته دارای مبنایی دینی است(1) و از این سخن انجیل گرفته شده است که می گوید: مال سزار را به سزار برگردانید و مال خدا را به خدا!!(2) بر همین اساس مقالاتی ارائه شده است که در آن بر سهم مادی و معنوی کلیسا در ایجاد حکومت لائیسیته تأکید گردیده است.(3) و در همین رابطه یک نویسنده فرانسوی به نام "جرج ویل" کتابی در 412 صفحه با عنوان "تاریخچه جدایی سیاست از دین در قرن نوزدهم فرانسه" تدوین کرده است که در آن از رابطه بین اندیشه لائیسیته و تفکر کلیسایی پرده برداشته است.(4)

اما حکومت لائیکی که بدنبال نزاع با کلیسا در قرن هفده و هجده تأسیس گردید، در عمل بسیار سازگارتر بادین از مفهوم لائیسیته فعلی بود. بدین معنا که حتی در مدارس به عنوان قلب جدال کلیسا و دولت هدف از لائیسیته چیزی جز بی طرفی (آن هم بی طرفی اساتید نه شاگردان) نبود. حکومت نیز متعهد شده بود تا در مورد ادیان مختلف به ایفای نقش خود در قالب نوعی بی طرفی مثبت بپردازد. اما آنچه امروز جامعه فرانسه شاهد آنست نوعی بی طرفی منفی، بلکه جانبداری از نفی ادیان و تقویت جانب بی دینی بر دین داری است. چرا که ضدیت با مظاهر دینی اولین قدم در راستای خلع سلاح ادیان و مبارزه با آنها تلقی می گردد.

این نوع تفسیر منفی از لائیسیته و تصویب قانون منع حمل علائم مذهبی

ص:64

---

1- (1) Raynal. Histoire des grands courants de la pensee politique. Paris. Hachette. 1999. P.13

2- (2) "MT. 22. 2. "rendez a cesar ce qui est a cesar et a Dieu ce qui est a Dieu"

3- (3) Le mond diplomatique. Desembrt. 2004

4- (4) جرج ویل. تاریخچه جدایی سیاست از دین در قرن نوزدهم فرانسه، اشبت پلوریل. 2004.412 صفحه. 10/80 یورو

در مدارس، براساس آن، نه تنها با نیت بانیان اولیه لائیسیتته ناسازگار و دور از روح مواد قانون اساسی فرانسه است، بلکه با اصولی از اعلامیه جهانی حقوق بشر در فرانسه و قوانین بین المللی موجود مخالفت دارد.

در ماده 10 اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب فرانسه مورخ 26 اوت 1789 آمده است: "هیچ کس نباید برای عقائد خویش حتی عقائد دینی" مورد پیگرد قرار گیرد. مشروط بر این که اظهار این عقائد نظم عمومی مستقر توسط قانون را آشفته نسازد.

در ماده 18 اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 10 دسامبر 1948 نیز چنین آمده است: "هر شخص دارای حق آزادی فکر و وجدان و دین است. لازمه این حق، آزادی تغییر دین یا باور است. همچنان که آزادی ابراز دین و باور خود؛ خواه به تنهایی یا با دیگران، علنی یا خصوصی، از طریق آموزش و انجام مناسک از لوازم دین حق است."

در ماده 9 کنوانسیون پاسداشت حقوق بشر و آزادی های بنیادین، مصوب رم، 4 نوامبر 1950 در مورد آزادی دین و حق ابراز آن می خوانیم:

1 - هر شخص دارای حق آزادی اندیشه، وجدان و دین است. این حق متضمن آزادی تغییر دین یا باور است: همچنان که آزادی ابراز دین یا باور را به صورت جمعی، عمومی یا خصوصی از طریق معلم و کشیش و آموزش و انجام مناسک، در بر می گیرد.

2 - آزادی ابراز دین یا باورها نمی تواند مورد هیچ محدودیتی واقع شود. غیر از محدودیت هایی که در یک جامعه دموکراتیک، موازین ضروری امنیت عمومی، حفظ نظم، سلامت یا اخلاق عمومی و آزادی های دیگران تعیین می کند.

رعایت این موارد برای تمامی اعضای اتحادیه اروپا بر طبق معاهده ای که در 1992 در ماستریخت امضاء شد لازم است. بر طبق ماده 17 این معاهده "هر کس ملیت یک کشور عضو را داشته باشد، شهروند اتحادیه اروپاست و باید از حقوق جدید با ابعاد فراملیتی آن را داشته باشد". بنابراین قانون "منع حمل علائم مذهبی تظاهرآمیز در مدارس" با این حقوق مصرح در اعلامیه ها و کنوانسیون ها در تعارض است. زیرا مانع عمل به یک باور دینی می شود که آشفته ساز نظم عمومی نیست.

با این وجود در جریان تصویب قانون منع حجاب در مجلس فرانسه از 577 نماینده فقط 36 نفر به این قانون رأی مخالف دادند و مابقی یعنی اکثریت مطلق متفق القول با آن موافقت کردند این اتفاق رأی چند پیام و معنا دارد:

الف - نمایندگان مجلس فرانسه تقیدی به رعایت قانون اساسی کشور و کنوانسیون های بین المللی و منشور ملل متحد ندارند و الزامات عضویت در اتحادیه اروپا را نمی پذیرند.

ب - نمایندگان مجلس فرانسه، بیشتر منتخب رسانه ها و مافیای رسانه ای هستند و کمتر به خواسته ها و مطالبات عاجل متن جامعه فرانسوی توجه دارند. روشن است که لائیسیتته به هر معنایی که گرفته شود، به عنوان مطالبه عاجل مردم فرانسه از دولت، مطرح نیست. مردم در تظاهرات و شورش های خود در فرانسه حتی اگر برحسب ظاهر آن تفسیر شود، خواهان حفظ حقوق مدنی و به دست آوردن امکانات حقوقی و اجتماعی بیشترند. گرچه در تظاهرات و شورش های مارس 2006 تأکید بسیاری از اجتماع کنندگان این بود که مخالفت با جزء را به جای مخالفت با کل نگذارند!!

ج - در مجالس کشورهای اسلامی مانند ایران کرسی هایی برای اقلیت ها هر چند محدود باشند، در نظر گرفته شده است که نماینده یک اقلیت دینی با آرائی برابر با یک صدم آراء نمایندگان اکثریت، از حق مساوی در وضع قوانین برخوردار است. اما در مجلس فرانسه هیچ کرسی، از جامعه اسلامی بلکه از جامعه مسیحی این کشور که تمامی راهبه آنان به حفظ حجاب تقید دارند، نمایندگی نمی کند. یعنی 86 درصد مردم فرانسه که از ادیان آسمانی پیروی می نمایند از رأی مجلس فرانسه بی بهره اند. در حالی که 11 درصد مردم فرانسه مسلمانند اما از 36 هزار شهردار در شهرهای مختلف، یک نفر مسلمان نیست!

د - حقوق بشر، آزادی های عمومی و دموکراسی در غرب مفاهیمی ناستوار و در اختیار احزاب سیاسی و قدرت های رسانه ای هستند که آن را ضیق می کنند و وسعت می بخشند و هیچ معنا و مفهوم روشن و مداومی ندارند. یک کشور مهد تمدن و صادرکننده حقوق به دنیا، می تواند به راحتی و از یک مرکز حقوقی و قانونی، تمامی حقوق بخش گسترده ای از شهروندان خود را نادیده بگیرد و هیچ کس در دنیا به آن اعتراض نکند.

با این توضیحات روشن شد که مسئله حجاب در فرانسه، زیربنای اعتقادی، حقوقی و قانونی ندارد. اینک به بررسی نحو پردازش این جنجال در متن جامعه فرانسوی می پردازیم:

ماجرای جنجالی حجاب در فرانسه نخستین بار در سال 1989 در

دبیرستان "گابریل" در حومه پاریس، زمانی آغاز گردید که مدیر دبیرستان در برابر روسری سه دختر جوان مراکشی و تونس‌ی واکنش نشان داد. دو نفر از آن سه نفر بالا جبار روسری را از سر برداشتند. ولی دختر سومی به نام سمیرا اهل تونس مقاومت کرد و ترم بعد هر سه نفر با حجاب (روسری) به کلاس درس آمدند و خشم اساتید را به هیجان آوردند. مدیر دبیرستان "خانم ارنست شینه" در هجدهم سپتامبر آنان را از مدرسه اخراج کرد. ولی بعداً درصدد سازش برآمد و از آنان خواست توی کلاس روسری نداشته باشند. ولی ماجرای حجاب و درگیری های مربوط به آن پس از انتشار این اخبار، گستره وسیعی در اکثر شهرهای فرانسه پیدا کرد. تا آنکه در بیستم نوامبر 1992 شورای دولتی، دستور برگرداندن دختران محجبه اخراجی را صادر کرد. خانم فرانسوا میتران رئیس جمهور وقت فرانسه نیز از این نشان مذهبی جانبداری کرد. این جانبداری اگرچه موجب درگیری هایی در داخل سیستم حکومت گردید، ولی حمایت انجمن های لائیک، از بازگشت مجدد سه دختر جوان مسلمان به کلاس درس را نیز به همراه داشت و وزیر آموزش آن زمان "لیونل ژوسپن" که خود یک چپ گرای افراطی است نیز در این ماجرا به نفع مسلمانان موضع گیری کرد. اما تمام اینها باز هم نتوانست نظر مدیر مدرسه "گابریل" را تغییر دهد و راه را برای شرکت دوباره دختران در کلاس درس بگشاید و این منازعه بین دولتمردان فرانسه و مدیران مدارس ادامه یافت. برخی از کشورهای اسلامی از جمله پادشاه مراکش با ژست جانبداری از مراکشی های مسلمان و انتقاد از تصمیم فرانسه، علیه محدودیت های اعمال شده، سخن گفتند. ولی در نهایت سیاست سکوت را برگزینند. (1)

ص: 68

در فوریه سال 1993 این ماجرا با اخراج دختری دیگر از مدرسه به جرم حجاب جلوه ای دیگر می یابد. این دختر مسلمان مدتی در خیابان دست به اعتصاب غذا می زند(1) و در ژوئن 1994 یک نماینده مجلس از حزب راست گرایان با ارائه لایحه ای درباره منع حجاب در مدارس خواستار تصمیم نمایندگان در این مورد می شود. و در بیستم سپتامبر همین سال وزیر آموزش و پرورش آن زمان طی بخشنامه ای حجاب اسلامی را در ساختمان ها و محل های آموزشی ممنوع اعلام می کند و به دنبال آن در 25 نوامبر 94 حکم اخراج 24 دانشجوی محجبه از مدرسه "سنت اکسپری" در شهر "مانت لاژولی" که از پنجم اوت همین سال صادر شده بود، قطعی می گردد.(2)

سپس 11 دختر محجبه دیگر در شهر لیل از مدرسه اخراج می شوند. 3 یکی از این محکومان به اخراج از مدرسه به نام "سونیا" در مصاحبه با خبرنگار مجله "اکسپرس" می گوید: من دوست داشتم درس بخوانم تا روزنامه نگار شوم و حالا می خواهم با همین حجابم، روزنامه نگار شوم. چه با درس خواندن در مدرسه و چه در صورت اخراج از مدرسه! من هرگز اصولم را ترک نمی کنم. 4

در "گرونوبل" ثبت نام یک دختر محجبه را منوط کردند به این که فقط یک سال اجازه پوشیدن حجاب اسلامی را داشته باشد. با بروز و طرح نظرات مختلف و متفاوت، شکافی گسترده ای بین دولتمردان و بخش های مختلف جامعه فرانسوی در خصوص مسئله حجاب پدید آمد. برخی از متفکران فرانسه

ص:69

---

1- (1) هفته نامه نوول ابزرواتور شماره 1559 سپتامبر 94

2- (2) لوپرس 23 نوامبر 94 - لوموند 26 اکتبر 94 - اکسپرس شماره 23 نوامبر 94

همانند "ژیل کپل" استاد مرکز تحقیقات ملی فرانسه ضمن تأیید لائسیتته اعتقاد دارد باید یک لائسیتته بدون منع حجاب را پیش بینی کرد و برخی دیگر، برخورد اندیشه ای با مسئله حجاب را توصیه می کنند و معتقدند برخورد فیزیکی کارساز نیست. (1)

مفسر مجله اکسپرس نیز می نویسد: مدیران مدارس، دانش آموزان محجبه اخراجی را یکی پس از دیگری برمی گردانند. چرا که صحبت از مدارس مذهبی مطرح شده است و لذا ترجیح می دهند مسئله را خودشان به نحوی فیصله دهند. اما مسئله همچنان لاینحل باقی می ماند. در سال 98 وزیر کشور فرانسه آقای ژان پی یر شونمان حجاب را نشانه تحقیر خانم ها نسبت به مردها شمرد و خطاب به مسلمانان گفت: شما می توانید فرانسوی و مسلمان باشید. اما استفاده از روسری در مدارس مطلوب نیست. نظرات او یک بار دیگر آتش درگیری ها در مدارس را شعله ور ساخت تا آنکه رسماً در تاریخ 15 مارس سال 2004 پارلمان فرانسه قانون را "منع حمل علائم مذهبی تظاهرآمیز در مدارس" را به تصویب رساند. در حالی که 86 درصد مردم فرانسه از یک مذهب پیروی می کنند و طبعاً نشان های مذهبی مربوطه را به همراه دارند.

در برابر این همه ستمکاری علیه زنان مسلمان، در سال 1995 یک مؤسسه حمایت از زنان مسلمان با عنوان لیگ فرانسوی زنان مسلمانان اعلام موجودیت کرد تا با سامان بخشیدن به مؤسسات مختص به فعالیت زنان مسلمان، انسجامی در زمینه این فعالیت ها ایجاد، صلاحیت و سهم مؤثر زنان مسلمان را در اداره جامعه مطرح نماید.

ص:70

---

1- (1) 1 - نوول ابزواتور شماره 562 2 - اکسپرس شماره 23 نوامبر 94 3 - ligue francaise de la femme musulman

]]LFFM



چند روز پس از تصویب قانون منع حجاب در فرانسه چند خبرنگار زن ایرانی به خاطر حجابشان از ورود به صحن مجلس فرانسه منع شدند. در جواب اعتراض آنها گفته شد: مگر در ایران به زنان مسیحی اجازه حضور بدون حجاب در صحن مجلس و مدارس داده می شود؟ حال آنکه حجاب در اسلام از واجبات دینی است. ولی در مسیحیت نه تنها کشف حجاب واجب دینی نیست، بلکه اوج دین داری در زنان مسیحی ملازم با حجاب است و تمامی زنان راهبه در جهان، زنانی محجبه هستند. در تظاهراتی که در لندن به عنوان محکومیت منع حجاب برپا گردید یک پیرزن راهبه مسیحی پشت تریبون رفت و خطاب به جمعیت گفت: من با حجاب خود به اینجا آمده ام. اما یک مسلمان نیستم. من یک راهبه مسیحی هستم. من معتقدم این قانون منع حجاب بخشی از یک حرکت است برای حذف خداوند از جامعه"

سارا جوزف یکی دیگر از سخنرانان راهپیمایی لندن با حجاب اسلامی در پشت تریبون قرار می گیرد و خطاب به حاضرین می گوید: شما بر علیه استبداد سکولاریسم بنیادگرا به پا خواسته اید! استبدادی که صدای دین را از جامعه محو می کند و به تو می گوید حق نداری راجع به حضور دین در عرصه اجتماع حرفی بزنی!... دین را پشت درهای خانه هایتان داشته باشید.

خانم سلما یعقوب در بیانات خود در راهپیمایی محکومیت قانون منع حجاب می گوید: اگر آنها این جنگ علیه تروریسم را راه نینداخته بودند نمی توانستند به خوبی به مسلمانان اروپا حمله کنند. آنها باید به گونه ای دروغ هایشان را توجیه کنند. آنها اعلام کردند که ما برای حفظ حقوق زنان مسلمان در افغانستان به آنجا حمله می کنیم. پس چرا حقوق زنان مسلمان را

در کشور خودتان رعایت نمی کنید؟! افراطگرایی طالبان به همان میزان غیرقابل قبول است که افراطگرایی بنیادگرایان سکولار اینجا در فرانسه!

رمانا مجید یکی دیگر از اسلام گرایان فعال در جریان راهپیمایی می گوید: دولت فرانسه در حقیقت، طالبان سکولاریست است.

پلاکادری که راهپیمایان و دختران جوان محجبه در تظاهرات خود در لندن حمل می کردند بیانگر بسیاری از واقعیت ها و باورهاست. نمونه های تراکت های تبلیغات راهپیمایان چنین است: "حجاب آزادی است نه ظلم"، "حجاب حق من، انتخاب من، زندگی من"، "این انتخاب ماست نه شما!"، "منع حجاب! بوش هم چنین حماقتی نکرد!"، "اگر این دموکراسی است، ما می گوئیم نه! مرسی"، "سکولاریسم جهان را ویران کرده است"، "سکولاریسم عفت زنان را لکه دار می کند"، "مسلمانان انگلیس، سکولاریسم را به چالش می کشانند".

آری قانون منع حجاب در فرانسه علی رغم واکنش ها و مخالفت های فراوان به مدارس محدود نماند. بلکه مدتی پیش "ژاکوس مارتین" یکی از شهرداران مناطق پاریس اعلام کرد: زنان مسلمان که برای ثبت ازدواج به شهرداری ها مراجعه می کنند نباید حجاب داشته باشند. (1) وزیر کشور فرانسه آقای نیکولا-سرکوزی در آوریل 2003 اعلام کرد: زنان مسلمان برای صدور پاسپورت باید عکس بدون حجاب داشته باشند. دومینیک پرین وزیر دادگستری فرانسه در 25 نوامبر 2003 اعلام کرد که شخصاً یکی از اعضای منصفه یک دادگاه را به خاطر حجاب اخراج کرده است. او پس از این اقدام می گوید: من بودم که این جایگزینی را درخواست نمودم و مسئولیت این موضع گیری سیاسی را به عهده

ص:72

می گیریم. حجاب قبل از هر چیز مساوات بین زن و مرد را زیر سؤال می برد. (1) چندی پیش در مسابقات بین المللی ورزشی در فرانسه یک دختر مسلمان از انگلیس حضور داشت که به خاطر حجابش از دور مسابقات اخراج گردید.

کشورهای همسایه فرانسه، نیز به زودی از این شجاعت دولت فرانسه! کپی برداری کردند و همین مسیر را پیمودند. صدراعظم پیشین آلمان آقای "گرهارد شرودر" اعلام کرد: حجاب در میان کارکنان دولت و معلمان آلمانی جایی ندارد و در چند ایالت آلمان، حجاب معلمان ممنوع اعلام شد. نخست وزیر بلژیک نیز با اشاره به قانون منع حجاب در فرانسه گفت ما هم باید همان کار را انجام دهیم و طی دستوری منع حجاب بین کارمندان دولت، پزشکان، معلمان و مدارس را صادر کرد و وزیر خارجه این کشور اعلام کرد چادر باید از این کشور حذف شود. در اسپانیا اگرچه دولت منع حجاب را علناً آغاز نکرد اما یکی از مدارس حجاب را ممنوع اعلام کرد و وزیر آموزش و پرورش در حمایت از کار مسئولین این مدرسه حجاب را تبعیض علیه زنان دانست و وزیر امور اجتماعی این کشور حجاب را کاری غیراسلامی خواند.

آنچه تأسف انگیز است اظهارنظر برخی از مراکز و شخصیت های اسلامی است؛ همچون شیخ طنطاوی مفتی الازهر مصر که فتوی به لزوم تبعیت از قانون فرانسه در این مورد می دهد (2) و شورای ملی مسلمانان در فرانسه هم از

ص: 73

---

1- (1) [archquo.nowvelobs.com](http://archquo.nowvelobs.com)

2- (2) محمد طنطاوی مفتی دانشگاه الازهر مصر قبل از ملاقاتش با وزیر کشور فرانسه آقای نیکولا سرکوزی در قاهره گفته است اگرچه حجاب یک واجب دینی برای خانم هاست، اما هر دولت غیراسلامی اختیار دارد که هر قانونی را می پسندد وضع کند و زنان مسلمان در چنین شرایطی مجبور تلقی می شوند و می توانند بدون حجاب ظاهر شوند. "B.B.C.com".

آنان می خواهد به قانون فرانسه احترام بگذارند و فریب اغفال گران را نخورند. (1) اما برخی دیگر هم معتقدند رسانه های فرانسه هر وقت مطلبی پیدا نمی کنند مسئله حجاب را مطرح می کنند تا شکاف بین مسلمانان ایجاد کنند. (2)

طی سال های اخیر، مخاطبان شبکه های ماهواره ای غرب، شاهد گزارش های متعددی بوده اند که در آنها زنان گزارشگر غربی، بشاش و سرزنده و در هیئتی متمدن، با حداقل پوشش ممکن، به تهیه گزارش در میان زنانی پرداخته اند که سرپای آنها را پارچه های سیاه فراگرفته است و در محیطی ناامن و مملو از تحکمت و اجبارها از سوی مردان، محروم از موهبت های طبیعی حیات، در ناامیدی مطلق نسبت به زندگی، عمر، می گذرانند. تصویری که رسانه های جهان از زن مسلمان و حجابش در اذهان عمومی عالم، حتی خود این زنان، به نمایش درآورده اند؛ تصویر موجودی است بدبخت و اسیر توتم ها و سنت های کهنه و ناامیدانه چشم به جهان متمدن دارد تا با جنبش های رهایی بخش زنان، برای او آزادی به ارمغان آورند.

غرب، سرگرم ظرافت بخشی هر چه بیشتر به این گونه هجمه های فرهنگی، علیه حجاب زن مسلمان در کشورهای اسلامی بود که ناگهان فریاد حجاب خواهی از قلب اروپا و از سوی زنان و دختران تازه مسلمان سربر آورد. عملکرد دولت های اروپائی در تصویب قانون منع حجاب، بیشتر ناشی از گیجی و سردرگمی آنان در فهم و حل این معما بود؛ برای هم رنگ سازی تمام زنان جهان، در جهت بهره کشی جنسی و اقتصادی از آنان سال ها تلاش کردند و

ص:74

1- (1) فیگارو یازدهم اکتبر 94

2- (2) مصاحبه آقای محمد البشاری رئیس فدراسیون ملی مسلمانان در فرانسه با iRiB

حال، از درون خانه، فرزندانشان با حجاب اسلامی در خیابان های پاریس و لندن در حمایت از حجاب تظاهرات می کنند.

"نیری دوپومن" روزنامه نگار معروف فرانسوی، می نویسد: "از زمانی که اسلام را مورد مطالعه قرار دادم، مسئله مسلمان شدن زنان فرانسوی همواره تعجب مرا بر می انگیزد. بویژه که تعداد زنان مسلمان شده فرانسوی به حدود صد هزار زن رسید. من، همیشه این سؤال را می کردم

که چگونه زن فرانسوی که ثمره تلاش ده ها ساله خود در زمینه آزادی و برابری زنان را به تدریج به دست می آورد، به دینی روی می آورد که طبق گفته غربی ها حقوق زن را پایمال می کند؟!"

چندی پیش، دو دختر فرانسوی، از یک خانواده یهودی، در شمال پاریس به اسلام گرویدند. آنها با حجاب کامل اسلامی به مدرسه رفتند، اما پس از مدتی به خاطر حجاب از مدرسه اخراج شدند. پدر آلما (Alma) و لیلیا (Lila) از مسئولان مدرسه شکایت کرد اما فایده ای نداشت و آنها مجبور شدند در خانه ادامه تحصیل دهند.

"لارنت لوی" (Laurent Levy) می گوید: دخترانش آزادانه و با اختیار خود این پوشش را انتخاب کرده اند. پدر آلما و لیلیا یهودی است، اما خود اعتقادی به دین ندارد و در رابطه با حجاب دخترانش می گوید: "انتخاب بچه ها، مرا مقداری می آزارد. من فکر می کنم، این یک اشتباه است. فکر می کنم، این بدفهمی دنیاست، من نگرانم، زندگی یک زن در اسلام ممکن نیست به خودباوری او

بینجامد. "آلما" لبخند می زند و جواب می دهد: "اگر اسلام به ما خودباوری نمی داد، آن را انتخاب نمی کردیم."

به نظر می رسد، موج اسلام خواهی و در پی آن حجاب خواهی در غرب، قبل از آنکه نیازمند تحلیل از منظر جامعه شناسی باشد، نیازمند تحلیلی روان شناختی است. باید به روان فرد فرد شهروندان اروپائی که به اسلام، به عنوان آخرین راه، روی می آورند؛ رجوع کرد. "اسلام خواهی" در غرب پیش از آنکه یک جریان اجتماعی باشد، یک خواهش و نیاز عمومی است، یک عطش و تشنگی عمیق به عمق چند قرن؛ خواهش "معنویت" که شهروندان غرب قرن ها در عرصه های اجتماع از آن محروم بوده اند. خلأ معنویت در حوزه های جمعی جامعه، مانند محیط کار، مدرسه، دانشگاه، بازار، حکومت، رسانه ها و... و حتی خانواده به عنوان اولین هسته و نهاد اجتماعی، اساسی ترین عامل این عطش عمومی است. شهروند غربی می بیند که در اسلام معنویت و اخلاق در تمام حوزه های اجتماعی تعریف شده است؛ یعنی، همان گمشده درونی او که سال ها سرگردان آن بوده است.

امروزه، نوجوان و جوان غربی در اوج سردرگمی و بحران هویت قرار گرفته است. معلق میان تعلقاتی که رسانه ها و فضای غالب فکری فرهنگی جامعه برای او ساخته و وطن فکری خویش. انفجار اطلاعات، گسترش ابزارهای ارتباط جمعی، رسانه ها و... همه و همه به این سردرگمی دامن زده اند. این فضای سرگردانی، به شکلی پیچیده تر، نوجوانان و جوانان مهاجر کشورهای غرب را در خود فرو برده است و به همین نسبت جوانان دیگر مناطق جهان را که در این فضای فرهنگی رشد کرده اند، بحران هویت، همراه با

عطش شدید معنویت، آنان را به سمت ادیان و عرفان های شرقی مانند بودیسم، هندوئیسم و... می کشاند؛ اما چون آنها را جامع نیازهای فردی و اجتماعی خود نمی بینند به اسلام روی می آورند.

"برگیت جمیله"، جوان تازه مسلمان اروپائی، در شرح علل گرایشش به دین می گوید: "من در تمام طول دوران زندگی 26 ساله ام، انسان مذهبی نبودم و زندگی ام را مانند سایر افراد اروپائی، در خوشی و خوش گذرانی پشت سر می گذاشتم؛ اما همیشه در زندگی خویش احساس خلأ و کمبود می کردم. با وجود تمام تلاشی که در برطرف کردن این خلأ زندگی خود داشتم، باز هر روز، بیش از پیش، وضع روحی ام بدتر می شد. البته ظاهراً انسان شادی بودم... تماشای منظره زنان محجبه، صدای اذان مناره های مساجد، گویی روح مرا تکان می داد. شروع به مطالعه قرآن کردم، هرچه بیشتر می خواندم، احساس می کردم که وضع روحی ام روز به روز در حال بهبودی است... در سن 26 سالگی به اسلام گرویدم."

"مونیکا مالم استردم"، خبرنگار و مفسر رادیو سوئد، با تهیه گزارشی در زمینه گسترش اسلام در اروپا، برخورد خود با یکی از جوانان تازه مسلمان فرانسوی را این گونه نقل می کند: "در یکی از خیابان های پاریس به جوان 21 ساله ای به نام "سرژ" که شلوار جین بر تن و کوله پشتی بر دوش دارد، برمی خورم که شش ماه پیش مسلمان شده است. سرژ اظهار می دارد: از سطحی و توخالی بودن زندگی مدرن امروزی و ارتباطات بدون مرز سکسی و محل رقص و دیسکوتک و آبخواری رویگردان شده و با گرایش به اسلام ثبات و زندگی پر معنا و آرامی را شروع کرده است. از جمله صبح زود، از

خواب برمی خیزد تا عبادت روزانه خود را شروع کند. سرژ می گوید: "...احتیاج به قوانین و ثبات در زندگی فردی و اجتماعی نیز کمک می کند که جوانان فرانسوی رو به اسلام آورند، من و جوانان فرانسوی دیگری که مسلمان شده ایم، سعی داریم که دوستان و همسالان خود را نیز به گرایش به اسلام راهنمایی و تشویق کنیم."

خروج امت اسلامی از مصائب، بلکه امتحانانی که در آن غوطه ور است، ممکن نیست مگر با اتحاد در تمام سطوح. و اتحاد، گرچه با شعار شروع می شود ولی به شعار ختم نمی گردد و باید به سطوح عینی و عملی در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشیده شود. مسلمانان فرانسه و اروپا در این بلیه ای که گرفتار شده اند، پیروز خواهند شد اما به یک شرط: که مؤمن باشند. ایمان و تقوی، اول شرط خروج اصحاب حق از مصائبی است که به آن مبتلایند. ایمان و تقوی، نه صرفاً به عنوان یک توصیه اخلاقی، بلکه به مثابه یک راهکار استراتژیک می تواند ناجی مسلمانان اروپا از ظلم و تحکم طاغوت سرمایه داری باشد. اما ایمان، ملازم جهاد در دو حوزه فردی و اجتماعی است و صبر، شرط به ثمر نشستن جهاد.

مسلمانان فرانسه و اروپا، علاوه بر پایبندی به سه عنصر "ایمان"، "صبر" و "جهاد" و تأکید بر "اتحاد" (چه وحدت در صفوف داخلی و چه وحدت جامعه جهانی اسلام، یعنی امت اسلام) برای نیل به پیروزی نیازمند رهایی از سیطره فرهنگ و تمدن مادی هستند. "اومانیسیم"، "فردگرایی"، "ناسیونالیسم"، "مصرف زدگی"، "سکولاریسم"، "تحلیل حیات با عقل معاش"، "نگاه ماشینی به زندگی" و... زنجیرهایی هستند که انسان معاصر از جان خویش برنیفکند



نای حرکت، مقاومت و مبارزه را نخواهد داشت.

امروز، علاوه بر همه "هست و نیست" های تلخ و شیرین، مسلمانان اروپا و جهان "باید و نباید" های جدی را در پیش رو دارند. امروز، مسلمانان علاوه بر تحلیل هست و نیست های جهان پیرامون، نیازمند شناخت باید و نبایدهای حرکت و عمل می باشند. "چه باید کرد" و "چه نباید کرد" باید در کنار تحلیل هست و نیست های امروز امت بنشینند و این هر دو مقوله معرفتی، باید تبدیل به عمل و حرکت شوند.

خروج از انفعال و حضور فعال در صحنه های جامعه، دست نکشیدن از اصول و مبانی اسلامی در منازعه با روشنفکران و رسانه های غرب، تعریف هویت جدید اسلامی و تأکید بر عضویت انفکات ناپذیر در جامعه جهانی اسلام (امت اسلامی) توجه به روح احکام و قوانین اسلام (مانند حجاب) علاوه بر تقید به احکام شریعت، حضور دختران و زنان مسلمان در عرصه های مختلف جامعه، با تأکید بر هویت اسلامی خود، برخورد و تعامل حسنه با سایر شهروندان غیرمعاند، پیروان دیگر ادیان و جلوگیری از جنگ مذهبی و قومی در این کشورها و تأکید بر وجه اشتراک استضعاف و دشمنان مشترک، یعنی سرمایه داران پول پرست، دولت های استکباری و رسانه های ذی نفوذ و... همه و همه از جمله بایدها و نبایدهایی است که مسلمانان اروپا بخصوص زنان مسلمان، در این بلیه و آزمایش سخت، در پیش رو دارند. اما امت نیز در قبال مصائب عضوی از پیکر خود، - یعنی مسلمانان فرانسه و اروپا مسئول و مکلف است؛ همبستگی و حمایت بی دریغ در تمام سطوح از مسلمانان اروپا و زنان محجبه، تأکید بر هویت امت واحده و عدم انفکاک اقلیت های مسلمان جهان از

ص: 79

پیکره امت اسلامی است. تلاش زنان و دختران مسلمان در دارالسلام برای زدودن این ذهنیت نادرست که حجاب را در کنار اکراه و اجبار تصویر می‌کند. ارتباط بیش از پیش با مسلمانان اروپا از طرق وسائل ارتباط جمعی، بخصوص اینترنت، فرهنگ سازی در حوزه های مختلف هنری و غیرهنری، توسط هنرمندان و نخبگان امت اسلامی، در جهت رفع ظلم بر مسلمانان غرب و حمایت بیش از پیش مسلمانان از آنان و... از جمله بایدها و نبایدهای پیش روی امت اسلامی در هر گوشه ای از کره زمین است.

پایان کلام این که، خداوند؛ سرنوشت هیچ جامعه ای را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه اعضای آن جامعه، خود تصمیم به تغییر در سرنوشت خویش بگیرند. چرخ تاریخ را تحولات انفسی و روحی در بطن جوامع بشری و قبل از آن اراده بر تحول است که به حرکت در می‌آورد. و این تحولات انفسی بستر شکل‌گیری انقلاب‌های حقیقی در جهان است، مسلمانان و مستضعفین جهان، امروز توان آن را دارند که با اتحاد ایمانی و تغییر و تحول انفسی و روحی در وجود خویش، فصلی جدید در تاریخ بشریت بگشایند که آغازی بر پایان قرن‌ها انقطاع جوامع و حکومت‌ها از عالم وحی و استقرار مجدد عدالت بر کره زمین باشد. (1)

### لائسیته در فرانسه

با آن که دین در فرانسه سابقه دیرینه داشته است و هم اکنون نیز ترکیب اصلی ساختار جامعه فرانسوی را معتقدان به ادیان آسمانی تشکیل می‌دهند و

ص: 80

---

1- (1) بخشی از این مطالب از مقاله آقای مویدی در مورد حجاب تهیه شده است

تنها 14 درصد از مردم لائیک هستند. اما به دلیل جنگ های صلیبی، مسائل مترتب بر انقلاب کبیر فرانسه و سابقه ای که از تحکم کلیسایی در اذهان مردم فرانسه وجود داشت، دولت، توانست اصل جدایی کلیسا از دولت را به عنوان یکی از بنیانی ترین اصول جمهوری فرانسه مقبولیت بخشد و در سال 1905 رسماً کلیسا از دولت جدا گردید و طی قانونی، حکومت فرانسه متعهد گردید که ضمن عدم رسمیت هرگونه آئینی در قالب جمهوری فرانسه، آزادی عقیده و آئین را برای معتقدین به ادیان تأمین کند. بنابراین می تواند قانون سال 1905 را در فرانسه مبدأ یک تحول مهم اعتقادی و سیاسی در نظام حکومتی فرانسه محسوب کرد. با توجه به محدودیت های این پژوهش و با نظر به اهمیت موضوع لائیسیته در تحولات فرانسه بعد از 1905 با ارائه روزشمار تاریخ لائیسیته و اسلام در فرانسه در این بخش اکتفاء می نمایم:

9 دسامبر 1905: اعلام جدایی کلیسا و دولت

2 ژانویه 1907: تصویب قانون عمومی آئین مذهب

4 اکتبر 1946: وارد کردن اصل لائیسیته در قانون اساسی جمهوری فرانسه

72 نوامبر 1989: اظهار نظر شورای دولتی در خصوص حجاب بر اساس درخواست وزارت آموزش و پرورش در قالب نظام لائیسیته

4 می 2003: اولین نشست شورای جامعه مسلمانان فرانسه

3 ژوئیه 2003: تشکیل خبرگان لائیسیته به دستور ژاک شیراک جهت بررسی مجدد قانون لائیسیته و قانون حجاب برای گزارش در سال 2004

ص: 81

15 مارس 2004: تصویب قانون منع پوشش علائم مذهبی در مدارس، آموزشگاه های دولتی

81 می 2004: اجرایی شدن قانون منع حجاب در مدارس فرانسه

9 دسامبر 2005: بزرگداشت یکصدمین سال جدایی کلیسا و دین

## هراس از اسلام

موج جدید اسلام گرایی در فرانسه از اوایل دهه هشتاد قرن بیستم (1970) آغاز گردید و با واکنش های متفاوتی از سوی سیاست گزاران و مسئولان حکومت فرانسه مواجه بوده است. جبهه فعال و مداوم این رویارویی، مقابله و مواجهه رسانه ای و مطبوعاتی بوده است که هر روز با اتهام و سوژه ای نو و سامانه ای ویژه مدیریت می شده است. اتهاماتی همچون تروریست بودن، متعصب بودن، مخالف پیشرفت و نوگرایی، تبهکاری، سرقت، فاقد بهداشت و نظم و تربیت اجتماعی از تهمت هایی است که علیه مسلمانان مکرراً در رسانه ها و مطبوعات فرانسوی مطرح می شود. با همه اینها اخیراً واژگان اسلام ستیزی در منابع غربی به اسلام هراسی تبدیل شده تا با اتخاذ موضع مظلوم نمایی، افکار عمومی را در ترس و هراس از مسلمانان به دلیل ناامنی های مربوط به آنان توجیه نمایند.

یک محقق مسلمان فرانسوی که متولد یکی از مستعمرات فرانسه (رئنیون) است به نام محمد پاتل در مورد منشأ این هراس ها چهار عامل را به عنوان منشأ و عامل توجیه کننده این هراس ها ذکر می کند:

ص: 82

1 - تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی جهان انکارناپذیر است. متأسفانه تصویری که رسانه‌های غربی از اسلام ارائه می‌کنند فوق‌العاده وحشتناک است. پیش‌داوری‌ها و کاریکاتورهای متعددی که ارائه می‌شوند، نقش مخربی در اذهان عمومی دارند. به عنوان نمونه در موارد بسیاری برنامه‌های تلویزیونی که قرار است به موضوع اسلام پردازند با صحنه‌های جنگ و انفجار آغاز می‌شوند. پیام این‌گونه برنامه‌ها روشن و واضح است: اسلام برابر است با خشونت! و این پیام مسقیماً با افسانه‌نشر اسلام از طریق جنگ و به وسیله شمشیر مرتبط است. مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری نیز تصویری بهتر از این از اسلام ارائه نمی‌کنند: اکثر اوقات، تصاویر وحشتناکی، مقالات مربوط به اسلام را همراهی می‌کنند. پس نتیجه این می‌شود که ما همواره با پیام‌هایی از این قبیل روبه‌رو می‌شویم: اسلام یا آزادی؟ یعنی یا باید آزادی را برگزینید و اسلام را کنار گذارید و یا اسلام را بپذیرید و تمام آزادی‌های خود را از دست دهید! (گویی این دو با هم سازش‌ناپذیرند.) با چنین شیوه اطلاع‌رسانی، نمی‌توان در برابر بدبینی روزافزون غربی‌ها از اسلام متعجب شد. اما باید اذعان داشت که جنایات و بی‌عدالتی‌های زیادی با نام اسلام و به بهانه اسلام رخ داده است که بدون شک چنین اعمالی از نظر اسلام ناب محکوم است. اما اگر بی‌غرضانه با این مسئله برخورد کنیم باید بین دین و آموزه‌های آن از یک سو، و تجاوزات ناروای برخی از پیروان آن دین از سوی دیگر تمیز قائل شویم. هیچ‌گاه تا به حال نشنیده و نخوانده‌ایم که آئین

هندو، آئین خطرناکی است، تنها به این دلیل که برخی تندروهای هندو مرتکب جنایات سخیفی شده اند. یا مثلاً، هیچ زمان رسانه ها مسیحیت یا پروتستانتیسم را محکوم به جنگ جویی نکرده اند به خاطر درگیری های طولانی در ایرلند شمالی!! پس علت چنین عناد و سرسختی نسبت به اسلام چیست؟ علی الخصوص که اکثر اوقات کمتر توجهی به دلایل عمیق شورش یک ملت و یا ترجمان خشم و مطالبات آنها نمی شود!! من در اینجا، به هیچ رو، قصد توجیه کردن اعمال زشتی را که با نام اسلام صورت می گیرد، ندارم. اما توقع دارم که رویکرد یکسانی در بررسی مسائل مربوط به ادیان مختلف، در رسانه ها اتخاذ شود. همچنین فکر می کنم که نباید تنها به چگونگی رخداد جنایات پرداخت. بلکه باید به چرایی به وجود آمدن آنها نیز توجه کرد.

با مشاهده یک چنین عنادی، به نظر می رسد که پس از محو "تهدید قرمز شوروی" رسانه ها، دنبال دشمن جدیدی بودند: ظاهراً "خطر اسلام" به عنوان هدف حملات رسانه ها و جایگزین تهدید قرمز برگزیده شد.

2 - عامل دیگر هراس های موجود نسبت به اسلام که مستقیماً با عامل قبلی مرتبط است، ناآگاهی بخش اعظم جمعیت های غربی از پیام حقیقی اسلام است. طبیعی است که انسان همیشه از چیزی که برایش غریب به نظر می رسد، می هراسد. تمام آنچه ملت های غربی درباره "شریعت" شنیده اند، محدود به شریعتی است که تنها به عنوان یک سری قوانین کیفری و مجموعه ای از مجازات های وحشتناک تعریف شده است. یا

مثلاً در مورد "جهاد" گفته می شود تنها هدف این جنگ مقدس مجبور کردن تمامی غیرمسلمانان به اسلام آوردن است!! می بینید که معانی عمیق مفاهیم ارزشمند اسلامی، کاملاً نادیده گرفته شده و حتی در برخی موارد تغییر یافته است!!

3 - جنبه معنوی اسلام نیز می تواند به عنوان یکی از عوامل بدگمانی نسبت به اسلام محسوب گردد. در واقع، جوامع امروزی هر چه بیشتر به سمت مادی گرایی پیش می روند، سعی دارند خدا را فراموش کنند. بدین گونه، هر پیامی که این جوامع را به سوی بازگشت به خدا دعوت کند یا به سوی یک سری اعمال مذهبی روزانه، با برخوردی منفی و استقبالی ناشایست روبه رو می گردد. همین وضعیت برای اسلام نیز به وجود آمده است.

4 - بسیاری افراد اسلام را خطری برای برخی مفاهیم اساسی در غرب می دانند، مفاهیمی همچون مدرنیته، دموکراسی و لائسیته. علی الخصوص که متفکران معاصر در تزه‌های خود و مطبوعات از طریق مقالات متعدد این هراس را شدت و قوت می بخشند. ساموئل هانتینگتون بی هیچ ملاحظه‌ای، اسلام را به عنوان دشمن پتانسیل غرب، تعریف می کند و از دیدگاه وی جنگ تمدن‌ها اجتناب ناپذیر است. بارها مشاهده شده است که برخی مجلات در صفحات اول خود تیترهای درشتی مطرح کرده اند و بوسیله آن "اسلام و مدرنیته" یا "اسلام و دموکراسی" را در تقابل قرار داده اند. در عین حال امروزه روشنفکران مسلمان تمام توان و تلاش خود را به کار می گیرند تا نشان دهند که

اسلام به هیچ وجه رقیب غرب نیست و به هیچ رو مفاهیم ارزشمند غربی ها را زیر سؤال نمی برد.

محمد پاتل در پایان این بحث، بهترین روش مقابله با این وضعیت را احیای چهره حقیقی و واقعی اسلام می داند. برای نیل به این مقصود اولاً باید آموزه ها و دستورات حقیقی دین را نشر داد. ثانیاً باید خود، به عنوان الگو و نمونه مسلمانی به سایر مخلوقات احترام بگذاریم و در هماهنگی کامل با آنها همزیستی داشته باشیم. (1)

با کمال تأسف در عصر ارتباطات که مهم ترین ویژگی آن انفجار اطلاعات و رشد علوم و گسترش مرزهای دانش است باید اذعان کرد تاریکی و وسوسه های فکری و هجوم تبلیغات مسموم و انحرافی، رشد اندیشه را با مشکلات فراوان مواجه ساخته است. رسانه ها هر روز با بکارگیری لغت ترور و تروریست و محکومیت ظاهری و گزینشی آن، هزاران فکر و اندیشه را ترور می کنند و با بمب های شیمیایی بنای معلومات و اطلاعات بشری را مسموم و ناستوار می سازند. ممکن است اندیشه ای مخدوش و ناصحیح باشد. اما اندیشه ناصحیح را با تهمت و افتراء و تشویق اذهان تصحیح نمی کنند! بلکه با دادن اطلاعات درست و سالم و مقابله منطقی و استدلالی، ناروا را از میدان بیرون می رانند.

از جمله هجویاتی که در مورد اسلام نگاشته شده و در سطح گسترده ای چاپ و تکثیر گردیده است.

هجونامه اورینانا فالاجی تحت عنوان "غرور و غضب" است که در سال

ص: 86



2002 به چاپ رسیده است. این کتاب به منزله فریادی است در اعتراض به حوادث 11 سپتامبر حادثه ای که هنوز کسی نتوانسته اطلاع صحیحی از چیستی و چرایی آن ارائه کند، ولی می توان گفت بالاترین ضریه و لطمه را به مسلمانان وارد کرده ولی دلیل مهم ترین حربه را در کف دشمنان آنان قرار داده است. از دیدگاه نویسنده این کتاب حوادث 11 سپتامبر تنها یک اپیزود از دوره جدید جنگ های صلیبی هستند که پسران خدا بر علیه غرب به راه انداخته اند. غریبی، که از نظر آنان باید فتح شود و به اسلام روی آورد. پیام اصلی کتاب این روزنامه نگار ایتالیایی و اسلام ستیزی در پاسخ به 4 سؤال خلاصه می شود که او ابتدا سؤالات را بگونه ای جهت دار و سپس توضیحات خود را به شکلی ناسالم و تحریف شده چنین مطرح می کند:

## 1 - جنگ جویمان جدید صلیبی چه کسانی هستند؟

کوه یخی هستند که در رأس بخش قابل مشاهده این کوه یخ تروریست های اسلامیت، همچون بن لادن، قرار دارند، که توسط پادشاهی های نفتی و مراجع مذهبی حمایت می شوند. از نظر این نویسنده ایتالیایی، مساجد ایتالیا مملو از تروریست ها و حامیان تروریسم هستند. اما در بخش نادیدنی این کوه یخ، پسران خدا قرار دارند. که به بهانه مهاجرت به اروپا آمده اند!!

به نظر می رسد نویسنده کتاب تلفیق و آمیزه ای تشکیل داده از اسلام گراهای تندرو، متفکران مسلمان و مهاجران و همه را با یک حربه مورد حمله قرار داده است!!

## 2 - اینان چه می خواهند؟

"هدف این تروریست ها تسخیر اذهان ما، از بین بردن آزادی و تمدن، محو شیوه زندگی ماست."

از نظر نویسنده هنوز باید در انتظار فجایع بدتری از سوی این جهاد مقدس باشیم.

جهاد، با هدف تحمیل اسلام، فرهنگ، هنر، اخلاق، ارزش ها، علم و لذات ما را از بین خواهد برد.

3 - چه رابطه ای بین طرف های درگیر برقرار است؟

از دیدگاه اورینا فلاجی، با توجه به حوادث 11 سپتامبر، کوتاهی ما در برابر اسلام و مسامحه در مورد تاخت و تاز مسلمانان، متأسفانه کفه ترازو را به سمت مسلمانان متمایل می کند.

4 - چه باید کرد؟

نویسنده از خودش شروع می کند و از کتابش با عنوان نارنجک یاد می کند.

باید چشمهایمان را به روی حقیقتی که از 1400 سال پیش تاکنون وجود دارد باز کنیم و بدانیم که بن لادن و طالبان، تجسم امروزی این حقیقت تلخ هستند. نباید از این تروریسم فکری ترسید، باید با هوشیاری از ارزش ها و وطن خود دفاع کنیم.

ظاهراً این نویسنده محترم! به هیچ وجه به کتب و اسناد مربوط به تاریخ علوم مراجعه نکرده اند تا بدانند تمدن و علمی که امروز، غرب، ژست آن را به مردم مشرق زمین می فروشد از چه زمانی و چگونه به دنیای غرب وام داده شده است و 1400 سال پیش کدام مکتب تئوری های دینی خود را با حقیقت های علمی درآمیخته و سوژه های علوم و اختراعات را در میراث های فرهنگی رهبران خود به ودیعت نهاده است. خوبست در این مورد به اعتراف و شهادت دکتر زیگرید هونگه که یک زن دانشمند آلمانی است در مورد

سرگذشت مسلمانان در اروپا مراجعه کند تا شیرینی حقیقتی که هزار و چهارصد سال پیش برای جهانیان آشکار شد در عصر اطلاعات و اینترنت از ذائقه مسموم این نویسنده معروف قرن بیستم بدور نماند. (1) وای بر آن روزی که قهرمان و پیروز این جنگ عظیم رسانه ای حقیقت و واقعیت باشد. در آن روز آنان که این گونه با حقیقت مبارزه کرده اند با چه رویی می خواهند در میان ملت گول خورده خود حاضر شوند.

در حالی که رسانه های غربی هر حادثه و هر داستان و اسطوره کوچک و ضعیف را گاه چندین بار پردازش می کنند و یا بدون پردازش به طور مکرر نمایش می دهند. یک بار در تاریخ رسانه های فرانسه، فیلمی در مورد زندگی پدیدآورنده حادثه ای بزرگ که حداقل بحث انگیزترین موضوع فکری و سیاسی و نظامی در 14 قرن اخیر بوده است، پخش نشده است. شبهات زیادی علیه اسلام پخش می شود و خصوصاً قطعه های بسیار کوتاه و ناقص از سخنرانی یک دانشمند مسلمان در مورد جهاد، مکرر، پخش می شود و بهره برداری تخریبی از آن می گردد. سهم مسلمانان فرانسه از رسانه های عمومی این کشور، برنامه ای است که در ابتدای روز تعطیلی یکشنبه و در زمانی که همه خوابند برنامه ای کاملاً سنتی و ساده تحت عنوان اسلام ارائه می شود. و در برابر آن هزاران فیلم و سریال و سوژه از ده ها کانال به تخیل افکار در مورد اسلام می پردازد.

برحسب آمار رسمی که توسط پایگاه اطلاع رسانی "یاهو" منتشر شده است در فاصله بین اکتبر 2003 تا اوت 2004 تعداد 182 پروژه حساب شده

ص:89

---

1- (1) فرهنگ اسلام در اروپا - نوشته دکتر زیگزید هونکه عنوان اصلی: Allahs some uber demo bend land unser arabische Erde

علیه اسلام در فرانسه اجرا شده است که 28 مورد، ویران کردن مسجد و 11 مورد آن نابود کردن گورستان مسلمانان و 64 مورد در برابر مؤسسات و نهادهای اسلامی در فرانسه سامان داده شده و 118 مورد موضع گیری در برابر اشخاص بوده است. (1) در برابر این حرکت ها مسلمانان نیز اقدام به تأسیس مرکزی با عنوان "مجموعه مبارزه با اسلام ستیزی در فرانسه" (2) اعلام موجودیت کرد تا در برابر فعالیت های مربوط به اسلام ستیزی به طور منظم واکنش نشان دهد.

حرکت دیگری در همین ارتباط با عنوان "آزادی، برابری و برادری نه اسلام ستیزی" (3) در هفتم فوریه 2004 این حرکت نام خود را "MJD" نهاد. یعنی حرکت عدالت و تعالی. رئیس این حرکت معتقد است جنگ علیه اسلام ستیزی، جنگی مداوم و همیشگی است و ما باید به رئیس مجلس فرانسه تفهیم کنیم که گذراندن قانونی بر علیه اسلام ستیزی ضرورت دارد و این یکی از اهداف اساسی این حرکت است. گرچه اختلافات داخلی این حرکت را کُند نموده است، اما این حرکت در حال برنامه ریزی برای برپائی یک تظاهرات علیه اسلام ستیزی رسانه ای در برابر محل صدای و سیمای فرانسه است. رسانه ها گرچه علناً به دشمنی با اسلام مردم را فرا نمی خوانند، اما از طریق ردیف کردن تصویرهای مخرب همین معنا را تدارک می نمایند. مثلاً به همراه گزارش جنایت ها، حومه های شهر را که محل سکونت مسلمانان است نشان می دهد و بلافاصله پس از صحنه های ترور و خشونت صفوف نمازگزاران را به تصویر می کشد.

ص:90

---

www. Yahoo.Fr-182 actes islamophobes (1) -1

(couectif contre islamophobes en France (ccif (2) -2

Lemouvement Justice et Degnite (3) -3

فرانسیس فوکویاما، یکی از نظریه پردازان تئوری های ضداسلام در این مورد می گوید: اسلام نماینده تمدن بسیار جذابی نیست... به بیان دیگر اسلام رادیکال از دو جهت قدرتمند است: یکی سلاح های کشتار جمعی که به وسیله آن یک گروه سیاسی نه چندان مهم می تواند صدمات زیادی به قدرت های بزرگ وارد آورد. مسئله دوم اقلیت های مسلمان در روسیه، اروپا و آمریکا می باشد که دشواری های زیادی نسبت به دیگر اقلیت های برای انطباق با محیط خود دارند. این دو چالش جدی هستند!!

آری برحسب بررسی های انجام شده توسط دانشگاه الازهر مصر بیش از ده هزار سایت اینترنتی سرگرم فعالیت تخریبی علیه اسلام هستند که بودجه این سایت ها بیش از یک میلیارد دلار تخمین زده می شود و ده ها هزار نویسنده و خبرنگار و گزارشگر تحت حمایت بنگاه های صهیونیستی برای این کار اجیر شده اند. از جمله فعالیت هایی که اخیراً علیه اسلام در فرانسه انجام شده است انتشار یک شماره ویژه از مجله دانشگاهی "cites" که با عنوان اسلام در فرانسه منتشر گردیده است.

در این مجله 730 صفحه ای نویسندگان و مسئولین مربوطه کوشیده اند چهره ای نامناسب و غیردوست داشتنی از اسلام را که مربوط به نسل پیشین است به عنوان اسلام سنتی معرفی نمایند و نسل جدید مسلمانان را گریزان از آن و در پی اسلام فرانسوی بدانند. درست همان چیزی که تمام تلاش ها دستگاه سیاست فرهنگی امپریالیستی آن را دیکته

می‌کند و واقعیت جامعه مسلمانان فرانسوی و صفوف فشرده جوانان در مراسم مذهبی و انقلابی خلاف آن را به تصویر می‌کشد. این هجوم و جنگ رسانه‌ای دلیل نگرانی عمیق استکبار از جهانی شدن اسلام و انتقال پیام‌های تربیتی، اخلاقی و معنایی آن به ملت‌های حقیقت‌جو و آزاده دنیاست.

### ترجمه فرانسوی قرآن کریم

کتاب مقدس مسلمانان با عنوان معجزه خالده نبی مکرم اسلام و محور وحدت مسلمین جهان و دستور زندگی و سعادت بشر از ولادت تا مرگ در روایت بیگانگان بیشتر با هدف انتقادی مورد توجه و ترجمه‌های مختلف قرار گرفته است. و مسلمانان علی‌رغم اعتقاد به جهانی بودن اسلام، کمتر برای معرفی میراث فرهنگی خود برنامه‌ریزی کرده‌اند و شاید یکی از دلایل گلیه‌مندی قرآن از مسلمانان در قیامت همین کم‌کاری مسلمانان در معرفی معارف و حقائق قرآنی به دیگر ملت‌ها باشد. لذا لازم است مجامع اسلامی برای معرفی این کلمه مشترک و سند افتخار فرهنگی مسلمانان که بدور از هرگونه تحریف و کهنگی در طول قرن‌ها قد برافراشته و سرفراز دارد و کنوز آن پایان‌ناپذیر است، اقدام جدی‌کنند.

نخستین ترجمه فرانسوی قرآن کریم توسط کنسول فرانسه در مصر آقای "سیوراندره دوریه" (1) در سال 1647 یعنی حدود 360 سال پیش ترجمه و در پاریس با عنوان "قرآن محمد" 2 منتشر گردید و براساس این ترجمه،

ص: 92

ترجمه هائی به زبان های مختلف از جمله انگلیسی، هلندی و آلمانی انجام شد. 136 سال بعد و در 1783 دومین ترجمه فرانسوی قرآن کریم و در دو جلد و با مقدمه ای در مورد زندگی پیامبر اسلام در انتشارات ساواری در پاریس منتشر گردید. 29 ترجمه فرانسوی دیگر پس از این دو ترجمه از قرآن کریم ارائه شد که از جمله می توان به ترجمه های: کازیمیرسکی، رژی بلاشر، ژاک برک، مسون، ادوارد منتل، رنه خوام، محمد حمیدالله، حمزه بوبکر، اندره شوآکی، نورالدین بن محمود، یوسف صدیق، صلاح الدین کشرید، محمد شیادمی، غلام حسین ابوالقاسمی فخری اشاره کرد. آخرین ترجمه ای که بخشی از آن توسط انتشارات البراق در پاریس منتشر شده است اثر مشترک آقای دکتر کریستیان بنو و دکتر جواد حدیدی می باشد که خصوصیات ویژه ای همچون: ارائه نحوه تلفظ آیات با حروف لاتین، توضیحات، فهرست های مفید و چند رنگه بودن چاپ کلمات و اعراب و ترجمه و تلفظ از امتیازات این ترجمه است. در اینجا نموداری از ترجمه های قرآن کریم به زبان فرانسه را که در مرکز ترجمه قرآن کریم جمع آوری شده ارائه می کنیم:

ص: 93











اشاره

از دیرباز ممالک شرقی مطمح نظر و مورد توجه غرب نشینان بوده و این خطه تاریخ ساز با ظن و گمان و ایده و انگیزه های متفاوتی، سوژه تحقیق، گردش و مطالعه طیف های گوناگون فکری و سیاسی از ممالک غربی قرار داشته است. و از آنجا که شرق خاستگاه نزول سخن وحی و پیامبر خاتم بوده، بسیاری از آنان عنوان اسلام شناس را همدوش با عنوان مستشرق به خود اختصاص داده اند. حافظه تاریخ، نام کسانی را که پیش از قرن یازدهم میلادی از غرب برای مطالعه آثار و اندیشه شرقیان همت نهاده اند، در خود ثبت نکرده است. مسلماً پیش از آن نیز کاوش گرانی از اقوام با سابقه مغرب زمین، شرق را در تیررس جست و جو و مطالعه خود داشته اند که نامشان در آلبوم شرق شناسان ثبت نشده است. ما با مرور به این پرونده افتخارآمیز برای هر دو نیمکره، خواهیم کوشید تا مشهورترین چهره های این عرصه را معرفی کنیم.

1- ژربر دواریاک (1003-938)

(1)

او نخستین پاپ فرانسوی است که در اواخر قرن دهم میلادی دیده به جهان گشود و پس از تحصیلات ابتدایی در

صومعه سنت ژور روانه شهر بارسلون برای ادامه تحصیل گردید او نخستین بار با مسلمانان از طریق اندلس اسلامی (اسپانیای امروزی) آشنا گردیده است

ص: 98

و به برکت آن توانست ابزارهایی مانند کره جغرافیایی، ارگ، ساعت و چرتکه را طراحی نماید. بعید است که در سرزمین های مربوط به مسلمانان در مشرق زمین درنگی کرده باشد. اما مسلماً دانش هندسه، ریاضیات، مکانیک و اخترشناسی را از مسلمانان آموخته است و با دانشمندی همچون ارسطو، ویرژیل و پروفیل محشور بوده است.

در رم با مقامات کلیسای آشنا شد و مورد توجه آنان قرار گرفت و ابتدا او را به عنوان کاردینال در شهر "روان" در فرانسه برگزیدند. ولی به دلیل جانبداری از موضع استقلال کلیسای فرانسه از رم از این سمت برکنار شد. او بعدها به عنوان پاپ اعظم فرانسه انتخاب گردید. و در این سمت، نام سیلوستره دوم را به احترام خدمات پاپ سیلوستره اول به جهان مسیحیت برای خود برگزید. او در سال 1003 پس از آن که 4 سال کرسی پاپی را اداره کرد بود از دنیا رفت. وی اولین کسی است که ارسطو را به جهان غرب معرفی کرد و سیستم اعشار را که دستاور علمی خوارزمی از علماء مشرق زمین بود و همچنین اسطرلاب عربی را به دانش پژوهان کشورش عرضه نمود.

## 2- پیرونه رنل (1092-1156)

او در سال (1092) میلادی در شهر اورنه(1) در جنوب فرانسه نزدیک مرز اسپانیا به دنیا آمد و در دیر معروف کلونی 2 پرورش یافت. ریاست این دیر در سی سالگی به او سپرده شد و او برای دفاع از آیین مسیحیت کمر همت بست.

ص: 99

به عنوان نخستین اقدام بر آن شد که کتاب آسمانی مسلمانان را با دیدی انتقادی به لاتین ترجمه کند. با آن که بیش از پنج قرن از نزول قرآن گذشته بود و سنت ردّیه نویسی علیه قرآن سابقه طولانی داشت، ولی این نخستین ترجمه کامل از قرآن کریم بود که با هدف رد آن توسط شخصیت کلیسایی انجام می شد. پیرونه ربل غیر از این ترجمه، چند رساله دیگر در دفاع از مسیحیت در برابر اسلام و اثبات عدم تحریف عهدین و طعن به پیامبر اسلام نوشته است. اسلام شناسی او مرهون نگاه انتقادی وی به قرآن و آئین اسلامی است که او را به عنوان نفر دوم لیست مشاهیر اسلام شناسان و به عبارت صحیح تر مستشرقین فرانسوی قرار داده است.

### 3 - گیوم پُستل (1510-1581)

#### (1)

او یک زبان دان حرفه ای و یک کتاب جوی جهانگرد بود که در جمع آوری نسخ خطی آثار دانشمندان شرقی برای کتابخانه دربار فرانسه نقش بسزایی داشت. او به زبان های عربی، ترکی، حبشی، پرتغالی، اسپانیایی و ایتالیایی نیز تسلط داشت و در این میان برای زبان عربی به سه دلیل اهمیت بسزایی قائل بود: 1 - کاربرد آن در ارتباط بین ملل و اقوام، 2 - استفاده از آن برای خواندن متون علمی آن زمان و دستاوردهای جدید دنیای علم 3 - بهره برداری از زبان عربی در دفاع از آئین مسیحیت. با این حال او از ستایش پیامبر گرامی اسلام نیز نتوانسته است چشم پوشی کند.

ص: 100

(1)

خصوصیت و مشخصه این مستشرق در سه چیز متمایز است: استادی او در کرسی زبان عربی، علاقه و آشنایی او به زبان ترکی به دلیل زندگی وی در استانبول و عتیقه جویی او. معروف ترین آثار وی که در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می شود عبارتست از: فرهنگ عتیقه ها، فهرست مورخان ترک، عرب و ایرانی، ترجمه کتاب داستان های هزار و یک شب از عربی به فرانسه و ضرب المثل های شرقی.

5 - انتوان اسحق (1837-1758)

انتوان در سال 1758 در پاریس به دنیا آمد. تاریخ نویسان او را برترین چهره نسل نخست شرق شناسان می شناسند که به زبان های فارسی، عبری، عربی، اسپانیولی، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت و مدرس زبان عربی در کالج دو فرانس و مدرسه زبان های شرقی در پاریس بود. با آن که پیش از انقلاب فرانسه در سمت های اجرایی فعالیت داشت و ریاست دانشگاه پاریس (1815) کالج دو فرانس (1823) و مدرسه زبان های شرقی (1814) را به عهده داشت. اما با پیروزی انقلاب فرانسه از تمامی کارهای اجرایی فاصله گرفت و در کار تحقیق و پژوهش ممحض گردید و همزمان به عنوان مدرس کرسی های زبان عبری و عربی را به عهده گرفت. کتاب های دستور زبان عربی، ترجمه فرانسوی پندنامه، توصیفی از مذهب دروز و تحقیق کلیله و دمنه از جمله آثار او هستند.

ص: 101

(1)

اتین در سال 1782 در شهر پاریس در فرانسه متولد گردید. دوران تحصیلی او همزمان بود با گشایش مدرسه زبان های شرقی در پاریس. لذا پس از گذراندن دبیرستان به آموزش زبان های شرقی روی آورد و زبان های عربی و عبری را در این مدرسه آموخت. تا آنکه کرسی استادی زبان فارسی را در همین مدرسه احراز کرد و مسئولیت بخش نسخ خطی شهرداری پاریس را پذیرفت. ارتباط او با زبان های شرقی و فنون دینی مسلمانان نام او را در طومار مستشرقین و اسلام شناسان قرار داد. او برای برگرداندن متون شرقی به زبان فرانسه کوشش بسیاری کرد و آثاری در زمینه اسلام شناسی، مصرشناسی و ایران شناسی از خود باقی گذارد. از جمله کتاب دانشمند مسلمان مصری احمدبن علی مقریزی را در مورد شناخت پادشاهان(2) به فرانسه ترجمه کرد و نقدی بر کتاب "مقدمه" ابن خلدون نگاشت و معرفی هایی از کتاب های "الآغانی" و "الامثال" و شرح حالی از مسعودی نویسنده کتاب "مروج الذهب" ارائه کرد.

### 7 - ژوزف توسن رینو (1795-1867)

(3)

او در سال 1867 متولد شد و کار آشنایی با فرهنگ شرقی را از زمانی آغاز کرد که در بخش نسخه های خطی کتاب خانه سلطنتی فرانسه مشغول به کار شد و کم کم به ریاست این کتابخانه منصوب گردید. در مدرسه زبان های

ص: 102

---

1- (1) etienne quatremere

2- (2) نام عربی این کتاب "السلوک لمعرفة دول الملوك" است.

3- (3) Joseph Toussmint Reinaud



شرقی نیز استاد کرسی عربی بود و عضویت در آکادمی نقوش و ادبیات را پذیرفت. بیشترین تحقیقاتش را بر روی سنگ نبشته ها، خاتم ها و سنگ های قیمتی مشرق زمین متمرکز ساخت. او کتابی در مورد جنگ های مسلمانان در فرانسه در قرن های هشتم و نهم از دیدگاه نویسندگان مسیحی و محمدی نگاشت(1) و یک کتاب شناسی در مورد جنگ های صلیبی ارائه کرد و کاوشی در مورد سفرهای اعراب و ایرانیان به هند و چین نمود.

## 8 - رنه گنون (1886-1951)

### (2)

او در 15 نوامبر سال 1886 در شهر بلوا تقریباً در مرکز فرانسه به دنیا آمد و در مدارس عمومی دوره دبیرستان را گذراند و در سال 1904 دیپلم ریاضی خود را دریافت کرد و در خلال آن دوره با مقامات کلیسا در

تماس بود و در کلاس های دینی کلیسا نشان موفقیت دریافت نمود و پس از آن با یک انجمن عرفانی همکاری رسمی خود را آغاز کرد و تا سال 1911 حدود بیست مقاله در مجله این انجمن به نام "Gnos" منتشر کرد. در سال 1915 با یک دختر جوان مذهبی به نام نوئل موریس دونی آشنا شد که این آشنائی به ازدواج آن دو انجامید. و چون فرزند نداشتند یک دختر چهارساله را به فرزندگی گرفتند. ولی این زندگی با مرگ نوئل در سال 1928 خاتمه یافت. ظاهراً در خلال همین سال ها با علاقه مندی او به سوفیسم زمینه گرایش او به اسلام

ص:103

---

1- invasion des sarrasins en France ... Paris.1836 (1)

2- Rene Guenon (2)

فراهم می شود. در سال 1930 به مصر می رود تا در مورد فنون تصوف مطالعه و تحقیق نماید و در آنجا با مسئولین الازهر آشنا و رسماً نام خود را به نام عبدالواحد یحیی تغییر می دهد و تا پایان عمر در مصر باقی می ماند. در سال 1934 با دختر یکی از اساتید الازهر به نام شیخ محمدابراهیم ازدواج کرد و در منزل او اقامت گزید. حاصل این ازدواج دو دختر به نام های خدیجه و لیلا بود و یک پسر به نام عبدالوحید که پس از مرگ او به دنیا آمد. او در قاهره در مقبره خانوادگی شیخ محمدابراهیم به خاک سپرده شد. به هنگام مرگ این سخن از او شنیده شد که گفت: "روح، راحت گردید."

آثار او عبارتند از: بحران دنیای مدرن، علائم آخرالزمان، بُعد نمادین صلیب، ملاحظاتی در باب باطنی گری مسیحی، تاریخ دینی جعلی، مابعدالطبیعه شرقی، انسان و سرنوشت، احضار اشتباهی روح.

## 9 - لوئی ماسینیون (1883-1963)

### (1)

او در 25 ژوئیه 1883 در اطراف پاریس و از پدری هنرمند و پیکرتراش به نام فردیناند ماسینیون به دنیا آمد. در سال 1902 موفق به دریافت لیسانس از دانشکده ادبیات سوربن شد. زبان عربی را در مدرسه

زبان های شرقی فراگرفت. از خلال مطالعاتش، علاقه ای به منصور حلاج پیدا کرد و رساله دکتری خود را به بررسی زندگی و نظرات او اختصاص داد. نخستین مسئولیتش در فرانسه ریاست هیأت باستان شناسی فرانسه در عراق

ص: 104

بود. در جنگ جهانی اول در سپاه شرقی فرانسه به عنوان یک افسر پیاده خدمت کرد و پس از جنگ، دوباره به عرصه علم و پژوهش بازگشت و در 1919 تا 1924 استاد درس نظام های اجتماعی اسلام در کالج دوفرانس بود. بسبب نوشته هایش در مورد حضرت فاطمه دختر پیامبر گرامی اسلام، شهرتی در مجامع اسلامی پیدا کرد. مجموعه مقالات او در مجله جهان اسلام (1) چاپ شده است. مدتی مسئولیت این مجله با خود او بود. مهم ترین آثار او عبارتند از: مسلمان پاک، فاطمه دختر رسول خدا، اصحاب کهف و کشف ابرهای ماژلان.

## 10 - هانری کربن 2 (1978-1093)

او در 14 آوریل 1903 در خانواده ای مذهبی در پاریس دیده به جهان گشود و پس از گذراندن دوره ابتدایی و دبیرستان به آموزش فلسفه در دانشکده ادبیات دانشگاه سوربن پرداخت (1925) و سپس در کتابخانه ملی فرانسه مشغول به کار گردید. آشنایی او با ماسینیون که کربن، آن را "الهام آسمانی" می نامد موجب تحولی شگرف در تفکر و

اندیشه او شد. به فلسفه و حکمت اسلامی علاقه مند شد و کتاب حکمه الاشراق سهروردی را نزد ماسینیون آموخت. در سال 1939 برای مأموریتی شش ماهه در مؤسسه باستان شناسی استانبول به ترکیه سفر کرد و هم زمانی این

ص: 105

مأموریت با جنگ جهانی دوم عمر این سفر را تا سال 1945 به درازا کشاند و در همانجا برگردان آثار سهروردی را از عربی به فارسی آغاز کرد.

پس از بازنشستگی ماسینیون در مدرسه عالی مطالعات کاربردی، کربن جانشین او شد و نیمی از سال را در آنجا تدریس می کرد و نیم دیگر را در مرکز مطالعات ایرانی فرانسه در تهران می گذراند و با اساتیدی همچون علامه طباطبایی (ره)، استاد آشتیانی (ره)، دکتر نصر و دکتر شایگان به گفت و گوهای علمی و فلسفی می پرداخت. در سال های پایانی عمرش موفق به تأسیس دانشگاه قدیس به عنوان مرکزی بین المللی برای تقریب ادیان ابراهیمی گردید.

او به زبان های عربی، فارسی، یونانی، لاتین و روسی آشنایی داشت و به پاس خدماتش در ارتباط با میراث فلسفی اسلامی از دانشگاه تهران دکترای افتخاری گرفت و در 7 اکتبر سال 1978 میلادی دوستانش را به فراق خود مبتلا نمود. شاگردان معروف او عبارتند از: کریستین ژامبه، پی یر لوری، دکتر محمدمیر معزی.

زندگی و آراء سهروردی، اسلام ایرانی، تاریخ فلسفه اسلامی، ابن سینا و قصه اشراقی، تأملات ما بعد الطبیعی وجه الله و چهره انسان و تصوف و هرمنوتیک مهم ترین آثار او هستند.

20 سال پس از فوت او نخستین بزرگداشت وی در پاریس در سال 1998 توسط رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با حضور گروهی از شاگردان علاقه مندش برپا شد و این اولین و شاید آخرین یادمان این اسلام شناس و مستشرق فرانسوی قرن بیستم بود.

(1)

او در سی ام ژوئن سال 1900 در مون روژ در حومه پاریس دیده به جهان گشود و در پانزده سالگی همراه با پدرش به مراکش رفت و دوره دبیرستان و دانشگاه را در آنجا سپری کرد و از دانشکده ادبیات دانشگاه الجزائر موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات عرب گردید. و با ارائه رساله ای در ترجمه "طبقات الامم" صاعد اندلسی "از دانشگاه پاریس نیز مدرک دکتری گرفت و در همانجا به سمت مدیر مؤسسه مطالعات عالی مراکش منصوب شد (1930-1935) پس از آن به پاریس رفت و کرسی ادبیات عرب مدرسه زبان های شرقی را در سال 1950 به خود اختصاص داد و پس از آن سمت های مسئولیت مدرسه زبان های شرقی، مدیریت مؤسسه مطالعات اسلامی آکادمی پاریس و عضویت در کالج دوفرانس را تجربه کرد و به زبان عربی، به نحو حرفه ای ویژه تسلط داشت.

مهم ترین کارهای او عبارتند از: دو ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسه یکی به ترتیب نزول آیات و همراه با مقدمه ای بلند (1950) و دیگری به ترتیب مصحف موجود (1957) تاریخ ادبیات عرب و چکیده ای از آراء خاورشناسان در مورد پیامبر اسلام.

## 12 - ژاک برک 2 (1910-1995)

او در سال 1910 در الجزائر از پدر و مادر فرانسوی به دنیا آمد و برای تحصیلات خود به

ص: 107

فرانسه رفت و پس از فراغت از تحصیلات دانشگاهی سمت استادی در کالج دو فرانس رادر مدت 25 سال از آن خود ساخت. شاید نخستین بار او واژه اسلام فرانسوی را به کار برد و بر اهمیت آن برای حکومت فرانسه تأکید کرد. او اسلام مترقی (اسلام فرانسوی) را تنها عامل عقب نشینی و مهار اسلام گرایی می شمرد. او معتقد است که مسلمانان در مدارس خاص خود زبان عربی را جدا از دروس مدارس دولتی می آموزند و این جدایی موجب می شود که ایده سازمان دادن به یک اسلام بومی عقیم بماند. لذا فرانسویان باید مدارس دروس عربی مسلمانان را خود به عهده بگیرند تا بتوانند یک اسلام فرانسوی را به آنان آموزش دهند.

نام او در لیست مترجمین قرآن کریم به فرانسه نیز قرار دارد و کتاب های: برای مدیترانه ای مشترک، بازخوانی قرآن و موسیقی بر روی رود و گلچینی از کتاب الاغانی از جمله آثار او هستند.

### 13 - یان ریشارد (معاصر)

#### (1)

او در سال 1948 در شهر ژونسی فرانسه به دنیا آمد و در شهرهای لیون و گرونوبل تحصیل کرد. در سال 1974 موفق به اخذ مدرک زبان فارسی خود از مؤسسه ملی زبان های شرقی در پاریس شد. رساله دکتری او در مورد تصحیح و ترجمه کتاب "گوهر مراد" اثر حکیم عبدالرزاق لاهیجی است که در سال 1980 از آن دفاع کرده است. او همچنین دکترای دیگری در سال 1922 از سوربن دریافت کرد که موضوع رساله آن " هویت و مدرنیته در فرهنگ

ص: 108

معاصر ایران" است. از سال 1993 اداره مرکز مطالعات ایرانی به عهده اوست. و حدود دو دهه از عمر خود را در ایران با سمت های گوناگون از طرف دولت فرانسه گذرانده است.

مدتی اظهار اسلام کرده است و سپس آن را نادیده گرفته است و بیشتر به نقادی اندیشه مسلمانان روی آورده است. بیشتر آثار و تحقیقات او رویکرد و صبغه ایرانی و یا اسلام شیعی دارد و رنگ و بوی سیاسی یافته است که شاید بی ارتباط با مشکلات زندگی شخصی او در ایران نباشد، بهر حال او هم اکنون یکی از مستشرقین و کرسی نشینان عرصه مطالعات اسلامی در دانشگاه سوربن فرانسه است.

برخی از آثار او عبارتند از: اسلام شیعی، روشنفکران و هواداران اسلام معاصر، رابطه اسلام و جامعه در ایران، اندیشه معاصر شیعه، فدائیان اسلام، شیعه در اسلام، سیاست و ایدئولوژی.

#### 14 - البویه روا (معاصر)

(1)

در سی ام اوت سال 1949 میلادی در جنوب فرانسه و در شهر بندری لاروشل به دنیا آمد. دیپلم زبان فارسی خود را از مدرسه زبان های شرقی در پاریس گرفت و در

سال "1996" به درجه دکترای علوم سیاسی مفتخر شد. اگرچه زمینه مطالعات قبلی او فلسفه و علوم عقلی بود. از سال 1984 در وزارت خارجه فرانسه به عنوان مشاور در پیش بینی ها و تحلیل های مربوط به حوزه خاورمیانه و

ص: 109

افغانستان در سازمان ملل مشغول به کار شده است. او از معدود کسانی است که از اروپا مدتی را در میان قبائل و مردم افغانستان سپری کرده است. او اعتقاد دارد از دهه هفتاد به بعد جنبش های اسلامی، اعتراضات اجتماعی و سیاسی زیادی را هدایت کرده اند و اسلام گرایان قبل از آنکه به اسلام به عنوان یک مذهب توجه کنند آن را یک ایدئولوژی سیاسی می دانند. (1) او با رد آنچه برچسب اسلام گرایی می داند این یاوه ها را ناشی از عقده های کهن مغرب زمین نسبت به اسلام می شمرد. (2) در عین حال تأکید می کند که این بدان معنا نیست که ما طرفدار اسلام میسیم هستیم. علی رغم این نظرات، اولویه رواقائل به شکست سیاسی اسلام است. زیرا از نظر او جهان اسلام از جهت نهادهای سیاسی با کفایت و چاید فقر است و جست و جوی اسلام گرایان برای فضیلت غیرقابل دسترسی است. او معتقد است مسلمانان مقیم اروپا در سیستم اجتماعی و سیاسی کشور میزبان ادغام مثل اند و این نزدیکی مرز میان شرق و غرب را از بین برده است.

مهم ترین آثار او عبارتند از: شکست اسلام سیاسی (1992)، جایگاه روشنفکران و دانشمندان در مقاومت افغانستان (1982)، تبارشناسی اسلام گرایی (1995)، پیش به سوی اسلام اروپایی، شبکه های اسلامی، لائیسیتیه رویاروی اسلام، اشتباهات 11 سپتامبر (2002)، آسیای مرکزی جدیدی (1997)، اسلام جهانی شده (2002). او هم اکنون در محور مطالعات مربوط به آسیای میانه، ایران و افغانستان در پاریس قرار دارد.

ص: 110

---

1- (1) شکست سیاسی اسلام، چاپ لندن 1994 ص 7

2- (2) از اسلام ایدئولوژیک تا ملی گرایی اسلامی در خاورمیانه ص 88



(1)

او در 30 ژوئن سال 1955 در پاریس به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره تحصیلی دبیرستان و دانشگاه به

سمت استادی و مدیر کرسی خاورمیانه و مدیترانه در موسسه مطالعات سیاسی IEP منصوب گردید. او دارای مدرک دکتری در رشته زبان عربی و فلسفه از دانشگاه سوربن است. همچنین در دانشگاه نیویورک و دانشگاه کلمبیا همزمان در سال های 1994-1995 تدریس نموده است. او در کتابی با نام جهاد که در سال 2000 منتشر گردید، توسعه اسلام سیاسی را مورد مطالعه قرار می دهد و چنین اظهار نظر می کند که افراطگرایی اسلامی بیش از آنکه نمایانگر قدرت و عظمت اسلام باشد به سقوط و ضعف آن می انجامد. او این تئوری فکری و فرضیه را در مورد اسلام در بحبوحه مسائل 11 سپتامبر ارائه کرد و آن را با انتشار کتابی دیگر با عنوان "فتنه" دنبال نمود که در آن اسلام گرایی را به عنوان نوعی جنگ داخلی در مرکز حکومت اسلامی معرفی می نماید.

مهم ترین آثار او عبارتند از: حومه های اسلام، انتقام خدا، مسلمانان در راه فتح مجدد جهان، از جهاد تا فتنه، گاه شماری جنگی در مشرق، جهاد گسترش یا افول اسلام گرایی، سیاست های خدا، پیامبر و فرعون. (2)

## 16 - برنارد اورکاد

(3)

او متولد سال 1946 می باشد و از شرق شناسان معاصر فرانسوی

ص: 111

---

Gilles Kepel (1) -1

Wikipedia.org (2) -2

Bernard Hourcade (3) -3

به شمار می رود که در خصوص جهان عرب، ایران و هند مطالعات و بررسی های زیادی داشته است و رشته اصلی او ایران شناسی است. هم اکنون (2006) به عنوان مدیر بخش پژوهشی مرکز مطالعات علمی در سوربن 3 می باشد و مدیریت برنامه ریزی پژوهشی این دانشگاه و سوربن 10 و دانشگاه ناتر را نیز به عهده دارد و در کمیته نگارش مجلات و نشریات علمی نیز عضو می باشد. مدت ها در مؤسسات ایران شناسی فرانسه در تهران مسئولیت داشته است و در ارتباط با اطلس ایران و جغرافیایی این کشور آثاری از خود منتشر نموده است.

ایران؛ شناخت ها و پرسش ها، فرهنگ ها و جوامع معاصر عناوین دیگر نوشته های او هستند. او هم اکنون به عنوان یکی از عناصر کلیدی عرصه شرق شناسی در فرانسه تلقی می گردد و مرجع فکری و علمی دانشجویانی است که در این ارتباط تمایل به تحقیق دارند.

## 17 - کریستف بالائی

بالائی در سال 1949 بدینا آمد و پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه به مدرسه زبان های شرقی رفت و در رشته زبان فارسی مشغول به تحصیل شد. وی به مناسبت های مختلف مسافرت هایی به ایران داشت. اخیراً به مدت چهار سال (1998-2002) مدیریت مؤسسه تحقیقاتی فرانسه در تهران را به عهده گرفت. او یک شرق شناس معاصر است که به خوبی به زبان فارسی سخن می گوید. اهم نوشته های او عبارتند از: طالبان یک سوژه منحصر، همبستگی پیچیده بین بن لادن و طالبان، آمریکا می خواهد حساب های کهنه را

تسویه کند. ترک‌ها یک کردستان مستقل را رد کردند، اسلام، رادیکال را به راه اصلی دعوت می‌کند. القاعده یک عنوان خالی یا یک انجمن سیاسی؟

او هم اکنون یکی از چهره‌های شناخته شده عرصه پژوهش‌های شرقی در اینانلکو فرانسه است.

## مراکز شرق‌شناسی در فرانسه

### اشاره

با توجه به سهم عظیم مراکز شرق‌شناسی در حفظ و انتشار میراث اسلامی [البته با هر انگیزه و هدفی که داشته‌اند] و از آنجا که بسیاری از منابع اسلامی توسط آنان و به عنوان رساله‌های تحقیقی دانشجویان این مراکزها ترجمه و تحقیق شده است. لذا سزاوار است نگاهی اجمالی به تاریخ این مراکز نیز داشته باشیم.

### 1 - کالج دو فرانس (C. D. F)

#### (1)

این نخستین مؤسسه مطالعات عالی فرانسوی است که در سال 1530 به دست پادشاه فرانسه "فرانسوای اول" برای آموزش زبان‌های عبری، لاتین و یونانی بنا گذاشته شد. اما این مرکز مطالعاتی امروزه بیش از 52 کرسی در زمینه‌های مختلف همانند فیزیک، شیمی، ریاضیات، اقتصاد، جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، زیست‌شناسی، پزشکی و فلسفه دارد. از برنامه مهم این کالج دعوت سالیانه از 50 استاد خارجی برای شرکت در 4 کنفرانس به مدت یک ماه

ص: 113

است. دولت برای پذیرش استاد در این کالج سخت گیر است و سازکار خاصی دارد. کتاب ها و اندیشه های زیادی از این کالج به عنوان رساله و پایان نامه علمی در حوزه اسلامی منتشر شده است.

## 2 - مدرسه عالی زبان های شرقی (اینالکو INALCA)

(1)

این مدرسه در سی ام مارس سال 1795 به پیشنهاد یکی از مستشرقین فرانسوی به نام لوئی ماتیون لانگله در درون کتابخانه ملی تأسیس شد و کار خود را با سه استاد زبان عربی، ترکی و فارسی آغاز کرد. اساتید موظف بودند ضمن آموزش دستور زبان، یک زبان کاربردی و مکالمه مدرن را در زمینه روابط سیاسی و بازرگانی به کارآموزان خدمات دیپلماتیک تعلیم دهند تا در جریان مأموریت خود دچار نقص و عیب نباشند.

این مدرسه عالی در سال 1873 از کتابخانه ملی مستقل و دارای هویت و بناء مستقل گردید و در سال 1914 از نام مدرسه عالی به مؤسسه عالی زبان ها و تمدن شرقی (اینالکو) تغییر نام داد. و در 1971 هویت دانشگاهی پیدا کرد و به دانشگاه سوربن جدید (پاریس 3) وابسته شد و روز به روز بر عظمت و مکان آن افزوده شد و هم اکنون در حدود 90 حوزه زبانی و تمدنی دارد که در هرکدام دانشجوی می پذیرد و حدود بیست مرکز مطالعاتی و ده بخش آموزشی زیرمجموعه آنست.

## 3 - مرکز مطالعات جهان عرب ( IMA )

در حاشیه رود سن میان مسجد پاریس و دانشگاه سوربن ساختمانی زیبا

ص:114

وقد برافراشته توجه ناظرین را به خود جلب می کند که بر سر در آن تابلوی "مرکز مطالعات جهان عرب" به چشم می خورد. که یک سوی آن ماکتی از معماری عربی و یک طرف دیگر جلوه ای از آرشیتکت غربی را به

نمایش می نهد. این مؤسسه در سال 1987 در پی امضای توافقی بین فرانسوا میتران و سران 22 کشور عربی اسلامی تأسیس گردید. چندین سالن نمایش پیشرفته، موزه میراث هنری و تمدنی کشورهای اسلامی از قرآن های نفیس تا سایر یادگارهای فرهنگی و عمومی کشورهای اسلامی در آنها به نمایش گذارده می شود و بخش های مختلف مطالعاتی که متفکران عرب را سرگرم و با واگذاری پروژه های فرهنگی علمی، هنری توان آنان را در راستای اندیشه سازگار با جهان غرب مدیریت می کند. امضاکنندگان تفاهم نامه تأسیس این مرکز هدف خود را از تأسیس این مرکز در این تفاهم نامه، ارتقای روابط فرهنگی، علمی در زمینه های معنوی و تکنولوژی توصیف نموده اند. (1)

#### 4 - مؤسسه فرانسوی مطالعات ایرانی (ایفری)

این مؤسسه از مؤسسات مهم مطالعاتی فرانسوی است که در ایران مشغول به کار شده است و از ادغام و تلفیق چند مؤسسه دیگر که پیش از این با عنوان های [DAfi] و [ifiT] در مورد مطالعات ایرانی و شرقی فعالیت داشته اند از سال 1983 به بعد متولد گردید. ده سال مسئولیت آن به عهده آقای برنارد اورکاد سپرده شد و پس از او آقایان رمی بوشارلا و کریستف بالایی

ص: 115

---

1- (1) به سایت این مؤسسه مطالعاتی به آدرس [institut de mond arab] المعهد العالم العربی مراجعه فرمائید.

مدیریت آن را در اختیار داشته اند و هم اکنون [2006] مسئولیت آن به عهده آقای ژان دورنگ می باشد. حفظ نسخ خطی کتب اسلامی و ایرانی و تهیه میکروفیلم از آنها و برگزاری کلاس های زبان فرانسه و کنفرانس های علمی از فعالیت های مهم ایفراست.

## 5 - دانشکده مارک بلوک

این دانشگاه از سال 1538 در شهر استراسبورگ در زمینه الهیات مسیحی فعالیت دارد. اگرچه در حکومت لائیک فرانسه مراکز دینی هویت دولتی ندارند، ولی منطقه آلزاس که این دانشگاه در آن قرار دارد از این قانون موسوم به قانون 1905 مستثنی است.

از سال 1996 طرح تأسیس دانشکده الهیات اسلامی در کنار دو دانشکده الهیات پروتستان و کاتولیک داده شده است و مستنداتی برای آن به دولت ارائه گردیده است و طومارهایی از طریق اینترنت تهیه گردیده است. اما تاکنون عملاً این دانشکده فعالیت خود را آغاز نکرده است. امید می رود در آینده نزدیک نسبت به راه اندازی این دانشکده اقدام شود.

## ادیان دیگر در فرانسه

### اشاره

طبق آمار رسمی در سال 2004، 76 درصد مردم فرانسه کاتولیک، 5/5 درصد مسلمان، 2/5 درصد پروتستان و 16 درصد از سایر ادیان تبعیت می کنند. اما هیچ دینی در فرانسه به عنوان دین رسمی برگزیده نشده است بلکه این کشور از لائیسیتته طرفداری می کند. در اینجا به معرفی اجمالی سایر ادیان در فرانسه می پردازیم:

در سال 1994، 67 درصد فرانسویان کاتولیک بودند، در دهه های اخیر، شاهد سست شدن اعتقادات و باورهای مذهبی مردم هستیم. برای نمونه درصد غسل تعمیم از 95 به 58 و ازدواج در کلیسا از 85 به 50 و اعتقاد به خدا از 66 به 61 تنزل یافته است. درصد اعتقاد به رستاخیز مسیح از 37 درصد به 43 درصد افزایش یافته است. همچنین نفوذ فرهنگ مذهبی کاهش یافته است. این پدیده بیشتر در میان جوانانی به چشم می خورد که روز به روز با مذهب بیگانه تر می گردند. (در دهه های اخیر تعداد جوانانی که به خداوند معتقدند از 81 درصد به 46 درصد کاهش پیدا کرده و 40 درصد اظهار داشته اند که فاقد مذهب هستند.) این بحران در کلیسا نیز مشاهده می گردد. در سال 1994 تعداد کشیشان 22 هزار نفر بوده است. در حالی که در سال 1960 تعداد آنان به 45 هزار نفر می رسید. متوسط سن کشیشان افزایش یافته است. 60 درصد آنان بیشتر از 60 سال سن دارند و تنها 4/5 درصد، زیر 40 سال می باشند.

همچنین می توان موفقیت بسیار بزرگ برگزاری روز جهانی جوانان در اوت 1997 در پاریس را یادآوری کرد که یک میلیون تن از جوانان به دو پاپ، ژان پل دوم گرد آمدند. مسلماً چنین موفقیتی به کلیسای فرانسه وجهه ی تازه ای بخشید. وجهه ای که از مدت ها پیش از دست داده بود. لیکن مسئولان حکومت به خوبی واقفند که این تنها حادثه ای استثنایی بود و موقعیت مذهب کاتولیک در فرانسه در طی چندین روز برگزاری مراسم روز جهانی جوانان تغییر نیافت. لازم به ذکر است که در برابر افزایش آمار مسلمانان، تعداد کاتولیک ها در فرانسه در حال کاهش است، علیرغم اینکه مسیحیت مذهب غالب فرانسه محسوب

می شود. بنا بر آماری که در روزنامه لاکروا LACROIX منتشر گردیده، درصد تعداد کاتولیک ها از 81 درصد در سال 1986 به 64/3 درصد در سال 2004 رسیده است. بر طبق تحقیقات انجام شده در سال 2004 به غیر از کاتولیک ها، 27 درصد مردم فرانسه بدون مذهب، 2 درصد پروتستان و 6/7 درصد دارای مذاهب دیگر هستند. از میان کاتولیک ها، 7/7 درصد آداب و دستورات دینی را به جا می آورند و یک بار در هفته یا حداقل یک بار در ماه، در آئین عشاء ربانی شرکت می کنند. 41/4 درصد کاتولیک هایی هستند که هرگز به کلیسا نمی روند و یا تنها برای شرکت در جشن های بزرگ و مراسم ویژه به کلیسا می روند. اکثریت کاتولیک های پایبند به انجام اصول دینی را زنان تشکیل می دهند (63/1 درصد)، از طرفی، در این میان افراد مسن، بیش از جوانان، مقید به جای آوردن آداب مذهب اند و 28/1 درصد 75 سال یا بیشتر، 19/8 درصد بین 65 تا 74 سال دارند. در نتیجه اغلب کاتولیک های پایبند افراد بازنشسته، 19/6 درصد، و یا غیرفعال (15/4) هستند. 11/1 درصد این افراد (کاتولیک های یابیند) نیز کشاورزان و اشخاص تحصیل کرده ای که در رده های بالای اجتماع قرار دارند، می باشند.

این آمارگیری از طریق تماس تلفنی با 18068 نفر بین ماه های سپتامبر 2003 و دسامبر 2004 صورت گرفته است.

### **پروتستانها**

بین 700 هزار تا یک میلیون و هفتصد هزار نفر یعنی 1/8 تا 3 درصد از جمعیت فرانسه را پروتستان ها تشکیل می دهند. بنابراین پیروان این مذهب در



اقلیت هستند. 30 درصد از آنان در شرق فرانسه، 20 درصد در پاریس و حومه، 15 درصد در جنوب زندگی می کنند و بقیه آنان در مجموع خاک فرانسه پراکنده اند. از مجموع کلیساهای فرانسه 15 کلیسا، فدراسیون پروتستان فرانسه را تشکیل می دهد. بیش از نیمی از پروتستان ها به انگیزه ی آزادی اندیشه به مذهب "لوتر" و "کالوین" گرویده اند و 30 درصد آنان به خاطر اصول اخلاقی.

به جا آوردن آداب مذهبی در میان پروتستان ها چندان حایز اهمیت نمی باشد. 10 درصد از آنان دو بار در ماه به کلیسا می روند و 60 درصد از آنان هرگز نمی روند. اگر این موضوع، وجه اشتراک میان کاتولیک ها و پروتستان ها باشد، در مورد روحانیت این مسئله وجود ندارد. برخلاف کشیش های کاتولیک، کشیش های پروتستان جوان ترند. نفوذ پروتستان ها در سطوح اجتماعی بیش از سایر سطوح به چشم می خورد. 15 درصد آنان در رده های بالا و یا کارمندان مشاغل آزاد هستند. در صحنه سیاسی لیونل ژوسپن (نخست وزیر اسبق فرانسه) و میشل روکاراز خانواده های پروتستان هستند. با این که پروتستان ها در اقلیت هستند، مذهب پروتستان در جامعه ی فرانسه، جایگاه ویژه ی خود را یافته و نقش اول را ایفاء می کند. همچنین لازم به یادآوری است که پروتستان های اوانژلیک (5 Evangeliques) درصد از جمعیت فرانسه را تشکیل می دهند و به طور نابرابر در خاک فرانسه پراکنده شده اند. مثلاً بسیاری از آنان در میدی Midi و آلزاس Alsace زندگی می کنند.

## ارتدکس

امروزه تعداد فرانسویان ارتدکس را 150 تا 200 هزار نفر تخمین می زنند.

ولی ارزیابی مذکور تقریبی می باشد. زیرا آمار مشخصی در این زمینه وجود ندارد. اساساً ظهور ارتدکس ها در اروپای غربی به آغاز قرن بیستم بر می گردد. یعنی ورود انبوهی از مهاجرانی که به دنبال انقلاب کبیر در روسیه از کشور خود رانده شدند و یا به علت دگرگونی های سیاسی که در آسیای صغیر رخ داد، یونان را به اروپای غربی سرازیر کرد. در طول قرن موج های مهاجرت دیگری به دلایل مختلف اقتصادی - سیاسی پدید آمد که از میان آنها می توان مهاجرت صرب ها، رومانیایی ها و لبنانی ها را نام برد. لازم به ذکر است که مهاجرت لبنانی ها به دنبال جنگ داخلی دهه ی 70 صورت گرفت. و بالاخره گروه دیگر را فرانسوی الاصل های مسیحی تشکیل می دهند که به کلیسای ارتدکس پیوستند و همچنین فرانسوی الاصل هایی که اساساً اعتقاد به خدا یا مذهب نداشتند یا نسبت به آن بی تفاوت بودند، ولی با ورود به کلیسای ارتدکس به مسیحیت گرویدند.

## یهودیت

حدود 620 هزار نفر یعنی یک درصد از جمعیت فرانسه را یهودیان تشکیل می دهند.

پیروان این دین از طرق توارث و یا گرویدن به آن به یهودیت می پیوندند. پسران در سن 13 سالگی از نظر مذهبی به سن بلوغ و تکلیف دینی می رسند. در همین خصوص جشنی به نام بار میتزوا (Bar Mitzva) که به تعبیری همان جشن تکلیف است، برپا می کنند که نشانگر آمادگی و بلوغ پسر جوان برای شرکت در اجتماعات مذهبی است که حداقل از ده مرد تشکیل شده باشد. زنان

نیز در این دین وظیفه انتقال ایمان و باورهای مذهبی، حفظ جشن ها و اصول اخلاقی و مذهبی را بر عهده دارند. تکالیفی نیز در این دین برای مردان تعیین شده است، از جمله اینکه نباید با سر برهنه در اجتماعات ظاهر شوند و می بایست کپا (kippa) (عرق چین ساده) یا تالیت (talitt) (شالی که در برخی لحظات دعا استفاده می شود) بر سر بگذارند و ریش خود را تراشند. ذبح حیوانات براساس اصول مذهب خاصی (kasheraut) انجام می پذیرد. به گونه ای که خون حیوان از جسدش خارج شده و با گوشت آن خورده نشود. (شبییه آنچه مسلمانان قائل هستند)

صاحب نظران دین یهودیت خاخام نامیده می شوند و هدایت اجتماعی را که در کنیسه های تشکیل می شوند، به عهده دارند.

احتمالاً نخستین گروه یهودیان در قرن اول میلادی همراه با لشکر روم وارد فرانسه شدند.

پس از سال 1945، گروه زیادی از یهودیان مصری دارای آئین شرقی در فرانسه سکنی گزیدند. در فاصله سال های 1957-1964 مهاجرت انبوه یهودیان از الجزائر، تونس و مراکش به فرانسه آغاز شد. الجزائری های دارای ملیت فرانسوی بدون مواجهه با موانع در جامعه فرانسه ادغام شدند. یهودیان مراکشی و تونسوی دارای فرهنگ غربی در مجموع ملیت فرانسوی را به دست آوردند. در سال 1967 به دنبال جنگ شش روزه اسرائیل و فلسطین، (1) جنبش و

ص: 121

---

1- (1) پنجم ژوئن 1967 اسرائیل به مصر حمله می کند و به دنبال یک جنگ 6 روزه، دولت اسرائیل صحرای سینا، گلان، کرانه باختری، رودار دن، نوار غزه و شرقاور لیمرا به اشغال خود در می آورد. این جنگ به نبرد اسرائیل و اعراب منجر گردید. در نخستین ساعات روز شنبه سوم اکتبر 1980 بمبی در زین یک موتور سیکلت در 15 متری کنیسه ای در خیابان کوپرتیک واقع در پاریس منفجر شد و 4 کشته که سه تن از آنان غیریهودی بودند و 30 زخمی برجای گذاشت. این سوءقصد توسط گروه فلسطینی ابونیدال انجام گرفته بود.

حادث و همبستگی با اسرائیل سبب مهاجرت جمعی از یهودیان به اسرائیل گردید. در سال 1981، 75 درصد از 200 هزار یهودی به نفع میتران رأی دادند.

در سی ام سپتامبر 1997، در مراسمی که به مناسب پنجاه و هفتمین سالگرد وضع اساس نامه برای یهودیان (سوم اکتبر 1940) برگزار گردید، اولیویه دو برانژه (Olivier de Berranger)، اسقف سن دنی به یادبود اردوگاه درانسی Drancy، در مورد عملکرد کلیسا تحت حکومت ویشی اظهار ندامت نمود.

## پیروان آئین بودا

### اشاره

در سی سال اخیر، رواج آئین بودا در فرانسه بیش از سایر کشورهای اروپائی بوده است. امروزه اتحادیه بودائیان فرانسه، تعداد پیروان این آیین را 600 هزار نفر آسیایی و فرانسوی الاصل برآورد می کنند که از این تعداد تقریباً 150000 نفر فرانسوی الاصل هستند که اکثریت آنها پیرو مکتب تبت می باشند. با وجود این، سنجش تعداد واقعی بودائیان در میان جمعیت فرانسه بی نهایت مشکل است. زیرا هیچ گونه آمار رسمی و ثبت دقیق تعداد گروندگان به این آئین وجود ندارد که بتوان براساس آن تعداد بودائیان فرانسه را به روش علمی تخمین زد. تا به امروز، بررسی های انجام شده نشان می دهد که بودائیان فرانسه جمعیتی ناهمگون را تشکیل می دهند که پیرو مکتبی خاص نمی باشند. زیرا افزایش تعداد مراکز آموزشی آئین بودا کنجکاوی آنان را برانگیخته، موجب می گردد که مدام از مکتبی به مکتب دیگر، در دل این آئین گرایش یابند. این پدیده سبب گردیده که امروزه در فرانسه، تقریباً تمام مکاتب بودائی

پیروانی داشته باشند. بدین ترتیب در حال حاضر، آئین بودا مردم پسندترین مذهب در فرانسه به شمار می رود و صرف نظر از دین اسلام، دولت فرانسه آن را به عنوان چهارمین مذهب این کشور می شناسد. نوگرایی در ارزش ها و اصول اخلاقی و فلسفی این آئین سبب محبوبیت آن در فرانسه گردیده که سابقاً یکی از کاتولیک ترین کشورها بود و هم اکنون کشوری لائیک محسوب می گردد و مردم آن کنجکاوی بیشتری برای شناخت جنبه های معنوی و روحی از خود نشان می دهند تا جنبه های مذهبی. در این زمان که مسیحیت در غرب در حال از دست دادن جایگاه واقعی خویش است، آئین بودا جایگزین خوش شانسی برای آن به نظر می رسد. هم اکنون دو میلیون فرانسوی تحصیل کرده و با فرهنگ بر طبق اصول آئین بودا زندگی می کنند و به انجام تمرینات مدیتیشن می پردازند.

هزاران فرانسوی از طریق انجام تمرینات مدیتیشن ذن، که خاستگاه آن در ژاپن است، یا تمرینات مدیتیشن تبتی، که از تبت منشأ می گیرد، به آئین بودا گردیده اند. اکثریت این پیروان جدید که بین 30 تا 45 سال دارند، مجرد هستند یا دارای زندگی مشترک بدون ازدواجند. بر طبق آمارگیری های انجام شده همچنان که میزان محبوبیت دالائی لاما در میان فرانسویان رو به افزایش است، از هر چهار فرانسوی، یک نفر به قانون کارما و تناسخ معتقد می باشد. در این آئین فرد نه ملزم به اعتقاد به خداست و نه اهریمن، و انسان نه تنها به پذیرش بی چون و چرای سرنوشت خویش، بلکه به تفکر و تعمق در باب مفهوم زندگی دعوت می شود.

مکتب ذن یکی از شاخه های دورا محسوب می شود که بیشتر در ژاپن رواج یافته است. استقرار و رواج مکتب ذن در فرانسه با تصویر تسان دیشماروی ژاپنی Taisen Deshimaru همراه است، که نماینده مکتب سوتو می باشد. تقریباً 80 درصد از فرانسویان که پیرو مکتب ذن هستند به مراکزی که تسان دیشمارو بنا نهاده رفت و آمد می کنند و یا به انجمنی که او تحت عنوان انجمن بین المللی ذن تأسیس کرده وابسته اند. با این حال مراکز آموزشی و تربیتی آسیایی و غربی دیگری هست که چندان شناخته شده نیستند. گرچه در فرانسه این مکان ها وجود دارد که سنت معابد ذن را حفظ می کنند، لیکن اکثریت قریب به اتفاق مراکز این مکتب، آپارتمان ها و منازل خصوصی اعضای انجمن ذن می باشد که پیروان این مکتب در آن به تمرینات مدیتیشن می پردازند. بدین ترتیب، این سازمان دهی ساده به انجمن بین المللی ذن امکان می دهد که تقریباً در تمام خاک فرانسه دارای فعالیت باشد، هرچند تعدادی از این مراکز با اعضای کم (در برخی از موارد کمتر از ده نفر) و تنها دو یا سه بار در هفته به مدت چند ساعت جلسه تمرین ذادن Zazen را برگزار می کنند. (نوعی مدیتیشن مخصوص ذن می باشد که در واقع هسته مرکزی آداب تمرینات مدیتیشن را تشکیل می دهد). بودائی های ذن به طور کلی به بودائی های مدیتیشن شهرت دارند، که اساساً ذن نوعی خودشناسی است.

## مکتب تبت

این مکتب امروزه رایج ترین مکتب آئین بودا در فرانسه می باشد که با

وجود تعداد کم جمعیت تبتی ها دارای معابد و مراکز تعلیم بسیار زیادی است.

بر طبق آئین بودا تمام رنج های شخصی ما در این دنیا و رنج هایی که ما برای دیگران به وجود می آوریم، ناشی از وابستگی ما به دیگران اعم از خانواده، دوستان، پول، مادیات و کسب افتخارات است. این خصلت غیر محتاطانه و نادرست می باشد. زیرا هیچ چیز در این جهان جاودان و همیشگی نیست و تغییر و بی ثباتی از قوانین آن است. بنابراین وابستگی به شخص یا چیزی به معنای تدارک دیدن بدترین رنج های ممکن برای خویش است.

ص: 125

کشور پادشاهی بلژیک واقع در شمال غربی اروپا (تقریباً در مرکز اروپای غربی) از طرف شمال با کشور هلند، از سمت شمال غربی با دریای شمال، از شرق با کشور آلمان و از جنوب شرقی با کشور لوکزامبورگ و از سوی جنوب و جنوب

غربی نیز با کشور فرانسه هم مرز می باشد. طولانی ترین مرز خاکی بلژیک با فرانسه به طول 625 کیلومتر است. بلژیک با 30519 کیلومتر مربع وسعت، صد و بیست و دومین کشور وسیع جهان و یکی از کوچکترین کشورهای اروپایی (یک پنجم هزارم قاره اروپا) محسوب می شود. به طور کلی دو سوم این کشور را فلات های پست و یک سوم دیگر آن را فلات های مرتفع تر تشکیل می دهد.

بلژیک به 9 استان، آنورس، فلاندر غربی، فلاندر شرقی، لمبورگ، برابان، انو، لیژ، نامور و لوکزامبورگ تقسیم شده است. شهرهای مهم آن به قرار زیر است:



بروکسل: پایتخت بلژیک و مرکز استان برابانت با جمعیتی معادل 950339 نفر، پرجمعیت ترین شهر کشور محسوب می شود و حدود 9/4% از کل جمعیت را در خود جای داده است.

آنتور (آنورس): دارای 465 هزار نفر جمعیت گنت (گان): مرکز استان فلاندر شرقی با 229 نفر جمعیت چارلروا: در استان هنور با 207 هزار نفر جمعیت

لیژ: مرکز استان لیژ با 196 هزار نفر جمعیت بروگز: مرکز استان فلاندر غربی با 116 هزار نفر جمعیت نامور: مرکز استان نامور با 104 هزار نفر جمعیت مونس: مرکز استان هنو با 92 هزار نفر جمعیت

کورتراي: در استان فلاندر غربی با 76 هزار نفر جمعیت

میشلین: در استان آنتروپ با 75 هزار نفر جمعیت

## جمعیت

طبق آمار منتشر شده در سال 2003 جمعیت این کشور معادل 10445000 نفر بوده که در مقایسه با 5 میلیارد نفر در جهان، بلژیک یک پانصدم جمعیت جهان را در خود جای داده است و یکصد و سی و هفتمین کشور جهان از نظر جمعیت محسوب می شود. البته 900 هزار نفر از جمعیت این کشور را مهاجرین و اتباع خارجی تشکیل می دهند که مهمترین آنها ایتالیایی ها هستند که 3% جمعیت مهاجرین را تشکیل می دهند (و 6% مابقی شامل: مراکشی ها، فرانسه فرانسوی ها، هلندی ها و اتباع ترکیه می باشند).

این کشور در سال 1970 به 4 منطقه تقسیم شد و البته مشکلات فراوانی را هم ایجاد نمود.

منطقه فرانسه زبان والوان: با وسعت 16844 کیلومتر مربع و با فرهنگ فرانسه در جنوب کشور، جمعیت فرانسه زبان ها 33% از کل جمعیت کشور می باشد.

منطقه فلامان زبان های فلاندر: با وسعت 13511 کیلومتر مربع و با فرهنگ هلندی در شمال کشور و دارای 56% از کل جمعیت کشور  
منطقه آلمان زبان: با وسعت 853/6 کیلومتر مربع و با فرهنگ آلمانی در شرق کشور و جزئی از منطقه والوان و دارای 1% از کل جمعیت کشور.

منطقه بروکسل: با وسعت 162 کیلومتر مربع و ترکیبی از زبان و فرهنگ هر دو منطقه نخست و 11% از کل جمعیت کشور.

### پیشینه تاریخی

بلژیک کشور نسبتاً جدیدی است که از استقلال آن بیش از 175 سال نمی گذرد. استقلال بلژیک در سال 1831 اعلام و از طرف دول بزرگ به رسمیت شناخته شد.

در حدود 50 سال قبل از میلاد مسیح قوم سلطیک در بلژیک کنونی زندگی می کردند و در حقیقت اولین باری که در تاریخ نامی از سرزمین بلژیک برده شد، در زمان سزار سردار رومی بود که پس از تصرف «سرزمین گل» به همراه سربازانش به خاطر این که رودخانه «رن» را مانع خوبی در مقابل هجوم قبایل ژرمن می دانست، تمامی سرزمین های واقع در مغرب رود رن از جمله

بلژیک و جنوب هلند را تصرف نمود و این منطقه را از لحاظ مادی و نظامی به منطقه گل ضمیمه کرد و به دلیل اینکه ساکنان بومی آن نواحی از نژاد سلت و از تیره بلژ بودند آن را بلژیک نامید.

بعد از سقوط امپراطوری روم، دوران فئودالیتة آغاز شد و بسیاری از سرزمین های امپراطوری به صورت امارات فئودال نشین درآمد؛ و بلژیک که مردم آن در اواخر دوره امپراطوری به مسیحیت گرویده بودند، وحدت اداری خود را از دست داد و به شش قسمت مختلف (سه کنت نشین فلاندر، هنو، نامور، دوک نشین برابان، لوکزامبورگ و یک شاهزاده نشین لیژ) تجزیه گردید.

در اواخر قرن 8 میلادی تا حدودی وحدت از دست رفته بلژیک توسط شارلمانی اعاده گردید و او توانست با فتوحات خود آلمان، فرانسه و شمال ایتالیا را تحت فرمان خویش درآورد و از کلیه فئودال ها از جمله دوک ها و کنت های بلژیک سوگند وفاداری بگیرد که البته با مرگ شارلمانی، این امپراطوری وسیع هم تجزیه شد و قسمت غربی آن تا «رودخانه اسکو» به فرانسه و مابقی آن به امپراطوری مقدس ژرمن تعلق گرفت. در سال 1555 بلژیک به عنوان بخشی از میراث شارل پنجم به پادشاه اسپانیا واگذار شد.

الحاق بلژیک به اسپانیا سبب شد که فرانسه از دو طرف بین اراضی اسپانیا - مقتدرترین کشور اروپایی آن زمان - محصور شود و لوئی چهاردهم، پادشاه فرانسه وارد جنگ های طولانی با اسپانیا شود که به جنگ های وراثت تاج و تخت اسپانیا معروف است. در نهایت در سال 1714 با شکست اسپانیا، بلژیک توسط اتریش فتح شد ولی بالاخره در سال 1795 و پس از انقلاب فرانسه، ناپلئون توانست رویای لوئی چهاردهم (الحاق بلژیک به فرانسه) را

عملی سازد و بلژیک را ضمیمه خاک فرانسه کند.

بعد از جنگ واترلو و شکست فرانسه، در سال 1815 بلژیک و لوکزامبورگ به هلند واگذار گردید و گیوم اول پادشاهی این سه کشور را به دست گرفت. البته اتحاد این سه کشور از هر لحاظ به خصوص از نظر اقتصادی و صنعتی به نفع هر سه آنها بود.

سرانجام در 25 سپتامبر سال 1830 انقلابیون بلژیکی در بروکسل حکومت موقتی تشکیل دادند و طی کنگره ای از سوی دول انگلیس، آلمان و فرانسه در سال 1831 بلژیک به عنوان کشور مستقل به رسمیت شناخته شد.

در 21 ژوئیه (روز ملی بلژیک) آن سال لئوپولد اول آلمانی در بروکسل - پایتخت بلژیک - بر تخت پادشاهی نشست بعد از مرگ وی، فرزندش لئوپولد دوم به سلطنت رسید. او کنگورا که 80 برابر سرزمین بلژیک بود به استعمار کشید. در سال 1914 و به هنگام شروع جنگ جهانی اول، به دلیل رد خواسته آلمانی ها - مبنی بر عبورشان از خاک بلژیک به سوی فرانسه - ارتش بلژیک به فرماندهی آلبرت وارد جنگ با آلمانی ها شدند و با مقاومت بسیار در جنگ «مارن» به پیروزی دست یافتند ولی عاقبت مجبور به عقب نشینی شدند.

پس از مرگ آلبرت اول، پسرش لئوپولد سوم در سال 1934 بر تخت سلطنت نشست. در این زمان با شروع جنگ جهانی دوم، ارتش آلمان نازی در سال 1940 بار دیگر بلژیک را مورد حمله ناگهانی قرار داد و پس از 18 روز نبرد در 28 مه 1940 بلژیک تسلیم شد و پادشاه به زندان افتاد. گروهی از مقامات بلژیک به انگلستان پناه بردند و همانجا دولت بلژیک آزاد را پایه ریزی نمودند و در سال 1949 بلژیک یکی از بنیانگذاران پیمان آتلانتیک شمالی ناتو

شد. البته این تسلیم بدون قید و شرط لئوپولد سوم تأثیر نامطلوبی در میان مردم به جا گذاشت تا جایی که پس از بازگشت او در یک همه پرسی 58 درصد مردم با ادامه سلطنت وی موافقت نموده و 42 درصد مابقی مخالفت کردند ولی سرانجام با اصرار اقلیت در 17 جولای 1951 سلطنت به پسر لئوپولد سوم، بودئن رسید. از آن به بعد بلژیک نقش بین المللی فعالی خصوصاً در صحنه اروپای غربی ایفا نموده و به عضویت چندین اتحادیه و پیمان منطقه ای درآمد (امضای پیمان رم برای ایجاد اتحادیه اقتصادی در سال 1957).

در سال 1960 کنگو از بلژیک جدا و مستقل شد و در سال 1962 رواندا و برونئی از بلژیک جدا و مستقل شدند. بعد از درگذشت بودئن که فرزند ذکور نداشت و طبق قانون اساسی، برادر وی پرنس آلبرت دوم در 9 آگوست 1993 به عنوان پادشاه جدید بلژیک آغاز به کار نمود. البته از او در مجله نیوزویک مورخ 23 آگوست 1993 به عنوان فردی عیاش و خوشگذران که به بیماری پارکینسون (فلج مرتعش) مبتلاست نام برده و ضمن ابراز تردید از توانایی وی در حفظ وحدت بلژیک از پرنس فیلیپ - فرزند او - به عنوان فردی لایق تر برای تصدی پست سلطنت نام می برد.

پس از تغییر قانون اساسی در سال 1994 بلژیک به یک دولت فدرال تبدیل شد.

## ساختار سیاسی

بلژیک یکی از کشورهای سرمایه داری با سیستم تجارت آزاد محسوب می شود و در واقع صاحبان سرمایه دارای نقش بزرگی در اداره کشور هستند.

مهمترین عامل در حساسیت های ملی و حکومتی بلژیک موضوع چند فرهنگی بودن جامعه و اثر آن در کلیه جوانب زندگی مردم این کشور است و مسئله دیگر رفاه اجتماعی می باشد.

نظام حکومتی این کشور مشروطه سلطنتی فدرال است با دو مجلس قانونگذاری که در سال 1831 ایجاد گردیده است.

این نظام در مقایسه با سایر رژیم های مشروطه پارلمانی اروپا نظیر انگلستان و سوئد، پادشاه بلژیک از قدرت و اختیارات وسیعتری برخوردار می باشد. به طوری که اولاً قدرت قانونگذاری طبق قانون اساسی این کشور میان شخص پادشاه و دو مجلس نمایندگان و سنا تقسیم شده است. ثانياً مقام سلطنت از اختیار انحلال مجلسین برخوردار می باشد و ثالثاً پادشاه به عنوان رئیس حکومت نخست وزیر و سایر وزرا را منصوب می نماید. در بلژیک احزاب، رسانه های گروهی، سندیکاها و سایر گروه های اجتماعی و صنفی به عنوان نمایندگان مردم، اراده سیاسی نظام را شکل می دهند.

پادشاه این کشور آلبرت دوم می باشد که از سال 1993 به کرسی سلطنت تکیه زده است و نخست وزیر این کشور گوی فرهوخشتادت است که از سال 1999 از سوی حزب لیبرال دموکرات فلامان این سمت را به عهده گرفته است.

## احزاب سیاسی

### احزاب اصلی

حزب سوسیال مسیحی: حزب کاتولیک در سال 1844 به وجود آمد و تا

سال 1945 در مدت 75 سال فعال بود و فقط بر مبنای مذهب قرار گرفته بود و تا این سال نقش مهمی را در اداره کشور بر عهده داشت. در این سال اعضای این حزب که وحدت مذهبی را برای تشکیل حزب سیاسی خود کافی نمی دانستند طی جلساتی که برگزار شد، در نهایت تصمیم گرفتند که حزب کاتولیک را به حزب سوسیال مسیحی که مذهب مورد توجه آن نبود، تبدیل کنند. این حزب در 1968 که بحران مسئله زبان در بلژیک در اوج خود بود، به دو دسته فلامان زبان (بزرگترین حزب سنتی بلژیک که غالباً نخست وزیر از آن انتخاب می شود) و فرانسه زبان (این حزب به عنوان سومین حزب در منطقه فرانسه زبان و ششمین حزب در کل کشور مطرح است، این حزب بیشتر بر همبستگی ملی اصرار می ورزد و با فدرالیزاسیون در تجارت خارجی و تامین اجتماعی مخالف است) تقسیم گردید.

حزب سوسیالیست: این حزب در سال 1855 به نام حزب کارگر مرکب از افراد چپ و تندرو تشکیل شد و در بحبوحه جنگ جهانی دوم منحل گردید و در سال 1945 با پایان جنگ و آزاد شدن بلژیک، حزب سوسیالیست بلژیک متولد شد. نیروی سیاسی عمده آنها در منطقه والونی و در جوامع فرانسه زبان بلژیک قرار داشت. در سال 1978 این حزب هم به دو دسته فرانسه زبان (دومین حزب بزرگ کشور که علی رغم قدرت زیاد آن هیچگاه نخست وزیر از آن انتخاب نشد و تفکر آن همانند حزب سوسیال مسیحی فرانسه زبان است) و فلامان زبان (سومین حزب بزرگ کشور که خواهان اعطای قدرت بیشتر به جوامع و مناطق بوده و از برگزاری انتخابات مستقیم مجالس منطقه ای حمایت می کند و با فدرالیزاسیون در همه ابعاد آن موافق است).

حزب لیبرال: در سال 1846 حزب آزادی خواه بلژیک که قدیمی ترین حزب این کشور است، تشکیل شد ولی رفته رفته اهمیت خود را از دست داد. این حزب عقاید ضد کاتولیک (ضد روحانی مسیحی) داشته ولی بتدریج به یک حزب مدافع آزادی عقیده تبدیل شد. حزب لیبرال نیز به فلامان زبان (چهارمین گروه بزرگ کشور و در فلاندر سومین حزب بزرگ است) و فرانسه زبان (در رده پنجم در کل کشور و رده دوم در منطقه فرانسه زبان قرار دارد و در بروکسل به طور سنتی مقام اول را دارد) تقسیم گردید.

## احزاب فرعی

حزب ملت متحد: در سال 1954 به عنوان انشعابی از حزب سوسیال مسیحی فلامان زبان پایه گذاری شد و از ملی گرایی فرهنگی و سیاسی افراطی حمایت می کند و بر یک سیستم فدرال در بلژیک تاکید می ورزد.

بلوک فلامان زبان: از دو حزب کوچک ملی گرا در 1978 تشکیل شد و از ملی گرایان افراطی و ضد کمونیست می باشد و به شدت با حضور خارجیان در بلژیک مخالف است. این بلوک شاخه ای از ناسیونالیست های حزب ملیت متحد فلامان زبان می باشد.

جبهه دموکراتیک فرانسه زبان: در 1965 به منظور دفاع از اقلیت و اکثریت فرانسه زبان ها شکل گرفت.

حزب آلمانی زبان های بلژیک: در 1971 پایه گذاری شد و از سنت سوسیال مسیحی پیروی می کند و خواهان یک استان مجزا برای نه کمون آلمانی زبان و تشکیل یک دولت فدرال در بلژیک است.



طرفداران محیط زیست: حزب آگالوف در قسمت فلامان زبان که در سال 1977 در فلاندر به وجود آمد و پیشنهاد همکاری و وحدت سیاسی را ارائه نمود و حزب آکولو در قسمت فرانسه زبان در مارس 1980 تشکیل شد و این حزب بیشتر بر اصلاح سیستم مالیاتی و سیستم منطقه ای پافشاری می کرد در سال 1981 نمایندگان این دو حزب وارد پارلمان شدند.

حزب کمونیست بلژیک: این حزب در 1925 متعاقب انقلاب بلشویکی روسیه و توسط ژوزف ژاکموت تأسیس شد. این حزب از فدرالیسم سه منطقه ای (فلاندر، والونی و بروکسل) حمایت می کند.

## ساختار حکومت

بنابر قانون اساسی بلژیک سرمنشاء قدرت، ملت است. لکن به موجب مواد 60 تا 91 قانون اساسی، سلطنت مشروطه در این کشور به اولاد ذکور مستقیم و قانونی شاه تفویض می شود. شاه از سن 18 سالگی می تواند به تخت بنشیند و در غیر این صورت نایب السلطنه از سوی مجلس موقتاً به انجام وظایف محوله خواهد پرداخت. و اگر پادشاه دارای پسر نباشد، نزدیک ترین شخص از نظر نسبت خانوادگی به پادشاهی خواهد رسید و در صورتی که نسل ذکور شاه منقطع باشد، پادشاه وقت، جانشین خود را با نظر مجلسین انتخاب خواهد کرد و در صورت عدم تحقق این امر، پس از مرگ شاه، مجلس می تواند نیابت سلطنت وی را به عهده بگیرد و بلافاصله تجدید انتخابات خواهد شد و طی دو ماه پادشاه جدید مشخص می شود. پادشاه در قبال هر گونه مسئولیت و

تعرضی مصونیت دارد اما تصمیمات او بدون امضاء وزیر مسئول از قدرت اجرایی برخوردار نیست. ضمناً پادشاه سمت فرماندهی نیروهای مسلح را به عهده دارد و امضای قراردادهای خارجی، انتخاب رئیس دولت، اعلان جنگ، امضاء قرارداد صلح و توشیح قوانین از وظایف او می باشد که همراه با مجلسین و یا به طور مستقیم به او تفویض شده است.

### قوه مجریه

در سیستم پارلمانی بلژیک، شاه با توجه به موقعیت سیاسی کشور و مشورت با روسای احزاب، از میان نمایندگان منتخب، یکی را به عنوان نخست وزیر معرفی و مامور تشکیل کابینه می کند. قابل توجه است که همه گروه ها از جمله: سوسیالیست ها و سوسیال مسیحیان شمال و جنوب اغلب در کابینه های ائتلافی دولت مشارکت می نمایند. کابینه های ائتلافی برای تصویب طرح های اساسی و کلیدی نیازمند اکثریت دو سوم پارلمان می باشند و ضمناً پارلمان به مجموعه هیئت دولت یک رأی اعتماد می دهد. اعضای هیئت دولت در دهه های گذشته بین 15 الی 20 وزیر - به طوری که تعداد وزرای فلامان زبان با تعداد وزرای فرانسه زبان برابر باشد - در نوسان بوده است و تا سال 1995 در بلژیک 71 کابینه تشکیل شده است. محاکمه اعضای کابینه به اجازه مجلس شورای ملی و توسط دیوان عالی کشور صورت می گیرد. البته در این کشور علاوه بر دولت مرکزی، مناطق چهارگانه فرانسه زبان، فلاندر، آلمانی زبان و بروکسل نیز دارای دولت های منطقه ای می باشند.

این قوه مربوط به دو مجلس ملی و سنا می باشد که نمایندگان مجلس ملی آن توسط رأی مستقیم بلژیکی هایی که به سن 21 سال رسیده اند برای مدت 4 سال انتخاب می شوند و نصف نمایندگان سنا هم توسط مردم برای مدت 4 سال انتخاب می شوند و اختیارات این مجلس هم همانند شورای ملی است. تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی 150 و نمایندگان سنا 71 نفر می باشد. ضمناً بر خلاف سایر کشورهای اروپایی، در بلژیک یک فرد فقط می تواند عضویکی از پارلمان ها (ملی یا اروپا) باشد و طی آخرین اصلاحیه، بلژیک دارای 25 کرسی در پارلمان اروپا است.

## قوه قضائیه

قضاوت و اجرای قانون توسط دادگاه ها صورت می گیرد و روسای این دادگاه ها با نظر پادشاه منصوب می گردند و به جز احکام قضایی هیچ کس حق عزل آن ها را ندارد. ضمناً حکم اعدام از سال 1991 در بلژیک ملغی گردید.

در مورد قانون اساسی بلژیک که مصوب 7 فوریه 1830 می باشد، لازم به ذکر است که قانون اساسی حکومت مشروطه سلطنتی 1906 ایران از همین قانون اساسی بلژیک ملهم بوده و این دو کشور دارای مشابهات زیادی در قانون اساسی می باشند.

## اوضاع اقتصادی

بلژیک از جمله کشورهای اروپایی است که مرحله اصلی توسعه صنعتی

را به کمک امکانات داخلی خود نظیر سنگ آهن و ذغال سنگ از اوایل قرن 19 آغاز نمود. البته در قرون وسطی نیز در شهرهای ناحیه فلاندر امروزی صنایع نساجی فعالی وجود داشتند. در قرن دوازدهم نیز در دره رودخانه موز و به ویژه در حوالی شهر لیژ با استفاده از سنگ آهن و ذغال سنگ جنگل های آردن و نیروی آب، صنایع فلزی مشغول به کار بودند. در قرن 16 صنعت ذوب آهن توسعه یافت و صنایع دیگری نظیر چاپ، تراش الماس و شیشه سازی در این کشور فعال بودند. طی قرن اخیر، جنگ جهانی دوم و اشغال آن توسط آلمان، دومین ضربه بزرگ وارده بر اقتصاد آن به شمار می رود و در نهایت با خاتمه جنگ، اقتصاد بلژیک در سایه صنایع ذوب فلزات و صنایع شیمیایی و ضمن بهره بردن از منابع معدنی غنی و مواد خام وارداتی و ارزان از کنگو مستعمره سابق بلژیک و همچنین با تکیه به اتحادیه بنلوکس که با مشارکت هلند و لوکزامبورگ شکل گرفته بود مجدداً باسازی شده روند رشد و توسعه کشور مجدداً آغاز شد.

سیستم اقتصادی بلژیک بر نظام اقتصادی باز، مبتنی می باشد که در آن تعدادی از شرکت های بزرگ نقش اصلی را در تمامی بخش های صنعتی تجاری و مالی ایفا می کنند و دولت نیز در اقتصاد آن نقش قابل توجهی دارد.

از اوایل دهه 1980 سیاست اقتصادی دولت بلژیک به طور عمده بر کاهش کسری بودجه و بهبود تراز پرداخت ها معطوف شد ولی هنوز هم کسری بودجه سنگین دولت همچنان باقی (کسری بودجه در سال 94 بالغ بر 5/4 درصد تولید ناخالص داخلی بوده).

تولید ناخالص داخلی بلژیک در 1998 بالغ بر 258968 میلیون دلار می باشد و درآمد سرانه آن در همین سال برابر 25380 دلار بوده است (این کشور از لحاظ درآمد سرانه در میان سایر اعضای اتحادیه اروپا در سطح بالایی قرار دارد) و میزان ذخایر طلای آن 8/3 میلیارد دلار و کل ذخایر ارزی این کشور 22 میلیارد دلار بوده است و در سال 1998 این کشور 265600 میلیون دلار بدهی خارجی داشته است. و در سال 1991 به عنوان مقروض ترین عضو اتحادیه اروپا معرفی شده ولی نرخ تورم آن از متوسط نرخ تورم اروپا کمتر است و نرخ بیکاری آن تقریباً با معدل نرخ بیکاری اتحادیه اروپا برابر می باشد.

## مراکز آموزشی

### دانشگاه ها

1. دانشگاه لوون: تأسیس در سال 1425 میلادی (در این دانشگاه به دو زبان رسمی کشور تدریس می شود) و دانشگاه کاتولیک بلژیک است، ضمناً اولین دانشگاهی است که در بلژیک ساخته شد.

2. دانشگاه فرانسه زبان لی یژ و دانشگاه هلندی زبان گنت: تأسیس 1816 و یکی از دانشگاه های معروف بلژیک است.

3. دانشگاه آزاد بروکسل: تأسیس 1834 در این دانشگاه نیز به دو زبان رسمی کشور تدریس می شود و دانشگاه ملی کشور است و به منظور برداشتن قیود مذهبی از دانشگاه ایجاد شد.

4. دانشگاه دامپزشکی کورگم: تأسیس در سال 1836

5. دانشگاه مونس: تأسیس در سال 1837 و به منظور تربیت مهندسين فنى

6. دانشکده حقوق سن لوئی: در سال 1858

7. دانشکده کشاورزی ژامبلو: تأسیس در سال 1885

8. دانشکده کار: تأسیس در سال 1903 و اولین مؤسسه آموزش حرفه ای در بلژیک

## ادیان و مذاهب

### نفوذ ادیان در اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه

دین غالب در بلژیک وابسته به کلیسای کاتولیک رم است. منطبق بر آمار سال 1995 حدود 87/9 درصد جمعیت این کشور را کاتولیک های وابسته به کلیسای کاتولیک روم تشکیل می دهند و 2/5 درصد را مسلمان و 2/4 درصد را پروتستان و دیگر مسیحیان و 3 دهم درصد یهودی هستند. به دلیل آزادی مذهب بر اساس قانون اساسی بلژیک پایبندی به اصول مذهبی به ویژه در بخش شمالی کشور یعنی در منطقه فلاندرز کاملاً مشهود است. برگزاری مراسم و اعیاد مذهبی، احترام گزاردن به قدیسین و پایبندی به مقدسات مذهبی در بلژیک بیش از سایر کشورهای شمال اروپا رعایت می گردد و انبوه زنان مسلمان با حجاب اسلامی در پایتخت این کشور این ذهنیت را پیش می آورد که شاید آمار مسلمانان بیش از تعدادی باشد که در گزارشات آمده است.

مذهب علاوه بر جنبه های فردی، در زندگی سیاسی مردم بلژیک نیز تاثیر و نفوذ دارد.

با این وجود از سال 1919 تا 1939 کاتولیک ها هیچ وقت اکثریت مطلق پارلمان را به دست نیاوردند و صرفاً اکثریت نسبی را به استثنای سال های 1939 و 1936 در اختیار داشتند. کلیسای کاتولیک بلژیک از نظر تقسیمات سازمانی خود به یک اسقف اعظم و 7 ناحیه اسقف نشین شامل، آنتروپ، بروژ، اسل، لیژ، نامور، تورنای و بروکسل تقسیم شده است. اسقف اعظم کلیسای کاتولیک بلژیک «کاردینال گود فرید دانیلز» می باشد. البته باید توجه داشت که اکثر عبادتگاه ها در بروکسل قرار دارد و ضمناً اغلب کلیساهای آن کاتولیک هستند.

در بلژیک قریب به 35 هزار نفر یهودی زندگی می کنند. این عده عمدتاً در بروکسل و بندر آنتروپ متمرکز هستند. اغلب یهودیان در آنتروپ به کار تجارت اشتغال دارند. پیرامون این دین دارای مجمعی هستند به نام شورای مرکزی انجمن های یهودیان بلژیک که در سال 1808 تأسیس یافته و ریاست تشکیلات یهودیان با آقای «جرجس شنک» می باشد.

### مسلمانان در بلژیک

اسلام در دوران استعمار پیش از آن هیچگاه رابطه مناسبی با مرزهای اقوام بلژ نداشته است. تنها پس از جنگ جهانی دوم و در شرایطی که این کشور به نیروی کار مسلمین نیازمند گردید، مرزهای این کشور به روی مسلمانان گشوده شد و کارگران مغربی و تُرک به این کشور برای مشارکت و در استخراج زغال سنگ و ذوب آهن دعوت گردیدند و بدنبال تولد اسلام در بلژیک تقریباً از آغاز نیمه دوم قرن بیستم رقم خورد. ابتداء این کارگران نیمه

متخصص بصورت مجرد به این کشور عزیمت کردند و کم به کم با منتقل کردن خانواده های خود به این سرزمین، شهروند رسمی این کشور شدند. تعدادی از پناهندگان سیاسی آلبانی تبار و تعدادی از دانشجویان مسلمان که برای تحصیل به این کشور آمده بودند نیز به این جمع ملحق گردیدند و جامعه اسلامی در بلژیک را پدید آوردند.

با این حال بلژیک از معدود کشورهای اروپائی است که به مسلمانان رسمیت داده است و برخی از حقوق شهروندی را برای آن معتبر دانسته است.

به نوشته روزنامه لوسوار مورخ 22 سپتامبر 2002، بلژیک بین 400 تا 450 هزار نفر مسلمان دارد یعنی حدود 4 تا 4/5 درصد جمعیت کشور را مسلمانان تشکیل می دهند که اکثراً مراکشی، ترک و پاکستانی الاصل می باشند. از زمان انفجارات 11 سپتامبر 2001 در نیویورک و واشنگتن، جامعه مسلمانان بلژیک مستقیماً تحت تأثیر اخبار بین المللی بوده و هدف فشارها، توهین ها و نگاه های سنگین دیگران قرار گرفته است.

بدین ترتیب اسلام پس از مسیحیت دومین دین رایج کشور محسوب می شود. این مسلمانان عمدتاً شامل مهاجران شمال آفریقا و ترکیه می باشند. این مهاجرین از نظر ملیت به ترتیب از کشورهای مراکش، ترکیه، الجزایر، تونس، ایران، پاکستان، آلبانی، لبنان و یوگسلاوی سابق آمده اند. مسلمانانی که اصالتاً بلژیکی هستند نیز حدود 5 الی 20 هزار نفر برآورد می شوند.

در سال 1965 سفرای کشورهای سالامی مستقر در بروکسل، درخواست به رسمیت شناخته شدن دین اسلام را در بلژیک به پادشاه این کشور ارائه دادند. پادشاه بلژیک نیز در سال 1974 و به مناسبت بیستمین سالروز ورود دسته جمعی مسلمان به بلژیک پذیرش درخواست مذکور را رسماً اعلام نمود.



به محض صدور این دستور مسلمانان خواهان تدریس آموزش های اسلامی در مدارس بلژیک شدند که در سال 1974 این مسئله نیز مورد تصویب دولت بلژیک قرار گرفت. مرکز اسلامی بروکسل نیز در این دوران یعنی در سال 1973 و با حمایت کشورهای مثل مراکش و عربستان تأسیس یافت. گفته می شود این مرکز به سازمان رابطه العالم الاسلامی عربستان وابسته می باشد. فعالیت های این مرکز در زمینه مسائل زیر متمرکز می باشد:

- تلاش در راه حفظ اعتقادات مسلمانان

- معرفی اسلام به غیر مسلمانان

- تبلیغات مذهبی

- برگزاری سمینارها و کنفرانسها

- برگزاری سلسله دروس دینی در مساجد

- برگزاری جشنها در مناسبتهای گوناگون

- صدور فتوا

- برگزاری مراسم عقد و ازدواج مذهبی

- دیدار با زندانیان و کمک به آنها و آگاه ساختن آنان از اسلام

- روشن کردن افکار عمومی بلژیک نسبت به اسلام

- آموزش تعالیم دین و زبان عربی

- تأسیس یک کتابخانه اسلامی

همزمان با تأسیس مرکز اسلامی و فرهنگی بروکسل، پادشاه بلژیک به درخواست ملک فیصل پادشاه وقت عربستان سعودی برای احداث یک مسجد بزرگ پاسخ مثبت داده و دولت بلژیک یک قطعه زمین برای این کار اختصاص داد.

بدین ترتیب امروز علاوه بر مسجد جامع بروکسل در بلژیک ده نمازخانه استملاکی و قریب به 100 نمازخانه استیجاری رسمی فعالیت می کنند. علیرغم اینکه مسلمانان بلژیک به لحاظ اعتقاد به فرقه های مختلف سنی، شیعه، طریقت های مختلف و... همچنین وابستگی به ملیتهای مختلف، از انسجام کافی برخوردار نمی باشند، لکن به دنبال رشد بنیادگرایی اسلامی در سطح جهان، در بلژیک نیز مسئله تقابل ارزشهای اسلامی با معیارهای حاکم بر جوامع غربی به صورتی محسوس درآمده است. به همین دلیل علیرغم رسمیت دین اسلامی در بلژیک، تقابل ارزشهای دو طرف منجر به اعمال برخی محدودیتها و موانع از سوی دولت در مقابل فعالیت های مسلمانان شده است. در همین رابطه جالب توجه است که دولت بلژیک علیرغم رسمیت دین اسلام در این کشور و الزام قانون، به بهانه های مختلف از پرداخت مقرری استادان دینی مسلمان بلژیک

ظفره می رود. همچنین برخی احزاب ملی گرا و نژادپرست بلژیک نیز اخیراً خواستار اعمال محدودیت های بیشتر دولت در مقابل مسلمانان شده اند.

مجله لوویت اکسپرس مورخ 26 ژانویه 1995 نیز با انتشار مقاله ای در همین رابطه به دولت توصیه می کند، ضمن برنامه ریزی دوره های آموزشی، اسلام رایج در بلژیک را با ارزشهای حاکم بر جامعه تطبیق دهد. با این وجود مسلمانان بلژیک در دسامبر 1998 عده ای را به عنوان نمایندگان جامعه مسلمانان برگزیدند، ریاست جمعیت مسلمانان بلژیک با دکتر امام سلمان الراضی می باشد.

## مراکز اسلامی در بلژیک

### اشاره

مراکز اسلامی در این کشور به دو بخش تقسیم می شوند. بعضی از آنها دارای جهت گیری سیاسی اند، مانند «اخوان المسلمین» و «انجمن دانشجویان مسلمان» که نسبت به اکثریت مهاجران در حاشیه قرار دارند و به طور عمدی جایگاه خود را در میان حلقه های روشنفکر حفظ کرده اند و برخی دیگر از انجمن های اسلامی مانند «تبلیغ»، «سلیمانیان» و «علویان» که در بطن جمعیت مهاجر قرار دارند. «علویان» یک برداشت متجدد از صوفی گری قدیمی را ترویج می دهند که برای جوانان جذاب است. در حالیکه «تبلیغ» به نصب العین قرار دادن جنبه عملی اسلام، ترویج اسلامی غیر سیاسی و تقویت نمادهای هویتی ظاهری مانند حجاب و محاسن متصف است.

ص: 145

## 1 - بنیاد «تبلیغ» در بلژیک

در میان گروه های بی شمار اسلامی که در بلژیک پدید آمده اند، خصوصاً در پانزده سال گذشته، بدون شک «جماعت تبلیغ» از موقعیت ویژه ای در زمینه قدرت حضور و تأثیر فعالیت های دامنه دار برخوردار بوده است. جماعت تبلیغ همان مرکز منظم و بین المللی است که در بیشتر کشورهای غیراسلامی نمایندگی دارد و شرح آن در فصل مربوط به مراکز اسلامی در فرانسه گذشت.

جماعت «تبلیغ» در بلژیک با علامت اختصاری ASBL شناخته می شود و از سال 1980 به بعد مجموعاً 12 مسجد و مرکز فرهنگی رسماً تحت نظر این تشکیلات در بلژیک بوجود آمد و با توجه به اینکه قانون بلژیک مؤسسان اینگونه مراکز را ملزم می کند که حداقل 60 درصد آنان بلژیکی باشند، در بین 15 عضو مؤسس این بنیاد، 9 نفر بلژیکی هستند. در ابتداء عضویت در این بنیاد، هر عضو این جماعت «تبلیغ» متعهد می گردد ماهیانه پانصد فرانک بلژیکی (1) به عنوان اعانه اجباری به این جماعت پرداخت نماید.

## 2 - مراکز اسلامی و فرهنگی بلژیک ( ICCB )

در سال 1979 به عنوان شعبه ای از مجمع جهان اسلام تأسیس شد و دولت به او به عنوان یک سازمان بین المللی جایگاه قانونی داد. در حقیقت این مرکز به عنوان بخش اروپایی مجمع جهان اسلام فعالیت می کند و مسئول احداث مساجد در اروپا می باشد. به همین جهت مدیر این مرکز معمولاً از سوی

ص: 146

---

1- (1) هر یورو معادل 4/3 فرانک بلژیکی است.

مجمع معرفی می شود. از سال 1974 رسماً به عنوان مرجع اصلی انتصاب و آموزش روحانیون مسلمان، مدیریت مساجد و انتخاب معلمین دینی شناخته شد. مسجد اصلی بروکسل در دست این مرکز قرار دارد و مدیر این مرکز، امام جماعت اصلی جامعه مسلمان است. و هیئت اجرایی آن متشکل از نمایندگان هیئت های دیپلماتیک مسلمان در بلژیک بوده و ریاست جلسه را سفیر عربستان سعودی بر عهده دارد.

### **3 - اتحادیه مساجد و انجمن های فرهنگی اسلامی در بلژیک ( FMCICAB )**

در فوریه سال 1985 و با تحریک «جماعت تبلیغ» تأسیس شد تا مخالفت خود را نسبت به انتصاب مدیر مرکز اسلامی بلژیک اظهار کند. در سال 1985 این اتحادیه سبب اخراج مدیر مرکز اسلامی شد که به جای او عبدالله اهل منسوب و در مارس 1989 ترور شد. در سال های اخیر به عنوان یک گروه میانجی برجسته بین اکثریت وسیعی از مسلمانان عادی و دولت ظاهر شده و به این ترتیب موقعیت خود را به عنوان نماینده اصلی مساجد کشور تثبیت نموده است. علیرغم روابط غیر رسمی با «جنبش تبلیغ» در مسائلی که با احساسات تند اسلامی همراه بوده، موضع بی طرفی را اتخاذ کرده است. به هر حال کمبود منابع فکری و مالی سبب شده که توان مقاومت این گروه ها در برابر مرکز اسلامی کمتر شود. اهداف این اتحادیه به قرار زیر است:

دفاع از ارزشهای اسلامی ساکن در بلژیک، سازماندهی و برگزاری آموزش عربی و قرآن به علاوه آموزش فرهنگ اسلامی، مخصوصاً با ایجاد مدارس اسلامی، انتصاب روحانیون و سرپرستی اداره مساجد.

در بلژیک 328 مسجد و مکان عبادی اسلامی وجود دارد که بیش از نیمی از آنها در اواخر دهه 80 احداث شده اند (162 تا در فلاندر، 89 تا در والنیا و 77 تا در بروکسل) بزرگترین و قدیمی ترین مسجد بلژیک، مرکز اسلامی در بروکسل است که با کمک سعودی ها ساخته شده است. نمازخانه سنت بازیل، که مردم معمولاً از آن به عنوان محراب خون مقدس یاد می کنند، در شهر بروکز قرار دارد.

شیعیان نیز در مرکز شهر بروکسل دارای مرکزی بنام مسجد امام رضا علیه السلام که در آن مراسم عبادی نماز جمعه و کنوانسهای خود را برگزار می نمایند و از تشکیل نسبتاً منسجمی برخوردارند.

### حجاب در بلژیک

شهر بروکسل از معدود شهرهای اروپائی است که تعداد زیاد زنان مسلمان و محجبه به وضوح به چشم می آید. تا قبل از قانون منع حجاب در فرانسه در سال 2004 مسلمانان در این کشور از وضعیت حقوقی و امتیازات نسبتاً مناسبی برخوردار بودند اما پس از حوادث فرانسه، همسایه شمالی این کشور یعنی بلژیک نیز به تبعیت از ریاست دولت فرانسه محدودیتهائی را برای مسلمانان ایجاد کرد.

شهردار شهر گنت، استفاده از چادر اسلامی برای زنان در این شهر را ممنوع اعلام کرد. بنا به تصمیمات مسئولان شهر گنت، اشخاصی که در محل های عمومی شهر از هر پوششی که مانع از شناسایی شان شود استفاده کنند، توسط نیروی پلیس این شهر بازداشت می شوند. آقای فرانک بکه، عضو

حزب سیاسی SPA، خواستار ممنوعیت هر گونه پوششی که هویت شخص در زیر آن ناپدید شود، می باشد. او نگران این است که تروریست‌ها با این پوشش دست به اعمال تروریستی خود بزنند. شهردار شهر گنت در ادامه می افزاید که زنانی که چادر بسر می کنند، در صورت مشاهده توسط افسران زن پلیس دستگیر خواهند شد.

وزیر امور خارجه بلژیک آقای میشل اظهار عقیده کرده است که دانش آموزان دختر و مسلمان در مدارس نباید حجاب داشته باشند. آقای میشل همچنین گفت که به عقیده او کارکنان دولت نیز نباید از علایم مذهبی مانند حجاب اسلامی در محل خدمات خود استفاده کنند. در ابتدای این ماه وزیر کشور بلژیک با فراخوانی مجلس برای محدود سازی نمادهای دینی مربوط به تمامی مذاهب و همچنین حجاب اسلامی در مدارس بلژیک مسلمانان این کشور را خشمگین ساخت. این قانون که از سپتامبر 2004 در مدارس بلژیک اجرا گردیده است، از قانون جدید فرانسه برای منع نمایش نمادهای مذهبی به منظور پیشگیری از دامن زدن به درگیری های دینی و قومی اقتباس شده است. وزیر کشور همچنین گفت که نمایش نمادهای دینی در محیط اداری نمایانگر دخالت دین در سیاست و دولت است که این بر خلاف اصول دموکراتیک در این کشور می باشد. البته در این رابطه 15 گروه اسلام گرا که در بلژیک فعالیت می کنند در بیانیه مشترکی ضمن اعتراض به سخنان وزیر کشور اعلام نمودند که حجاب اسلامی یک دستور الهی است و مردان مسلمان، زنان را مجبور به این کار نمی کنند.

بیمارستانهای عمومی بروکسل (زیر پوشش گروه Iris) دستور ممنوعیت پوشیدن لباسهای مذهبی را به کارکنان خود اعلام نمودند. بر اساس این

تصمیم کارکنان بیمارستانهای حق پوشیدن لباسهای دینی یا سنتی خود را ندارند.

دانشگاه ها و مدارس پزشکی بلژیک نیز سیاستهای خود را همانند بیمارستان ها کرده اند. دانشگاه آزاد بروکسل (ULB) پوشش مذهبی برای دانشجویان را در ساعات کارهای عملی و همچنین در محیط بیمارستان ممنوع کرده است.

قانون اساسی بلژیک یکی از کاملترین و جامع ترین قانون اساسی های دنیاست ولی با این وجود در آن چگونگی برخورد با نمادهای دینی در مدارس وجود ندارد و بر اساس اختیاری که دولت به مدیران مدرسه ها داده است، آنها می توانند در این مورد تصمیم گیری کنند.

نماینده مسلمانان با اشاره به بند 9 از کنوانسیون حقوق بشر مبنی بر آزادی دین و عقیده برای تمامی انسان ها، این اقدام مدارس بلژیکی را برخلاف بند مذکور شمرده و به آن اعتراض نمود.

ص:150



## موقعیت جغرافیائی و اجتماعی

سوئیس در اروپای غربی و از شمال به آلمان از شرق به اتریش از جنوب به ایتالیا از غرب به فرانسه محدود می‌گردد. بخشی از این کشور دارای هوای نیمه‌آلپی

و دارای دریاچه‌های متعددی است که منشاء یخچالی دارند و از قابلیت‌های کشاورزی و دامداری فراوانی برخوردار است و دارای جنگلهای متراکم و قابل توجهی است که متأسفانه بدلیل بارانهای اسیدی ناشی از نشت گازهای سمی کارخانجات کشورهای همسایه در معرض تهدید قرار گرفته است.

این کشور یکصد و سی و سومین کشور جهان از نظر وسعت و مساحت آن بر 41/285 کیلومتر بالغ می‌گردد. شهرهای مهم آن عبارتند از: زوریخ،

ژنو، بازل، لوزان، لوسرن، وینترتور، سنت گالن، بیل و تون، پایتخت این کشور شهر «برن» می‌باشد با جمعیتی بالغ بر 317 هزار نفر و جمعیت این کشور بر حسب سرشماری سال 2000، 7/4 میلیون برآورد گردیده است و رشد جمعیت آن 7 دهم درصد پیش بینی می‌گردد که کمترین نرخ رشد جمعیت است. با این

حال مهاجرت «تا محدودیتهائی که دارد» عمده ترین عامل رشد جمعیت در سوئیس است.

سوئیس مردمی سختکوش و پرتلاش، صرفه جو و علاقمند به تحصیل و در عین حال خشک و سختگیر دارد. اصول اقتصادی را همه رعایت می کنند و در خصوص رقابت در بازارهای جهانی، مدیون فعالیت خستگی ناپذیر دانشمندان و مخترعین خویش است. غرق شدن سوئیس ها در تجارت و جزئی فروشی و امتناع از راه دادن عواطف و احساسات، موجب ساخت ساعت های نفیس و ایجاد و بانک های فوق العاده موفق در جهان گردیده است.

این کشور پول محور است و حتی تحصیلات در آن به پول بستگی دارد. در صنایع کوچک ثروتمند و در صنایع بزرگ فقیرند.

کشور سوئیس دارای وسعتی معادل 15/944 میل مربع است و واحد پول این کشور فرانک می باشد.

### شهرهای مهم

برن: از سال 1848 برن پایتخت کنفدراسیون سوئیس و مرکز دولت فدرال بوده است. امروز شهر برن عمدتاً مرکز اداری ایالت و کشور سوئیس است و سازمان های بین المللی چندی را نیز مانند: اتحادیه جهانی پست، اتحادیه مخابرات از راه دور و تعدادی ارگانه های اجرایی سازمان ملل را در خود جای داده است. صناعی که در برن مستقر هستند عبارتند از: شکلات سازی، مبلمان سازی، رادیو سازی، تسلیحات و نساجی، این شهر دارای یک مرکز بورس نیز هست.

ص: 152

ژنو: این شهر دروازه سوئیس از سوی فرانسه است. این شهر به موازات اهمیت اقتصادی، از نظر سیاسی هم مهم است زیرا که سازمان‌هایی مانند: دفاتر اروپایی سازمان ملل، صلیب سرخ جهانی: سازمان بهداشت جهانی، سازمان تحقیقات اتمی اروپا و کاخ ملت‌های سازمان ملل متحد در آن جای دارند. آیین مردم ژنو، پروتستان است و شورای جهانی کلیساها و انجمن دختران مسیحی و انجمن پسران مسیحی نیز در این شهر قرار دارد.

ژنو از شهرهای مدرن است اما تاریخ این شهر به زمان آبنشینان اولیه برمی‌گردد. نام ژنو اولین بار در نوشته‌های ژولیوس سزار دیده می‌شود و این دلیل آن است که این شهر لااقل 2000 سال قدمت دارد.

زوریخ: زوریخ بزرگترین و پیشرفته‌ترین شهر در کشور سوئیس است. زوریخ از نیمه قرن 19 مرکز عمده صنعت و بازرگانی این کشور بوده است. امروز صنایع ماشین‌افزار، وسایل برقی، ابزار دقیق، دوربین‌ها و سایر وسایل چشمی، کاغذسازی و کتان و جواهرسازی در این شهر مستقرند. این شهر از مراکز مهم بانکداری و بیمه نیز هست.

بال: دومین شهر بزرگ سوئیس است. قدیمی‌ترین دانشگاه‌های سوئیس در این شهر قرار دارند.

لوزان: به دلیل دانشگاه و مدارس خصوصی بسیارش به عنوان مرکز آموزشی سوئیس شهرت یافته است.

سن‌گال: این شهر دارای موزه‌های زیبا و آثار تاریخی است.

آپنزل: این شهر در میان تپه‌ها قرار دارد. و به این خاطر دارای جذابیت زیبا و قدیمی است.

لوگانو: از شهرهای تفریحی و بهداشتی معروف سوئیس است.

مردم سوئیس آریایی نژاد و سفی پوست و از چهار شعبه مختلف اند:

1) نواحی شمالی شرقی که از نژاد آلمانی ژرمن هستند و تعدادشان حدود 68 درصد سکنه کل سوئیس است؛ 2) نواحی جنوب غربی که از نژاد سلت هستند، 3) نواحی جنوبی از نژاد لاتینی، 4) نواحی شمالی که از نژاد قدیمی ارت هستند.

### زبان و خط

در قانون اساسی سوئیس از سه زبان رسمی و چهار زبان ملی یاد شده است. زبانهای رسمی عبارتند از: فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، در نتیجه نام سوئیس، سه اسم رسمی دارد: «شوایز» به آلمانی، «سوئیس» به فرانسه و «سوایزر» به ایتالیایی تمام قوانین ملی به این سه زبان نوشته می شود.

از دیگر زبانهای خارجی غیر مرسوم در کشور سوئیس، زبان «امانش» است که ارتباط نزدیکی با لاتین دارد و می توان گفت که تقریباً 1 درصد سوئیسی ها به آن تکلم می کنند.

حدود 70 درصد از مردم سوئیس به شکلی خاص از آلمانی صحبت می کنند که آلمانی سوئیسی نامیده می شود. آلمانی سوئیسی یک زبان جداگانه و مخصوص است به نحوی که مردم آلمانی زبان سایر قسمت های اروپا به سختی آن را درک می کنند. در نواحی مختلف سوئیس این زبان و نامش فرق می کند. اما هرکجا که آلمانی سوئیسی رایج است در مطبوعات و رادیو و تلویزیون از زبان آلمانی استاندارد استفاده می شود.

زبان فرانسه را حدود 20 درصد مردم سوئیس به آن صحبت می کنند. ایتالیایی هم زبان 10 درصد از مردم این کشور است. اما ایتالیایی و فرانسوی که سوئیزی ها به آن تکلم می کنند اختلاف چندانی با آنچه فرانسه و ایتالیا به آن صحبت می کنند ندارد.

## حکومت

کنفدراسیون سوئیس دارای پیشینه تاریخی 700 ساله است و تاریخ استقرار و بنیانگذاری آن به سال 1291 بازمی گردد. بدین لحاظ، این کشور را، با نظام سیاسی خاص حاکم بر آن، می توان جز کهن ترین نظام های حکومتی و از معدود دموکراسی هایی دانست که در دوران سیاه موسوم به «قرون وسطی» متولد شد. تاریخ سوئیس با اقدام سه کانتون سوئیزی (اوری، شواتیس، نیدوالان) در جهت ایجاد یک نظام کنفدرالی در سال 1291 آغاز گردید. و تنها کشور اروپایی است که همواره «جمهوری» بوده است.

کنفدراسیون سوئیس حاصل اتحاد ایالاتی است که بر اساس پیمانی موافقت نمودند برای حفظ منافع خود یک حکومت مرکزی را بوجود آورند. این حکومت فدرال و دموکراتیک، دارای یک قوه قانونگذاری به نام «مجمع فدرال» یک قوه اجرایی به نام «شورای فدرال» و یک قوه قضاییه به نام «دادگاه عالی فدرال» است. امتیازات و وظایف سه قوه مذکور را قانون اساسی فدرال معین نموده است. کنفدراسیون سوئیس مرکب از 20 کانتون و 6 نیمه کانتون، دارای یک قانون اساسی می باشد دولت سوئیس یک ساختار فدرالیستی است که در آن برای کانتون ها سهم قابل توجهی از آزادی، اتحاد تصمیمات سیاسی و

خودمختاری در نظر گرفته شده است. در واقع حقوق مردمی در کانتون ها و کمون ها (نیمه کانتون ها) بطور کلی بر اساس حقوق فدرال است ولی در جزئیات، ویژگی های خاص منطقه را داراست.

مدل حکومتی سوئیس از نوع سیستم معاهده ای است. خصوصیات اصلی رژیم معاهده ای، اجتماع تنگاتنگ قوه مقننه و قوه مجریه می باشد که در اختیار یک واحد و به نفع پارلمان قرار می گیرد. پارلمان به نحوی است که می توان گفت، خود، قوه مجریه را اعمال می کند و یا به عبارت دیگر در این سیستم قوه مجریه وجود ندارد. دومین خصیصه این سیستم آن است که رئیس حکومت و اساساً «نهاد حکومت» وجود ندارد و کارها بوسیله پارلمان انجام می گیرد. در این سیستم، قوه مجریه در دست پارلمان است. این قوه توسط «شورای فدرال» که اعضای آن به وسیله پارلمان برای مدت 4 سال انتخاب می شوند، اعمال می شود. این شورا مطیع پارلمان است و هیچ هویت مستقلی از خود ندارند و اعضای آن تحت کنترل و نفوذ پارلمان قرار دارند.

### قوه مجریه

در رأس قوه مجریه شورای فدرال قرار گرفته است. این شورا دارای 7 عضو است که با رأی مجلسین در یک نشست مشترک انتخاب شده و تا هنگامی که خود استعفا ندهند در مقام مربوطه باقی خواهند ماند. برخلاف جمهوری های دیگر رئیس شورای فدرال که رئیس جمهوری کنفدراسیون خوانده می شود، هیچ تفاوتی با سایر اعضای شورا ندارد و این مقام بیشتر جنبه تشریفاتی دارد. برخلاف جمهوری آمریکا، اهمیت رئیس جمهور از اعضاء

دیگر بیشتر نیست و تنها به صورت رئیس هیئت انجام وظیفه می کند. سوئسی ها اصرار دارند او را فقط رئیس شورای فدرال بدانند. با این حال وی را رئیس جمهور کنفدراسیون می خوانند. به همین ترتیب می گویند، برن پایتخت سوئیس نیست، بلکه مقر دولت فدرال و مرکز اوامر کشور است.

بر طبق قانون اساسی، بجز روحانیون، اعضای سایر قشرها حتی مجلسین می توانند کاندید عضویت در شورای فدرال گردند. اما عملاً فقط افرادی که از تجربه فراوان در امور مملکتی برخوردارند به عضویت شورا برگزیده می شوند. البته در این انتخاب، نواحی مختلف، زبانها و احزاب گوناگون را در نظر می گیرند.

به طور کلی دولت فدرال تصمیم گیری در موارد زیر را به عهده دارد. حقوق مدنی، تجاری و جزایی - قوانین مربوط به ازدواج و اقامت - صادرات و واردات - امور دفاع - خدمات تلفن و تلگراف - کشاورزی - شکار و ماهیگیری - ضرب سکه و چاپ پول - نیروی هیدرولیک - اقتصاد - راه آهن - پل ها و جاده های مهم - بیمه اجتماعی - روابط بین الملل و سیاست خارجی.

رئیس جمهور سوئیس برخلاف ایالات متحده آمریکا دارای کاخ اختصاصی نیست، بلکه در خانه شخصی خویش زندگی می کند.

سالهایی که احزاب مختلف تا کنون در عضویت شورای فدرال بوده اند، عبارت است از:

1 - حزب دموکرات آزاد به مدت 688 سال

2 - حزب دموکرات مسیح به مدت 179 سال

3 - حزب سوسیالیست به مدت 76 سال

ص: 157

4 - حزب مردم سوئیس به مدت 63 سال

5 - حزب لیبرال به مدت 2 سال

مجلس ملی به نمایندگی از ملت و مجلس ایالات یعنی نمایندگی کانتون ها می باشد، در اصطلاح مجلس ملی را «خانه پایین مجتمع» و مجلس ایالات را «خانه بالای مجمع فدرال» می خوانند. مجلس شورای ملی دارای 200 عضو است که از سوی مردم برای مدت 4 سال برگزیده می شوند. در شورای ایالتی هر کانتون 2 نماینده و هر نیمه کانتون دارای یک نماینده است. به این ترتیب مجلس شورای ایالات متشکل از 46 نماینده است. در مجلس شورای ملی 35 نماینده زن و در مجلس شورای ایالات 4 نماینده زن عضویت دارند. هزینه های هر دو مجلس سالانه 42 میلیون فرانک برآورد شده است.

قوه قضایی مرکب است از دادگاه عالی فدرال با 26 قاضی که هر یک برای 6 سال انتخاب شدند و از حقوقدانان و دانشمندان طراز اول به حساب می آیند. این دادگاه عالی ترن مرجع قضایی کشور است.

هر فرد سوئیسی می تواند از 20 سالگی رای دهد. از نظر اقتصادی سیستم کاپیتالیستی و آزاد می باشد و نتیجه رفراوندوم مبنی بر حق اتحادیه های تجاری و نمایندگان روستائیان شاغلین کسب های کوچک و بزرگ نسبت به مشاوره دولت با آنان قبل از اقدام دولت به وضع قانون به رغم مخالفت دولت از نمونه آزادی های اجتماعی و فرد محسوب می شود. زنان پس از رفراوندوم سال 1971 حق رأی دارند و در انتخابات پارلمان شرکت می نمایند.

در سطح سوئیس شهروندان نه فقط این امکان را در اختیار دارند که نمایندگان خود را به پارلمان اعزام دارند بلکه در مورد پی نویس های موارد

ص: 158



قضایی و نیز مربوط به قانون اساسی شخصا اعلام نظر می کنند. در قانون که به طور ویژه ای از اهمیت برخوردارند بطور بارزی مشخصه سیستم سوئیس می باشند. حق پیشنهاد و حق رفاندوم مثلا هر گونه تغییری در قانون اساسی با نظر ملت صورت گیرد. در حق پیشنهاد امکان آن وجود دارد که ملت در سطح فدرال پیشنهاد دهد که بازنگری در کل قانون اساسی صورت دهد.

## ارتش و بسیج نظامی

کشور سوئیس با آنکه بی طرفی اش را کشورهای بزرگ تعهد کرده اند با این همه به خوبی به اهمیت آمادگی پی برده است. سوئیس خود به منزله یک ارتش است چون هر فرد سوئیس یک سرباز نیز می باشد. فرمانده کل قوا که از طرف شورای فدرال نامزد می شود و ستاد فدرال او نسبت به نیروهای جنگی کشور دارای اختیارات کامل است. بین سربازان تبعیضی در کار نیست و دوش به دوش هم خدمت می کنند. همه افراد ارتش اطمینان دارند که تنها عامل موثر در پیشرفت آنان فکر و کار است. در این ارتش دموکراسی بیش از هر چیزی حکومت می کند.

زمانی وجود داشت که مقتضیات زمان یا علاقه زیاد به ماجراجویی در سربازان، آنها را به جنگ در راه مقاصد بیگانگان وا می داشت و جنگیدن برای کشورهای بیگانه از مشاغل پرفایده بود ولی در سال 1874، قانون اساسی سوئیس نام نویسی سربازان را در نیروهای کشورهای بیگانه ممنوع ساخت. تنها یک استثناء وجود دارد و آن گارد سوئیس واتیکان است که آنها را برای جنگیدن نیست بلکه برای محافظت از پاپ است.

قانون اساسی سوئیس در سال 1848 تدوین شد و در سال 1874 مورد تجدید نظر قرار گرفت. قانون اساسی این کشور دارای 123 ماده است که حقوق شهروندان و نهادهای حکومتی را مشخص می کند. بر طبق قانون اساسی، کنفدراسیون سوئیس به تعدادی ایالت های متحد تقسیم می شود که در چارچوب مرزهای خود از اختیار تام برخوردار هستند مگر در مواردی که قانون اساسی قدرت آنان را محدود کرده است و اختیاراتی به دولت فدرال تفویض نموده است.

## اوضاع اقتصادی

### اشاره

در پایان جنگ جهانی دوم و در همان زمانی که سایر کشورهای صنعتی سعی در خارج نمودن اقتصاد خود از آشفتگی های پس از جنگ می نمودند، سوئیس به ابزار تولید و نیروی کار دست نخورده ای مجهز بود که راه را برای توسعه کشور هموار ساخت. از همان زمان مشخصه اقتصاد سوئیس به صورت افزایش مداوم اشتغال و تولید تجلی می کرد و بسیاری از مؤسسات سوئیسی توانستند تا اولین رده های اقتصاد جهانی ارتقاء یابند. سوئیس 46 درصد از تولیدات ملی خود را صادر می کند ولی بالا رفتن هزینه تولید، موجب گردیده که در بعضی زمینه های صنعتی، سوئیس کیفیت تولید خود را تا سطح غیرقابل رقابت افزایش می دهد.

این کشور سالیان دراز از نظر اقتصادی در موقعیت ممتازی قرار داشت. سال 94 به علت رشد عظیم اقتصادی سایر کشورها از نظر قدرت سرانه

اقتصادی، سوئیس از رده چهارم به رده ششم جهانی سقوط کرد.

به اظهار یک کارشناس مسائل سوئیس، هر چند تولید ملی سوئیس نسبت به جمعیت در بسیاری از کشورهای پیشرفته بالاتر است ولی قدرت خرید مردم با توجه به هزینه های سنگین اجتماعی و مالیات های گوناگون از کشورهای همسایه یعنی فرانسه و ایتالیا با توجه به استانداردهای زندگی در سوئیس پایین تر است و از سوی دیگر هزینه تولید در کشور 35 درصد از متوسط کشورهای پیشرفته بالاتر است. اما این موضوع به دلیل کیفیت بالای کالاهای تولید لطمه ای به صادرات وارد نکرده است.

از سال 1980 تا کنون هزینه های رفاه اجتماعی در بودجه سوئوسی بیش از 50 درصد افزایش پیدا کرده است.

### **تولید ناخالص داخلی**

از نظر تولید سرانه ناخالص ملی سوئیس در سال 94 درصد لیست کشورها قرار گرفت و کشورهای لوگزامبورگ ژاپن و فنلاند در رده های دوم تا چهارم هستند. در سال 1998 سرانه تولید ناخالص ملی این کشور حدود 40 هزار دلار تعیین گردید که کم نظیر است. با این حال میزان بدهی خارجی این کشور در سال 2000 به میزان 102 میلیون دانگ برآورد شده است.

### **مهمترین مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی**

در میان کشورهای اروپایی مشکل مواد مخدر در سوئیس در بدترین

وضعیت است. در میان 7 میلیون نفر جمعیت این کشور 30 هزار نفر معتاد وجود دارد که بیشترین این تعداد سوئوسی هستند. هرئین و کوکائین بیشترین مواد مخدر مورد مصرف در سوئیس است. مشکل روزافزون مواد مخدر و گسترش پیامدهای نامطلوب آن مانند دزدی، فحشاء و فساد جنسی در شهرهای بزرگ سوئیس بیش از هر چیز بخش های اقتصادی این کشور را نگران کرده است. این نگرانی ها موجب شد رهبران بخش های اقتصادی سوئیس به سرعت، گروه پشت پرده ای در سطح بالا تشکیل داده و برای اولین بار مشکل را مطالعه کنند.

به گفته خانم دویات دبیر کل شورای ملی فعالیت جوانان سوئیس 4/5 درصد بیکاری در حال حاضر از جمله مشکلات جوانان است و بعد از آن مشکل ایدز مهمترین معضلات قشر جوان است. طبق نظر ایشان در سوئیس زندگی مشترک با تمام وظایف خانوادگی اما بدون ازدواج رسمی رواج بیشتری می یابد. البته کلیسا این نوع ازدواج را قبول ندارد ولی واقعیت این است که کلیسا در این حد روی مردم نفوذ ندارد.

سوئیس برخلاف فرانسه اجازه صرف نوشابه الکلی را در حین انجام کار نمی دهد. اما 10 درصد کلیه بیماران روانی بیمارستان های سوئیس الکلی هستند و نسبت بیماران روانی در سوئیس در آمار جهانی بالاست. سوئیس یکی از نقاط معدودی است که هنوز مردم آن نوعی نوشابه الکلی را که افسینت نام دارد و موجب آسیب فکری می گردد تولید کرده و به مصرف می رسانند.

میزان خودکشی در سوئیس که نصف مردم آن کاتولیک هستند مقام هفتم را در جهان دارد. به طور کلی هر سال تعداد 1500 نفر خودکشی می کنند و

15000 نفر قصد خودکشی دارند و اغلب افرادی که اقدام به خودکشی می کنند بین 20 تا 35 ساله هستند. بر اساس آمار اعلام شده از هر 4 سوئسی زیر 30 سال حداقل یک نفر دست به خودکشی می زند. آمار خودکشی مردان 3 برابر آمار خودکشی زنان است. در مقایسه با کشورهای اروپایی بیشترین فاصله بین فقیر و غنی را در سوئیس می توان یافت. افراد بسیار ثروتمند 20 درصد و افراد بسیار فقیر نیز 20 درصد جمعیت را تشکیل می دهند.

## وضعیت زنان در جامعه

3/4 میلیون نفر یعنی معادل 51% جمعیت کل کشور را زنان تشکیل می دهند. اگر چه زنان از سال 1976 از حقوق مساوی با مردان در زمینه انتخابات پارلمانی برخوردار شدند، اما در مواردی موقعیت بسیار خوبی در مجامع سیاسی و رده های گوناگون نظام حکومتی نمی باشند. در مجلس شورای ملی سوئیس از مجموع 200 نماینده، 35 نفر زن هستند.

در مجلس شورای ایالتی (سنا) از مجموع 46 نماینده فقط 4 زن وجود دارد که این رقم معادل 7/8% نمایندگان مجلس شورای ایالتی است.

در سوئیس زنان مانند مردان آموزش نظامی دیده و به همراه مردان در واحدهای نظامی خدمت خواهند کرد. البته برای زنان به گونه ای برنامه ریزی شده که بتوانند بیشتر به خانواده و وظایف مادری پردازند.

شورای فدرال سوئیس در سال 1987 کنوانسیون عدم تبعیض علیه زنان را امضاء کرده است. اگرچه در قانون اساسی سوئیس جزئیات اصل تساوی

حقوق زن و مرد مشخص شده، لیکن هنوز تساوی حقوق کاملاً به مرحله اجرا درنیامده است. در همین راستا شورای فدرال به منظور پیاده کردن کامل اصل تساوی حقوق زن و مرد در سال 1976 نظر مساعد خود را با تشکیل سازمان برابری حقوق زن و مرد و رسیدگی به حقوق زنان اعلام نمود که جزئیات آن در قانون اساسی مشخص گردیده است.

در حال حاضر بیش از 30 سازمان غیردولتی زنان در سوئیس فعالیت دارند.

اکثریت زنان سوئیس احساس می کنند که در زمینه مشاغل و پست های اجتماعی و سیاسی مورد تبعیض واقع می شوند. تحقیقات مجله بوند نشان می دهد 92 درصد زنان دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می کند و 85 درصد نیز بر این باورند که جنسیت آنان اثرات منفی بر شغل آنها دارد.

## مطبوعات

به دلایل گوناگون به ویژه وجود چند زبان، وضعیت جغرافیایی، منطقه گرایی شدید، عرضه مطبوعات نسبت به تعداد ساکنین و وسعت کشور به نحو فوق العاده ای پرتعداد است. وجود تیراژ و تنوع بالای روزنامه های سوئیس باعث شده است که از لحاظ آماری سوئیس ها به منزله «روزنامه خوان ترین» اشخاص در دنیا محسوب شوند. از نظر تعداد عنوان بسیار بالای روزنامه ها باید گفت، در برابر هر 20 هزار سوئیس یک عنوان روزنامه چاپ می شود. چند زبانی بودن و ساختار فدرالیستی کشور توجه کننده عدم چاپ یک روزنامه در سطح ملی است.

اسامی چند روزنامه منتشر شده در کشور سوئیس به شرح زیر است:

1 - روزنامه Blick: بیشتر اقصاگری ها و مسائل پشت پرده از طریق این روزنامه انتشار می یابد.

2 - روزنامه "NZZ" Never Zurcler Zeitung: این روزنامه را بایست مهمترین روزنامه سوئیس از جهت وزن سیاسی دانست.

3 - روزنامه "TA" Tages Anzeiger: در سال های 1983 و 1984 که اوج تهاجم و تجاوز اسرائیل علیه لبنان بود این روزنامه شدیدترین انتقادات را علیه اسرائیل به عمل آورد و بدین لحاظ در مقطعی متهم به ضدیهودی بودن بود.

4 - روزنامه Basher Zeitung

5 - روزنامه "BZ" Berner Zeitung

6 - روزنامه St. Gallen Tagblot

7 - روزنامه Der Bund

8 - روزنامه Heures 24

9 - روزنامه Tribune de Geneve

10 - روزنامه Le Matin

11 - روزنامه La Liberte

12 - روزنامه Jwrnal de Geneve

13 - روزنامه De weltwocke: یکی از جراید هفتگی مهم در سوئیس به شمار می رود.

در حال حاضر گرایش مردم سوئیس در خرید نشریات تخصصی به این ترتیب است:

مجلات بهداشتی، مجلات ورزشی، مجلات مربوط به جوانان، مجلات زنان

ص: 165

و مجلات تزئینی. روزنامه های سوئیس غالباً در مالکیت انتشارات خصوصی، احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری و سایر سازمان های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند. از این امر دو نتیجه حاصل می شود: اول اینکه هر روزنامه یا نشریه ای مبلغ و ترویج دهنده افکار و عقاید و خطوط سیاسی احزاب بانی و حامی خود می باشد و دوم اینکه متناسب با هم طراز با تعداد مطبوعات در سوئیس، ما شاهد کثرت احزاب کوچک و بزرگ نیز می باشیم.

## **رادیو و تلویزیون**

مؤسسه پخش رادیو و تلویزیون سوئیس وظیفه دارد که به تولید و پخش برنامه ها در چهار زبان ملی اقدام کند. این مؤسسه به شیوه خصوصی سازمان یافته و بنابراین یک نهاد دولتی نیست بلکه عمومی می باشد و هزینه رادیو و تلویزیون به صورت حق اشتراک از سوی تمامی خانوارها تأمین می شود. هدفش ارائه یک خدمت عمومی است و هیچ گونه هدف انتفاعی ندارد. اعضای هیئت مدیره آن منتخب مردم هستند. به موجب اختیاراتی که توسط شورای فدرال به این مؤسسه واگذار شده است. برنامه ها باید ضامن دفاع از ارزش های فرهنگی و معنوی کشور و بسط آنها بوده، اطلاعات عینی، گسترده و سریع و در اختیار مردم گذاشته و به نیازهای سرگرمی آنان پاسخ گوید.

## **میزان کنترل دولت بر رسانه های گروهی**

آزادی مطبوعات طی ماده 55 قانون مصوب سال 1874 در سوئیس



ضمانت شده است. و تنها محدودیت قانونی اعمال می شود و حقوق روزنامه نگاران و ناشران طی قانون فدرال مصوبه اکتبر 1968 در نظر گرفته شده است. قانون سانسور مطبوعات در سوئیس وجود ندارد و همین امر این کشور را به عنوان دارا بودن آزادی مطبوعات در جهان مطرح نموده است. ولی در اثر تمرین و ممارست نوعی سانسور غیرمستقیم که آن را نوع پذیرفته شده خود سانسوری می توان نامید در سوئیس متداول است.

رادیو و تلویزیون تحت نظارت عالی بخش فدرال حمل و نقل، ارتباطات و انرژی قرار دارند. که در اول فوریه 1984 شاهد برقراری یک نهاد مستقل برای بررسی شکایات در زمینه رادیو و تلویزیون بود. این نهاد که توسط دولت فدرال پای گرفت به ویژه به درخواست مؤسسه پخش رادیو و تلویزیون کاملاً مستقل است. هر شهروند سوئیسی که دست کم 18 سال داشته باشد و هر یک از اتباع خارجی که یک مجوز کار و اقامت و یا فقط اقامت در اختیار دارد، از این حق برخوردار است که هرگاه بتواند، اثبات کند که به طور ویژه پخش برنامه ای علیه وی صورت گرفته و یا اینکه درخواست خود را به امضای 20 تن دیگر برساند، نزد مقامات دولتی دست به شکایت بزند، مقامات و انجمن ها حق دارند که در برابر مؤسسه متشاکمی اقدام مقتضی انجام دهند.

## دانشگاه ها

در سوئیس کلاً 7 دانشگاه و 2 دانشگاه فنی فدرال وجود دارد.

جان کالون (1536) دانشگاه ژنورا که در همه اروپا معروف است و یکی

از 4 دانشگاه بزرگ سوئیس است را تأسیس نمود. اهمیت این شهر (ژنو) در زمان فرمانروائی کالون زیاد شد و مرکز مطالعات روحانی گردید و پروتستان های رانده شده از همه جای اروپا بدانجا روی آوردند.

مدرسه علوم الهی در لوزان در سال 1537 تأسیس شد و بعدها در سال 1890 به دانشگاه تبدیل شد. در شهرهای فریبورگ، نوشاتل و برن نیز یک دانشگاه قرار دارد که مراکز تدریس علوم به علاقه مندان در سراسر سوئیس است.

در کل حدود 99% مردم سوئیس باسواد هستند.

## ادیان و مذاهب

طبق آمارگیری موسسه تحقیقات آماری Link طی یک نظرخواهی در مورد امور مذهبی نتایج زیر حاصل گردید.

اگرچه 53% مردم سوئیس به زندگی بعد از مرگ، 39% به جن و انس، 38% به شیطان و 40% به روز قیامت اعتقاد دارند. اما 36% مردم سوئیس به زندگی بعد از مرگ، 53% به جن و انس، 53% به شیطان و 50% به روز قیامت اعتقاد ندارند. به علاوه 11% مردم هنوز نسبت به زندگی بعد از مرگ، 8% در مورد جن و انس، 6% به شیطان و 10% نسبت به زندگی بعد از مرگ مردد هستند.

در مجموع 81% مردم سوئیس علاقمند به غسل تعمید، 77% خواستار انجام مراسم ازدواج در کلیسا و 12% متمایل به برگزاری مراسم دفن و تدفین توسط مقامات روحانی کلیسا هستند. البته هنوز 13% نسبت به غسل تعمید، 19% با انجام مراسم ازدواج در کلیسا و 14% به برگزاری مراسم تدفین توسط

کشیش ها نظر موافق ندارند. 3% مردم نسبت به انجام غسل تعمید، 4% به لحاظ انجام مراسم ازدواج در کلیسا، 4% به برگزاری مراسم دفن و تدفین توسط کشیش ها مخالف هستند.

در سوئیس 1/1 میلیون نفر مسیحی کاتولیک زندگی می کنند و شهر بازل مهمترین حوزه اسقفی کلیسای کاتولیک می باشد. به دلیل نظام کنفدراسیون و استقلال کانتون ها سوئیس سر اسقف ندارند.

نسل جوان امروزه دوباره به کلیسا روی آورده و کلیسا به خواسته های آنها توجه پیدا کرده است کلیسا خدمات اجتماعی خوبی را ارائه و برنامه های سازنده ای برای نسل جوان تدارک می بیند. مسئولین کلیساها در بیمارستان ها، مراکز معلولین، کودکانستان ها، خانه های سالمندان نقش عمده ای دارند. آنها از طرف دیگر می کوشند تا هماهنگ با پیشرفت های علمی و نیاز جامعه به سئوالات و خواسته های مذهبی نسل جوان پاسخ دهند. طبق تحقیقات موسسه Link در رابطه با مسیحیت در سوئیس، این نتیجه به دست آمده است که سوئیس ها مردمی مذهبی و پایبند به اصول دینی هستند، 81 درصد مردم به خدا اعتقاد دارند.

کلیسای مونتر و که در شهر برن قرار دارد، بر سر در آن نوشته در سال 1421 پس از میلاد مسیح در یازدهم ماه مارس، اولین سنگ بنای این کلیسا نهاده شد. برج بسیار بلند این کلیسا در همه سوئیس بی نظیر است. این کلیسا از جهت پنجره های شیشه ای رنگارنگ و کنده کاری های روی چوبش معروف است.

کلیسای «بندیکتن» که در مرکز ایالت شافه‌رزن در اوایل قرن 11 میلادی

بنا گردیده و زنگ معروف «شیلر» که در اواخر قرن 15 ساخته شده است در آن قرار دارد.

کلیسای در دهکده مورکوته که در قرن 13 بنا شده است با داشتن 360 پله واقع در کوهستان است.

## اسلام در سوئیس

اسلام دومین دین در سوئیس به حساب می آید که بر حسب آمار سال 2000 تعداد مسلمانان در این کشور بین 200 تا 250 هزار نفر یعنی معادل 2/8 تا 3/5 درصد جمعیت سوئیس را تشکیل می دهند که 42 درصد آنان اصالتاً ترک و 30 درصد یوگسلاوی و 3/5 درصد لبنانی و 4 درصد مغربی و الجزایری و تونسلی هستند. و بقیه اصالتاً سوئیسی می باشند.

این مسلمانان در تمامی شهرهای سوئیس پراکنده اند. 73 درصد در شهرهای بزرگ و بیشترین تعداد در شهر زوریخ زندگی می کنند.

مراکز مراسم مذهبی مسلمانان به حدود 90 مرکز می رسد. این مراکز عبادی اکثراً به صورت آپارتمان های ساده ای است که تبدیل به محل عبادت و تجمع شده اند. اما در سوئیس فقط 3 مسجد به معنی واقعی کلمه از نظر سبک معماری وجود دارد. که دو مسجد در ژنو و یک مسجد در زوریخ است. اولین مسجد در سال 1963 در زوریخ ساخته شد. دومین و مشهورترین مسجد سوئیس در ژنو واقع شده است. این مسجد در سال 1978 به وسیله ملک خالد پادشاه عربستان افتتاح گردید. ساختن و افتتاح این مسجد توسط پادشاه عربستان موجب تعبیر و تفسیرهای فراوانی توسط تعداد زیادی از مسلمانان

شد که به این ترتیب وابستگی سیاسی این مسجد را که به «مسجد اعیان‌ها» شهرت یافته مورد انتقاد قرار می‌دهند.

همانگونه که قبلاً گفته شد در ژنو مراکز اسلامی متعددی که آثار رسمی آن بر 90 مرکز بالغ می‌گردد نیز شمارش شده اند که یکی از آنها مرکز اسلامی «سعید رمضان» است که به سال 1961 تأسیس گردیده است. او یکی از اعضای اخوان المسلمین در مصر است که مرکز او به منزله یک سازمان واقعی محسوب می‌شود. گفته می‌شود که این مرکز شعاع عمل وسیعی دارد زیرا خطبائی تربیت می‌نماید که در کشورهای اروپای غربی فعالیت دارند.

مشکل اصلی جامعه مسلمانان سوئیس همچون دیگر مسلمانان مقیم اروپا مشکل مدارس متوسطه و آموزش فرزندان آنان است که در کمتر کشور از کشورهای اروپایی راه حلی برای آن پیش بینی گردیده است.

ص: 171

مشکل دوم انشعاب و تفرق جماعت اندک مسلمانان در کشورهای غیراسلامی است. دکتر اسماعیل استاد مردم‌شناسی دانشگاه در زوریخ کوشیده است تا وحدتی بین گروه‌های مسلمان در شهرهای مختلف سوئیس ایجاد کند و در قالب گفتگوهای سازنده‌ای که با کلیسای رسمی در سوئیس انجام داده زمینه‌ها بیشتری برای انتقال نظرات مسلمانان و خواسته‌های آنان به مسئولین کشور سوئیس فراهم ساخته است.

بر اساس اظهارات آقای «مارتین گراف» مسئول امور آموزشی لوزان احتمالاً در سال‌های آینده در لوزان مدرسه اسلامی دایر و به شکل خصوصی اداره خواهد شد. در این مدرسه کوشش به عمل خواهد آمد تا تفکرات اسلامی به علاقمندان شناسانده شود. وی گفت فرزندان مسلمانان مقیم سوئیس باید این امکان را داشته باشند تا بر اساس عقاید خود زندگی کنند. اسلام را نباید مترادف افراط‌گرایی قرار داد. فعالیت این مدارس به شکل خصوصی و در چارچوب مقررات سوئیس است. عربستان و سوریه هزینه این مدارس را برعهده خواهند داشت.

هم‌اکنون تعداد محدودی کلاس - غالباً در دانشکده‌های الهیات - در مورد اسلام هم وجود دارد. دانشگاه «برن» چندین سال است که دارای یک کرسی اسلام‌شناسی است. کرسی مطالعات اسلامی «برن» با کرسی مطالعات یهودیت قابل مقایسه نیست. زیرا کرسی مطالعات اسلامی برن در واقع بخشی از دانشکده ادبیات به شمار می‌رود و در چارچوب گفتگوی بین مذاهب قرار ندارد. ولی کرسی مطالعات یهودیت بخشی از دانشکده الهیات لوزان است. از سوی دیگر آموزش در کلاس‌های درسی مطالعات اسلامی برعهده استادان

غیر مسلمانان است. در دانشگاه‌های سوئیس اسلام به عنوان یکی از علوم اجتماعی تدریس می‌گردد.

لازم به ذکر است که شورای دانشکده الهیات لوزان ایجاد کرسی یهودیت را در دانشکده درونی Dorigny مورد تصویب قرار داده است. فکر ایجاد این کرسی پس از مدتها به تحقق پیوست. هدف آموزش در این راستا ارائه چند ساعت درسی نبوده بلکه مطالعه دقیق دین یهود به طور تمام وقت و به معنای اخص آن است. مسائل سیاسی مانند پیدا شدن کشور اسرائیل و روابط اسرائیل و فلسطین نیز در کلاس‌های آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

## نهادهای مسلمان در سوئیس

### اشاره

علیرغم آزادی ادیان در سوئیس و سرمایه‌گذاری سران برخی از کشورهای اسلامی در این کشور برای ساخت مسجد، نهادهای اسلامی در این کشور چندان رونقی ندارند و شمارگان آنها کمتر از انگشتان دست است.

یکی از این نهادها، انجمن ارتباط فرهنگی زنان مسلمان در سوئیس است. زنان مسلمان در سوئیس افرادی فعال در این جامعه محدود بشمار می‌روند. این نهاد به نیازهای فرهنگی، مذهبی و آموزشی زنان سوئیس پاسخ می‌دهد. هدف اصلی این نهاد یک تغییر فرهنگی و پیدایش رابطه دوستانه بین مسلمانان و غیر مسلمانان است.

### فعالیت‌های اصلی این نهاد

- برپایی جلساتی که زنان مسلمان و مسیحی به بحث بپردازند.

- برپایی اردوهای تابستانی برای دختران جوان

- سمینارهای آموزشی در ماه رمضان، کنفرانس های ورزشی و برگزاری جشن ها و عروسی ها

- برپایی نمایشگاه های کتاب، پوستر و هنری

یکی دیگر از این نهادها، مرکز اسلامی لوزان است. حدود 20 سال است که این مرکز، به مرکز اصلی برای زنان و مردان مسلمان در سراسر جهان تبدیل شده است. این مرکز به برگزاری مراسم عروسی و تدفین مردگان و برگزاری نمازها و آموزش اقدام می نماید.

اتحادیه مسلمانان در سوئیس در سال 1994 به منظور هماهنگ کردن امور مسلمانان با هدف تشویق مسلمانان در به دست گرفتن پست های کشور و مسئول بودن در اجتماع سوئیس تأسیس شد.

اتحادیه بر این باور است که در صورتی می تواند دین اسلام را به عنوان دومین مذهب رسمی کشور به سود مسلمانان در جامعه سوئیسی مطرح کند که مسلمانان بپذیرند که یک شهروند سوئیسی هستند و خود را ملزم به رعایت مقررات مربوطه بدانند.

امید است مسلمانان در این کشور بتوانند با استفاده از راهکارهای قانونی و حفظ وحدت و اتفاق کلمه به جایگاه رفیع فکری، فرهنگی و حقوقی خود دست پیدا کنند.





چهارمین کشور فرانسوی زبان در اروپای غربی کشور لوگزامبورگ است. که از غرب و شمال به کشور بلژیک و از شرق به آلمان و از جنوب به فرانسه محدود می گردد. این کشور تنها 2586 کیلومتر مربع مساحت دارد و از این جهت

یکصد و شصت و هشتیمن کشور جهان است. اگر چه از نظر جمعیت با جمعیتی حدود 443 هزار نفر در سال 2003 مقام یکصد و شصت و سوم را کسب کرده است. قسمت شمالی آن پوشیده از جنگل و قسمت جنوبی آن جلگه پستی است که تمرکز جمعیت و تأسیسات مهم این کشور از قبیل آهن، فولاد، زغال سنگ و معدن در این قسمت است.

این کشور چندین بار بین فرانسه، و اسپانیا، اتریش، آلمان دست به دست شد. ولی بعد از جنگ جهانی دوم با کشورهای هلند و بلژیک همداستان شدند و اتحادیه بنلوکس را تشکیل دادند. در سال 1949 یکی از پایه گذاران سازمان

پیمان اتلانتیک شمالی گردید در سال 1986 به زنان اجازه داد تا در نیروی مسلح مشغول خدمت گردند. زنان در این کشور از سال 1919 اجازه خدمت در ارتش را یافتند و امروزه حدود 75 درصد مشاغل آموزشی را بعهده دارند. نخستین زن در تاریخ لوکزامبورگ در سال 1993 به وزارت کشاورزی منصوب شد.

مرز بین این کشور و کشورهای همسایه آلمان، بلژیک، فرانسه، هلند در سال 1990 لغو شد. کمترین میزان بیکاری را دارد. اگر چه هجوم مهاجران خصوصاً مهاجران یوگسلاوی، نرخ بیکاری در این کشور را افزایش داده است. نوع حکومت آن مشروطه سلطنتی است و دو مجلس قانونگذاری دارد که مجلس نمایندگان با 60 عضو که برای ب مدت 5 سال انتخاب می شوند و مجلس سنا که 21 عضو انتصابی آن را رئیس حکومت تعیین می کند و نخست وزیر توسط نمایندگان انتخاب می شود.

سطح جرائم و تخلفات در کشور لوکزامبورگ آنقدر پایین است که تنها زندان این کشور معمولاً خالی است. حکومت این کشور تا حدودی می کوشد مستقل عمل کند از جمله اقدامات مثبت این دولت بازگرداندن دارائی های دیکتاتور سابق نیجریه "ژنرال سانی آپاچا" به ملت نیجریه بود.

شاید جای تعجب داشته باشد که بدانید درآمد سرانه ناخالص ملی این کشور تقریباً از تمام کشورهای دنیا بیشتر است و طبق آمار سال 1998 برابر با 45100 دلار سرانه هر نفر می گردد.

کشور لوکزامبورگ فاقد دین رسمی است. با اینحال بیش از 95 درصد مردم آن کاتولیک هستند و حدود 5 درصد از ادیان دیگر تبعیت می کنند. مسلمانان این کشور حدود 3500 نفر هستند که بیشتر از سال 1992 و بدنبال جنگ یوگسلاوی و بصورت پناهنده به کشور لوکزامبورگ مهاجرت کردند.

مسلمانان در این کشور دارای دو تشکل جدا از هم می باشند یکی در شهر مامر(1) که مسجد کوچکی را اداره می کند و با نام اختصاری "i.c.c" شناخته می شود. دیگری در شهر ویلتز(2) که به آقای علی عزت بگویچ انتصاب دارد و حدود یکصد خانوار را پوشش می دهد.

یادآوری می کند در ارتباط با این دسته مسلمانان هیچگونه اطلاعاتی در کتابها و گزارشات رسمی درج نشده است و اطلاعات فوق از طریق یک تحقیق شخصی بدست آمده است.

ص:178

---

Mamer 2. rue d'Arlon. 34006. L 8210. Mamer (1) -1

Wiltz (2) -2

کشوری که تنها 1/95 کیلومتر مساحت دارد و به کشور قمارخانه ها اشتهار یافته است و در مرز فرانسه و ایتالیا جای گرفته است. صد و نود و چهارمین کشور جهان از حیث وسعت است و 3170 نفر جمعیت دارد. عمده درآمد آن از طریق گردشگری تأمین می شود حکومت آن مشروطه سلطنتی است و یک مجلس قانونگذاری دارد. شهرهای مهم آن عبارتست از مونت کارلو و کوندامین. در این کشور حدود یکصد نفر مسلمان زندگی می کنند که هیچ تشکل یا سازمان خاصی ندارند و فقط بصورت کارگر یا بازرگان در این کشور مشغول بکارند.

ص: 179

جزیره ای در قلب اقیانوس هند و در همسایگی ماداگاسکار از سال 1946، همچنان در استعمار فرانسه و به عنوان یکی از استانهای فرانسه شمرده می شود. این دپارتمان با مساحت 2507 کیلومتر مربع و جمعیتی معادل 733 هزار نفر برآورده شده است. رئیس دارای یک فرماندار است که از سوی فرانسه تعیین می گردد. این جزیره 5 نماینده در مجلس ملی و 3 سناتور در سنای فرانسه دارد و در پارلمان اروپا نیز یک نماینده از این جزیره حضور می یابد. اهم مشکلات این جزیره مشکل بهداشتی و نبود امکانات سبتیک شهری است.

حدود 10 درصد از جمعیت این کشور مسلمان و اکثراً هندی تبارند. دارای شکل نسبتاً منسجم و از امکانات مالی برخوردار می باشند. 10 مسجد و در کنار هر مسجد یک مدرسه قرآنی به ارائه معارف دینی در این جزیره برای مسلمانان می پردازند.

این کشور که بصورت فرمانداری کل اداره می گردد بگونه ای تشریفاتی تحت حکومت انگلستان است و یکی از غنی ترین و وسیعترین کشورهای جهان است. وسیعترین کشورهای جهان به ترتیب عبارتند از: 1 - روسیه 2 - کانادا 3 - چین 4 - امریکا.

کانادا از نظر استخراج نیکل، نقره، روی، آزبست رتبه اول در جهان را داراست و در تولید اورانیوم دومین کشور است و از ذخائر همچون سرب، مس، طلا، آهن، نفت برخوردار است. این کشور در امریکای شمالی واقع است و حدود 9/97 میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد. جمعیت این کشور در سال 2005، 32/5 میلیون نفر برآورد گردیده است. زبانهای رایج در این کشور انگلیسی و فرانسه است و 13 درصد مردم به هر دو زبان صحبت می کنند و 67 درصد فقط به انگلیسی و 18 درصد فقط به فرانسه برخی زبانهای دیگر نیز کم و بیش مرسوم است.

اگر اختلافات تاریخنگاران در مورد کاشفان اولیه این سرزمین ما را به این نتیجه نرساند که نخستین افراد در این سرزمین مسلمانان بودند، حداقل راهنمایان اولیه کریستف کلمب برخی از مسلمانان اجیر شده اندونزیایی و یا مراکشی بوده اند و بیشترین ساکنان نخستین آن اقوامی هستند که از شرق آسیا به این منطقه آمده اند. این کشور از قرن هفدهم تا قرن هجدهم بین فرانسه و انگلیس دست به دست می شد در کنفرانس صلح پاریس در سال 1768 فرانسه از این کشور خلع ید و آنرا به انگلیس واگذار کرد و از سال 1867 این کشور به صورت فرمانداریکل و تحت نظر انگلیس بطور رسمی اداره می شد. از سال 1960 استان فرانسه زبان کبک، خواهان استقلال شد و در سال 1967 ژنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه به کانادا سفر کرد و از این درخواست پشتیبانی نمود و بهمین سبب، روابط کانادا و فرانسه رو به تیرگی نهاد. این اختلافات و درخواستها همچنان ادامه یافت تا آنکه در سال 1995 این خواسته به همه پرسی واگذار شد و مردم به آن رأی منفی دادند.

وقائع 11 سپتامبر 2001 تأثیر شگرفی در کانادا باقی گذاشت و مسئولین این کشور را وادار کرد که در باقیمانده سال 2001 بودجه امنیتی این کشور را 7/7 میلیارد دلار افزایش دهند.

## اسلام در کانادا

نخستین مهاجرین مسلمان در سال 1870 در کانادا اقامت گزیدند و مردم این سرزمین آنرا Turcos می خواندند شاید به این دلیل که آنان از ترکیه به این سرزمین رفته بودند. اولین زن مسلمان در این سرزمین بنام «اگس لاو» و



سه دختر و 5 پسرش هستند که هویت اسکاتلندی دارند و نامشان در تاریخ ثبت شده است. مهاجران بسیاری از سوریه بزرگ، آلبانی، یوگسلاوی، آفریقای جنوبی و مسیحی نیز کم کم به این کشور درآمدند در ابتدا بدلیل سختگیری در قوانین مهاجرت، مسلمانان اندکی در این سرزمین پیدا می شدند و تا سال 1921 صرفاً تعداد 478 مسلمان در کانادا آمارگیری شده اند. هم اکنون و براساس آمار سال 2003، تعداد مسلمین در کانادا به 620 هزار نفر می رسد.

حدود نیمی از مسلمان در تورنتو ساکن هستند. معمولاً مسلمانان، افراد تحصیل کرده هستند و نسبت بین زنان و مردان تقریباً مساوی است. مسجد ابوبکر الصدیق، مسجد النور، مسجد السلام، مسجد القدس، مسجد الرحمه، مسجد السنه النبویه، مسجد القله الاسلامیه، مسجد بلال، مسجد فاطمه، مسجد خدیجه، مسجد المدنی از مساجد معروف این کشورند و نخستین مسجد این کشور در کبک و در شهر سنت لوران در سال 1965 ساخته شد.

همچنین، انجمن سرزمین جدید(1)، مرکز اسلامی کبک(2)، جامعه اسلامی مگگیل(3)، جامعه اسلامی کنکوردیا(4) از انجمن های مهم دینی این سرزمین هستند حدود 50 جامعه متشکل اسلامی در کانادا وجود دارد و تشکیلات اسلامی در این کشور از امریکا و آرژانتین مسنجم تر است که راه نشر عقاید اسلامی تلاش می نمایند. در اینجا اسامی و آدرس دقیق چند مرکز اسلامی در کبک را ذکر می کنیم.

ص:184

---

Muslim association of New found Land (1) -1

Islamic catural centre of quebec city (2) -2

Islamic society of Mcgill (3) -3

Islamic society of concordia (4) -4

در ساحل دریای کارائیب در امریکای مرکزی و یک سوم از جزیره بزرگ هیسپانیولا را به خود اختصاص می دهد. سرزمینی در حدود 27 هزار کیلومتر مربع و با جمعیتی بالغ بر 8/2 میلیون نفر و تراکم جمعیتی زیاد.

این کشور نخستین بار بوسیله کاشفان پرتغالی کشف شد و بعدها استعمارگران اسپانیایی بر آن حکومت کردند و بعداً بین فرانسه و اسپانیا تقسیم شد. جاذبه آن برای اروپائی ها کشتزارهای نیشکر آن بود. در اول ژانویه 1804 به عنوان نخستین کشور مستقل امریکای لاتین اعلام موجودیت کرد و در سال 1820 دارای حکومت جمهوری شد و «ژان پیر بوایه» به رئیس جمهوری در این کشور منصوب گردید. او 24 سال تا سال 1844 بر این کشور حکومت کرد و در دوران او، نظم و امنیت نسبی برقرار بود. پس از او بحران در این کشور حاکم شد و از 1915 تا 1934 بدلیل بحرانها، تحت الحمایه امریکا قرار گرفت. در سال 1957 «فرانسوا دوآلیه» به قدرت رسید و با تغییری که در

قانون اساسی ایجاد کرد خود را رئیس جمهور مادام العمر نمود و اسم فرانسوای اول را بر خود نهاد و به استبداد و اعدام و شکنجه مخالفین پرداخت. او در سال 1971 از دنیا رفت و حکومت هایتی را به پسر 19 ساله اش «ژان کلود دوآلیه» سپرد. او شدیداً به حکومت امریکا وابسته شد بگونه ای که هایتی را ایالت 52 امریکا نام نهادند. ولی شورشها موجب شد او در سال 1984 به امریکا پناهنده شود. پس از آن همواره اوضاع این کشور وخیم و ناآرام بود و با کودتاها و شورشهای بسیاری مواجه گردید تا آنکه بالاخره در فوریه 2001 یک کشیش هوادار الهیات آزادیبخش بنام «ژان برترانداریستید» که یک بار دیگر کرسی ریاست جمهوری را در این کشور تجربه کرده بود مجدداً بمدت 5 سال در رأس قدرت در این کشور قرار گرفت.

حدود 320 هزار نفر مسلمان در این کشور حضور دارند.





کشوری اسلامی با تمدنی کهن و سرزمینی پنهاور که در شمال افریقا قرار دارد. از شمال به دریای مدیترانه و از شرق به تونس و لیبی و از جنوب به نیجر و مالی و از غرب به موریتانی، صحرا و مغرب (مراکش) محدود می گردد. مساحت آن 2/38

میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن 32/8 میلیون نفر می باشد. و تراکم جمعیت آن بسیار اندک است. دارای دو مجلس قانونگذاری است که مجلس ملی با 380 کرسی و شورای ملت با 144 نماینده، سیاست و نظام قانونگذاری در کشور را کنترل می نمایند. و کشور بصورت جمعیتی و چند حزبی اداره می شود.

نخستین بار فنیقی ها در دوازده قرن قبل از میلاد تمدن آنرا بنا نهادند. کارتاژها، اندالها، رومی ها، بربرها، مرابطون، موحدون و دولت عثمانی هر کدام دوره ای بر این سرزمین تسلط داشتند. در سال 1830 ارتش فرانسه به بهانه تعقیب دزدان دریائی وارد شهر الجزیره شد و آنرا تصرف کرد و کم به کم

دامنه استعمار تمامی الجزایر را فرا گرفت و حدود یک قرن این کشور در اشغال کامل فرانسویان بود. پس از جنگ جهانی دوم زمزمه استقلال خواهی در الجزایر آغاز گردید و به انقلاب 1954 علیه فرانسه انجامید و جبهه آزادیبخش خلق الجزایر به مبارزه دامنه داری علیه استبداد دست زد. ابتدا دولت فرانسه پیشنهادات اصلاح طلبانه را ارائه کرد که با مخالفت سرسخت مسلمانان روبرو شد و در یک همه پرسی در سال 1959 اکثریت قاطع، استقلال کامل الجزایر را خواستار شدند ولی دولت فرانسه نمی توانست از الجزایر چشم بپوشد. با روی کار آمدن ژنرال دوگل و تشکیل جمهوری پنجم در فرانسه قرارداد استقلال الجزایر در سال 1962 امضاء گردید و جمهوری سوسیال دموکراتیک الجزایر اعلام موجودیت کرد و آقای احمد بن بلاد به عنوان اولین رئیس جمهور الجزایر انتخاب گردید. در سال 1965 وزیر دفاع الجزایر "هوار بومدین" دست به کودتا زد و احمد بن بلاد را بزندان افکند و خود رئیس جمهور شد. در سال 1978 "بومدین" مُرد و شاذلی بن جدید جای او نشست. شالی بن جدید در سال 1981 احمد بن بلاد را بدنبال 14 سال حبس از زندان آزاد کرد. بحران اقتصادی و خشکسالی، دولت شاذلی بن جدید را در سال 1991 به شکست کشاند ولی با پی گیری اسلام گرایان در دسامبر همان سال مجدداً انتخابات برگزار شد و شاذلی بن جدید مجدداً رئیس جمهور شد. در انتخابات مجلس 188 کرسی از 430 کرسی پارلمان به اسلامگرایان تعلق داشت و در انتخابات شورای شهرها 400 شهر در اختیار آنان قرار گرفت لذا رئیس جمهور از قدرت اسلامگرایان به هراس افتاد وزیر فشار مخالفین آنان استعفاء داد و جای خود را به یک شورای چهار نفره مرکب از نخست وزیر و سه نفر



از افسران ارتش سپرد. آنان هم فوراً (1992) انتخابات شورای شهرها را باطل اعلام کردند و به نبرد با اسلامگرایان پرداختند. برای تحلیل گران عرصه سیاسی الجزائر روشن است چه دست‌هایی پشت این صحنه این پرده‌ها را اجراء می‌کرد. با شیوع جنگ‌های خیابانی، امین زروال وزیر دفاع قدرت را به دست گرفت.

آزادی رهبران مسلمان در سال 1997 همانند عباس مدنی و دخالت آنان در فرو نشانیدن اغتشاشها و میانجیگری بین مخالفین و دولت زمینه انتخابات در سال 1999 را فراهم کرد و براساس آن عبدالعزیز تفلیق به ریاست جمهوری رسید و دوره بیست ساله خون و شقاوت در الجزایر پایان رسید.

## اسلام در الجزایر

اسلام نخستین بار در اواسط قرن اول هجری قمری به این کشور معرفی گردید و حدود 99/9 درصد مردم این کشور مسلمان هستند. مسلمانان در دوره استعمار و در فراز و نشیبهای مختلف سیاسی این کشور تکیه بر نیروی ایمان، شگرفیهای عجیبی را در برابر دشمنان به نمایش گذاردند در حالیکه برخی از آمارها از وجود حدود 11 هزار مسجد در حال حاضر در الجزایر حکایت دارد، اما در دوره اشغال مساجد زیادی ویران و حتی به کلیسا و یا اصطبل تبدیل شدند. قبل از اشغال، تنها در شهر الجزیره 176 مسجد وجود داشت که پس از آن تعداد مساجد به 5 مسجد رسید. مساجد مهمی که به کلیسا تبدیل شدند عبارتند از مسجد جامع قصبه که به کلیسای صلیب تبدیل شد و

مسجد جامع علی تیشین که به کلیسای سیده نصر و مسجد جامع کتشاف که به کلیسای کتشافه تغییر یافت و 4 هزار مصلا در این زمان ویران گردید و از 39 مدرسه که در کنار مساجد و با تعلیم اسلامی اداره می شدند فقط 3 مدرسه باقی ماند و بقیه ویران شدند. (1)

همزمان و همراه با نابود کردن آثار اسلامی که می تواند پایگاه نشر تفکر دینی باشد، دشمنی استعمار با اندیشه دینی موجب گردید که تلاشهای گسترده ای برای استحاله فکری و فرهنگی مردم مسلمان الجزایر انجام شود چرا که این کشور از حیث وسعت و موقعیت جغرافیائی در شرائط حساسی قرار داشت و استعمار در آن خانه کرده بود بنابراین با عناوینی همچون آزادی زنان و تساوی حقوق آنان و تشویق جوانان برای مهاجرت و مسافرت به اروپا و سیطره و بمباران فکری شبکه های مختلف تلویزیونی یک انهدام فرهنگی کامل را در این سرزمین به اجرا نهادند. عمق نفوذ ایمان در جانها تا حدودی از موفقیت آنان جلوگیری کرد اما نمی توان انکار کرد که فرهنگ غربی آثار ویرانگر خود بر فرهنگ مردم الجزایر باقی نهاده است.

ص: 192

این کشور در مرکز آفریقا و از چهار طرف به خشکی محدود میشود. همسایگان این کشور در شمال، چاد، در شرق، سودان در جنوب، کنگو و در غرب، کامرون می باشند. این کشور دارای حدود 622 هزار کیلومتر مربع مساحت و از جمعیتی

حدود 3/8 میلیون نفر برخوردار می باشد. وضع اقتصادی این کشور چندان مناسب نیست. از اواخر قرن نوزدهم تا نیمه دوم قرن بیستم تحت استعمار فرانسه قرار گرفت. در 1960 به استقلال دست یافت و معاون رهبر آزادیخواهان این کشور «دیوید داکا» به ریاست جمهوری رسید. ولی در 1965 توسط پسر عمویش سرهنگ «بوگا» در یک کودتای نظامی از کار برکنار گردید. در 20 دسامبر 1979 در حالیکه «بوکا» سرگرم دیدار از لیبی بود با حمایت فرانسه، «دیوید داکا» مجدداً بر تخت نشست و روابط این کشور با لیبی و شوروی را قطع کرد ولی حکومت او 2 سال بیشتر دوام نیاورد و توسط یک افسر شورشی دیگر بنام «کولینگیا» از تخت به زیر کشیده شد. در انتخابات

سال 1993، «فلیکس پاتاسه» برای مدت 6 سال با آرای عمومی به ریاست جمهوری برگزیده شد و در سال 1999 در انتخابات بعدی مجددا در همین سمت ابقاء گردید.

پایتخت این کشور شهر «بانگی» و شهرهای مهم آن عبارتند از: بربراتی، بوار، بامیاری و کارتوت. این کشور از معدن الماس نسبتا خوب و از طلای کمی برخوردار است. دولت فعلی ثبات چندانی ندارد و به هنگام بروز شورشهای داخلی به حکومتهای لیبی و چاد برای مهار آن متوسل می گردد.

### اسلام در آفریقای مرکزی

به نوشته یک سایت فرانسوی تا سال 1976 در برابر سیطره مسیحیت و دادگاههای تفتیش عقائد، اسلام خود را در این کشور مخفی می کرد. بدنبال مسلمان شدن حاکم این کشور به هنگام ملاقات با قذافی رهبر لیبی، معادلات به نفع مسلمانان تغییر کرد. قدرت روز افزون عربستان سعودی، انقلاب ایران و قدرت مسلمین در سراسر جهان، موجب افزایش مسلمانان در این کشور گردیده است. هم اکنون حدود 15 تا 17 درصد مردم آفریقای مرکزی مسلمان هستند و موقعیت غیرقابل انکاری را خصوصا در اقتصاد (تجارت خارجی و داخلی صادرات و واردات دامداری و صنعت و صدور سنگهای قیمتی) دارند. همچنانکه در عرصه دیپلماتیک و در عرصه بین المللی نیز حضور دارند. البته مسلمانانی که اصالتا از آفریقای مرکزی باشند کمتراند و اکثرا از چاد به

این سرزمین مهاجرت نموده اند. اکثر مسلمانان مالکی مذهب هستند و به مسلک تیجانی اقتداء دارند و مسلمانان در روابطشان با سایر ادیان با احترام نسبت به آنان برخورد می نمایند.

هیچگاه برخوردی بین پیروان ادیان (آنگونه که در سودان دیده می شود) در این سرزمین مشاهده نشده است. صدها انجمن فرهنگی و فکری اسلامی، با گرایشها و بهانه های مختلف در این کشور فعالیت دارند و اسلام علیرغم محدودیت جمعیت به عنوان دین غالب از حیث کیفی به حساب می آید.

ص: 195

کشوری در جنوب شرقی آفریقا که از شمال، با رواندا و از شرق و جنوب، با تانزانیا و از غرب، با کنگو همسایه است. حدود 6/7 میلیون نفر جمعیت دارد با مساحتی در حدود 28 هزار کیلومتر مربع و تراکم 240 نفر در کیلومتر مربع. حکومت آن بوسیله یک رژیم

انتقالی اداره می شود و در عین حال دارای یک مجلس قانونگذاری با حدود 81 کرسی است. این کشور با سرانه ناخالص ملی حدود 140 دلار از فقیرترین کشورهاست و در عین حال دارای 8 مرکز آموزش عالی است که با شرایط فقر و ناامنی مداوم آن سازگار نیست. برونندی و رواندا که با هم ادغام بوده اند هر دو، تا سال 1890 طعم استعمار آلمان و پس از آن از نعمت! سایه سنگین کشور بلژیک تا سال 1962 برخوردار بوده اند.

در سال 1962 استقلال یافتند و از یکدیگر نیز جدا گردیدند. برخلاف سایر کشورهای استقلال یافته که موفق به تعیین رئیس جمهور می شوند، برای این کشور پادشاه یا رئیس سلطنت تعیین گردید. جمهوری خواهان، 4 سال بعد

یعنی در 1966 پس از کودتا علیه پادشاه به رهبری نخست وزیر او، آقای «میکومبرو» او را به رئیس جمهوری انتخاب کردند. او در زمان ریاست جمهوری دست به تصفیه قومی وسیعی زد و در سال 1971 حدود 350 هزار نفر توسط نیروهای دولتی کشته شدند. و 70 هزار نفر وادار به ترک خاک این کشور گردیدند. در سال 1976 «میکومبرو» توسط سرهنگ «ژان باپتیست» از تخت به زیر کشیده شد و او هم در سال 1987 هنگامی که در کنفرانس سران کشورهای فرانسوی زبان در کانادا بود طی یک کودتا سرنگون گردید. رئیس جمهور بعد فقط 3 ماه ریاست کرد که در یک کودتا به قتل رسید و دهها هزار نفر کشته شدند. در فوریه 1998 نیز تعداد کشته های جنگهای داخلی در بروندی از مرز 250 هزار نفر گذشت. دو قبیله «هوتو» و «توتسی» دو طرف درگیری و مشکل قومیت دلیل زد و خورد آنان است. هنوز سازمانهای بین المللی نتوانسته اند وضعیت آرامی را در این کشور بوجود آورند.

نمودارها و آمارها از وجود حدود 670 هزار نفر مسلمان در این کشور خبر می دهد که از وضعیت آنان چندان اخبار دقیقی در دست نمی باشد.

ص: 197

## وضعیت سیاسی اجتماعی

نام پیشین این کشور «ولتای علیا» بوده است و در غرب آفریقا واقع است و از کشورهای نسبتاً وسیع آفریقائی با حدود 274200 کیلومتر مربع مساحت و حدود 13/2 میلیون (بر طبق آمار سال 2003) جمعیت دارد. از حیث مساحت رتبه 73 و از جهت مساحت رتبه 64 را در

جهان داراست. همسایه شمال غربی این کشور «جمهوری مالی» و کشورهای توگو، بنین، غنا و ساحل عاج همسایگان جنوبی این کشورند. و پایتخت این کشور واگادوگو می باشد.

در جریان استعمار فرانسه این کشور سالهای سختی را سپری کرده است و بین سالهای 1896 تا 1904 بمدت 8 سال فرانسویان از هیچ ظلمی نسبت به این ملت مسلمان و مستضعف حتی در حدّ به آتش کشیدن خانه هایشان دریغ نکردند و به حیوانات آنان نیز ترحم نداشتند و حیوانات را نیز کشتند و همه را



مجبور به مهاجرات به کشورهای اطراف خصوصاً کشور غنا کردند ولی بمرور ایام دوباره مردم این سرزمین به وطن خود بازگشتند و در سال 1958 به خودمختاری و در 1960 به استقلال، دست یافتند.

## مسلمانان در بورکینافاسو

اسلام در این کشور سابقه طولانی دارد و آشنائی مردم این سرزمین با اسلام به صدر اسلام برمی گردد. برحسب آمار رسمی 50 درصد جمعیت این کشور مسلمانند در حالیکه آمار غیر رسمی تعداد مسلمانان را حدود 70 درصد می داند. (1) بهر حال اسلام نخستین و مسیحیت دومین دین رسمی در این کشور است. و حکومت آن جمهوری است و دارای یک مجلس قانونگذاری می باشد.

مسئول مسلمانان در این کشور (2)، مشکل اصلی مردم این کشور را فقر می داند و می گوید برخلاف جامعه مسیحی که از کشورهای حمایت کننده کمکهای چشمگیری دریافت می کنند، ما چندان کمکی دریافت نمی نمائیم. او می افزاید: رئیس جمهور ما، هم اکنون مسلمان نیست ولی او را دعوت به اسلام کرده ام و گفته است دعا کن خدا مرا به اسلام هدایت گرداند. رئیس جمهور هر ساله پانصد نفر را به هزینه خودش به حج می فرستد و کمکهای خوبی به مسلمانان می نماید. اساتیدی از الازهر مصر بصورت متوالی به این کشور اعزام می شوند و تاکنون کشورهایی مثل عربستان، کویت و ایران در امر ساختن مساجد، مدارس و بیمارستان به این کشور کمکهای کرده اند.

ص: 199

---

1- (1) - مصاحبه آقای شیخ محمود باندی - مدیر کل تعلیمات دینی در بورکینافاسو - [www.islamonline.com](http://www.islamonline.com)

2- (2) - مصاحبه آقای شیخ محمود باندی - مدیر کل تعلیمات دینی در بورکینافاسو - [www.islamonline.com](http://www.islamonline.com)

شیخ محمود باندی یکی از عناصر جذب غیر مسلمانان را به اسلام مراسم باشکوه روزانه مسلمانان به هنگام نماز و برنامه های شبهای قدر و ماه مبارک رمضان می داند و مسلمانان را در این جهت موفق ارزیابی می کند و می گوید: در حالیکه بیم آن می رفت که طرفداران گرایشهای فکری صوفیه و برخی طریقت های دیگر با هم به اختلاف و تفرقه منتهی شوند او پیشنهاد ایجاد اتحادیه واحد را به جای طوائف متعصب ارائه کرد و رئیس فرقه تیجانیه شیخ عبدالله دوکری مجموعه خود را به نام جمعیت اتحاد اسلامی تغییر نام داد.

مهمترین خطری که فرزندان مسلمانان را تهدید می کند بعد از فقر خطر استحاله فرهنگی در دوره دبستان و متوسطه است که بالاجبار در مدارس رسمی و مسیحی می گذرانند و از این رهگذر عده ای از فرزندان مسلمانان تابعیت دین مسیح را پذیرفته اند.

بنین کشوری است در غرب افریقا که پیش از این با نام داهومی خوانده می شده است. بصورت نوار باریکی از خلیج بنین به سوی شمال کشیده شده است. از جنوب به خلیج بنین و از غرب به توگو و از شرق به نیجریه و از شمال به بورکینافاسو و نیجر محدود می گردد. جمعیت این کشور 7/5 میلیون نفر در سال 2003 و مساحت آن بالغ بر 112 هزار کیلومتر مربع است. و

بدینسان رتبه صدم را از حیث وسعت احراز می کند. یکی از فقیرترین کشورهای جهان است با این حال با شهادت توانست تا 1892 از تیررس استعمار خود را بدور نگهدارد. اما بدنبال پیمان اقتصادی که در سال 1851 با فرانسویان منعقد شد، فرانسویان به همین بهانه در این کشور مداخله کردند تا آنکه در سال 1892 آنرا کاملاً اشغال کردند. این کشور در سال 1958 به

خودمختاری دست یافت و در اوت 1960 به استقلال کامل رسید اما از آغاز استقلال تا زمانیکه در سال 1972 سرگرد ماتيو با یک کودتا روی کار آمد این کشور همواره دستخوش ناآرامی و جنگ بود و در سال 1989 مردم طی تظاهراتی رئیس جمهور را وادار به لغو حکومت مارکسیستی کردند و قانون اساسی جدید تنظیم و تصویب شد.

ماتيو بمدت ده سال از 1991 از عرصه قدرت بدور بود ولی دوباره در 2001 از طریق انتخابات به قدرت رسید. روز ملی این کشور اول ماه اوت و نوع حکومت جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری است که در آن 84 نماینده بمدت چهار سال به نمایندگی حقوقی از مردم می پردازند. حدود 20 درصد مردم مسلمان، 35/4 مسیحی و 20 درصد دیگر باوردهای قبیله ای دارند.

سرايه توليد ناخالص ملی آن 380 دلار است و بدهی خارجی این کشور حدود 1/5 ميليون دلار تعيين گردیده است.

## اسلام در بنين

اسلام در بنين سابقه ديرينه دارد و اقليت مسلمان آن، مردمی ملتزم و متعهد به مبانی دینی هستند که در شمال کشور ساکن هستند. تعداد مسلمانان در این کشور برحسب آمار سال 2003 حدود 1/8 ميليون نفر تعيين شده است. مسلمانان فعال در این کشور بیشتر مسلمانان لبنانی هستند که به قصد تجارت به این کشور آمده اند و حدود 2500 نفر هستند. 25 درصد از کل جمعیت

کشور بنین مسلمانند که کمتر دچار تفرقه و اختلافات فرقه ای شده اند و با هم به خوبی زندگی می کنند حدود هشتصد مسجد در بنین وجود دارد که تنها یکصد مسجد آن فعالند و بسیاری از مردم در روستاها و مراکز کوچک از چادر به جای بنای مساجد استفاده می نمایند. بیشترین نیاز مردم این سرزمین به کمکهای فکری و فرهنگی و آموزش جوانان این کشور است.

این کشور نیز در غرب افریقا، دارای مساحتی محدود [حدود 56/785 کیلومتر مربع] که از حیث وسعت رتبه 123 در جهان را دارد و جمعیت آن در سال 2005 حدود 5/4 میلیون برآورده شده است.<sup>(1)</sup> پایتخت آن لومه و این کشور بین دو کشور غنا و بنین واقع شده است. از حیث سرانه تولید ناخالص ملی جزء پائین ترین ها در جهان است. نوع حکومت آن جمهوری است که با یک مجلس قانونگذاری اداره می شود. این کشور تا پایان جنگ جهانی اول

مستعمره امریکا بود و پس از آن میان انگلیس و فرانسه تقسیم شد و به دو کشور توگوی فرانسه و توگوی انگلیس تبدیل گردید ولی در سال 1960 به استقلال رسید.

ص: 204

آشنائی این کشور با اسلام از قرن چهارم هجری و بوسیله تجار عرب آغاز گردید و منطقه اصلی آن شمال توگو بود که بوسیله یکی از تجار توگو بنام «شیخ تخاری معلوم» به محور فعالیت های اسلامی تبدیل شد و از آنجا به جنوب این کشور سرازیر گشت. هم اکنون حدود 1/4 میلیون نفر یعنی حدود 25 درصد جمعیت این کشور مسلمانند.

یکی از شهرهای معروف این کشور شهر سوکوره است که سابقه تاریخی عظیم دارد و مساجد مهمی در این کشور با سابقه نسبتاً زیاد به چشم می خورد که بعضاً به عنوان بنای باستانی شناخته اند و مساجد معروف آن عبارتند از: مسجد بالمی، مسجد هوسا، مسجد یوربا، مسجد سوکووی. مجموعاً مسلمانان این کشور در بالغ بر یکصد مسجد نمازهای بومیه را برپا می دارند.

شورای عالی امور اسلامی، اتحادیه مسلمانان در توگو، انجمن اسلامی دولتی حقیقت شورای حفظ قرآن و سنت و مرکز تحقیقات اسلامی از مراکز اسلامی فعال در این کشور هستند. دانشگاه الازهر ضمن افتتاح 20 مرکز قرآنی در توگو، افراد ممتاز این مراکز را در الازهر بورس می کند.

حمزه عبدالعزیز جوان 23 ساله ای که به مسئولیت یک نهاد دانشجویی اسلامی برگزیده شده است در مورد مسلمانان در این کشور چنین اظهار نظر می کند: حدود چهار سال است که این انجمن بوسیله گروهی از دانش آموزان و دانشجویان مسلمان تأسیس شده است. این انجمن غیرانتفاعی و مرکز آن شهر کپالیمه است. او خود را در یک تکنسین آزمایشگاه پزشکی معرفی می کند و در

پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران که می پرسد: موقعیت فرهنگی خود را چگونه ارزیابی می کنید؟ می گوید: توگو یک کشور فقیر است با قدرت خرید پائین و مسلمانان 30 درصد جمعیت آنرا تشکیل می دهند و اکثراً از اهل سنت هستند ولی پیروان همه مذاهب آزادند.

خبرنگار: نیازمندیهای شما چیست؟

حمزه: ما که دانشجو هستیم بیشترین نیازمان به کتاب است. کتاب تفسیر کامل قرآن به زبان فرانسه و کتابهای دانشمندان بزرگ که بتواند پاسخگوی شبهات روز باشد و کتاب در مورد زندگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و سلم. کتب اخلاقی و منتهی و CD ها و DVD های حاوی موعظه ها و سخنرانیها و کنفرانسهای دینی!

خبرنگار: نیازهای اورژانسی و روزمره شما چیست؟

حمزه: ما همواره محتاج کمکهای پروردگار هستیم ولی نیاز جامعه عبارتست از:

1 - یک بیمارستان بزرگ اسلامی. ببینید مسیحیان چه بیمارستانهای بزرگی دارند!

2 - یک مرکز فرهنگی که دارای سالنهای کنفرانس و وسائل سرگرمی جوانان باشد. مسجد الحمدلله کم نداریم. (1)

ص:206



مسئولین و کارشناسان کشور تونس این کشور را کهن ترین سرزمین منطقه شمال آفریقا و دارای تمدنی سه هزار ساله می دانند و معتقدند در سال 814 پیش از میلاد کشتی های جنگی و تجاری کشور تونس در دریای مدیترانه حکمفرمائی داشته اند. این کشور دارای حدود 163 هزار کیلومتر مربع مساحت و

9/6 میلیون نفر جمعیت می باشد و دارای وضع اقتصادی نسبتاً خوبی است. سرانه ناخالص ملی این کشور 2060 دلار در سال 1998 برآورد شده است. این کشور از شرق، به لیبی از غرب، به الجزائر و از شمال، به دریای مدیترانه محدود می گردد. پایتخت آن تونس و شهرهای صفاقس، اربانه، سوسه، قیروان، بیروت و قفصه مهمترین شهرهای این کشورند. تونس از سده دوازدهم قبل از میلاد یکی از بندر گاههای فنیقی ها بوده است و در سال 146 قبل از میلاد به تصرف رومیان درآمد و تا اواسط قرن هفتم میلادی و شکست

امپراطوری روم، توسط مسلمانان این کشور تحت نفوذ امپراطور روم بود. از قرن هفتم تا سیزدهم که دولت موحدون بر کشور تونس حکومت می کرد این کشور به یکی از پیشرفته ترین مراکز فرهنگ و تمدن اسلامی تبدیل شد و شهر قیروان در طب و معماری شهرت جهانی یافت. بین قرن سیزدهم تا شانزدهم حفصیون و از قرن 16 تا قرن 19 عثمانی ها بر این سرزمین حکومت داشتند (فرزندان حسین بن علی ترکی تا پس از استقلال نیز کرسی های قدرت را در تونس حفظ کردند).

قرن نوزدهم، قرن هجوم استعمار اروپائی به کشورهای افریقای بوده و در سال 1881 پس از مداخلات زیاد فرانسه در امور این کشور، تونس، رسماً تحت الحمايه فرانسه قرار گرفت. بین سالهای 1952 تا 1955 نهضت‌های آزادیخواهانه رو به گسترش نهاد و در بیستم مارس 1956 استقلال تونس از سوی حکومت فرانسه به رسمیت شناخته شد و «حبيب بورقیبه» ابتدا به عنوان نخست وزیر رژیم سلطنتی تونس و پس از یکسال و اندی به عنوان رئیس جمهور این کشور و براساس رای مردم، بر کرسی قدرت قرار گرفت. او برای بیرون راندن فرانسویان از این کشور تلاش فراوانی کرد ولی در سال 1978 با اعتصابات کارگری مواجه شد و دست به خشونت و کشتار و اعدام مردم آلود. در سال 1987 توسط سرهنگ «زین العابدین بن علی» که سه سال قبل از این از سوی بورقیبه، نخست وزیر شده بود، از کار برکنار و «بن علی» زمام امور را به دست گرفت. «بن علی» در نخستین انتخابات آزاد تونس در سال 1989 با کسب 99 درصد آراء رسماً رئیس جمهور شد و به سیاست سرکوب مخالفان ادامه داد. در سال 1999 با انتخاب محمد غنوشی به عنوان

نخست وزیر و تشکیل دادن مجلس برای کنار آمدن با مخالفان و اعلام آمادگی کرد و در همین سال 600 تن از زندانیان سیاسی که عمدتاً از اعضای حزب النهضه تونس و حزب کمونیست کارگران بودند آزاد شدند.

برحسب قانون اساسی تونس هیچکس نمی توانست بیش از سه دوره رئیس جمهور شود ولی «بن علی» با تغییر قانون اساسی در سال 2002 زمینه انتخاب مجدد خود در این سمت را فراهم کرد. و در نوامبر 2004 دوباره «بن علی» به عنوان ریاست جمهور، برگزیده شد. بدینسان او تاکنون او حدود نوزده سال است که بر تونس حکومت دارد.

## اسلام در تونس

دین رسمی کشور تونس اسلام است و 99/5 درصد مردم این کشور مسلمانند، 3 دهم درصد مسیحی و 2 دهم درصد پیروان دیگر ادیان، گرایش دینی مردم این کشور را تشکیل میدهد. مردم این کشور از قرن هفتم، رسماً اسلام را پذیرفتند و قیروان پایتخت تونس و عاصمه اسلام گردید. در این شهر کهن ترین مساجد و زیباترین آنها در مغرب اسلامی، دیده می شود. از مهمترین تحولات جامعه اسلامی که مورد توجه همگان قرار گرفته است و تفاسیر مختلفی از آن نیز ارائه شده است، تبدیل مسجد بسیار بزرگ زیتونه به دانشگاه است. این مسجد در سال 698 میلادی بنا نهاده شده است. 1840 ستون عظیم سقف با عظمت این مسجد را بدوش می گیرند. این مسجد هم اکنون نیز در کنار دانشگاه بزرگ زیتونه محل تجمع روزانه نمازگزاران در پنج وقت است و تریبون نماز جمعه تونس در آن نصب می گردد.

مسجد بزرگ دیگری که در سال 1616 بنا نهاده شده است، مسجد یوسف دی می باشد که در زمان تسلط عثمانیان بناگردیده است. هم اکنون در تونس بیش از پنجهزار مسجد وجود دارد. (1) که 4000 هزار باب آن رسماً زیر نظر دولت است و دولت بر تمامی شئون آن نظارت دارد. حدود 10 دانشگاه بزرگ نیز عرصه علم و دانش پژوهی را در این کشور زینت می دهند. که مهمترین آنها عبارتند از: دانشگاه آزاد (ULT) دانشگاه کارتاژ، دانشگاه المنار، دانشگاه کاربردی و دانشگاه الزيتونه، دانشگاه بین المللی تونس (UIT) دانشگاه اس فاکس، دانشگاه هفتم نوامبر، دانشگاه مدیریت صنعتی. 2

علیرغم آنکه اسلام دین رسمی در کشور تونس است، اما جای تعجب دارد که بدستور حکومت داشتن حجاب در مدارس و در ادارات ممنوع است. اگر چه مامورین چشمان را از اجراء و سختگیری در مورد پیاده شدن این اصل بسته اند، اما قانون از آن منع می کند. نتیجه این منع این بوده است که زنان در پوشیدن حجاب تعهد بیشتری پیدا کرده اند، اگر چه در پایتخت در این مورد نمونه های کمتری نسبت به سایر شهرها دیده می شود.

ص: 210

کشوری در شمال شاخ افریقا و در باب المندب و روبروی کشور یمن که از گرم ترین و خشک ترین کشورهای جهان محسوب می گردد و دارای مساحت و جمعیت محدودی است. کشورهای اتیوپی و اریتره در غرب و خلیج عدن در شرق و سومالی در جنوب این

کشور قرار دارند. سه قرن قبل از میلاد اقوامی از عربستان به این سرزمین مهاجرت کردند و در این کشور ساکن شدند. مساحت این کشور حدود 23200 کیلومتر مربع و جمعیت آن 700 هزار نفر است. پایتخت آن جیبوتی است و شهرهای مهم آن عبارتند از: علی بسیح، تاجوره و دخیل. نوع حکومت جمهوری چند حزبی و دارای یک مجلس قانونگذاری 65 کرسی که بین احزاب به میزان نفوذ آنان در جامعه تقسیم شده است.

سلطان تاجوره در سال 1862 و در برابر دریافت 52 هزار فرانک؛ بخشی از بندر اویرک در جیبوتی را به فرانسویان فروخت و فرانسویان پس از تسلط

بر سومالی همسایه جنوبی کشور جیبوتی این بندر را به عنوان پایتخت سومالی قرار دادند تا آنکه در سال 1977 مردم این کشور، فرانسه را وادار به قبول همه پرسسی و قبول استقلال کشور جیبوتی کردند. فرانسه، عربستان، کویت، عراق و لیبی کشورهائی بودند که به جیبوتی در جریان استقلال کمک اقتصادی کردند و کمکهای فرانسه به این کشور هنوز هم ادامه دارد. از زمان استقلال (1977) تا سال 1999 بمدت 22 سال کرسی ریاست جمهوری در اشغال «حسن گلد آبتیدون» بود و بدنبال اعتراضات و شورشهای زیاد مجدداً انتخابات برگزار شد و براساس آنان «اسماعیل گله» عهده دار ریاست جمهوری شد.

## اسلامی در جیبوتی

تقریباً در نخستین قرن هجری و در سال 825 میلادی، مردم این کشور از طریق مبلغین اسلامی با پیام رهائی بخش اسلام آشنا شدند. حدود 97/2 درصد مردم این کشور مسلمانند و 2/8 درصد مسیحی که به فرانسوی و عربی صحبت می کنند. نخستین مسجد این کشور بنام «سید حسن» در حومه شهر خور برهان در قرن 19 بنا گردید.

ص: 212

از تمدنهای کهن و اقوام دیرین، تمدن و قوم "چاد" است که از پانصد سال قبل از میلاد سابقه داشته است. کشوری در قلب و مرکز افریقا که از شمال به لیبی و از جنوب به افریقای مرکزی و از جنوب غربی به کامرون و از شرق با سودان هم مرز است. کشوری پهناور و با مساحتی بالغ بر 1/2 میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی اندک و حدود 9/8 میلیون نفر که در جمعیت رتبه 91 و در مساحت رتبه 20 در جهان را در جهان احراز کرده است. حدود 2 برابر کشوری که تا سال

1960 در چنگ استعمار آن اسیر بوده است (فرانسه) و یا سه برابر ایالت بزرگ کالیفرنیا است. با این حال حتی از بیشتر کشورهای افریقایی و فقیر، فقیرتر است و سرانه ناخالص ملی آن برابر 230 دلار است که اصلاً تناسبی با کمی

جمعیت و گستردگی سرزمین و غنای منابع و معادن آن ندارد.

پایتخت این کشور "انجامنا" و حکومت آن جمهوری و با یک مجلس قانونگذاری است که 124 نماینده آن برای مدت 4 سال انتخاب می شوند و یازدهم اوت روز ملی این کشور است. از سال 1917 تا سال 1960 این کشور رسماً تحت استعمار فرانسه بود مردم چاد از نژاد عرب سودانی و در قسمت جنوب بیشتر بانتوئی هستند. زبان رسمی آنها بدلل استعمار، فرانسوی است ولی عربی هم رواج دارد.

## اسلام در چاد

حدود ده قرن قبل (قرن چهارم هجری) اسلام به سرزمین چاد راه یافت. غیر از نبردهای قومی و قبیله ای در این سرزمین، بین اسلامگرایان و مسیحیان نیز تنازعاتی وجود داشت، ولی مسلمانان با صبر و استقامت، دین خود را پاس داشتند و توانستند ارتباط و آشنائی نسل خود را با اسلام حفظ نمایند. مسلمانان تا قبل از استعمار با آنکه در اداره حکومت و امور سیاسی دخالتی نداشتند. اما از آزادی نسبتی برخوردار بودند، در برابر استعمار تنها مسلمانان بودند که مقاومت کردند و سرسختانه در برابر استعمار ایستادند. رهبر مقاومت به هنگام حمله نظامیان فرانسوی "رابح فضل" ملقب به "رابح زبیر" بود وی در سال 1900 کشته شد و فرانسه پس از کشتار فجیع مسلمانان و از بین بردن مساجد و مدارس قرآنی و آثار اسلامی توانست بر این کشور مسلط شود و لذا به هنگام استقرار فرانسویان در این کشور آنرا به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کردند. در بخش جنوبی که مسیحیان مستقر بودند طرحهای گسترده عمرانی، صنعتی و بهداشتی اجرا کردند و در طول دوره استعمار این



بیعدالتی استمرار داشت و هنگام خروج نیز حکومت را به مسیحیان سپردند تا همین رویه را ادامه دهند. در این سال و پس از بقدرت رسیدن "تامپل پای" او، دیکتاتوری و نسل کشی علیه مسلمانان آغاز گردید. 1250 شخصیت سیاسی و دینی روانه زندان شدند و زنان و کودکان و بیگانهانی به شهادت رسیدند. در سال 1975 «تامپل پای» به هلاکت رسید و یک شورای نظامی به رهبری "فلیکس مالوم" و با حمایت فرانسه قدرت را در دست گرفت. این در حالی بود که با کوشش چریکهای مسلمان منطقه شمالی چاد از سال 1968 تحت کنترل مسلمین بود. در سال 1978 حسن هابره به قدرت رسید و هم اکنون "ادریس دبی" قدرت را در این کشور در اختیار دارد. تعداد مسلمانان در این کشور 4/25 میلیون نفر یعنی در حدود 50 درصد است و بقیه جمعیت این کشور را مسیحیان و انیمیست ها تشکیل می دهند.

مسلمانان در این کشور برخی متمایل به سودان و عرب زبان هستند و برخی متمایل به نیجریه و زبان بومی دارند. در سال 1998 به مناسبت سفر قذافی یک دفتر ثبت خاطرات تازه مسلمانان در محله مسیحی نشین با تشریفات خاص و استقرار گروه موزیک در اطراف آن دائر گردید. گروه موزیک به هنگام ورود افراد شاخص برای تغییر دین مارش خاص می نواختند.

در مراسم خاکسپاری یک شخصیت مهم سیاسی که از مسیحیت به اسلام گرویده بود درگیری شدیدی بین مسلمانان و مسیحیان پیش آمد ارگانهای اسلامی موجودی در این کشور از سوی کشورهای لیبی، سودان، عربستان سعودی و ایران حمایت می شوند. مسلمانان از نظر خدمات بیمارستانی و آموزشی در برابر مسیحیان از مضیقه های دردناکی رنج می برند. مساجد شاه فیصل، انجامنا و اقدس از مساجد معروف این کشورند.

کشوری در جنوب شرقی قاره آفریقا و دارای جمعیتی در حدود 8/3 میلیون نفر و مساحتی حدود 26 هزار کیلومتر مربع که طبعا موجب تراکم جمعیتی بالای 250 نفر در هر متر مربع میشود و بنابراین وضع اقتصادی آن نیز چندان نمی تواند خوب باشد

و سهم سرانه تولید خالص ملی آن حدود 230 دلار است. همسایه های این کشور در جنوب: بوروندی، در غرب، کنگو و در شمال، اوگاندا در شرق، تانزانیا می باشند. از سال 1897 همراه با کشور بوروندی در تصرف آلمان ها بوده و پس از جنگ جهانی اول، آلمانها آنرا به حکومت بلژیک واگذار کردند ولی همواره درگیر با جنگهای خونین داخلی و قومی بود. در سال 1962 از استعمار بلژیک خلاص شد و از بوروندی نیز جدا گردید. اما همچنان با اهریمن جنگ داخلی در نبرد بود. تا آنکه در یک برخورد قبیله ای 20 هزار نفر کشته شدند و در سال 1973 در اثر کودتا، ژنرال «جوونال ها بیار یمانا» زمام امور را بدست گرفت. در سال 1982 عده کثیری از مردم رواندا که به اوگاندا پناهنده

شده بودند مورد بی مهوری قرار گرفتند و کشور میزبان به عوض پذیرایی، خانه و کاشانه آنان را آتش زد. در سال 1994 هنگامی که روسای جمهور رواندا و بروندي پس از یک گفتگوی صلح، از تانزانیا عازم «کیگالی» بودند مورد حمله قرار گرفتند و همراه با سایر سرنشینان هواپیما کشته شدند. لذا جنگ و خونریزی مجددا شروع شد و حدود 500 هزار نفر قتل عام گردیدند. آمریکا، فرانسه و بلژیک تصمیم گرفتند نیرو به این کشور اعزام کنند، تا امنیت را برقرار سازند. علیرغم تلاشهای قدرتها و سازمانهای خارجی هنوز هم آرامش به این کشور بازنگشته است.

## اسلام در رواندا

تاریخنگاران، ورود اسلام به این منطقه را مربوط می دانند به آغاز قرن بیستم، نخستین مسجد در این کشور در سال 1913 توسط تجار رواندائی ساکن هند بنا گردید و نخستین مدرسه اسلامی در سال 1957 برپا شد. اگر چه مسئولین حکومت چندان به حضور نسبتاً گسترده و سریع اسلام در این سرزمین اعتراف نمی کنند. حوادث قتل عام مردم در سال 1994 و دخالت ارباب کلیسا در آن موجب گردید مردم به اسلام پناهنده شوند و چهره اسلام ناب به آنان نمایانده شد. مردم مسلمان، با پناه دادن به مردم و کمک به آنان در بازسازی چهره اسلام نقش بسزائی داشتند. برخی معتقدند تعداد مسلمانان در خلال این حوادث از یک درصد جمعیت رواندا به 14 درصد افزایش یافته است. اما به نظر می رسد این آمار کمی اغراق آمیز باشد و نیازمند به تایید از مراجع معتبر دیگر است. بنابراین می توان گفت حداقل، جمعیت مسلمانان، هم

اکنون بیش از یکصد هزار نفر است. اما از حضور معلمان مسلمان اعزامی از مراکز بزرگ اسلامی همچون مصر و عربستان در این کشور اخبار دقیقی در اختیار نیست. مسئولیت مسلمانان در این کشور به عهده آقای شیخ صالح هابی مانا است. (1)

ص: 218

---

www.religioscope.com. www. Religion. info. www. Africanum.ch (1) -1

کشور فرانسه زبان دیگری که در غرب افریقا و در ساحل خلیج گینه و اقیانوس اطلس واقع است و از شمال به مالی و بورکینافاسو و از شرق به غنا و از غرب به لیبیا و گینه محدود می شود کشور ساحل عاج است. کشوری پهناور با 322/463 کیلومتر مربع

وسعت که در حدود 17/2 میلیون نفر جمعیت دارد. تا اواخر قرن نوزدهم با استعمارگران درگیری مستقیم نداشتند و مستعمرین به بهانه صید فیل و جمع آوری عاج دست اندازیهائی به این سرزمین داشته اند. تا آنکه فرانسویها در آنجا نیرو پیاده کردند تا ساحل عاج، گینه، مالی و سنگال را ادغام نمایند و آنرا به افریقای غربی فرانسه مرسوم نمودند. اما با گذشت حدود نیم قرن و در سالهای 1958 تا 1960 کلیه این سرزمینها به استقلال دست یافتند و به عضویت سازمان ملل متحد در آمدند. یک کودتای نظامی در سال 1999 و یک کودتای ناموفق دیگر در سال 2001 در این کشور پدید آمد که غرامتهائی را بر

مردم این سرزمین تحمیل نمود. موز، نیشکر، کاکائو، نارگیل و کائوچو مهمترین محصولات آنست. پایتخت آن شهر ابی جان می باشد.

## اسلام در ساحل عاج

از سال 1591 و از طریق «سانموری توره» پدر بزرگ پادشاه سابق گینه آقای سکوتوره این کشور با اسلام آشنا شد و از آن پس بازرگان مسلمان که از کشورهای شمال آفریقا به این کشور سفر می کردند در آشنائی آنان با اسلام کوشیدند. اقامت برخی از تجار لبنانی در این کشور نیز سهم مؤثری در آشنائی آنان با اسلام داشت. در شمال این کشور بیش از 85 درصد مردم مسلمانان در حالیکه آمار کل مسلمانان در مقایسه با جمعیت این کشور در مقیاس 45 درصد قرار دارد.

جعفری و مالکی از مذاهب پنجگانه اسلامی پیروان زیادی در این منطقه دارند و طریقه تیجانی و احمدی گرایشات وهابی و نعمت الّهی و فرقه ضاله بهائیت نیز در این کشور دارای طرفدارانی هستند و فعالیت‌هایی را سازمان می دهند.

با آنکه مسیحیت دین رسمی این کشور نیست اما از امکانات بیشتری در مقایسه با اسلام برخوردار است و مدارس کاتولیک مورد حمایت سیستم آموزش و پرورش این کشورند و مسیحیان در این کشور حداقل 12 ایستگاه رادیویی رسمی دارند و تمامی روزهای شنبه را در تلویزیون برنامه اجراء می کنند اما مسلمانان تنها یک صدای کم بُرد بنام رادیوی البیان دارند که فقط در بخشی از شهر ایبجان قابل دریافت است.

دولت، کلیه اعیاد رسمی مسیحیت را تعطیل عمومی می‌داند و اعیاد اسلامی قربان و فطر و مبعث و مولد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و فردای شب قدر (27 رمضان) نیز جزء تعطیلات رسمی این کشور است.

عمده ترین گروههای اسلامی این کشور را «شورای ملی اسلامی» [CNi] «انجمن دانش آموزی و دانشجویی مسلمانان ساحل عاج» [AEEMC i] «شورای عالی ائمه جماعات» [cosiM] «گروه قاریان ساحل عاج» [LPCi] «شورای عالی اسلامی» [csi] و «کنفدراسیون ملی برای توسعه اسلام» [CNDi] «امت اسلامی» و «القرآن» تشکیل می‌دهند.

شورای ملی مسلمانان بزرگترین مؤسسه فدراسیون مسلمانان در ساحل عاج است که انجمن های جوانان، زنان، روحانیان و قاریان را شکل می‌دهد و مشاوره های علمی با پزشکان و سیاستمداران و متخصصان میزگردهای برگزار می‌نماید. مؤسس این مجموعه آقای ادريس قدوس است که با همکاری انجمن بزرگ «سنت ایچیديو» گفتگوهای بین‌الادیانی نیز مدیریت می‌کند.

ص: 221

## وضعیت سیاسی اجتماعی

جمهوری سنگال کشوری چند حزبی است که با یک مجلس قانونگذاری دارای 120 کرسی اداره می شود. این کشور در غرب افریقا و در ساحل شرقی اقیانوس اطلس جای گرفته و از وسعتی برابر 196/722 کیلومتر مربع و جمعیتی حدود 11/6 میلیون نفر

برخوردار است. این کشور دارای دو بخش نیمه بیابانی و سرسبز است که هوای هر کدام از مناطق آن متفاوت و در مجموع مرطوب و پرباران است. داکار پایتخت این کشور است شهرهای زیکنشور، طوبی، تولاخ، سنت لولی و تینس مهمترین شهرهای این کشور محسوب می شوند.

استعمار فرانسه از اول قرن نوزده تا سال 1960 داغ خود را بر چهره این کشور اسلامی باقی نهاده است. از پنجم سپتامبر 1960 براساس رأی مردم کرسی ریاست جمهوری در این کشور به آقای «سلارسنگور» سپرده شد او علاوه بر حضور در میدان سیاست در زمینه مسائل ادبی و فلسفی نیز پرآوازه



بود. او حدود 21 سال، در این کرسی اقامت کرد و در هر انتخابات مجدداً انتخاب شد در سال 1981 خودش از این سمت کناره گیری و قدرت را به عبدالضیوف واگذار نمود. جنبش های تجزیه طلبان در این کشور که از سال 1980 آغاز شده بود وضع این کشور را آشفته کرد دولت کوشید با زندانی و تبعید کردن صدها تن از فعالان سیاسی و فرهنگی در برابر غائله بایستد و در سال 1993 همه پرسی برقرار شد و در اثر انتخابات، عبدالضیوف به ریاست جمهوری برگزیده شد اما در سال 1994 مجدداً شورشها اوج گرفته و گروهی از جمله "عبدالله واد" رئیس جمهور فعلی دستگیر و روانه زندان شدند. نهایتاً دولت به مصالحه با شورشیان پرداخت و در سال 1995 عبدالله واد به عضویت کابینه درآمد و سپس در سال 2000 عبدالله واد به سمت رئیس جمهور انتخاب گردید و بدینسان در پی 40 سال حکومت حزب سوسیال در سنگال، نوبت به حزب دموکرات واگذار گردید.

بیشترین مهاجرین در کشور از کشورهای فرانسه، لبنان و موریتانی هستند.

## اسلام در سنگال

اینکه ندای تبلیغ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در چه تاریخی در سرزمین سنگال افکنده است چندان اظهار نظر دقیقی در مورد آن نشده است. برخی معتقدند نوادگان ابی الدرداء، صحابی پیامبر نخستین مبلغ اسلام در این سرزمین بوده اند و مبداء اسلام در این سرزمین قرن دوم هجری و برخی هم تا قرن یازدهم این هماغوشی را به تأخیر می اندازند. آنچه مسلم است آنست که مردم این سرزمین از هر زمان با اسلام آشنا شده اند رابطه آنان با اسلام وثیق بوده

است و جمعیت اسلامی در وجود آنان موجب حماسه آفرینی در دوره استعماری شده است. و مقاومت نخستین برانگیزی در برابر استعمار داشته اند و هم اکنون علی‌رغم مشکلات اقتصادی، مسلمانان راست قامتی در این سرزمین پرچم اسلام را بدوش می‌کشند. مشکل مهم تفرق و اختلافات فرقه ای است که مسلمین را به طیفهای صوفی، مریدیّه، لائینیّه، تیجانیّه، قادریه و غیره تقسیم می‌کند و عامل فرسایشی‌کننده در بین آنان می‌شود. هزاران مسجد و مدرسه قرآنی در این کشور جلوه ای از عظمت اسلام را در برابر دیدگان ناظرین مجسم می‌سازند. حدود 95 درصد از مردم این کشور مسلمانند.

نمایندگان طیفهای فکری و طرق صوفیه به همراه نماینده شیعیان لبنانی، به عنوان رهبران رسمی جامعه اسلامی مورد مشورت حکومت قرار می‌گیرند. جدول آمار طیفهای مختلف فکری در سنگال به شرح زیر است:

ص: 224

جمهوری چند حزبی که پایتخت آن شهر ویکتوریا و رئیس جمهور آن «آلبرنه» است و مجموعه ای از جزائر پراکنده را در خود می گیرد. این کشور در آبهای غربی اقیانوس هند واقع است و در همسایگی ماداگاسکار قرار گرفته است. فقط 455 کیلومتر مساحت دارد و جمعیت آن بیش از 81 هزار نفر نیست. موقعیت استراتژیکی آن، به عنوان گذرگاه تجاری زنگبار، توجه استعمارگران را به این سرزمین معطوف نمود. ابتدا پرتغالی در سال 1505 به آن دست اندازی کردند و در قرن 18 و نوزده فرانسه و انگلیس برای تصرف آن جنگهای پرخسارتی را به این کشور کوچک تحمیل کردند. از سال 1903 رسماً به استعمار فرانسه و انگلیس درآمد و تا 1976 تحت استعمار دو کشور انگلیس و فرانسه باقی بود. در نوامبر 1981 یک گروه مسلح 45 نفره از سوی افریقای جنوبی به این کشور حمله کردند تا رئیس جمهور را سرنگون کنند ولی بیداری و مقاومت مردم از آن جلوگیری کرد. در آخرین انتخابات در سال 2001 دوره ریاست جمهوری آقای «آلبرنه» برای 5 سال دیگر تمدید شد. از منابع عمده درآمد کشور سیشل، صنعت گردشگری اس که آرامش نسبی، در این کشور به این هدف کمک کرده است. اکثریت مردم این کشور از دین کاتولیک تبعیت می کنند و 86 درصد به این مذهب تعلق دارند و بقیه از سایر مذاهب هستند. حدود یکهزار نفر مسلمان نیز در این سرزمین زندگی می کنند.

در مرکز غربی افریقا کشوری، دارای ابعاد هندسی نامتقارن به چشم می خورد که همسایه شرقی آن کشور چاد و همسایه غربی و شمال غربی آن نیجریه و همسایه جنوبی آن کنگو برازویل، کابون و گینه استوایی است. کشوری گرم، مرطوب و

پرباران و دارای سرمایه های فراوان کشاورزی و معدنی همچون طلا، نقره، آهن، بوکسیست و آلومینیوم با حدود 475/442 متر مربع مساحت 16/8 میلیون نفر جمعیت و تاریخی کهن که به دوست سال قبل از میلاد برمی گردد. از سال 1884 این کشور تحت نفوذ و استعمار آلمانی ها بود و پس از آن در سال 1918 فرانسه و انگلیس به این کشور حمله کردند و در نتیجه آن سه چهارم کشور در اشغال فرانسه و یک چهارم باقیمانده به انگلیس سپرده شد. بین سالهای 1945 تا 1946 مبارزات مردم و قیام عمومی، استعمارگران را وادار به عقب نشینی کرد و این کشور تحت قیمومیت سازمان ملل درآمد تا

آنکه در سال 1960 به ظاهر استقلال کامل یافت ولی رئیس جمهور مورد حمایت فرانسه آقای احمد آهیجو که مسلمان بود به کرسی قدرت نشست و تا پنج نوبت در هر انتخابات او حائز اکثریت آراء می گردید و بدینسان تا سال 1982 رئیس جمهور بلا منازع این کشور بود. تا اینکه خود بصورت ناگهانی از قدرت فاصله گرفت و نخست وزیر او "آقای پل بیه" بجای او سکاندار کامرون شد و تاکنون [2006] ابراریکه قدرت باقی است. این کشور جزء جمهوریهای ثروتمند افریقائی محسوب می گردد. این کشور دو پایتخت دارد. پایتخت سیاسی که شهر "دوالا" است و پایتخت اقتصادی که شهر "یاونده" است

## اسلام در کامرون

در قرن هجدهم میلادی کامرون با اسلام آشنا شد و اوج قدرت مسلمان دوره حکومت آقای آهیجو بود و پس از آن مسلمانان قدرت چندانی در این کشور ندارند و بیشتر دستخوش اختلافات و فرقه گرائی هستند. اخیراً فعالیتها و تبلیغات وهابیت در آن کشور با پدید آمدن چند مرکز شیعی در این کشور شتاب بیشتری پیدا کرده است. حدود 22 درصد مردم این کشور یعنی 3/4 میلیون نفر مسلمان هستند. و با آنکه در حکومت پیشین اسلامگرایان در مجلس ملی این کشور که دارای 180 کرسی است 13 کرسی را در اختیار داشتند هم اکنون فقط یک کرسی را در دست دارند.

غیر از جمهوری دموکراتیک کنگو، کشوری دیگر در همسایگی و در غرب این کشور وجود دارد که بدشحیت که پایتخت آن شهر برازیل است آنرا کنگوی برازیل می خوانند این کشور دارای جمعیتی برابر 2/8 میلیون نفر و مساحتی حدود 341 هزار متر

مربع است. حکومت آن یک دولت انتقالی است و دارای یک مجلس قانونگذاری که در آن 137 نماینده وجود دارد و یک مجلس سنا با 66 عضو می باشد.

این کشور از قرن شانزدهم تا نوزدهم بمدت سیصد سال در استعمار پرتغالی ها بود و بصورت ترمینال بزرگ برده داری و خرید و فروش و مبادله بردگان برای آنان محسوب می شود. در اواخر قرن نوزدهم، کائوچو جایگزین، برده و فرانسه جانشین پرتغال شد و در سال 1960 این کشور استقلال خود را از فرانسه بازیافت و با اهریمن جنگهای داخلی دست به گریبان شد.

در این کشور حدود 70 هزار نفر مسلمان زندگی می کنند که اطلاعات چندانی در مورد مراکز و فعالیتهای دینی آنان در اختیار نیست.

جمهوری دموکراتیک کنگو که نام دیگر آن زئیر است بزرگترین کشور افریقائی در افریقای مرکزی است که حدود 2/3 میلیون کیلومتر مساحت دارد. یعنی 80 برابر کشور بلژیک و 4 برابر فرانسه وسعت دارد و جمعیت آن طبق آمار سال 2003، 62

میلیون نفر است و با 9 کشور افریقائی مرز مشترک دارد. از شمال به افریقای مرکزی و سودان و از غرب به اوگاندا، روندا، برونیدی و تانزانیا و از شرق به کنگو برازیل و از جنوب به زامبیا و آنگولا محدود می گردد.

کنگو ثروتمندترین کشورهای جهان از حیث منابع و ذخایر زیرزمینی و معدنی است. چهارمین صادرکننده الماس و یکی از ده کشور بزرگ تولیدکننده اورانیوم، مس، منگنز و قلع در جهان است. 90 درصد کبالتی که در صنایع هوائی و فضائی امریکا بکار می رود از کنگو بدست می آید. اما با سیاست دائمی نیروهای فرصت طلب و استعمارگر همواره دست به گریبان انبوه

اختلافات و جنگهای قدرت در داخل بوده است. نخستین حکومت شناخته شده در کنگو در قرن شانزدهم و توسط جنگجویی بنام کنگولو برقرار گردید و تا حدود قرن 19 این کشور با اقتدار توسط فدراسیونی که از روسای قبائل در آن جمع شده بودند با اقتدار اداره گردید. از سال 1840 که یکی از کاوشگران بلژیکی به این سرزمین راه یافت و پای استعمارگران را به این سرزمین گشود، تاکنون در این سرزمین آرامش برقرار نگردیده است. از 1908 تا 1960 رسماً تحت استعمار بلژیک بود. در سی ام ژوئن سال 1960 اعلام کرد و «ژوزف کاساوبو» و «پاتریس لومومبا» به ترتیب رئیس جمهور و نخست وزیر شدند. اما نیروهای بلژیکی به ایجاد اختلاف در بین مسئولان این کشور پرداختند و سرانجام «ساساوبو» «پاتریس لومومبا» را خلع و او را تحویل نیروهای بلژیکی نمود و در حضور «موسی چومبه» رقیب «لومومبا» او را بقتل رساندند. «موسی چومبه» جای او نخست وزیر شد ولی در سال 1965 رئیس جمهور او را برکنار کرد و خود هم نیز از طریق کودتا از تخت به زیر کشیده شد و فرمانده ارتش «موبوتو» جای رئیس جمهور را گرفت. از سال 1965 تا 1997 همواره در جنگ و گریزهای مختلف و درگیریهای داخلی بین طرفداران «موبوتو» و شورشیان طرفدار «کابیلا» تحت حمایت امریکا، انگلیس و بلژیک و فرانسه، ملت مظلوم کنگو بار سنگین خسارتهای مالی و جانی را تحمل می کردند. در سال 1997 موبوتو به مراکش گریخت و همانجا فوت کرد. و لوران کابیلا به قدرت رسید. در ژانویه 2001 لوران کابیلا به دست یکی از محافظانش کشته شد و فرزندش ژوزف کابیلا به جای او بر تخت نشست. اما درگیریهای داخلی بین شورشیان و دولت ادامه یافت تا آنکه در دسامبر 2002



بین شورشیان و دولت با میانجیگری افریقایی جنوبی صلحی برقرار شد.

فلاکت و فقر از تمامی زوایای این کشور مشهود است. اما فقط کنار ساحل در شهر کینشازا که منطقه سکونت اتباع بلژیک و امریکا، ژاپن و برخی کشورهای دیگر است و ورود اهالی این کشور به آن ممنوع است، ساختمانهای شیک و خیابانهای بسیار زیبا بچشم می خورد که کسی باور نمی کند اینجا همان کینشازا و بخشی از خاک کنگو است.

## مسلمانان در کنگو

اگرچه در تاریخ دقیق آشنائی مردم سرزمین کنگو با اسلام تردید وجود دارد اما به نظر می رسد اسلام از قرن هجدهم میلادی و از طریق تجار مسلمان به این کشور عرضه شد. چرا که تواریخی از تجار کنگویی که در اوائل قرن نوزدهم در عمان و مسقط به عرضه کالاهائی چون طلا- و عاج مشغول بودند ثبت گردیده است. در دوره استعمار تلاشهای سازمان یافته کلیسا تحت حمایت دولت بلژیک و بناء مدارس و مراکز درمانی در کنار کلیسا و دعوت مبلغان مسیحی موجب گردید گروه زیادی از فرزندان مسلمانان به دین مسیحیت روی آورند یا در ظاهر دین خود را پنهان نمایند. نخستین ارکان رسمی مسلمانان در سال 1962 با عنوان اختصاری "AMACO" تأسیس شد ولی متأسفانه موفق به دریافت اجازه فعالیت رسمی نگردید و اولین کنگره هم اندیشی مسلمانان در سال 1969 برپا گردید و شرکت کنندگان تصمیم گرفتند یکی انجمن غیرانتفاعی تشکیل دهند که بتواند از مسلمانان در تشکیلات حکومتی نمایندگی کند. پس از

پی گیریهای زیاد و برای نخستین بار در تاریخ کنگو در سال 1972 این انجمن توانست اجازه رسمی آقای «موبوتو» را برای فعالیت با نام اختصاری "COMICO" کسب نماید این انجمن چهار مذهب اهل سنت را دربر می گرفت و نمایندگان سایر گرایشهای اسلامی در آن حضور داشتند.

و مسئول آن شیخ عمران جمعه بود که در تانزانیا تحصیل کرده بود اما 2 سال بعد مسئولیت به یک مسلمان غیر ملتزم که تاکنون غیر از تجارت در عرصه دیگری حضور نداشته سپرده شد. در سال 1980 و براساس نظر مجمع عمومی، آقای جمال لومومبا فارغ التحصیل دانشگاه مدینه مسئولیت نمایندگی مسلمین را به عهده گرفت. در سال 2004 نماینده دیگری برای مسلمانان انتخاب شد با نام «عبدالله مانگالا» که او نیز فارغ التحصیل دانشگاه مدینه بوده و هم اکنون وظیفه دار مدیریت جامعه اسلامی در کنگو است.

در درون این انجمن رسمی انجمنهای فعالی بنام زنان نیز قرار گرفته است که با عنوان اختصاری "L'AFEMUCO" شناخته می شوند. مشکل اصلی مسلمانان در کنگو فقدان یک ارگان تأثیرگذار است که مورد توافق همه گروهها باشد. ارگان اسلامی "Comico" تنها ارگان رسمی در این کشور است که بیشتر جنبه حکومتی و رسمی یافته است و باید برای مقبولیت آن تلاش گردد که به تدبیر و تلاش مدیر آن بستگی دارد. و مشکل دوم به فقدان مدارس برای تربیت فرزندان مسلمین مربوط می گردد که همه آنان در مدارس مسیحی بالاجبار درس می خوانند و از فرهنگ و آموزش اسلامی بدورند.

نخستین مسجد جامعی که بوسیله تجار افریقائی در مرکز کنیاشازا بنا گردید مسجد جامع اوزک نام دارد. مسجد الهدایه، مسجد کسائی، مسجد

تیجانی، مسجد بلال، مسجد ال احسان، مسجد گُمبِه، مسجد رسول اعظم، مسجد القائم و مسجد الزهراء از مساجد مهم این کشور بشمار می روند.

دانشگاه اسلامی کنگو تنها مجموعه رسمی و آکادمیک مسلمانان است که در کنار دانشگاه بزرگ کینشازا قدبرافراشته و از سوی جمهوری اسلامی ایران حمایت می شود.

ص: 233

این کشور در ساحل خاوری آفریقا و مدخل تنگه استراتژییک موزامبیک واقع است. پایتخت آن مورونی، جمعیت آن 694 هزار نفر و مساحت آن 1862 کیلومتر مربع است. که از تراکم جمعیتی بالایی برخوردار است

و باید در هر کیلومتر مربع حداقل 372 نفر را جای دهد. دارای امکانات کشاورزی خوبی است، اما با فقر نسبی در نبرد است.

نخستین گروه از آدمیان در این کشور در قرن پنجم میلادی آنرا مسکون نمودند و مسلمانان دومین گروهی بودند که در قرن 12 با این سرزمین آشنا شدند و در آن اقامت گرفتند. در قرن 16 دچار جولانهای پرتغالیها در این منطقه گردیدند. سلطان عمان، پرتغالیها را از این سرزمین بیرون راند و کومور را تحت الحمایه زنگبار قرار داد. در سال 1843 فرانسویان براین سرزمین تسلط یافتند و آنرا ضمیمه جزیره مایوت مستعمره خود نمودند و تا 1974 در این کشور باقی ماندند. در این سال جبهه متحد کومور، حکومت فرانسه را وادار

به همه پرسى در مورد ادامه حضور خود نمود. 63 درصد از مردم جزيره مايوت به حضور فرانسه راي مثبت دادند. لذا فرانسه در خانه همسايه كومور باقى ماند و در آنجا پايگاه هوائى و دريائى ايجاد كرد و بساط خود را از كومور جمع كرد و با نخست وزيرى يك تاجر برنج كومورى بنام «احمد عبدالله» در اى كشور رضايست داد. «احمد عبدالله» بلافاصله استقلال كومور اعلام كرد. چند كودتا بر سر كرسى رياست جمهورى پيش آمد كه معمولا شورشيان و كودتاگران مسلمان بودند. آخرين كودتا در سال 1999 توسط يك سرهنگ ارتش بنام «آزالى آسونانى» صورت گرفت. ابتدا بصورت كودتائى برتخت نشست اما در سال 2002 و بدنبال انتخابات عمومى، حكومت او بر كومور رسمى گرديد. در ماه مى سال 2006 در اثر آخرين انتخابات «احمد عبدالله محمد سامبى» به اين سمت انتخاب گرديد. او يك تحصيل كرده در دانشگاه مدينه در شهر قم است و در نطق هاى خود، وعده اجراى احكام اسلامى را به مردم داده است.

حدود 99/3 درصد مردم اين كشور مسلمانند. و اسلام در اين كشور، رونق بسيار زيادى دارد و از تمامى ماذنه ها به هنگام اذان، صدائى مؤذن به گوش مى رسد. دين رسمى مردم اين كشور اسلام است. مدارس قرآنى فراوانى مسئوليت آشنائى فرزندان مسلمين با قرآن را به عهده دارند كه از دو سالگى اين كار را آغاز مى نمايد. اكثر مسلمانان اين منطقه شافعى هستند.

این کشور همچون اکثر کشورهای آفریقائی فرانکفون، در غرب آفریقا قرار گرفته است. از شمال به کامرون، از شرق و جنوب به کنگو و از غرب به اقیانوس اطلس محدود می گردد. حدود 1/2 میلیون نفر جمعیت دارد و از سرزمین نسبتاً وسیعی در حدود 267

هزار کیلومتر مربع برخوردار است. تراکم جمعیت در این کشور بسیار پائین و 4/5 نفر در مقیاس کیلومتر مربع است. پایتخت آن «لیبرویل» است و دارای حکومت جمهوری چند حزبی با 2 مجلس قانونگذاری، سنا با 91 عضو و ملی با 120 عضو می باشد. وضع اقتصادی مناسبی دارد. شاید به دلیل معادن اورانیوم، منگنز و نفت و گاز که ویژگیهای منحصر به فرد این کشور را در آفریقا تشکیل می دهد. از نظر محصولات کشاورزی نیز این کشور در سطح خوبی قرار دارد.

در سال 1472 پرتغالیها، وارد گابن شدن دو به گسترش سیطره خود

پرداختند. در اواسط قرن نوزدهم، جای خود را به فرانسویها، هلندیها و انگلیسی ها سپردند و به تجارت برده گان در آن پرداختند. سال 1960 که سال استقلال دسته جمعی گروهی از مستعمرات فرانسه بود، این کشور نیز در همین سال استقلال خود را بازیافت. و لئومیا رئیس جمهور این کشور شد. روشن است که با حمایت و هدایت فرانسویها و لذا نخستین اقدام او پیمان نظامی با فرانسه بود. او در سال 1967 از دنیا رفت و عمر بونگو جای او نشست. عمر بونگو که او نیز همپیمان و دوست نزدیکی برای فرانسه بود، در مخالفتها و شورشهای فراوان این کشور با تکیه بر نیروی سرکوب و کشتن و زندانی کردن مخالفان همواره در انتخابات ها، حائز اکثریت بود و اخیرا کرسیهای حزب او در مجلس از 85 به 88 رسید. یعنی فقط 32 کرسی در اختیار حزب مخالف است.

معتقدان به اسلام در این سرزمین رو به تزایدند یک کارشناس امور مسلمانان در افریقا معتقد است آمار مسلمانان در گابن که از یک درصد جمعیت این کشور آغاز گردیده به 160(1) درصد در سال 2000 خواهد رسید. اما منابع رسمی رشد جمعیت مسلمانان را در این کشور بیش از 5 درصد ندانسته اند. ولی آمار واقعی باید به حدود 20 درصد برسد. رئیس جمهور این کشور آقای عمر بونکو از گروندگان به اسلام است که دین خود را از مسیحیت به اسلام تغییر داده است.

ص:237

سه کشور در غرب افریقا با نام گینه شناخته می شوند: 1 - گینه کوناکری. 2 - گینه استوائی. 3 - گینه بیسائو. گینه کوناکری از جمعیت بیشتر و از وسعت فزونتر

برخوردار است در حالیکه گینه استوائی از موقعیت اقتصادی و فرهنگی بهتری بهره مند است. گینه کوناکری با مساحت 245 هزار کیلومتر مربع و جمعیت 9/4 میلیون نفر مقام اول را داراست و گینه بیسائو با مساحت حدود 36 هزار کیلومتر مربع و جمعیت حدود 1/3 میلیون نفر و رتبه دوم را داراست. رتبه سوم در جمعیت و وسعت از آن گینه استوائی است که وسعت آن حدود 28 هزار کیلومتر مربع است و جمعیت آن در حدود 486 هزار نفر است. از حیث تراکم جمعیت، این جمهوری کمترین تراکم را داراست و از حیث سهم سرانه تولید ناخالص ملی، گینه استوائی نه تنها از این سه کشور بلکه تقریباً از اکثر کشورهای آفریقائی درآمد بهتری دارد. اگر چه، هر سه کشور جزء کشورهای فرانکفون خوانده می شوند اما تنها در کشور گینه کوناکری، زبان فرانسه به



عنوان زبان رسمی شناخته شده است. در گینه استوایی زبان رسمی اسپانیایی است. (شاید به این دلیل که این کشور ابتداء در استعمار پرتغال بوده است و سپس در برابر معامله برخی از مناطق برزیل، استعمار پرتغال آنرا به اسپانیا واگذار کرده است) و در گینه بیسائو، زبان رسمی، آنان، زبان پرتغالی است. (این کشور تا پایان دوره استعمار یعنی تا سال 1973 در استعمار پرتغال باقی بود). مضافاً بر اینکه تعداد مسلمانان در کشور کوناکری از دو جمهوری دیگر گینه بیشتر است. در کوناکری 82 درصد، مسلمان، در گینه بیسائو 44 درصد مسلمان و در گینه استوایی 23 درصد مسلمان وجود دارد. نام پایتخت گینه کوناکری، شهر کوناکری است و حکومت آن چند حزبی جمهوری است با یک مجلس قانونگذاری که یکصد و چهارده نماینده دارد.

کوناکری، مرکز ثروت و پشتوانه اقتصاد مدیترانه شمرده می شود. زیرا معدن معروف طلای بامبوک در این سرزمین وجود دارد. تا سال 1886 این سرزمین توسط دولتهای محلی اداره می شد. در این سال، فرانسوی ها با حاکم گینه به نبرد پرداختند. در سال 1898 موفق شدند «سامور» حاکم این سرزمین را دستگیر و به گابون تبعید نمایند. سپس این سرزمین را ضمیمه سنگال کردند و مستعمره خود ساختند. پس از آن، «سامور» رهبر مبارزات مردم گینه در گابن در گذشت اما خاطره مبارزه شجاعانه «سامور» در سینه های باقی ماند. تا آنکه در سال 1947 یک گروه کوچک به رهبری احمد سکوتوره، مبارزه با استعمار فرانسه را در گینه آغاز کردند و موفق شدند در سال 1958 استقلال کشور گینه را بدست آوردند و احمد سکوتوره رئیس جمهور این کشور شد. در سال 1970 دوباره استعمارگران پرتغالی در هوای معادن طلا در گینه به

این کشور حمله کردند. که با مقاومت و ایستادگی مردم گینه، این حملات دفع شد. رئیس جمهور و مجلس گینه پس از آن نام گینه را عوض و آنرا جمهوری انقلابی خلق گینه نامیدند و روابط خود را با فرانسه برقرار کرد. با مرگ «احمد سکوتوره» در سال 1984 در بیمارستانی در آمریکا، روند مدیریت جامعه گینه، عوض شد. زیرا یک هفته پس از مرگ سکوتوره، یک سرهنگ ارتش گینه بنام «لانسانا کونته» دولت موقت را با کودتا برکنار کرد و خود، جای او نشست. با حمایت‌های فرانسه و دول غربی توانست از سال 1984 تاکنون بر مقدرات این کشور حکومت کند. او بی پروا و به اتکاء حمایت‌های حکومت فرانسه به سرکوب مخالفان پرداخت و تعدادی از آنان را زندانی کرد. بگونه ای که مخالفان برای آزادی یکی از زندانیان سیاسی، در سفر ژاک شیراک به گینه در سال 1999 به او متوسل شدند، تا او از دولت، بخواهد، «آلفه کونته» را از زندان، آزاد نماید.

دولت برای حل مشکلات خود به ایجاد درگیری و تفرقه بین مسلمانان و مسیحیان دامن زد بگونه ای که در درگیری بین آنان در سال 2000 حدود 30 نفر کشته شدند. در سال 2001 «آلفه کونته» از زندان آزاد شد و کرسی خود در مجلس را نیز بدست آورد.

از اهم تهدیدها در گینه، بیماری ایدز است که در گینه از آمار وحشتناکی برخوردار است و برابر اعلام سازمان بهداشت جهانی 1/5 درصد مردم گینه از این بیماری رنج می برند.

مسلمان در گینه کوناکری از اکثریت 95 درصدی برخوردارند و عده ای از فارغ التحصیلان دانشگاه مدینه در شهرهای مختلف سمت امامت جماعت در این کشور را بعهده دارند و پروژه های مختلف فرهنگی و دینی در این کشور به وسیله این کشور اجراء گردیده است.

این کشور یکی از کوچکترین کشورهای خاورمیانه محسوب می شود که حدود 10/4 هزار کیلو متر مربع مساحت وارد و جمعیت آن بر 3/8 میلیون نفر بالغ می گردد. از شمال و شرق به سوریه و از جنوب به فلسطین و از غرب به دریای مدیترانه محدود می شود. بهترین آب و هوا و زمین و جنگل را داشته است که متأسفانه به دلیل جنگهای طولانی،

بسیاری از جنگلها و زمینها حاصلخیزی آن نابود شده است. سرزمین اصلی فینیقیها و از 3 هزار سال قبل از میلاد مسکون بوده است. در سال 538 قبل از میلاد به تصرف هخامنشیان درآمد و جزئی از ایران شد. در قرن چهارم میلادی محل سکونت مسیحیان بوده و از قرن هفتم میلادی اعراب مسلمان آنرا ضمیمه امپراطوری اسلام نمودند و همزمان مسیحیان مارونی و درزی ها بخشی از این سرزمین را در اختیار گرفتند. در قرن یازدهم درزی ها به اسلام

گرویدند و تابع فرقه ای از صوفیه شدند. مارونی ها از سوی حکومت فرانسه حمایت می شدند و درزی ها تحت حکومت عثمانی و به حمایت انگلیسی وابسته بودند. در سال 1840 بین این دو گروه (مارونی - درزی) جنگی در گرفت و با قتل عام مارونی ها توسط درزی ها فرانسه مستقیم وارد عرصه حمایت از طرفداران خویش شد و پس از توافق با دولت انگلیس بنا شد لبنان تحت حکومت یک حاکم مسیحی بصورت خودمختار اداره شود. در پایان جنگ جهانی اول متفقین لبنان را اشغال کردند و آنرا به فرانسه سپردند و بقاع و بیروت را به آن ضمیمه کردند و از سوریه جدا نمودند. و تا پس از جنگ جهانی دوم، این کشور تحت نفوذ کشور فرانسه باقی ماند! بگونه ای که در سال 1943 که مردم خواهان برگزاری انتخابات بودند و انتخابات آزاد در این سرزمین برگزار شد، دولت فرانسه بلافاصله رئیس جمهور و همه اعضاء دولت او را توقیف کردند. در نهایت شر اشغالگران فرانسوی و انگلیسی در سال 1946 از سر مردم لبنان کوتاه شد و اشغالگران، لبنان را تخلیه کردند. اما دیری نپائید که فرزند نامشروع استعمار، اسرائیل در سال 1967 به لبنان حمله کرد. مهمترین بهانه اسرائیلی ها در لبنان این بود که از این کشور میخواستند چریکهای فلسطینی را از خاک خود بیرون کند و متأسفانه برخی از روسای جمهور لبنان مثل سلیمان فرنچیه نیز با این طرح موافق بودند. اختلاف بر سر همین مسئله، لبنان را مبتلا به جنگ داخلی کرده و در سال 1975 برخی از مسیحیان راست گرای لبنان و مارونی ها همین مسئله را بهانه کردند و به اردوگاه پناهندگان فلسطینی حمله بردند و صدها تن را کشتند بدنبال آن نیروهای سوری، بعنوان بخشی از ارتش حافظ صلح عرب وارد لبنان شدند تا

از جنگ داخلی و تجزیه لبنان جلوگیری کند. در ژوئن 1982 حمله همه جنبه اسرائیل، بیروت را که عروس خاورمیانه بود به ویرانه ای تبدیل کرد و هزاران کشته بر جای نهاد و بشیر جمیل رئیس جمهور لبنان نیز بر اثر انفجار بمب جان خود را از دست داد. و برادرش امین جمیل به جای او نشست. در ماه می سال 1983 بین لبنان و اسرائیل آتش بس اعلام شد و در سپتامبر 1988 ژنرال میشل عونِ مارونی به ریاست جمهوری رسید و سلیم الحُصّ از مسلمانان، نخست وزیر شد. در سال 1989 تغییراتی در قانون اساسی این کشور طی جلسه ای که پارلمان لبنان در شهر طائف عربستان برگزار نمود، داده شد و براساس ان اختیارات و حقوق مسلمانان در اداره کشور افزایش یافت ولی میشل عون با آن مخالفت کرد و آنرا توطئه سوریه دانست. در 1898 رنه معوض از مسیحیان مارونی رئیس جمهور گردید ولی قبل از شروع کارش در اتومبیل بمب گذاری شده به قتل رسید و به جای او الیاس هراوی که او نیز مسیحی مارونی بود به این سمت برگزیده شد. در نهایت در سال 1990 با مشارکت مسیحیان، شیعیان و سایر گروهها، دولت اتحاد ملی تشکیل شد. در ماه می سال 2000، اسرائیل پس از 22 سال اشغال خاک لبنان، نواحی اشغالی جنوب لبنان را تخلیه کرد. اما امیل لحود، رئیس جمهور این کشور گفت: تا وقتی که ارتش اسرائیل بلندی های جولان، در سوریه را تخلیه نکند، قرارداد صلح امضاء نخواهد شد. ارتش سوریه نیز در 9 مارس 2005 خاک لبنان را وداع گفت.

اسلام در زمان خلیفه دوم عمر بن الخطاب به این کشور راه یافت و ابوذر غفاری از صحابیان بزرگ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اولین مبلغی بود که اگر چه به

عنوان تبعید به این سرزمین رفت، اما در آشنایی مردم لبنان و خصوصا ساکنان منطقه جَبَل عامل با اسلام نقش موثری داشت. این سرزمین، شاهد برخوردهای خونین بین مسیحیان و مسلمانان بوده است که بر اثر آن گروهی از مسیحیان به دست صلاح الدین ایوبی و گروهی از مسلمانان بدست حاکمان مسیحی کشته شدند. از جمله شهید اول و دوم که بگونه ای فجیع و مظلومانه در این نبرد، به شهادت رسیدند.

شیعیان لبنان بیشتر در منطقه جبل عامل، صور، شرق بعلبک و اطراف بیروت سکونت دارند و اهل تسنن، در شمال لبنان و در شهر طرابلس و اطراف آن زندگی می کنند. عده ای از مسلمان درزی که پیروان مذهب اسماعیلیه هستند. این فرقه از اوائل قرن یازدهم میلادی توسط محمد درزی پایه گذاری شد. طرفداران این مذهب جنگهای خونینی با مسیحیان مارونی داشته اند. از مجموع جمعیت 3/8 میلیون این کشور 50 درصد مسلمانند که تقریبا حدود 1/9 میلیون نفر می شوند. این کشور یکی از پایگاههای مهم نشر معارف اسلامی در جهان گردیده است. که حضور علماء دینی، موقعیت استراتژیک، مقاومت در برابر نخستین دشمن مسلمین و صنعت چاپ از مولفه های شکل دهنده این عظمت و اهمیت برای لبنان است. اکثر کتب اسلامی به تمامی زبانهای زنده دنیا در لبنان چاپ، و از این کشور به اقصی نقاط عالم توزیع می گردد.

## وضعیت سیاسی اجتماعی

یکی از بزرگترین جزایر جهان که در آبهای غربی اقیانوس هند قرار گرفته و بوسیله تنگه موزامبیک از قاره اصلی آفریقا جدا می شود و سرزمینی کوهستانی و دارای رشته کوههای بلند و آتشفشانهای فعال می باشد. این کشور در شرایط بد بهداشتی قرار دارد زیرا فقط ده درصد مردم از آب آشامیدنی سالم برخوردارند و مشکل تخلیه فاضلاب و دفن زباله از مهمترین تهدیدهای این سرزمین است مساحت آن 587/041 کیلومتر مربع و جمعیت آن طبق آمار سال

2003 بالغ بر 16 میلیون نفر می شود. پایتخت آن "آنکاناتاریو" و حکومت آن جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری است؛ مجلس ملی؛ 160 کرسی و

ص: 245

سنا با 90 کرسی که بین احزاب مختلف تقسیم شده است. شاخص سرانه تولید (260) وارد نشان می دهد که این کشور از وضع اقتصادی پائینی برخوردار است. اما سرمایه های عظیم زیرزمینی و زمینه های کشت انواع محصولات برنج، نیشکر، سیب زمینی، قهوه، موز، وانیل و شرایط دامی مناسب امکانات خوبی در اختیار مردم این کشور قرار می دهد.

نخستین بار، دریانوردان پرتغالی این جزیره را کشف کردند و در آن به جستجو در مورد یافتن طلا و عاج و ادویه مختلف پرداختند و وقتی این منابع را نیافتند، آنرا به اروپائیان واگذار نمودند. ظاهراً استعمار در یک مقطع برای سرکشی و اقامت در کشورهای افریقائی برنامه ریزی کرده است و این کشور نیز از اواخر قرن نوزدهم تا سال 1960 از نعمت! استعمار فرانسه برخوردار بوده است! بلافاصله پس از استقلال رهبر حزب سوسیال "فلیپرت تسیرانانا" زمام امور را در این کشور به دست گرفت اما همچنان نیروهای مسلح فرانسوی در آن کشور حضور داشتند. او در سال 1972 تحت فشارهای سیاسی مجبور به کناره گیری از قدرت شد و زمام امور را به دست فرمانده کل ارتش سپرد. نیروهای فرانسوی در سال 1973 این کشور تخلیه کردند و در طول حدود 30 سال در مقاطع و انتخابات های مختلف آقای دیدیر راتسیراکا مکرراً رئیس جمهور شد تا آنکه در سال 2002 بعد از یک منازعه طولانی در مورد تقلب در شمارش آراء «راولومانانا» به جای او قدرت را بدست گرفت.

### اسلام در ماداگاسکار

آشنائی مالگاش ها با اسلام به قرن سیزدهم میلادی و هنگامی که فراری



از قوم کمورو از هند به آن سرزمین مهاجرت کردند مربوط می شود. این مهاجران در تبلیغ اسلام کوشیدند و مساجد و پایگاهها و مراکزی را در این کشور برای تبلیغ دین اسلام تأسیس نمودند. نتیجه تلاش ها و زحمات مسلمانان مهاجر این بود که هم اکنون جمعیت مسلمانان در این کشور 2/4 میلیون می رسد که حدود 15 درصد از کل جمعیت این کشور را تشکیل می دهد. در این جزیره بیش از 100 مسجد و دهها مدرسه قرآنی وجود دارد که مسلمانان در آن مراسم مذهبی خود را برگزار می نمایند. مسلمانان در این کشور از وضع مالی خوبی برخوردارند. تعدادی نماینده در مجلس دارند و 2 نفر از وزرای کابینه، مسلمانند.

از مهمترین مشکلات مسلمانان در این کشور درگیری های خونینی است که طیفهای غیرمسلمان در برابر مسلمانان ایجاد نموده اند و گاه به قتل عام صدها مسلمان منتهی گردیده است. انتظار می رود سازمانهای بین المللی اسلامی و سران کشورهای مسلمان در آینده با اتخاذ تدابیر حمایتی مانع بروز چنین مشکلاتی شوند.

ص: 247

سرزمین خشک و محصور در غرب آفریقا که کشورهای موریتانی را از شمال و نیجر را از شرق و بوركینا فاسو را از جنوب و سنگال را از غرب به عنوان همسایگان خود پذیرفته است. حدود 240 هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. سابقه دیرینه این کشور، در

سال 1850 به دست حاکمان فرانسوی منقرض گردید. زیرا در آن سال این کشور به ضمیمه چند کشور دیگر همانند بوركینا فاسو، سنگال و بنین، به عنوان سودان فرانسه خوانده شدند و ارباب جمعی کشور فرانسه گردیدند. از سال 1945 احساسات ضد فرانسوی در بین مستعمرات آفریقایی رشد کرد و به استقلال بسیاری از کشورها از جمله کشور مالی در 22 سپتامبر 1960 منتهی گردید.

بعد از استقلال «مجبوکیتا» رئیس جمهور این کشور شد. وی در سال 1968 با کودتای «موسی ترانوره» از ریاست خلع و به نقطه دوردستی تبعید شد. طرفداران او نیز زندانی شدند و صداهای مخالف از فرهنگیان و

دانشگاهیان سرکوب شد. اما در نهایت «تراثوره» در سال 1991 بوسیله کودتائی مشابه آنچه خود انجام داده بود و بوسیله افسری بنام «آمار و تومانی توره» از کار، برکنار شد. او نیز اضطرابات فراوان و جنگها و ناسازگارتهای داخلی زیادی را از سرگذراند اما نهایتاً در ماه می 2002 پس از یک همه پرسی و کسب 64 درصد آراء بصورت رسمی، رئیس جمهور شد.

## اسلام در مالی

نخستین آشنائی مردم مالی در قرن یکم بعثت پیامبر گرامی اسلام و از طریق کاروانیانی بود که از قاره افریقا به سمت اروپا، خط عبور می گرفتند. ابتدا مناطق شمالی و شمال غربی و پس از آن سایر مناطق و نواحی به تدریج تحت تأثیر احکام اسلامی قرار گرفتند. روابط اقتصادی با تجار مسلمان سایر کشورها، خصوصاً کشور غنا، مسافرت به شهرهای زیارتی، مبادلات فرهنگی و علمی، حکایتگری مسافرانی که از این کشور عبور می کردند در مورد دین نوظهور اسلام، از عوامل افزایش میزان آشنائی مردم مالی، با اسلام بود.

هم اکنون 87 درصد مردم مالی مسلمانند و تعداد مسلمانان در این کشور به 10/4 میلیون نفر بالغ می گردند. مساجد زیادی در این کشور وجود دارد. از جمله مسجد جنی است که دارای عظمت بسیار است. این مسجد در سال 1280 کاخ پادشاه مالی در آن سرزمین بود. او به محض اینکه از مسیحیت به اسلام روی آورد دستور داد کاخ او را تبدیل به مسجد نمایند. سالن بزرگ این مسجد دارای 1500 متر مربع مساحت و یکصد پایه ستون زیبا است. این مسجد می تواند یکهزار نمازگزار را در خود جای دهد و هر سال شاهد برگزاری یک

مراسم عمومی است که در آن تمامی مردم شهر شرکت می کنند.

مردم این کشور، از کمترین سطح آموزش عالی برخوردارند با آنکه در این کشور 7 مرکز آموزش عالی وجود دارد اما محصلین سطوح آموزش عالی به 3 دهم درصد جمعیت این کشور، محدود می گردد. دانشگاه مالی با 4 دانشکده و 2 انستیتو و چهار مدرسه عالی و یک کتابخانه حدود یکهزار دانشجو را در رشته های پزشکی، داروسازی، فقه، اقتصاد، فنی، ادبیات، زبان، هنر و علوم انسانی، آموزش می دهند.

ص:250

کشور مغرب یا مراکش در جنوب غربی دریای مدیترانه واقع است. همسایگان این کشور از شرق، الجزایر، از شمال، اسپانیا و از غرب، اقیانوس اطلس می باشند. مساحت این کشور حدود 458

هزار کیلومتر مربع و جمعیت آن به 29/9 میلیون می رسد. پایتخت آن رباط و شهرهای مهم آن عبارتند از: دارالبیضاء (کازابلانکا) فاس، مراکش، وجده، اغاریر، مکناس، طنجه، قنیطره، بنی ملال.

تاریخ کهن و همسایگی این کشور با اروپا و قرار گرفتن در تونل تنگه جبل الطارق از ویژگی‌هایی است که این کشور را در موقعیت استثنائی قرار داده است.

متأسفانه وجود آلونک نشینان بیشمار در حاشیه شهرها، چهره زیبایی را از این کشور ترسیم نمی کند و خاطره زیباییهای رباط، کازابلانکا و دیگر نقاط دیدنی این کشور را کمرنگ می نماید. مغرب از تعرض دولت عثمانی مصون

ماند و تا اوائل قرن بیستم میلادی استقلال خود را حفظ کرد. اما کمکهای این دولت به مبارزان الجزایری در جنگ با فرانسه موجب شد فرانسه این کشور را برحسب موافقت نامه فاس، در سال 1912 بین خودش و اسپانیا تقسیم کند. مبارزان این کشور از این تاریخ تا سال 1956 دائماً در مبارزه و جنگ با متجاوزان فرانسوی و اسپانیایی بودند. جنبش انقلابیون ریفی به رهبری عبدالکریم ریفی در همین دوران شهرت جهانی یافت. در سال 1956 کشور مغرب به استقلال دست یافت و محمدبن یوسف ملقب به سلطان محمد پنجم سمت پادشاهی در این کشور را از آن خود کرد. پس از او فرزندش، حسن دوم در سال 1961 به سلطنت رسید و تا هنگام مرگش در سال 1999 این کرسی، در انحصار او بود. ملک حسن با ترغیب خارجیان به سرمایه گذاری بر معضلات اقتصادی تا حدودی غالب شد. ولی مهمترین مشکلات او مربوط می شد به جبهه آزادیبخش صحرا که اسپانیا آنرا بین موریتانی و مغرب تقسیم کرده بود و همچنین مبارزینی که مخالفان سیاست های او خصوصاً سازش وی با اسرائیل و تأیید او از مذاکرات صلح کمپ دیوید بودند.

در یکی از درگیریهای خیابانی در سال 1981 به گفته پلیس 60 نفر و به گزارش سایر خبرگزاریها حدود 637 نفر در کازابلانکا کشته و دو هزار نفر دستگیر شدند. پس از ملک حسن دوم فرزندش، محمد ششم، در نخستین نطق خود به مردم وعده داد: نابرابریهای اجتماعی را از میان بردارد و مشکلات عدیده سیاسی را مرتفع نماید. در همان سال حدود 800 زندانی سیاسی و در سال بعد تعداد بیشتری از زندان آزاد شدند و منازعه صحرا از طریق طرح اعطای خودمختاری نسبی، که مبتکر آن «جیمز بیگر» وزیر خارجه اسبق آمریکا بود چاره جوئی شد اما جبهه پویساریو آنرا نپذیرفت.

منطبق بر اصل ششم قانون اساسی مراکش، اسلام دین رسمی این کشور است و تقریباً از سال 50 هجری قمری (قرن هفتم میلادی) مردم مغرب زمین، با پیامبر اسلام هم پیمان بوده اند. در سال 170 هجری قمری یکی از نوادگان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بنام ادريس بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی، از دست حاکمان عباسی به این منطقه گریخت و مردم مراکش از وی استقبال کردند و او را حاکم خود نموده، با وی دست بیعت دادند و نخستین دولت اسلامی را به رهبری او با نام دولت ادیسیان تشکیل دادند. و پس از آنان مرابطون (1055 م) موحدون (1269 م) مریشیان (1269 م) سعدیون (1554 م) و شرفاء (1660 م) در مراکش حکومت داشتند. شاه حسن دوم که حکومت را از پدرش شاه حسن اول به ارث برده بود خود را از شرفاء و از نوادگان حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام می شمرد و به همین مناسبت در ماه مبارک رمضان، مجالس الحسنیه را بر پا میکرد و در آن از سران کشورهای اسلامی دعوت می نمود.

اکثریت قریب به اتفاق مردم در این کشور از مکتب مالکی پیروی می کنند و مقدار اندکی مسیحی و یهودی هم در این کشور زندگی می کنند، که اکثریت یهودان در زمان ملک حسن دوم به اسرائیل منتقل شدند ولی آزادی ادیان به حسب قانون اساسی، در مراکش تضمین شده است.

شهر فاس که به سلمان فارسی نسبت داده میشود از شهرهای مذهبی مغرب و محل یکی از دانشگاههای مهم این کشور بنام جامعه القرویین است، که بصورت یک مرکز آموزش عالی برای تربیت مبلغین اسلامی و دانشمندان

علوم دینی فعالیت دارد. دانشگاه دیگر این کشور دانشگاه مولایوسف در شهر مراکش است و همچنین دانشگاههای محمد پنجم، حسن دوم، محمد اول، شعیب، ابن طفیل، عبدالملک سعدی والاخوان، نامهای دیگر دانشگاههای این کشور هستند. (1)

650 نشریه به زبانهای عربی و فرانسه و دو آژانس خبری دولتی و 2 کانال تلویزیونی و دهها صدای داخلی لیست رسانه ای این کشور را تشکیل می دهند.

وزارت اوقاف مراکش از وجود بیش از 14/6 هزار مسجد و 25/8 هزار نمازخانه در این کشور خبر می دهد. همین گزارش می افزاید که وضعیت ساختمانی بیشتر مساجد خوبست و برخی نیاز به تعمیر دارد. وزارت اوقاف هزینه حدود 10517 مسجد را تأمین می نماید و بقیه مساجد از طریق اعانات مردمی اداره می شود. (2)

ص:254

---

1- (1) www.Mincom.Gav.ma

2- (2) روزنامه القدس العربی تاریخ 2006/8/5



## وضعیت سیاسی اجتماعی

از قدیمی ترین تمدنها، تمدن مصر است که بیش از شش هزار سال سابقه دارد. این کشور در شمال شرق قاره افریقا قرار گرفته است و از طرف غرب، لیبی و از جنوب، سودان و از شمال فلسطین و دریای مدیترانه همسایگان این کشور

هستند. این کشور دارای 997/739 کیلومتر مربع مساحت می باشد که متأسفانه 70 درصد آن کویر است و 99 درصد از جمعیت 98/5 میلیونی این کشور در 30 درصد از خاک این کشور جای گرفته اند. با این حال به برکت سیلابهای نیل و سدهائی که روی آن کشیده شده است وضع کشاورزی در این کشور تا قبل از دولت عثمانی خوب بوده و فراورده های کشاورزی بضمیمه درآمدهای نفتی اقتصاد با رونقی را در اختیار این کشور نهاده بود که حتی جنگهای صلیبی تأثیر چندانی بر آن نداشته است. تنها در دوره عثمانی برای مقطعی که عثمانیان بر این کشور سلطنت داشتند اقتصاد این کشور شکست دید. شکستی

که برای ترمیم آن، مصر بخشی از سیادت خود را سالها در گرو نهاد و سهام خود را در کانال سوئز فروخت تا بدهی های معوق خود را به انگلستان بپردازد. در این دوره سلطه انگلیس و فرانسه به عنوان تحت الحمایه قرار دادن مصر بر سر مصریان سایه افکند و در فراز و نشیبها، دخالتها و حضور آنان متفاوت می شد. در سال 1798 ناپلئون پس از تصرف جزیره مالت وارد اسکندریه مصر شد و در برابر مقاومت مردم مصر خود را مسلمان و حامی مردم مصر جلوه داد و با تکرار شهادتین چنین گفت: سلسله ممالکی که بر مصر حکومت کرده اند فرانسه را تحقیر نموده و به مصر به عنوان زیباترین کشور جهان ستم کرده اند و اینک خدا اراده کرد که به سلطنت آنان پایان دهد. ناپلئون با این شگردها مصر را تسخیر کرد و قاهره را تصرف نمود و لشکریان او هزاران نفر را کشتند یا آتش زدند ولی انگلیس با فرانسه اختلاف پیدا کرد و مصر را از چنگال فرانسه بیرون آورد.

با پیدایش دولت اسرائیل در سال 1948 احساسات دینی و ضد استعماری مردم مصر به اوج خود رسید و مبارزه با دولت نوپای اسرائیل را آغاز کردند ولی این مبارزات بدلیل اختلافات بین سران حکومت و مردم به ثمره چندانی نرسید تا آنکه در 25 فوریه 1954 با استعفای محمد نجیب از حکومت و قدرت در مصر، سرهنگ جمال عبدالناصر قدرت را در دست گرفت و نخستین اولویت او سدّ اسوان و در اختیار گرفتن کانال سوئز بود. سدّ اسوان با همکاری شوروی ساخته شد و نیروهای انگلیس و فرانسه مجبور به تخلیه کانال سوئز شدند. اگر چه حمله گسترده ای را علیه مصر ترتیب دادند. ولی جمال عبدالناصر با توزیع اسلحه در بین مردم، همه را مسلح کرد و به برکت حضور

گسترده مردمی کانال سوئز بطور کامل در اختیار مصر قرار گرفت.

تا سال 1970 با مدیریت جمال عبدالناصر که شهرت و مقبولیتی عظیم در جهان عرب یافته بود علی‌رغم شکست اعراب در جنگ شش روزه سال 1967 علیه اسرائیل باز هم وضعیت مصر در شرایط برتری بود. با مرگ جمال عبدالناصر در این سال و انتخاب معاون وی انورسادات به رئیس جمهوری و سازش او با اسرائیل، مصر موقعیت خود را در جهان عرب تا حدود زیادی از دست داد. این پیمان صلح در بازدید انورسادات از اسرائیل در مارس 1979 امضاء گردید. در اکتبر 1981 انورسادات در جریان یک بازدید سان توسط یکی از اسلامگرایان بنام «خالد اسلامبولی» ترور شد و معاون وی حسنی مبارک به جای او نشست. با توجه به اینکه منابع مالی تأمین دولت مصر عبارتند از: گردشگری، حق عبور کشتی‌ها از کانال سوئز، نفت و درآمد کارگرانی که در کشورهای دیگر مشغول بخدمت هستند، در جریان حمله عراق به کویت یکی از ضررهای مصر بیکار شدن 2 هزار کارمند مصری شاغل در سیستم نفت کویت بود. مهمترین مشکل حسنی مبارک، صلح با اسرائیل و اطاعت او از امریکاست که معمولاً تنشهای مردمی را در مواضع مختلف و به دلایل گوناگون برمی‌انگیزد. ناگفته نماند که کشور سودان ملحق به مصر بود و یکی از اقدامات جمال عبدالناصر استقلال بخشیدن به آن در سال 1956 بوده است.

## اسلام در مصر

آشنائی مصر با اسلام به قرن نخست اسلام و به خلافت خلیفه دوم

ص: 257

برمی گردد که در سال 640 کشور اسلامی در قلمرو حکومت اسلامی قرار گرفت و عمرو بن عاص به عنوان والی مصر تعیین گردید. محمد بن ابی بکر و مالک بن اشتر والیان دیگری بودند که به حکومت در این کشور انتخاب شدند. هم اکنون حدود 90 درصد از مردم این کشور مسلمانند و بقیه مسیحی هستند. تعداد افراد یهودی در این کشور بسیار انگشت شمار است. حدود 200 سال فاطمیان بر مصر حکومت کردند و مذهب جعفری را ترویج نمودند و در نتیجه اکثریت مردم در شهر اسوان شیعه هستند و در شهرهای دیگر نیز شیعیانی زندگی می کنند.

مذاهب چهارگانه دیگر هر کدام طرفدارانی دارند و مذهب شافعی رواج بیشتری دارد. مردم مصر می گویند سنی مذهب و شیعه مسلک هستیم. دولتمردان این کشور اگر چه اسلام را پذیرفته اند اما مخالف همراهی دین با سیاست هستند و از مشکلات حکومت فعلی، گرایش جوانان به اسلام انقلابی است. علیرغم سیستم امنیتی مخوف و خشن و اعدامها و زندانها باز هم مبارزان از قدرت مناسبی برخوردارند.

از جمله اعتقادات مردم مصر، طواف عروس در حرم سیده نفیسه و جشن باشکوه میلاد حضرت زینب در ماه رجب در محل زینبیه (مرقد حضرت زینب دختر امام علی بن ابیطالب علیه السلام) و جشن ده روزه میلاد حضرت حسین بن علی علیهما السلام است. قاریان مصری گوی سبقت را از قراء سایر بلاد ربوده اند و شخصیتهای مهم علمی و انقلابی در این سرزمین رشد کرده اند. از جمله: رشید رضا، محمد عبده، سید قطب، شیخ محمد عراقی، محمد حسان، محمود شلتوت، جمال عبدالناصر، حسین عاشور، عبدالصبور مرزوق، شیخ احمد محلادی، طنطاوی، حسن البناء.

آموزش در مصر رایگان است با این حال نرخ بیسوادی در این کشور براساس آمار سال 2000 حداقل 33 درصد برآورده گردیده است. 20 درصد افراد بالای 18 سال در مقاطع عالی دانشگاهی تحصیل می کنند و این کشور دارای 13 دانشگاه بزرگ و رسمی است از جمله دانشگاه: الازهر که جایگزین حوزه های علوم دینی شد و دانشگاه السیوط، اسکندریه، قاهره و عین الشمس.

شهر قاهره بدلیل وجود مساجد فراوان در آن شهر هزار مأذنه نامیده شده است. در مصر حدود 170 هزار مسجد و مصلی وجود دارد که 30 هزار باب از آنها دولتی است و مساجد معروف آن عبارتند از: مسجد دانشگاه الازهر، مسجد ابن طولون، مسجد عمرو بن العاص، مسجد الحسین، مسجد الامام الشافعی، مسجد سیده زینب، مسجد سیده نفیسه، مسجد سید زین العابدین، مسجد الرفاعی.

مسجد الازهر

ص: 259

از مهمترین و مؤثرترین احزاب مصر، اخوان المسلمین است. جهاد الاسلامی، جماعات اسلامی و سلفیون از دیگر احزای این کشورند. سلفی ها، جایگزین وهابیت هستند که در سایر کشورها فعالیت دارند اما در مصر وهابیت جایگاه چندانی ندارد ولی تعداد سلفی ها زیادند.

رادیو و تلویزیون در مصر فعالیت نسبتاً چشمگیری دارند و مصر نخستین ایستگاه رادیویی در خاورمیانه را در سال 1934 راه اندازی کرد. 252 کانال رادیویی و 20 کانال تلویزیونی داخلی و ماهواره ای در این کشور فعالیت دارند. روزنامه های الاهرام، اخبار الیوم، الجمهوریه الوفد، اخبار الیوم، الاهالی و اکتبر از روزنامه های مهم و پرتیراژ این سرزمین اند.

مصر دارای جاذبه های توریستی فراوان و آثار باستانی، موزه ها و کلیساهای قدیمی است. صنعت توریسم بخش قابل توجهی از درآمد این کشور را تشکیل می دهد. مصر در مراسم سالیانه بین المللی جهان اسلام، در حج، بالاترین رقم زائرین را به خود اختصاص می دهد. علیرغم آنکه سیستم دولتی، حداقل سن برای تشریف به حج را 50 سال تعیین کرده است.

از مراکز مهم مصر که دارای سابقه ای حدود نیم قرن است دارالتقرب اسلامی است که برای ایجاد وفاق بین مذاهب اسلامی در دهه هفتاد میلادی به ابتکار شیخ محمود شلتوت از الازهر و آیت الله بروجردی از ایران افتتاح گردید و تلاشهای مؤثری در مسیر اتحاد مسلمانان انجام داد و تعاملات علمی فراوان بین علماء مذاهب پنجگانه اسلامی به سبب این تفاهم مقدس و این بنیاد کارآمد، پایه گذاری شد.

رادیو و تلویزیون در مصر فعالیت نسبتاً چشمگیری دارند و مصر

نخستین ایستگاه رادیویی در خاورمیانه را در سال 1934 راه اندازی کرد. 252 کانال رادیویی و 20 کانال تلویزیونی داخلی و ماهواره ای در این کشور فعالیت دارند. روزنامه های الاهرام، اخبار الیوم، الجمهوریه الوفد، اخبار الیوم، الاهالی و اکتبر از روزنامه های مهم و پرتیراژ این سرزمین اند.

مصر دارای جاذبه های توریستی فراوان و آثار باستانی، موزه ها و کلیساهای قدیمی است. صنعت توریسم بخش قابل توجهی از درآمد این کشور را تشکیل می دهد. مصر در مراسم سالیانه بین المللی جهان اسلام، در حج، بالاترین رقم زائرین را به خود اختصاص می دهد. علیرغم آنکه سیستم دولتی، حداقل سن برای تشریف به حج را 50 سال تعیین کرده است.

ص: 261





کشوری در غرب افریقا که از شمال همسایه الجزایر است و از شرق، مالی و از جنوب، سنگال، و از غرب اقیانوس اطلس را در همسایگی خود دارد. جمعیت آن 3/1 میلیون نفر و از وسعت بیش از یک میلیون کیلومتر مربع برخوردار است. بر خلاف اکثر کشورهای افریقایی تراکم جمعیت آن بسیار

اندک (تقریباً دو نفر در هر کیلومتر مربع) ساکنان این سرزمین از دو نژاد سیاه میباشند. از وضع اقتصادی متوسطی برخوردار است و قومی با صلابت و سابقه تمدنی نسبتاً طولانی در این سرزمین زندگی می کنند. معروفترین قبایل آن عبارتند از دو تیره عرب و بربر که در هر کدام چند قبیله وجود دارند. رئیس جمهور این کشور، آقای "علی بن محمد وال" و دارای حکومت جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری می باشد. مجلس ملی با 81 عضو و مجلس سنا با 56 عضو، زبان ملی آنان عربی و برخی زبانهای محلی است و زبان رسمی این کشور فرانسه می باشد. پیش از این، نام کشور موریتانی "شنقیط"

بوده است که توسط حکومت اسپانیا نام آن تغییر داده شده است. پایتخت این کشور شهر "نواکشوت" و شهرهای معروف آن عبارتند از: دار النعیم، شنقطی، کیفار و روسو. مقاومت در برابر حمله های اقوام عرب و حاکمان کشورهای مختلف از مشخصات بارز مردم این کشور است. با این حال این کشور از سال 1903 تا سال 1960 فرانسوی ها با عنوان تحت الحمایه قرار دادن این کشور آنرا به استعمار خود در آوردند و در انتخابات سال 1961 "ولد دادا" رئیس جمهور این کشور گردید.

در سال 1975، این کشور با همدستی مراکش بنا گذاشتند کشور صحرا را بین خود تقسیم کنند که به درگیری نظامی سختی منجر گردید و به انجام کودتا در موریتانی و سازش رهبر کودتا با جبهه پورلیساریوی صحرا منتهی گشت و بین سالهای 1978 تا 1984 پنج بار در موریتانی کودتا شد که خسارات و تلفات انسانی و مالی فراوانی بر این کشور تحمیل گردید. درگیری مرزی با سنگال و جنگ داخلی از دیگر مشکلات این کشور در این مقطع بود. آخرین بار در سوم اوت 2005 سرهنگ علی بن محمد وال برای یکدوره انتقالی دو ساله رئیس جمهور این کشور شد.

### اسلام در موریتانی

اسلام دین رسمی مردم این کشور است و 94 درصد از مردم این کشور مسلمانند<sup>(1)</sup> و جمعیت آنان به 2/9 میلیون نفر میرسد که دارای تقیدات و برنامه های خاص طریقتی هستند. بیشترین تعلق مردم این کشور به طریقه های

ص: 264

---

1- (1) برخی آمارها نسبت مسلمانان را از جمعیت این کشور حدود 99 درصد می داند (گیتا شناسی جدید)

قادریه، فاضلیه، کیدییه، مریدییه و مردم این کشور معتقدند شهر شنقطی که از معوفترین شهرهای این کشور است، هفتمین پایگاه مسلمانان در جهان پس از شهرهای مکه، مدینه، بیت المقدس، دمشق، قاهره و قیروان محسوب می گردد. مسجد تاریخی شهر شنقطی قدمتی هزار ساله دارد و به قرن دهم میلادی بر می گردد. دومین مسجد بزرگ این کشور مسجد قبا در شهر دار النعیم است. مکتب های قرانی و آموزش قران در مکتب خانه ها از سیستم های پررونق آموزشی این کشور محسوب می گردد که اکثر فرزندان مسلمانان را پوشش می دهد.

ص: 265

جزیره ای در جنوب شرقی آفریقا و در 80 کیلومتری جزیره ماداگاسکار قرار گرفته است. از نظر جمعیت، سکنه ای زیاد را در سرزمینی محدود جای داده است. مساحت حدود 2 هزار کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود 1/2 میلیون نفرند که موجب تراکم 88 نفر در کیلومتر مربع می شود. نخستین بار

در قرن شانزدهم میلادی، پرتغالی ها آنرا کشف کردند ولی بدلیل بایر بودن آنرا ترک نمودند. درختهای آبنوس آن توجه هلندی را جلب کرد و از سال 1598 تا سال 1710 این جزیره در اختیار آنان بود و آنرا موريس نام نهادند. در سال 1715 فرانسوی ها آنرا در اختیار گرفتند و آنرا «ویل دوفرانس» یعنی جزیره فرانسه نامیدند. آن زمان که در تصاحب هند، بین انگلستان و فرانسه اختلاف بود، این منطقه به عنوان گذرگاه استراتژیک هند و ماداگاسکار در اختیار هر دو کشور ماند و مدتی هم صرفا در اختیار انگلیس بود و انگلیسی ها کشتزارهای

وسیع نیشکر در آن ایجاد کردند و 450 هزار هندی را به عنوان کارگر به این سرزمین آوردند. در سال 1959 نخستین دولت خود مختار موریس در آن تشکیل گردید از سال 2002 به مدت 5 سال «کارل آگوسته اوفمان» رئیس جمهور این کشور شده است و زیر نظر یک مجلس ملی با 70 کرسی آن را اداره می کند. حدود 17 درصد از مردم این کشور مسلمانند و جمعیت مسلمانان به حدود 200 هزار نفر بالغ می گردد. حدود 30 انجمن رسمی در این کشور به مسلمانان تعلق دارد از جمله «جبهه عمومی مسلمانان» [1] (FPM) «جبهه مقاومت موریس» [2] (FSM) «همبستگی برای عدالت» [3] (APJ) «کمیته فعالیتهای مسلمانان موریس» [4] (CAMM) مساجد عظیمی در موریس بنا شده است از جمله مسجد جمعه این شهر که زیباترین مسجد و از بناهای دیدنی این کشور محسوب می گردد و در سال 1852 بنا شده است و در دروازه لوئی واقع است و مسجد القضاء که نخستین مسجد در موریس است و در سال 1805 در موریس بنا نهاده شده است و در خیابان دکتر حسن صغیر واقع است.

ص: 267

---

1-1 Front populaire Musulman

2-2 Front solidarite Mauricinne

3-3 L'alliance pour la Justice

4-4 Comite d'action musulman mauricin

## وضعیت سیاسی اجتماعی

کشوری پهناور و با جمعیت نسبتاً محدود در شمال غربی افریقا واقع است و از شمال به لیبی از شرق به چاد و از جنوب به نیجریه بنین و بوركینا فاسو از غرب به مالی محدود می گردد. این کشور دارای 11/1 میلیون جمعیت و با مساحتی برابر با

1/267/000 کیلومتر مربع می باشد. پایتخت این کشور نیامی و زیندر، مرادی و تاهوا شهرهای مهم آن هستند. تاریخنگاری سنگواره های بدست آمده از این سرزمین شهادت می دهد که کشاورزی و دامداری عمده ترین مشاغل مردم این کشور است و از سرانه تولید ناخالص ملی بسیار پائینی برابر با 200 دلار برخوردارند. علیرغم اینکه این کشور یکی از بزرگترین تولیدکنندگان اورانیوم در جهان است. فقط 13/7 درصد مردم این سرزمین از نعمت سواد برخوردارند.

فرانسویان در قرن نوزدهم میلادی به تدریج خاک این کشور را اشغال کردند بگونه ای که در سال 1922 این کشور بطور رسمی تحت استعمار فرانسه قرار گرفت تا آنکه همچون سایر ممالک فرانکفونی در سال 1960 استقلال یافتند و نخستین قانون اساسی تدوین و اولین انتخابات ریاست جمهوری در این کشور برگزار گردید. و باز هم مشابه سایر کشورها، نخستین رئیس جمهور پس از استقلال شخصی بنام «همانی دیوری» بود که روابط بسیار صمیمی و نزدیکی با فرانسه داشت و لذا به نیروهای فرانسوی اجازه داد تا در این کشور باقی بمانند.

در سال 1974 با کودتا حکومت این کشور تغییر و به سرهنگ "سینی کونچه" واگذار گردید. با درگذشت «کونچه» در یکی از بیمارستانهای پاریس در سال 1986 جانشین او «علی سئیو» کرسی حکومت را در اختیار گرفت. این زمامداری در سال 1989 با برگزاری انتخابات از صورت نظامی به صورت بظاهر دموکراتیک تبدیل و «علی سئیو» رئیس جمهور شد ولی گسترش اعتراضات و بحران شدید اقتصادی و نتیجه بخش نبودن سرکوبی ها، او را مجبور کرد با تشکیل کنفرانس ملی، قدرت را به یک دولت انتقالی بسیار و در سال 1990 «اندره سالیفو» به ریاست شورای عالی جمهوری منصور شد. دهه آخر قرن بیستم تماماً صرف اضطرابات در نیجر شد و بالاخره در اوّل ژانویه سال 2000 یک افسر باز نشسته بنام «ماما دوتانجا» از طریق انتخابات زمام امور را در این کشور در اختیار گرفت.

## اسلام در نیجر

اسلام از قرن هفتم و یا یازدهم و بدنبال ورود صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

عقبه بن نافع به این کشور معرفی شد و عده زیادی این آئین را پذیرفتند. در دوره استعمار فرانسه، مسلمانان به شدت محدود و سرکوب شدند اما هم اکنون حدود 91 درصد از مردم این کشور مسلمانند که بیشتر آنان از گرایش صوفی، تیجانی، قادری و وهابی طرفداری می کنند با آنکه مذهب اکثر مردم این کشور مالکی است.

در این کشوری که بی سواد غوغا می کند متأسفانه تعداد قابل توجهی از دارندگان تحصیلات عالی بهائی اند و تبلیغات قابل توجهی دارند. از علاقمندی های مفرط مردم این سرزمین علاقه به موسیقی است.

تنها در شهر نیامی (پایتخت) بیش از 41 مسجد مهم و ده کتابخانه وجود دارد. علیرغم کمی جمعیت مسیحیان در این کشور (5 درصد) فقط در پایتخت 17 کلیسا وجود دارد که اکثر آنها پس از سال 1993 و بدنبال کنفرانس ملی و با اجازه رئیس جمهور سابق «علی سئیبو» ساخته شده اند.

هزاران مدرسه قرآنی در این کشور وجود دارد که متأسفانه وضع مالی معلم و شاگرد در این مدارس قرآنی بسیار نامناسب است. قرآن پژوهان بدلیل فقر، آیات قرآن را روی لوحه های چوبی می نویسند تا پس از حفظ و یادگیری آنرا با شستن پاک کنند و آیات دیگری بنویسند. با این حال، مردم برای مشارکت در برنامه های دینی آمادگی زیادی دارند و در مراسمی همانند جشن میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (روز 12 ربیع الاول) جمعیتی انبوه حتی رئیس جمهور و وزراء در مسجد جامع پایتخت این کشور جمع می شوند. در عید قربان حتی افراد کم بضاعت مقید به قربانی هستند. و به روزه های مستحبی و نماز تراویح در شبهای ماه مبارک رمضان اهتمام دارند. سیستم آموزش و مدارس این



کشور بیشتر در کنترل فرانسویان و مسیحیان است. صدا و سیمای نیجر ضعیف و بیشتر از شبکه بین المللی ماهواره ای TV5 فرانسه یا تلویزیون سودان استفاده می کند.

ص: 271

مجمع الجزایری در شمال شرق استرالیا که از حدود 80 جزیره تشکیل می شود و اکثر آنها غیرمسکون هستند، پایتخت آن بندر ویلا و دارای حدود 12 هزار کیلومتر مربع مساحت و 200 هزار نفر جمعیت برحسب آمار سال 2005 می باشد.

از روی مشخصات فرهنگی و کشاورزی، باید ساکنان اولیه این سرزمین را اندونزیایی دانست. گرچه بعضی از تاریخنگاران آنان را بومی و از قاره آمریکا می دانند. در هر صورت از 1400 سال قبل از میلاد مردم این سرزمین به پرورش دام و توسعه کشاورزی

در این کشور پرداختند. در سال 1820 و بدنبال اقامت گروهی از مبلغان مسیحی در این سرزمین، این کشور به عنوان مستعمره مشترک انگلیس و

فرانسه درآمد و این مالکیت تا سال 1980 ادامه یافت. در سی ام ژوئیه این سال «جورج کامکوآ» رئیس جمهور این کشور شد. در این کشور همچون کشورهای آفریقائی، کودتا و کشتارهای دسته جمعی اتفاق نیفتاد ولی نظام حزبی در آن، چند بار، موجب تغییر رئیس جمهور و جابه جایی قدرت شد. و کشمکش هائی در این ارتباط به وجود آمد. از تاریخ 16 اوت 2004 آقای «کامکوت ماتاس ککیل» رئیس جمهور این کشور گردید. از مجموع 200 هزار نفر جمعیت این کشور حدود 20 درصد یعنی تقریباً 40 هزار نفر مسلمانند.

از کشورهای جنوب شرق آسیا و در همسایگی چین و کامبوج قرار گرفته است. جمعیتی در حدود 83 میلیون و مساحت آن حدود 330 هزار کیلومتر مربع، با تراکم جمعیتی بسیار زیاد و درآمد بسیار کم، تنها ویژگی آن معدن طلا و فسفات آن است. از نظر کشاورزی هم در شرایط مساعدی قرار گرفته است. نوع حکومت آن جمهوری سوسیالیستی است و مجلس قانونگذاری

آن دارای 450 کرسی می باشد و رئیس جمهور این کشور «تران دوک لوئونگ» و پایتخت آن «هانوی» می باشد.

هزار سال امپراطور چین بر این کشور حکومت داشت تا آنکه در قرن نهم میلادی، مردم ویتنام علیه استعمار چین قیام کردند و در قرن یازدهم و دوازدهم حمله مغولان را دفع کردند. در قرن 15 با هجوم خاندان مینگ و در

قرن 18 با حمله خمرها مواجه بودند و در سال 1860 وقتی فرانسویان قصد اشغال این کشور را داشتند 30 سال با آنان جنگیدند تا آنکه در سال 1900 فرانسویان بر ویتنام مسلط شدند. در سال 1946 جنگ با فرانسویان آغاز شد و بالاخره در سال 1954 پس از 8 سال جنگ به تقسیم ویتنام به شمالی و جنوبی و قبول دولت دست نشانده فرانسه، تن دادند. زیرا فرانسه، آمریکا را نیز به یاری طلبیده بود و خونریزی عجیبی در ویتنام برپا کرده بود. مردم این سرزمین تا سال 1979 جنگ با آمریکا و فرانسه را بصورت نامنظم ادامه دادند. در این سال مورد تجاوز چین قرار گرفتند. اختلافات بین ویتنام و چین در سال 1998 با یک قرارداد در مورد منازعات مرزی به پایان رسید. شاید گزافه نباشد که بگوئیم ویتنام دو هزار و پانصد سال جنگ را تحمل کرده است.

## اسلام در ویتنام

دین غالب کشور ویتنام بودائی است که حدود 76 درصد از این دین تبعیت می کنند و 8 درصد مسیحی اند. حدود یک درصد مسلمان در این کشور وجود دارد که برحسب آمار تعداد آنان به 83 هزار نفر می رسد. طبق یکی از گزارشات 6 دین یا مذهب در ویتنام رسمیت دارند: 1 - بودائی 2 - کائودای. 3 - هواهائو. 4 - کاتولیک. 5 - پروتستان. 6 - اسلام. در 24 آوریل 2006 نمایشگاهی از ادیان ویتنامی در هانوی برگزار شد که 16 ارگان رسمی دینی در آن شرکت داشتند. (1) اخیراً مسجدی در زمینی به مساحت 3500 متر

ص:275

مربع در استان جنوبی «لانک نایی» ویتنام ساخته شده است که ظرفیت 500 نمازگزار دارد هزینه این مسجد به مبلغ 177 هزار دلار توسط جامعه اسلامی ویتنام و سازمان هلال احمر عربستان تأمین گردیده است در مراسم افتتاح این مسجد حدود 6 هزار مسلمان در شهرهای «موچی» «دانک نایی» و «پینگ توان» حضور داشتند. 2 هزار نفر از مردم این استان مسلمانند. (1) سالیانه تعدادی از مسلمانان ویتنامی در مراسم حج شرکت می کنند.

ص:276

لیست اسامی و ادرسهای مراکز اسلامی در فرانسه

نام مرکز آدرس

av.charlemagne 93420 villepinte ,10 مجتمع فرهنگی ورزشی لامدرسه

alle B.palissy 95200 SARCELLES مجتمع وحدت و ایمان مسلمانان سارسل

place Richebourg 95200 sarcelles ,4 مجتمع فرهنگی مسلمانان ویتنامی

B.P 105 95400 villiers de bel مجتمع فرانسویهای مسلمان و بلیه دو بل

alle fdric chopin78130 Les mureaux .8 مجتمع آموزشهای فرهنگی کودکان افریقایی

rue mathis 75019paris ,61 مجتمع افریقاییهای مسلمان فرانسه

B.P 103 75961 paris مجتمع همکاریهای اسلامی جوامع افریقایی

bd de la grande delle14200 Herouville–st–clair 716–715 مجتمع اسلامی و فرهنگی کالوادس

passage paul Perin 44600 Saint nazaire ,7 مجتمع فرهنگی مسلمانان سنت نزر و حومه

rue sadi carnot 50130 Octeville ,61 مجتمع فرهنگی اسلام ی

B.P1011 53000 LAVAL مجتمع اسلام بدون مرز

rue porte de la barre 61000 Alan T on Orne ,3 مجتمع اسلامی الانسون و حومه

et 9 rue Edmond Casaux76600 NANTES 7 مجتمع اجتماعی فرهنگی مسلمانان هوت نرماندی

quai Malakoff 44000 NANTES .15 مجتمع اسلامی غرب فرانسه

rue des begonias 45500 GIEN ,3 مجتمع جماعت مسلمانان لواره

rue de Marquillies 59000 LILLE ,59 مجتمع اتحاد اسلامی شمال

rue clovis chezelle 51100 REIMS ,15 مجتمع مساجد و مراکز اسلامی رم

place de la foret noire 54500 VANDOEUVRE,13 مجتمع مسلمانان لوران

B.P 333 57143 WOIPPY cedex مجتمع اسلامی کلمانس

av de l' Europe 80080 AMIENS ,19 مجمع مسلمانان پیکاردی

rue Thiergarten 67000 STRASBOURG ,9 مجمع اسلامی شرق فرانسه

av Charles de Gaulle 02000 LAON ,81 مجمع فرهنگی اسلامی لائون

rue Neppert 68100 MOULHOUSE ,41 مجمع مسلمانان در الزاس

ص: 277



مجمع همبستگی اسلامی آردن 9, rue de la fonderie 08000 charleville-mezieres

مجمع فرهنگی اسلامی دل و حومه 34, rue Mont Roland39100 Dole

مجمع اسلامی 8, bd salave de bise 39150 saint Laurent en grandvaux

مجمع آموزش و پرورش 15, rue de la pannerie 59250 halluin

مرکز فرهنگی و مسجد مسلمانان تورکوان B.P 124 59332 tourcoing

هلال اسلام B.P 4-237 59378 DUNKERQUE

مجمع السلام 16, rue de ballon B.P 92 68303 SAINT LUIS

مجمع امید B.P 225 80002 AMIENS

جوانان مسلمان فرانسوی بورگوین 9, rue castelnau-Apt N2-Bat.E 21000 Dijon

مجمع افتاب برای فرهنگ و تربیت جوانان 25, rue des Cordeliers 63000 Clermont Ferrand

مجمع برادری اسلامی 8, rue lazaret carnot 38000 GRENOBLE

مرکز اسلامی 50, bd viala 130 15 MARSEILLE

مجمع مسلمانان سنت شامون 12, bis rue de Saint Etienne 42400 Saint chamond

مجمع فعالیت و امید 18, rue Richarme 42800 RIVE DE GIER

مجمع اسلامی فرهنگی هوت لوآر Ferme chem..chastelvolf 43000 LE PUY EN VELAY

مجمع اجتماعی فرهنگی و آموزشی تویر 3, bd violet 66300 THUIR

مجمع ارتقاء فرهنگی خانواده های ارنج 26, rue Victor Hugo 84100 Orange

مجمع فرهنگی اسلامی 51, rue Octavie 69100 Villeurbanne

مجمع هدایت اسلامی 249, rue de la Quarantaine 69400 Villefranche sur Saon

مجمع فرهنگی دوستان مغربی 57, av du champ de Mars 73200 ALBERTVILLE

مجمع مسلمانان الپ ماریتیم 64, bd Dominique Blanqui 06340 LA TRINIT

مجمع مسلمانان لیورن 9, rue de l'Ermitage 33500 LIBOURNE

مجمع مسلمانان ژیروند 50, rue Jule guesde 33800 BORDEAUX

مجمع فعالیت‌های پژوهشی فرهنگی و ورزشی 1, rue gerbier 33800 Bordeaux

مجمع مسلمانان رئول 14, rue des argentiers 33190 LA REOLE

ص: 278











- 1 - اقلیت های مسلمان در جهان امروز، علی کتانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1383
- 2 - شناخت کشورهای اسلامی، غلامرضا گلی زاده، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1380
- 3 - جنگ داخلی لبنان، دکتر خ م، دفتر انتشارات اسلامی، 1360
- 4 - تاریخ معاصر الجزایر، رویر آرژون، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، 1365
- 5 - انقلاب الجزایر، علیرضا ازغندی، نشر انتشار، 1365
- 6 - حرکت اسلامی معاصر الجزایر، سید هادی خسروشاهی، نشر سماط، 1379
- 7 - گیتاشناسی نوین، مهندس عباس جعفری، مؤسسه گیتاشناسی، 1384
- 8 - جغرافیای کشورهای مسلمان، عبدالرضا فرجی، وزارت آموزش و پرورش، 1371
- 9 - بازار مشترک اسلامی، دکتر غلامحسین خورشیدی، انتشارات امیرکبیر، 1367
- 10 - تقویم البلدان، ابی الفداء، بنیاد فرهنگ ایران، 1349
- 11 - شناسنامه کشورهای جهان، احمد عطاردی، انتشارات اقبال، 1352
- 12 - جهان اسلام، مرتضی اسعدی، مرکز نشر دانشگاهی
- 13 - تاریخ آفریقا، دکتر حسین الهی، انتشارات چاپخش، 1368
- 14 - مغرب بزرگ، پل بالتا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- 15 - نبرد اسلام در آفریقا، هادی خسروشاهی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1353
- 16 - تاریخ تمدن اسلام و عرب، پروفیسور گوستاو لوبون، کتابخانه اسلامیة
- 17 - اسلام در آمریکا و کانادا، گروهی از نویسندگان، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1379
- 18 - اسلام در جهان امروز، مارسل بوزار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1369
- 19 - تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، انتشارات امیرکبیر، 1345
- 20 - علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1361



21 - گزارشات رایزنی های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فرانسوی زبان

22 - حضور نوین اسلام در اروپای غربی، گراهام توماس، مرکز مطالعات ایرانی و بین المللی، 1377

23 - نخستین مسلمانان در اروپا، برنارد لوئیس، نشر مرکز، 1374

ص:284

- 24 - اسلام و مسلمانان در فرانسه، محمود خداقلی پور، بوستان کتاب قم، 1380
- 25 - تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا، شکیب ارسلان، انتشارات حکمت
- 26 - فرانسه، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1372
- 27 - مسلمانان اروپای غربی، یورگن نیلسن، انتشارات امیرکبیر، 1372
- 28 - الأقليات الإسلامية، محمد علی تسخیری، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، 1428
- 29 - المسلمون فی الأقطار الغير الإسلامية، عبدالعزیز بن عثمان التویجری، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، 1428
- 30 - اسلام و سیمای تمدن غرب، مجتبی موسوی لاری، دفتر انتشارات اسلامی، 1380
- 31 - الجيل الإسلامي الثاني فی الغرب، محمد ساعدی، دارالهدی قم، 1382
- 32 - پوشش خبری اسلام در غرب، ادوارد سعید، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378
- 33 - اسلام در غرب: تاریخ اسلام در اروپای غربی، نورالدین آل علی، انتشارات دانشگاه تهران، 1370
- 34 - نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ذکرالله محمدی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، 1373
- 35 - اسلام در اروپا و سیاست های دین و امت، استیون ورتووک، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1380
- 36 - اینک خورشید از غرب طلوع می کند: نو مسلمانان از اسلام می گویند، مظفر حلیم، احسان، 1381
- 37 - پژوهش اجمالی در وامداری غرب نسبت به شرق، محمد آراسته خو، پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، 1379
- 38 - اسلام و اروپا: همزیستی یا خصومت؟، اینگمار کارلسون، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1380
- 39 - اندیشه و عمل سیاسی مسلمین: مقاومت در برابر غرب، کلیم صدیقی، نشر خرم، قم، 1370
- 40 - فرهنگ اسلام در اروپا، زیگرید هونگه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1373
- 41 - تاریخ جوامع اسلامی، ایرام لاپیدوس، ترجمه ی: دکتر محسن مدیر شاندچی، انتشارات اطلاعات، تهران، 1381

42 - مسلمانان افریقا، ژوزف ام. کوک، ترجمه ی: دکتر سید اسدالله علومی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی،

1373

www. Wikipedia.org -43

Volcreole.com -44

Les Musulmans en France.com -45

islam on line. Net/asalie/daawa/2003/article02.shtml 1 1 -46

dvkq.Free.Fr -47

www.Humanti.Fr -48

www. uoif-online.com -49

gaston doumergue -50

www. Yahoo. Fr -51

www.generations fm.com -52

www. africatime.com -52

mosqueadaawa. Free. Fr -54

oumma.com -55

Le mond deiplomatique. Desembrt. 2004 -56

www.rfi.fr -57

archquo.nowvelobs.com -58

B.B.C.com -59

www. Muslimfr.com -60

.www. M-Moudjahidin.dz -61

La Plume de Lislam.Free.Fr -62

www.infotonisie.com -63

www.ULT.Ens.Tn -64

www.religioscope.com. www. Religion. info. www. Africanum.ch -65

www. islam.net/modules/news -66

www. Mincom. Gav.ma -67

2006/8/5 - روزنامه القدس العربى تاريخ

.religion. Info/ French/ articles. Article243. shtm -69

Thanhniien.news -70

4 - شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد ج

1999/1/15، 31 - روزنامه الوطن شماره

94 - فيگارو 20 اوت

94 - هفته نامه نوول ابزرواتور شماره 1559 سپتامبر

94 - لوپرس 23 نوامبر

94 - لوموند 26 اكتوبر

94 - اكسپرس شماره 23 نوامبر

ص: 286

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

